فحجة الله على العباد

آية الله الشيخ حيدر التبريزي الملائي

بسم اللّه الرّحمان الرّحیم

ماجرا از این قرار است که یکی از دوست داران اهل بیت اطهار علیهم السّلام

پرسشی مطرح می کند و در پی جواب از وحی...

پرسشی درباره شخصیّتی به عظمت «فاطمة اللّه»

وسینه ای که معارف آل اللّه را حمل می نماید، پاسخش را نیکو ارائه نموده هرچند خودش آن را بسیط نمی داند

و حرف ها... و حرف ها.... و حرف ها.... ناگفته می ماند که «لیس کلّما طلب وجد»،

گوهر است و قدرش را گوهری می شناسد... گوهری می طلبد...

اگر گوهر شناس بود که الحمدللّه و الشکر...

و اگر نبود...

این حرف را برای اهلش بگذارد و طلا را مس نپندارد؛

که یقیناً طلا، مس نخواهد بود لکن...

ناشناس بی بهره می ماند...

تمام

تو قرآنی که عقول رجال بدان قد ندهد، لیلة القدر

تو قرآنی که تفسیر به رأی نشوی، اللّیلة المبارکة

تو قرآنی که کفر است پنهان ساختن ات، کوثر

تو قرآنی که تلقاء تو، بخشاینده است، کلمة الله

آیا شناخت تو این است؟...

تو غایتی که ابتدا و انتهای آفرینش هستی، حجّة الله

تو غایتی که نبودی، نبیّ و وصیّ نبود، لولاکِ

تو غایتی که اشرف الخلائق را ریشه ای، امّ ابیها

تو غایتی که ولایت، طفیل توست، امّ الأئمّة

آیا شناخت تو این است؟...

اگر راه بنمایی، هدایت شویم...

و اگر اذن نفرمایی، تسلیم هستیم...

و اگر اراده نمودی، قابل خواهیم بود...

ای فاطمة الله، دریغ مدار ما را، ای مادر

یا فاطمة اغیثینی

فاطمة حجة الله على الخلق

آية الله الشيخ حيدر الابرقي البركاني

شناسنامه کتاب

نام کتاب: حجّة الله علی الحجج، فاطمة الزّهراء علیها السّلام

نام پدیدآورنده: حضرت آیة الله حیدر تربتی کربلائی

تایپ و ویرایش: محدّثه تربتی

طرح جلد: محدّثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰٤٦۱۲

این کتاب شریف به شما شیعه اهل‌بیت اطهار علیهم السّلام اهدا شده است مشروط بر این‌که بخوانید و تبلیغ کنید و حبس ننمایید. خرید و فروش این کتاب شرعاً جایز نیست.

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحیم

يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَ اللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سوره (٦١) الصّفّ آیه ٩

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

وَيَأْبَى اللّٰهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.

سوره (٩) التوبة آیه٣٢

صلوات حضرت زهراء سلام الله عليها

«اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ فاطِمَةَ (الزَّهْراءِ) الزَّكِيَّةِ، حَبيبَةِ حَبيبِكَ وَ نَبِيِّكَ، وَ أُمِّ أَحِبّائِكَ وَ أَصْفِيائِكَ، الَّتِي انْتَجَبْتَها وَ فَضَّلْتَها وَ اخْتَرْتَها عَلىٰ نِساءِ الْعالَمينَ. اللّٰهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها، وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّها(اللّٰهُمَّ)، وَ كُنِ الثّائِرَ اللّٰهُمَّ بِدَمِ أَوْلادِها. اللّٰهُمَّ وَ كَما جَعَلْتَها أُمَّ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، وَ حَليلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ، وَ الْكَريمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلىٰ، فَصَلِّ عَلَيْها وَ عَلىٰ أُمِّها خَديجَةَ الْكُبْرىٰ، صَلاةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ أَبيها مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ تُقِرُّ بِها أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها، وَ أَبْلِغْهُمْ عَنّي في هٰذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلامِ».[1]

فهرست عناوین

سخن اهداکننده **۱۱**

سخن ویراستار **۱۳**

متن پرسش ۱۵

سخن نگارنده **۱۵**

سرآغاز حجّة الله تعریف و جایگاه ۱۹

حجّةالله پیش از آفریدگان، همراه با آنان و پس از آفریدگان (محیط بر آفریدگان) **۲۱**

قطع حجّت و برهان دین در صورت نبودن حجّةالله **۲۵**

بخش یکم علّت خلق الخلق ۲۹

برهان ۱- فاطمه، علّت آفرینش هستی **۳۱**

بخش دوم فاطمة حجّة الله قبل الخلق ۳۳

برهان۲- آفرینش نور فاطمه، پیش از آفرینش هستی **۳۵**

برهان۳- فاطمة نورالله: سیطره فاطمی در اقامه حجّت الهی

بخش سوم نور فاطمة علیهاالسّلام ۳۷

برهان٤- نور فاطمة من نور الله **۳۹**

نور فاطمه من نور عظمة الله ٤٠

بخش چهارم نور النّور ٤٣

برهان٥- نور فاطمه من نور النّبیّ و الوصیّ ٤٥

بخش پنجم حجّة الله مع الخلق ٤٧

برهان٦- حجّةالله سبب امان خلق ٤٩

جایگاه حجّة الله برای زمین و زمینیان ٥٢

برهان٧- فاطمه در مباهله (حجّة الله بر نصاری) ٥٣

بخش ششم فاطمه و عبادت، غرض از خلقت ٥٥

برهان٨- فاطمة اَمَةُ الله ٥٧

تسبیح و تهلیل و تحمید، ورد فاطمه از آغاز ٥٨

تسبیحات الزّهراء علیهاالسّلام ٦٠

برهان٩- «الصّلوات» اوست ٦٤

بخش هفتم فاطمه، الله و دین الله ٦٧

برهان١٠- نام فاطمه، مشتقّ از نام خداست ٦٩

برهان١١- أسماء فاطمة عند الله!!!

برهان١٢- فاطمه «دین استوار» ٧١

برهان١٣- امر بزرگ، ولایت فاطمه

برهان١٤-فاطمة آیة الله ٧٢

برهان١٥- فاطمه در شمار اعراف

برهان١٦- مقام هدایت‌گری فاطمه ٧٣

برهان١٧- فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله ٧٦

برهان۱۸- خشنودی و خشم فاطمه
برهان۱۹- سلام و صلوات خداوند بر فاطمه ۷۷

بخش هشتم فاطمه، الله و ملائکه ۷۹
برهان ۲۰- فاطمة محدّثة الله و محدَّثَةُ الملائکة ۸۱

بخش نهم فاطمة و الأنبیاء ۸۳
برهان۲۱- ملاک الله در رسالت، فاطمه است ۸۵

بخش دهم فاطمة و رسول الله ۸۷
برهان۲۲- فاطمة علّت غائی خلقت أفضل الأنبیاء و سیّد الأوصیاء ۸۹
برهان۲۳- فاطمة، حجاب النبوّة ۹۰
برهان۲٤- جایگاه باب و بیت فاطمه
برهان۲۵- فاطمه، خانه‌اش برترین خانه‌های انبیاء ۹۱
برهان۲٦- جای‌گاه فاطمه نسبت به رسول الله ۹۲
فاطمه از رسول الله و رسول الله از فاطمه ۹۳
برهان۲۷- والاترین و شریف‌ترین و محبوب‌ترین و گرامی‌ترین ۹۵

بخش یازدهم فاطمه و شجره طیّبه، نبوّت، رسالت و امامت ۹۷
برهان۲۸- جای‌گاه فاطمه در شجره طیّبة ۹۹
فاطمة الشّجرة الطّیّبة
برهان۲۹- فاطمه؛ نبوّت، رسالت، عصمت و حکمت ۱۰۳
برهان۳۰- فاطمه، برگزیده رسول‌الله ۱۰٤
برهان۳۱- فاطمة، ذی‌القربی ۱۰۵
برهان۳۲- «المودّة الواجبة» از آنِ فاطمه است ۱۰۸

برهان۳۳- فاطمه و بطن مادرش خدیجه

بخش دوازدهم فاطمه و امامت ۱۰۹
برهان۳٤- امامت نعمة الله، فاطمة نعمة الله ۱۱۱
برهان۳۵- علی هم‌تای ایمانی فاطمه ۱۱۳
برهان۳٦- فاطمه، علیّ دیگر ۱۱٤
برهان۳۷- رسول‌الله و فاطمه، دو رکن امیرالمؤمنین
برهان۳۸- واجب بی برو برگرد ۱۱٦
برهان۳۹- امامت، خاصِّ نسل فاطمه ۱۱۸

بخش سیزدهم علم فاطمه ۱۲۱
برهان٤۰- علم فاطمة محیط بر خلق و عدم ۱۲۳
برهان٤۱- ژرفای دریای علم فاطمه ۱۲٤
برهان٤۲- «مصحف» میراث ویژه فاطمه
امامت و مصحف فاطمة ۱۲۵

بخش چهاردهم فاطمه در آیات ۱۲۷
برهان٤۳- فاطمه در آیه نور ۱۲۹
برهان٤٤- فاطمه، بئر معطّله، امام صامت ۱۳۲
برهان٤۵ الی٤۷:
فاطمه، «لیلة‌القدر» آغاز تا انجام
فاطمه «روح القدس»
فاطمه «اللّیلة‌المبارکة» منها الأئمّة ۱۳۳
برهان٤۸- به خدا سوگند، حجّة‌الله است ۱۳۷

بخش پانزدهم فاطمه و اهل‌بیت اطهار ۱۳۹
برهان۴۹- دورنمای جای‌گاه اهل‌بیت علیهم السّلام ۱۴۱
برهان۵۰- اتحاد نوری حضرت با اهل‌بیت ۱۴۲
برهان۵۱- فاطمه در شمار اهل‌بیت و ائمّه علیهم‌السّلام ۱۴۴
برهان۵۲- السّیّدة فاطمة ۱۴۵
برهان۵۳- منها الأئمّة ۱۴۶
برهان۵۴- فاطمة اسوة الحجّة ۱۴۷

بخش شانزدهم فاطمه و جزاء، شفاعت ۱۴۹
برهان۵۵- ولایت فاطمه در قیامت ۱۵۱
برهان۵۶- مهریه فاطمه
برهان۵۷- شیعة فاطمة ۱۵۲
برهان۵۸- شفاعت فاطمی ۱۵۵

بخش هفدهم امامت فاطمه ۱۵۷
برهان۵۹ الی۶۴:
از صفات حجج الله در فاطمه
نطفه فاطمه از خوراک بهشتی
در شکم مادر صداها را می‌شنود و سخن می‌گوید
طاهر و مطهَّر به دنیا می‌آید
با دو دست به دنیا می‌آید و دست خود بالا می‌برد
شهادات را با صدای بلند می‌گوید
رشد و نموّ ویژه‌ای دارد ۱۵۹
رشد جسمی عبدالله‌بن‌عبد المطّلب ۱۷۱

رشد جسمی رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله
حکایت ولادت و رشد جسمانی و ...حجّة بن الحسن المهديّ عجّل‌الله‌فرجه ۱۷۲
برهان٦٥- فاطمه، بهترین اهل زمین ۱۷۹
برهان ٦٦ الی ٦٩:
همانند رسول‌الله و امیرالمؤمنین صلّی‌الله‌علیهماوآلهما
شاهد در آفرینش و اعمال خلق است
طاعتش بر همه فرض است
تفویض امر خلق به او شده است
ولایت در تشریع دارد

بخش هجدهم فاطمة حجّة الله ۱۸۳
برهان۷۰- فاطمة حجّة الله ۱۸۵
برهان۷۱ الی ۷۵:
فاطمة وسيلة الله
خاصّة الله
محلّ قدس الله
حجّة الله في غيبه
وارثة الأنبياء ۱۸٦
اعتراف دشمن ۱۸۷
پس فاطمه کیست؟ ۱۸۸
فاطمة حجّة الله على الحجج ۱۸۹
پایان ناگزیر ۱۹۱
پی‌نوشت‌ها ۱۹٤

سخن اهداکننده

«السّلامُ عَلَيْكُمْ يا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ، ... ». « ... فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ... آمَنْتُ بِكُمْ... وَ بَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدائكُم، وَ مِنَ الجِبْتِ وَ الطّاغوتِ و الشّياطينِ وَ حِزْبِهِمُ الظّالمينَ لَكُمْ... ».

« ...ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرينَ، وَ أسْمائُكُمْ فِي الأسْماءِ، وَ ... فَما أَحْلىٰ أسْمائَكُمْ، وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَ...». «السَّلامُ عَلَيْكِ يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللَّهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صابِرَةً ، .. .». «يا فاطِمَةُ الزَّهْراءُ! يا بِنْتَ مُحَمَّدٍ! يا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسولِ! يا سَيِّدَتَنا وَ مَوْلاتَنا، إِنّا تَوَجَّهْنا وَ اسْتَشْفَعْنا وَ تَوَسَّلْنا بِكِ إِلَى اللهِ وَ قَدَّمْناكِ بَيْنَ يَدَيْ حاجاتِنا، ياوَجيهَةً عِنْدَ اللهِ! إِشْفَعي لَنا عِنْدَ اللهِ».

مقارن با طلوع جديدترين اثر مؤلّف محترم، غوّاص اقيانوس بی كران علوم و حِكَم كتاب‌الله الحكيم و مفسّرين حقيق و انحصاری آن، آل الله الكريم، آل طه و آل ياسين، حضرات محمّد و آل محمّد صلوات‌الله‌عليهم‌اجمعين، قلم ايشان را كه بارها با تمييز سَره از ناسَره، گوهرهای ناب و معارف حقّه را استخراج نموده و پيش روی حقيقت جويان و غيرايشان تبيين نمودند؛ و اين‌بار مزيّن و مغتنم و منّت‌دار به ذكر صدّيقهٔ كبری، وليّة‌الله العظمی، حجّة الله على الحجج، أمّ‌الحسنين و المحسّن، آيت‌الله‌العظمی "حضرت فاطمة‌الزّهراء سلام‌الله‌عليهم"

می‌باشد، ستوده؛ با ضمیمه ساختن سلام، تحیّات، اظهار ارادت و دعای خیرخویش بِدان ثواب هدیهٔ این مرقومهٔ ارزشمند را از جانب نویسندهٔ توانا و بندهٔ حقیرو به نیابت از خانواده، بستگان، کلیهٔ حق‌داران و اموات مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات، پیش‌کش خدمت آن بانوی کرام و پدر و همسرو فرزندان گرامش می‌نماییم و فرج و ظهور موفورالسّرور منتقم ایشان را از درگاه خداوند منّان مسئلت داریم.

این‌جانب کمترین سهیم در نشرمعارف اهل البیت علیهم‌السّلام از عزیزان مطالعه کننده تقاضامند است به منظور ترویج و اشاعه فرهنگ غنی این خاندان، پس از مطالعه، ایمان و یقین به محتوای دُرربارو کسب حدّاکثر فیوضات از آن، برادران و خواهران دینی و ایمانی خویش را هم به توفیق دست‌یابی به محاسن کلام این بزرگواران نائل آورند.

سخن ویراستار

سخت‌ترین علم روز دنیا را «کیهان‌شناسی» نامیده‌اند تلفیق از ریاضیات و فیزیک، زیست شناسی، زمین شناسی و شیمی ، مکانیک و الکترونیک؛

قرآن کریم و اهل‌بیت اطهار علیهم‌السّلام، ١٤ قرن پیش، زمانی که بشر از ماورای جو هیچ نمی‌دانست، درباره آغاز آفرینش، سیاه‌چاله‌ها، گسترش هستی، تب‌اخترها، بافت کیهان، گردش ماه و خورشید، ثبات هستی با وجود نیروهای گرانشی و... بسیاری حقایق سماوی دیگر سخن گفته‌اند و امروزه برخی پژوهش‌گران فقط به دنبال یافتن چنین مصداق‌هایی هستند، از کتاب و مقاله تا قطعه‌های ویدئویی و سخنرانی‌های صوتی، مصادیق بسیار ذکرشده است.

فروردین ماه امسال، ١٣٩٨ شمسی، بزرگ‌ترین رخ‌داد نجومی تاریخ ثبت شد و ٢٠٠ دانشمند کیهان شناس، ستاره شناس، دانشمندان فیزیک اتمی، فیزیک کوانتوم، ریاضیات پیشرفته، دانشمندان زمین‌شناس و صنایع الکترومکانیکی، با مرتبط ساختن ٨ رصدخانه در سراسر کره زمین، توانستند از سیاه‌چاله کهکشان M87 که جرم آن ٦,٥ میلیارد برابر خورشید است و قطری به اندازه ٤٠ میلیارد کیلومتر دارد، عکس‌برداری نمایند. آنان بسیار خرسند بودند که توانستند این رصد را به ثبت برسانند. اما به راستی چه خنده‌آور است که بشر، فقط به خاطر دیدن یک پدیده، این‌چنین

ذوق‌زده می‌شود، فقط برای دیدن یک سیاه‌چاله، این همه تلاش و صرف هزینه‌های گزاف... این است کسی که نام خود را «بشرهوش‌مند» نهاده است...

و تمام علم بشر، تمام توان‌مندی او، با این همه ادّعا، نگاه کردن به این عظمت الهی است. نگاه می‌کند و گمان دارد که شناخت دارد اما خودش هم می‌داند سراسر نادانی است، و مدام می‌پرسد و خود نیز می‌داند که هرچه به معلوماتش اضافه می‌شود، مجهولات برایش بیشتر می‌شوند.

امّا، سخت‌ترین دانش، کیهان‌شناسی نیست، سخت‌ترین دانش، شناخت کسی است که این همه شگفتی را آفریده، کسی که قدرت تغییر آن را دارد، کسی که کلّ این شگفتی را به خوبی می‌شناسد و در قبضه قدرت اوست. یا نه، در دست اوست چگونگی‌ها.

وقتی شقّ‌القمر را از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم دیدند، وقتی ستاره در خانه امیرالمؤمنین افتاد، وقتی خورشید بازگشت به اراده ولیّ خدا، وقتی سنگ‌ریزه‌ها تبدیل به طلا شد، وقتی درخت به سخن آمد، وقتی مرده زنده شد و به سخن گفتن نشست... بشر کجاست از این اعجاز، و چقدر حریص است که قدرت‌مند باشد...

و راستی که فاطمه، لیلة است، پوشیده است و در عین حال، کلّ هستی را نور بخشیده و همین است که قدرش ناشناخته است؛ که متعرّض شناخت او نمی‌شوند و اگر کسی متعرّض شود متّهم خواهد بود، گویی نمی‌بینند و نمی‌خواهند دیگران نیز ببینند... و باز هم کجاست قدر و منزلت حجّة‌الله؟...

ما نیز چون دانشمندان علوم تجربی، می‌خوانیم و می‌شنویم... و نهایتاً تسلیم می‌شویم، فهم کجاست؟ کیست که زهرا را دریابد؟

مجموعه‌ای بی‌نظیر پیش رو دارید، قدر بدانید، تعدّی نکنید، انکار نکنید که لطف الاه است و فرموده: «مَنْ شِئْنا» قابل آن. خدایا ما را قابل مقرّرفرما، بحقّ فاطمه علیهاالسّلام.

متن پرسش

بسم الله الرّحمان الرّحیم

حضور محترم حضرت آیة الله آقای شیخ حیدر تربتی کربلائی (مدّ ظلّه)

سلام علیکم لطفاً به پرسش زیر پاسخ بفرمایید:

آیا صدّیقه طاهره فاطمه زهراء سلام‌الله‌علیها علاوه بر عصمت کبری، بر مخلوقات خداوند تعالی امامت و رهبریّت دارند یا خیر؟

ادلّه نفی یا اثبات این مطلب را بیان بفرمایید.

با تشکر ذی الحجّه۱٤۳٦رضا دهکائی

سخن نگارنده

بسم الله الرّحمان الرّحیم

الحمدلله ربّ العالمین و صلّی الله علی محمّد و آله الطّاهرین، و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین إلی أبد الآبدین.

و السّلام علیکم و علی المسلّمین أنفسهم لمحمّدوآل‌محمّد صلوات الله علیهم أجمعین.

با استعانت از حضرات اسماء الله الحسنی تبارک و تعالی، محمّدوآل‌محمّد صلوات الله و سلامه علیهم، در صدد پاسخ از وحی تنزیلی، و تأویلی طٰهٰ و آل‌یاسین صلوات الله

علیهم به پرسش مذکور درباره حضرت آیة الله العظمی حجّة الله علی الحجج فاطمة الزّهراء سلام الله علیها برمی‌آییم زیرا از آن‌جا که معرفت اولیاء معصوم صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین صنع و ساخت الله تبارک و تعالی بوده و موهبتی است، و نه اکتسابی، پس به ناچار آن‌را از او درخواست نموده و به درگاهش عرض می‌کنیم:

«...اللّٰهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي».[۲]

... بار الها حجّتت را به من بشناسان، که اگر حجّتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌گردم.

ضمن این‌که به غیر از جواب اجمالی به اصل این سؤال شریف که قبلاً در رساله دیگری ارائه شده، این کتاب جوابی متوسط است و در این کتاب قصد شرح نداریم، امید است با توفیق الهی در زمان دیگری به شرح آن بپردازیم.

درباره شخصیّت‌های عموم مردم می‌توان سخن گفت لکن از شخصیّت بی‌نظیر حضرت صدّیقه کبری سلام الله علیها تنها کسانی می‌توانند بگویند که از سنخ ذات اویند، لذا برای این مهم از آیات قرآن کریم به تفسیر و تأویل حضرات محمّدوآل‌محمّد صلّی‌الله‌علیهم استفاده می‌کنیم؛ و از نشانه‌های دالّ بر حجّت بودن امّ الأئمّة و امّ‌ابیها رسول الله، صدّیقه طاهره صلوات الله علیهم خطبه‌های سرشار از حجّت‌ها و معارف بلند اوست، هم چنین دعاها و مصحف با عظمت آن حضرت که فرموده‌اند: سه برابر قرآن کریم است و ...؛

و بنابر بسیاری از آیات قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام، حضرت صدّیقه طاهره مطهّره فاطمة الزّهراء سلام‌الله‌علیها نه تنها بسیاری از علامت‌های خاصّ ائمّه معصومین علیهم‌السّلام را دارند، بلکه والاتر از آن این‌که ایشان حجّت الله

برحجج الهی هستند.

این‌جانب برای آنان‌که طالب معرفت ایشان هستند، به قدر توان خود برخی از آیات و احادیث در این باره را در این کتاب گردآورده‌ام، امید است سبب فزونی بصیرت ما به ساحت مقدّس آن‌حضرت گردد.

این کتاب، گنجینه‌ای عظیم از برخی جواهرات آیات قرآنی و احادیث نورانی درباره بانویی است که چون خالقش و خاندان اطهرش بی‌همتاست، او که نوبت اشراقش بر زمینیان جز آغاز طلوعی بیش نبود، او که برای ملکوتیان اشراق نمود و آسمان‌ها را برایشان روشن نمود، و برای سیّدالأوصیاء روزی سه بار تا قبل از کسوفش با دست ناپاکی اشراق می‌فرمود، و برای اهل مکّه و مدینه نیز تا جایی که عائشه گفت: از نور چهره حضرتش در شب تاریک، نخ در سوزن می‌کردیم...

این اثر را که امید دارم ذخیره‌ای برای روز تهی‌دستی‌ام باشد به ساحت آن حجّةالله ـ که حتّی دشمنش نیز اقرار به حجّت بودنش کرد اما افسوس که اکنون جاهلان پرادّعا، آن مقامش را انکار می‌کنند. و غنچه سوخته‌اش تقدیم می‌نمایم؛ و من باب «وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»[۲] سپاس شایسته تقدیم می‌دارم به سیّدی از ذراری فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها که به همّت ایشان و انفاق طیّب مال، این کتاب به زیور طبع آراسته شد.

و از ساحت آن بانویی که بیتش بإذن الله تعالی از آغاز تا همیشه مرفوع است، خواستار شفاعتش برای این کمترین عُبَیْدش و برای والدینم و خاصّه والده‌ام هستم که چند ماهی است در غم فراقش جانم سوخته، او که سوختن برای زهرای مظلومه شهیده علیهاالسّلام را به من آموخت و با اشک جان‌سوز خویش بر آن عزیز و جان رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله، شیره جانش را به کامم ریخت... .

یکی از طرق اجازات این‌جانب به احادیث اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السّلام، در کتاب شریف زیارات ذبیح آل‌محمّد العاشورائیّة صلوات الله علیهم و سلّم آورده شده و در این کتاب شریف، یکی دیگر از آن‌ها را تیمّناً و تبرّکاً می‌آوریم.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، و الصلاة و السلام على محمد سيد الأنبياء و المرسلين ، و على آله الطيبين الطاهرين ، و لعنة الله على أعدائهم و مخالفيهم أجمعين إلى يوم الدين.

و بعد ، فإن شيخنا المبجّل العلامة الحجة الشيخ حبيب التربتي الكربلائي طاب ثراه ذكر لي الطلب مواظباً منه أن أجيز في الرواية و نقل الحديث ما أثبر عن أهل البيت عليهم السلام ، و لما رأيت إجابته فرضاً علي لمقام الصحبة و رابطة الولاء الخالص عن الشوائب أجزت له الرواية عني بطرقي المعروفة عن أعلامنا الأجلاء ، و أخص منهم بالذكر شيخي الثقة الأمين المؤتمن الشيخ محمد محسن المعروف بالشيخ آقا بزرك الطهراني - تغمده الله بالرحمة و الرضوان - بطرقه المذكورة في ثبته المطبوع « الذريعة إلى آل المصطفى » ، فللشيخ التربتي حفظه الله أن يروي عني عن مشايخي ما صحت في روايته ، و لما أراني بحاجة إلى وصيته بشيء من لوازم التحفظ على الموازين الصحيحة بهذا الشأن ، فأنا حفظه الله غني عن التوجيه و ملتزم طريق الدقة و لوازم الفحص الأمين.

أرشدنا الله تعالى جميعاً إلى ما فيه صلاح الدنيا و الآخرة و جنبنا عن مشابهة الأهواء و ما يمس بديننا و يشكك في معتقداتنا ، فهو خير موفق و معين.

كتبت في يوم الأحد الثاني و العشرين من شعبان المعظم سنة ١٣٩٢ يد الراجي عفو ربه الغني

السيد أحمد الحسيني

سرآغاز

حجّة الله تعریف و جایگاه

پیش از آغاز لازم است متذکّر شوم که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله صاحب همه مقامات ولایت و امامت است، و مهبط و قرار همه تفضّلات الهی است، و آن‌چه را که به دیگران رسیده از فاضل اوست زیرا که ایشان اشرف الخلائق اجمعین هستند؛

نبیّ الله حجّت الله است در ایصال وحی حدوثاً و نیز توضیح و تفسیر و تبیین وحی، و ولیّ و وصیّ و امام حجّت الله است در تبیین و تفسیر و محافظت وحی بقاءً. ضمن این‌که قبول با معرفت ولایت اهل‌بیت‌اطهار و از آن‌ها فاطمة‌الزّهراء سلام‌الله‌علیهم از اصول دین اسلام محمّدی صلّی‌الله‌علیه‌وآله است.

«یا أَیُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَکُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ أَنْزَلْنا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبیناً»؛[۴]

برهان‌های دالّ بر حجّة‌الله بودن حضرت زهرا علیهاالسّلام بسیار است و آن‌چه در این کتاب آمده، اشارتاً و به منظور تسهیل در فهم مطالب، شماره‌گزاری شده است و قصد احصاء در کار نیست که «وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها إِنَّ اللهَ لَغَفُورٌ رَحیم».[۵]

لازم به ذکر است که برخی از برهان‌ها برای چندین عنوان قابل استفاده می‌باشد.

حجّة‌الله پیش از آفریدگان، همراه با آنان و پس از آفریدگان (محیط بر آفریدگان)

اوّلین مخلوق خدای سبحان، نور محمّد وآل‌محمّد صلوات الله و سلامه علیهم بود که

حجج الله بر ما سوی الله بودند و همراه با خلق شدند و تا پس از خلق نیز برای ابلاغ پیام‌های الهی به آن‌ها باقی خواهند بود. آنان در همه عوالم بوده و خواهند بود، و خود فرمودند: «بِنا فَتَحَ اللّٰهُ وَ بِنا یَخْتِمُ»، در نتیجه تنها واسطه ابلاغ معارف اعتقادی و احکام شرعی واخلاق به آفریدگان، ایشان هستند.

امام به حق ناطق، جعفربن محمّد الصّادق علیهما السّلام به دو صحابی جلیل و فقیه خود محمّد بن مسلم و اَبان بن تغلب رضي الله عنهما فرمود:

«اَلْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ، وَ مَعَ الْخَلْقِ، وَ بَعْدَ الْخَلْقِ».[٦]

حجّت (خداوند) قبل از (آفرینش) آفریدگان (بوده)، و همراه با آفریدگان است، و پس از آفریدگان (نیز حضور خواهد داشت).

بنابر صریح حدیث شریف، نخستین مخلوق درهمه عوالم «حجّت الله» است، و درظهور حیات دنیوی نیز نور حجج‌الله روی زمین در پیشانی آدم ابوالبشر علی نبیّنا و آله و علیه السّلام همراه با او و همه انبیاء باطناً، بودند که قرار زمین به وجود حجّت خداست و بنابر فرمایش اهل‌بیت علیهم‌السّلام، آخرین شخص روی زمین نیز حجّت خدا خواهد بود.

و این امر، وجوه و حکمت‌های بسیاری دارد از جمله این‌که حجّت خداوند جز به امام معصوم تمام نمی‌گردد، و بر این معنا نیز روایات بسیاری از اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم صلوات الله از طریق فریقین روایت شده است از جمله؛ از معصومین امام محمّد باقر، جعفرصادق، موسی الکاظم و علیّ الرّضا علیهم السّلام روایت شده که فرموده‌اند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقُومُ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَلیٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ (حَتّیٰ) يُعْرَفُ».

همانا حجّت خدای عزّوجل بر آفریدگانش برپا نشود مگر به سبب و واسطه امامی زنده (تا) شناخته شود.

حدیث امام محمّد باقر علیه السّلام:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقُومُ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَلیٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يَعْرِفُونَهُ (يُعْرَفُ)».[۷]

همانا حجّتی برای خدای عزّوجل برخلقش به پا نشود مگر به امامی زنده که او را بشناسند (معرفت کنند).

امام جعفر الصّادق و امام موسی الکاظم علیهما السّلام فرمودند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّٰهِ عَلیٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ».[۸]

همانا حجّت خداوند بر خلقش به پا نشود مگر به (وسیله) امامی زنده که شناخته شود.

امام جعفر الصّادق و امام موسی الکاظم و امام علیّ الرّضا علیهم السّلام فرمودند:

«إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّٰهِ عَزَّوَجَلَّ عَلیٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَتّیٰ يُعْرَفَ».[۹]

همانا حجّت خدا عزّوجل برخلقش به پا نشود مگر به امامی که شناخته شود.

و به همین جهت است که امام و حجّت الله، در عوالم مختلف قبل از خلق و همراه با خلق و پس از خلق حضور دارد، زیرا که دلیل و راهنمای خلق است، امام محمّد باقر علیه السّلام فرمودند:

امامت و حجّت الهی از زمان حضرت آدم بوده و هیچ زمانی نیست مگر این که امام و حجّتی باقی است که خداوند ایشان را حجّت های خود برخلق قرار داده است.[۱۰]

اقامه حجّت خدا بر آفریدگان و تمامیّت حجّت خدا، متوقّف به وجود امام است، و آخرین کسی که می‌میرد، امام است تا کسی نتواند بر خداوند احتجاج کند که چرا مرا بدون حجّت قرار دادی.[۱۱] امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

«إِنَّ آخِرَ مَنْ يَمُوتُ الْإِمامُ، لِئَلّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلّٰهِ عَلَيْهِ».[۱۲]

به تحقیق آخرین کسی که (از خلق) می‌میرد امام است، تا هیچ کس بر خداوند عزّوجل احتجاج نکند که او را بدون حجّتی از جانب خداوند، رها نموده است.

در همین رهگذر به سادگی می توان دریافت که امامت از اصلی‌ترین اصول دین است زیرا چنان‌چه بیان شد حجّت برخلق اقامه نمی‌شود مگربه امامت امام حق.

و این امر تا بعد از خلق نیز جریان دارد که حکایت از ولایت در جزاء می‌کند: ولایت در تقسیم بهشت و جهنّم، شفاعت و ... زیرا «حجّة الله» در همه عوالم و در قوس صعود و نزول مؤثّر است به عبارت دیگر حضرات حجج الله انواع تصرّفات را بإذن الله تعالی در جمیع عوالم، ظهور وجودی دارند؛

امام محمّد باقر علیه‌السّلام فرمود:

«وَ اللهِ، ما تَرَكَ اللهُ أَرْضاً مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ، وَ هُوَ حُجَّتُهُ عَلىٰ عِبادِهِ، وَ لا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمامٍ، حُجَّةٍ لِلّٰهِ عَلىٰ عِبادِهِ».[۱۳]

به خدا سوگند، از زمانی که جان حضرت آدم ستانده شد، خداوند هیچ سرزمینی را بدون وجود امامی که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود رها ننمود که او (یعنی امام) حجّت خداوند بر بندگانش می‌باشد، و زمین به غیر امام باقی نمی‌ماند، حجّتی از جانب خداوند بربندگانش.

و امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«مِنَّا الْإِمامُ الْمَفْرُوضُ طاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ ماتَ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرانِيّاً، وَاللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ».[۱۴]

امامی که فرمان‌برداری از او واجب است از ما اهل‌بیت است، هر کس او را انکار نماید یهودی یا نصرانی می‌میرد (مسلمان از دنیا نمی‌رود بلکه کافر خواهد مُرد)، به خدا سوگند که خداوند زمین را از آن‌گاه که آدم را قبض روح نمود، وانگذارده مگر این‌که درآن امامی که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود، قرارداده است.

واین سه مقام آنان، برعلم آنان و مقام شاهد و صانع بودنشان و اِعمال ولایت و سیطره آنان برخلق دلالت دارد... فافهم جیّداً.

قطع حجّت و برهان دین در صورت نبودن حجّة‌الله

رسول‌الله صلّی الله علیه و آله فرمودند:

«... اللّٰهُمَّ ... وَ لا تُخْلِ الْأَرْضَ مِنْ قائِمٍ مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ، ظاهِراً أَوْ خافِياً مَغْمُوراً، لِئَلّا يَبْطُلَ دينُكَ وَ حُجَّتُكَ، وَ بُرْهانُكَ وَ بَيِّناتُكَ، ... ».[۱۵]

... بارالاها! ... و زمین را از قیام کننده‌ای به حجّت خویش از آن‌ها (یعنی امامان معصوم) خالی نگذاری، آشکار باشد یا پنهان و غیرمشهور، تا دین و حجّت و برهان و بیّنات تو باطل نگردند ... .

هم‌چنین رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله در حدیث دیگری فرمودند:

«اللّٰهُمَّ إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لا يَبيدُ وَ لا يَنْقَطِعُ، وَ إِنَّكَ لا تُخْلي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ؛ ظاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطاعِ، أَوْ خائِفٍ مَغْمُورٍ، كَيْلا

تَبْطُلَ حُجَّتُكَ، وَ لا يَضِلَّ أَوْلِياؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ».[16]

خدایا، به راستی که می‌دانم علم نابود نشود و منقطع نگردد و تو زمین را از حجّتی برخلق خالی نکنی، خواه آشکار باشد و فرمانش نبرند، یا بیم‌ناک و پنهان باشد، برای این که حجّت‌های تو باطل نشود، و اولیاء خود را پس از آن‌که هدایتشان فرمودی، گمراه نکنی ... .

بنابراین خالی ماندن زمین از حجّت، سبب قطع حجّت و برهان و دلایل روشن‌گر خداوند و بطلان دین است. در روایت سلمان محمّدی رضي الله عنه از امیرالمؤمنین علیه‌السّلام در حدیث طولانی خطاب به جاثلیق نیز چنین آمده است:

«... اللّٰهُمَّ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ، إِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، أَوْ باطِناً مَسْتُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ، وَ يَكُونَ نِحْلَةً لِمَنِ اتَّبَعَهُ وَ اقْتَدىٰ بِهِ، ... ».[17]

... بارالها! جز این نیست که زمین از قیام کننده به حجّت (خداوند) خالی نمی‌ماند، یا به صورت آشکار و شناخته شده، یا پنهان و پوشیده شده، تا حجّت‌های خدا و دلایل روشن‌گر او باطل نگردد، و او برای پیروانش و کسانی که به وی اقتدا می‌کنند، پیشوایی باشد ... .

و در بسیاری از کتاب‌های شیعه امامیّه به سندهایی[18] و در کتاب‌های مخالفین[19] به نقل از امیرالمؤمنین علیه‌السّلام، فرمایش حضرت به صحابی جلیل و شهیدشان کمیل بن زیاد نخعی رضی الله عنه آمده است که فرمودند:

«اللّٰهُمَّ بَلىٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّةٍ، إِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، وَ إِمّا

خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ».[20]

بارالاها! بله چنین است که زمین از برپادارنده حجّت (الهی) برای خدا خالی نشود، یا آشکار و شناخته شده، و یا ترسان و ناشناس، تا حجّت‌های الهی و نشانه‌های روشن گراو نابود نگردد.

و به روایتی دیگر، مولا امیرالمؤمنین علیه السّلام به کمیل چنین فرموده باشند:

«اللّٰهُمَّ! بَلیٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّةٍ عَلیٰ خَلْقِهِ، يَهْديهِمْ إِلیٰ دينِكَ، وَ يُعَلِّمُهُمْ عِلْمَكَ، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ، وَ لا يَضِلَّ أَتْباعُ أَوْلِيائِكَ وَ شيعَتُهُمْ، بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ إِلیٰ إِمامٍ ظاهِرٍ مَشْهُودٍ لَيْسَ بِمُطاعٍ، وَ مُكْتَمِنٍ خائِفٍ مَغْمُورٍ يَتَرَقَّبُ، أَوْ غائِبٍ عَنِ النّاسِ في حالِ غَيْبَتِهِ، لَمْ يَغِبْ عَنْهُمْ أَمْرُهُ وَ نَهْيُهُ، وَ مَثُوبَةُ عِلْمِهِ، فَآياتُهُ في قُلُوبِ الْمُؤْمِنينَ مُثْبَتَةٌ فَهُمْ بِها عامِلُونَ».[21]

بارالاها! چنین است‌که زمین از کسی که بربندگان خدا به حجّت الهی قیام کند خالی نشود، که آنان را به دین تو رهنمایی کند، و علم تو را به آنان می‌آموزد، تا حجّت تو نابود نگردد، و پیروان اولیاء تو و شیعیان آنان گمراه نشوند، پس از آن‌که آنان را هدایت نمودی به وسیله پیشوایی آشکار و دیده شده که فرمانش برده نشود، یا پوشیده ترسان ناشناسی که دیده دوخته است، یا از مردم در حال غیبت خویش، غایب است، امر و نهی وی و پاداش علم و کار او هرگزاز میان مردم نمی‌رود، بنابراین نشانه‌های او در دل‌های مؤمنان ثابت شده و آنان بدان در عمل ملتزم هستند.

تسبیح فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام

پس از نماز مخصوصه حضرتش و پس از زیارت امیرالمؤمنین و سیّدالشّهداء علیهماالسّلام

«سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَ الْجَمالِ (مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمالَ)، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَ الْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا وَ (سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ) وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا لا هٰكَذا غَيْرُهُ».[۲۲]

بخش یکم

علّت خلق الخلق

برهان۱- فاطمه، علّت آفرینش هستی

امام علیّ بن موسی علیه‌السّلام در حدیثی در جواب به اباصلت هروی فرمودند:

... الله تعالی به آدم امرفرمودند تا به ساق عرش نظرکند، دید برآن نوشته شده:

«لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ زَوْجَتُهُ فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ».

عرض کرد: پروردگارا! اینان کیانند؟ فرمود:

«هٰؤُلاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَميعِ خَلْقي، وَ لَوْ لا هُمْ ما خَلَقْتُكَ، وَ لا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النّارَ وَ لَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ، ...».[۲۳]

اینان فرزندان تو هستند، و آنان از تو و همه آفریدگانم بهترهستند، و اگر(غایت از آفریدن) اینان نبودند، تو را نمی‌آفریدم، و بهشت و آتش و آسمان و زمینی را نمی‌آفریدم... .

چنان‌چه آشکار است این حدیث شریف حاوی چندین برهان بوده که اشارتاً برخی از آن‌ها ذکر می‌شود:

اهل‌بیت علیهم‌السّلام، از همه آفریدگان، از آدم خلیفةالله تا سایرین، جوهراً برتر

هستند. علّت آفرینش آفریدگان و نیز بهشت و دوزخ می‌باشند یعنی جزا بر مدار آنان است و... .

در حدیث دیگری از امام جعفر صادق علیه‌السّلام است که الله جلّ‌جلاله درباره نام اهل‌بیت علیهم‌السّلام که به نور جلال الهی بر ساق عرش نوشته شده بود به آدم علیه‌السّلام فرمود:

«... لَوْلاهُمْ ما خَلَقْتُكُما، هٰؤُلَاءِ خَزَنَةُ عِلْمي، وَ أُمَنائي عَلىٰ سِرّي...».[۲۴]

... اگر به خاطر اینان نبود شما دو تن را نمی‌آفریدم، اینان گنج‌داران علم من، و امینان رازهای من هستند، ... .

علّت آفرینش، کسی است که ظرف قابل خزانه‌داری علم الهی باشد، قابلیّت امانت‌داری اسرار حق تعالی داشته باشد، هدایت تمام و کمال را دریابد، عبادت تمام و کمال را انجام دهد و ابلاغ تمام و کمال از جانب الله تعالی به عمل آورد و این کسی نیست جز حجّة‌الله، فتدبّر... .

بخش دوم

فاطمة حجّةالله قبل الخلق

برهان۲- آفرینش نور فاطمه، پیش از آفرینش هستی

رسول الله صلّی الله علیه وآله فرمود:

«خُلِقَ نُورُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَ السَّماءُ».[۲۵]

نور فاطمه علیهاالسّلام پیش از آفرینش زمین و آسمان خلق شد.

خدای تبارک و تعالی، براساس علم خود که از پیش می‌داند اینان چون به عرصه وجود پا می‌گذارند، عارف بالله و مطیع امرالله خواهند بود، آنان را جوهراً ارتفاع داده و همین سبقت آفرینش نور ایشان برهستی، نشان آشکار برحجّیّت ایشان است که او افضل و اشرف و اعلی، را اقدم مقرّر نموده است.

برهان۳- فاطمة نورالله: سیطره فاطمی در اقامه حجّت الهی

رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمودند:

«... مَثَلُنا في كِتابِ اللهِ مَثَلُ الْمِشْكاةِ، وَ الْمِشْكاةُ فِي الْقِنْديلِ نُورُ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ، يَهْدِي اللهُ لِنورِهِ مَنْ يَشاءُ، وَ مَنْ أَحَبَّنا كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أَنْ يَبْعَثَهُ نَيِّراً بُرْهانُهُ، ثابِتَةٌ حُجَّتُهُ، فَنَحْنُ النُّجَباءُ، وَنَحْنُ النّورُ وَ الضِّياءُ، وَ نَحْنُ أَفْراطُ الْأَنْبِياءِ وَ أَوْلادُ الْأَوْصِياءِ وَ بَقِيَّةُ الْأَوْصِياءِ، وَ شيعَتُنَا السُّعَداءُ وَ الشُّهَداءُ، وَ هٰذا كَلامٌ فيهِ الشِّفاءُ».[۲۶]

مَثَل ما در کتاب خداوند، مَثَل چراغ‌دان است، و چراغ‌دانِ درون چراغ، نور حضرت علی و حضرت فاطمه است، خداوند برای نورش آن کس را که بخواهد هدایت کند، و هرکس ما (اهل‌بیت) را دوست بدارد سزاوار است که خداوند او را در حالی برانگیزد که برهانش روشنی بخش، و حجّتش استوار است. «نجباء» ما (اهل‌بیت) هستیم، نور و روشنایی ما هستیم، و ما هستیم پیشی‌گیرندگان بر پیامبران (یا فرزندان پیامبران) و فرزندان جانشینان پیامبران و بازمانده جانشینان پیامبران، و شیعیان ما سعادت‌مندان و شهداء هستند، و این سخنی است که شفا در آن است.

بخش سوم

نور فاطمة علیهاالسّلام

برهان٤- نور فاطمة من نور الله

رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود:

«... وَ فَتَقَ نُورَ ابْنَتي فاطِمَةَ، مِنْهُ فَخَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ، فَنُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتي فاطِمَةَ، وَ نُورُ فاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللهِ، وَ فاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ، ... ».

... و نور دخترم فاطمه را شکافت، و از او نور آسمان‌ها و زمین را آفرید، پس نور آسمان‌ها و زمین از نور دخترم فاطمه است، و نور فاطمه از نور الله است، و فاطمه برتر از آسمان‌ها و زمین است... .

و پس از اشراق نور فاطمه علیهاالسّلام بر آسمان‌ها و زمین، ذات احدیّت جلّ جلاله به ملائکه فرمود:

«هٰذا نُورُ أَمَتي فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، فَلِذٰلِكَ سُمِّيَتْ أَمَتِي الزَّهْراءَ، لِأَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ بِنُورِها ظَهَرَتْ، وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيّي، وَ زَوْجَةُ وَصِيّي، وَ حُجَّتي عَلىٰ خَلْقي، أُشْهِدُكُمْ يا مَلائِكَتي! أَنّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوابَ تَسْبيحِكُمْ وَ تَقْديسِكُمْ لِهٰذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شيعَتِها إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ».[٢٧]

این نور بنده‌ام فاطمة الزّهراء است، بدین‌جهت زهراء (نورافشان) نامیده شد،

زیرا که آسمان‌ها و زمین‌ها به نور او نمایان گشتند، و او دختر پیامبر من است، و همسر وصیّ من است، و حجّت من بر آفریدگانم می‌باشد، ای فرشتگانم! شما را گواه می‌گیرم که من ثواب تسبیحات و تقدیسات شما را تا روز قیامت برای این زن و شیعیان او و دوست‌داران او قرار دادم.

از شدّت ظهور نور فرمایش اهل‌بیت علیهم السّلام، از شرح اجتناب شده است.

نور فاطمه من نور عظمة الله

بنابر فرمایش امام محمّد باقر و امام جعفر صادق علیهما السّلام، حضرت فاطمه همراه با بقیّه معصومین سلام‌الله‌علیهم، بی‌واسطه از نور عظمة الله آفریده شده و حجاب الله هستند.

جابر می‌گوید: محضر مبارک امام جعفر صادق علیه‌السّلام عرض کردم: برای چه فاطمه زهراء سلام‌الله‌علیها به زهراء موسوم گردید؟ حضرت فرمودند:

«لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ، فَلَمّا أَشْرَقَتْ أَضاءَتِ السَّمٰواتُ وَ الْأَرْضُ بِنُورِها، وَ غَشِيَتْ أَبْصارُ الْمَلائِكَةِ، وَ خَرَّتِ الْمَلائِكَةُ لِلّٰهِ ساجِدينَ، وَ قالُوا: إِلٰهَنا وَ سَيِّدَنا، ما هٰذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِمْ: هٰذا نُورٌ مِنْ نُوري، وَ أَسْكَنْتُهُ في سَمائي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتي، أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبِيائي، أُفَضِّلُهُ عَلىٰ جَميعِ الْأَنْبِياءِ، وَ أُخْرِجُ مِنْ ذٰلِكَ النُّورِ أَئِمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْري، يَهْدُونَ إِلىٰ حَقّي، وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفائي في أَرْضي بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيي».[۲۸]

زیرا الله عزّوجل او را از نور عظمت خویش آفرید، چون (نور وجود فاطمه سلام الله علیها) درخشید، آسمان‌ها و زمین به نورش روشن شده و دیدگان فرشتگان از شدّت نورش بسته شد و تمامی فرشتگان، به درگاه الهی به سجده افتاده و عرض

کردند: الاها، معبود ما، سرور و مولای ما، این چه نوری است؟ خداوند متعال به آن‌ها وحی فرمود: این نوری از نور من است که در آسمانم ساکنش کرده‌ام، آن‌را از عظمت خویش آفریدم و از پشت پیامبری از پیامبرانم بیرونش می‌کنم که بر تمام انبیاء برتری‌اش داده‌ام، امامانی را که به امر من قیام می‌کنند و مردم را به (پاس‌داشت) حقّ من هدایت می‌نمایند، از این نور بیرون می‌آورم، این پیشوایان را پس از انقطاع وحی خویش، در زمین جانشینان خود قرار می‌دهم.

پس اشراق نور و ضیاء نور آسمان‌ها و زمین و همه عوالم ملکوت و جزآن، از نور حضرت زهرا سلام الله علیها است، زیرا که ایشان از نور الله آفریده شده و افضل از جمیع انبیاء است، اضافه بر این، نور ائمّه هدی نیز که خلفاء الله و قوّام به امرالله می‌باشند، از نور ایشان است.

دعای حضرت فاطمة الزّهراء علیها السّلام برای گرفتاری‌ها

«بِحَقِّ یٰس وَ الْقُرْآنِ الْحَکیمِ، وَ بِحَقِّ طٰهٰ وَ الْقُرْآنِ الْعَظیمِ، یا مَنْ یَقْدِرُ عَلیٰ حَوائِجِ السّائِلینَ، یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِي الضَّمیرِ، یا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَکْرُوبینَ، یا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومینَ، یا راحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ، یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ، یا مَنْ لا یَحْتاجُ إِلَی التَّفْسیرِ، صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بي کَذا وَ کَذا».[۲۹]

بخش چهارم

نور النّور

برهان۵- نور فاطمة من نور النّبیّ و الوصی

رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم خطاب به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام فرمودند:

«نَوُرُ فاطِمَةَ مِنْ نُورِنا».[۳۰]

نور فاطمه، از نور ما (اهل‌بیت‌اطهار) است.

به این معنا که فاطمه زهرا، خلقت نوری داشته و در ارتفاع جوهری و ذاتی، علم، عصمت و نیز سایر مقامات و شئونات ذاتی بنابر وحدت نوری، مانند رسول‌الله و امیرالمؤمنین هستند و چنان‌چه آنان حجّة‌الله هستند، ایشان هم هستند. و چنان‌چه آنان قائم بأمرالله هستند، ایشان هم هستند و تفاوتی با آنان ندارند در وحدت نوری ولی در تشخّص، رسول‌الله اول است و ایشان، شفع امیرالمؤمنین است.

هم‌چنین برتقدّم و احاطه آن‌حضرت برخلق، زماناً و رتبةً دلالت دارد.

قالت مولاتنا فاطمة صلوات الله وسلامه عليها

أيها الناس اعلموا أني فاطمة وأبي محمد صلى الله عليه وآله

أقول عوداً وبدواً ولا أقول ما أقول غلطاً

ولا أفعل ما أفعل شططاً

بخش پنجم

حجّة الله مع الخلق

برهان٦- حجّةالله سبب امان خلق

رسول‌الله صلّی الله علیه و آله فرمود:

زمین هرگزازهادی و امام معصوم خالی نمی‌ماند زیرا که آنان سبب آرامش زمین هستند.[٣١]

و فرمود:

تمسّک به قرآن و عترت، امّت را از گمراهی در امان می‌دارد و عترت سبب در امان ماندن اهل زمین از فرو رفتن در زمین و هلاکت‌اند.[٣٢]

و از امیرالمؤمنین علیه السّلام روایت شده که فرمودند:

آنان(یعنی اهل‌بیت اَطهار) سبب امنیّت اهل آسمان و زمین‌اند.[٣٣]

چهارده معصوم صلوات الله علیهم بر روی زمین همانند میخ‌ها و کوه‌ها، سبب بقای اهل زمین می‌باشند.[٣٤]

امام زین العابدین علیه السّلام فرمود:

«نَحْنُ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمينَ، وَ حُجَجُ اللهِ عَلَى الْعالَمينَ، وَ سادَةُ الْمُؤْمِنينَ، وَ قادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَ مَوالِي الْمُؤْمِنينَ، وَ نَحْنُ أَمانُ أَهْلِ الْأَرْضِ، كَما

أَنَّ النُّجُومَ أَمانٌ لِأَهْلِ السَّماءِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يُمْسِكُ اللهُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَ بِنا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَميدَ بِأَهْلِها، وَ بِنا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِنا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ يُخْرِجُ بَرَكاتِ الْأَرْضِ، وَ لَوْ لا ما فِي الْأَرْضِ مِنّا لَساخَتْ بِأَهْلِها. وَ لَمْ تَخْلُ الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللهِ فيها ظاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لا تَخْلُو إِلىٰ أَنْ تَقُومَ السّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلّٰهِ فيها، وَ لَوْ لا ذٰلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللهُ».[۳۵]

ما امامان (معصوم) مسلمانان و حجّت‌های خداوند برجهانیان هستیم، ... و ما سبب امان اهل زمین هستیم همانند ستارگان برای اهل آسمان‌ها، و ما امامان هستیم که خداوند (به سبب و واسطه وجود ما) آسمان را از افتادن بر روی زمین نگه داشته است. و به خاطر ماست که زمین را از فروبردن اهل آن بازداشته است. و به سبب ما باران را فرو فرستاده و رحمتش را می‌گستراند، و زمین برکات خود را بیرون می‌آورد، و اگر کسی از ما اولیای معصوم بر روی زمین نباشد، زمین اهل خود را در خود فرو می‌برد.

سپس فرمود:

و خداوند از زمانی که حضرت آدم را آفرید، (زمین را) از حجّت آشکار و شناخته‌شده و یا در پس پرده غیبت، خالی نگذاشت و تا قیامت کبری خالی نمی‌گذارد، و مردم از امام غایب، همانند خورشید پس ابرها سود می‌برند.

و فرمود:

و اگر یک روز زمین از حجّت خداوند تعالی خالی بماند، اهل خود را در خود (چون

امواج دریاها) فرو می‌برد.[۳۶]

و فرمود:

اگر زمین تنها یک روز بدون امام باقی بماند هرآینه اهل خود را در خود فرو می‌برد (و هلاک می‌کند)، و به راستی خداوند آنان را به شدیدترین عذاب خود کیفر دهد. به تحقیق خداوند تبارک و تعالی ما را حجّت در زمینش و سبب امنیّت در زمین برای اهل آن قرار داده است. تا زمانی که ما اهل‌بیت نبوّت در زمین هستیم، آنان از فرو رفتن در آن در امان خواهند بود، آن‌گاه که خداوند اراده کند که آن‌ها را هلاک کند و مهلت و فرصتشان ندهد، ما را از میان آنان برده و نزد خود بالا ببرد، سپس هرچه خواهد و دوست بدارد با آنان بکند.[۳۷]

هم‌چنین امام محمّد باقر علیه السّلام به روایتی دیگر فرمود:

حتّی اگر یک روز، زمین از اولیاء معصوم خالی بماند، زمین اهل خود را در خود فرو می‌برد، و خداوند آنان را به شدیدترین عذاب خود کیفر دهد، زیرا خداوند تعالی آنان را حجّت خود بر روی زمین و سبب در امان ماندن اهل زمین قرار داده است، پس هرگاه بخواهد اهل زمین را عذاب کند و مهلت ندهد، امامان معصوم را از روی زمین برداشته و بالا می‌برد.[۳۸]

و فرمود:

اگر امام معصوم لحظه‌ای از روی زمین بالا برده شود، هرآینه زمین شکافته شده و همانند موج‌های دریا، اهل خود را در خود فرو می‌برد.[۳۹]

امام جعفر صادق علیه السّلام فرمود:

بدانید که زمین از حجّت خدا خالی نمی‌ماند، لکن خداوند به سبب ظلم و ستم و اسرافی که (زمینیان) نسبت به خود روا داشتند، آنان را از دیدن امام و بهره بردن از امام محروم نماید، که اگر لحظه‌ای زمین از حجّت خداوند خالی شود، اهل خود را در خود فرو برده، هلاک می‌کند.[۴۰]

و امام جعفر الصّادق و علیّ الرّضا علیهما السّلام فرمودند:

اگر زمین بدون امام بماند، هرآینه (اهل خود را) در خود فرو برد.[۴۱]

و امام علیّ الرّضا علیه السّلام فرمود:

اگر زمین به اندازه یک بار پلک زدن، از حجّت خالی شود، هرآینه اهل خود را در خود فرو می‌برد (هلاک می‌کند).[۴۲]

و یکی از همین حجج الله، بنابر صریح فرمایشات معصومین علیهم السّلام، صدّیقه طاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها است که سبب امان اهل زمین از بلایا است و این تنها یکی از برکات وجود ایشان برروی زمین به عنوان حجّةالله است.

جایگاه حجّةالله برای زمین و زمینیان

هرچند آن‌چه ما از برکات امام معصوم می‌دانیم، به ارشاد حجّةالله بوده و گاهی دلایل خرد و کلان از تجربیات و اکتسابات مطرح می‌شود لکن وجود امام معصوم، آثاری دارد که ما جز از طریق فرمایشات خودِ امام، به حس و به حدس آن راهی نداریم از جمله این‌که «صلاح زمین و اهل آن، جز امام معصوم نیست».[۴۳]

و واضح است که ما صلاح اهل زمین را در داشتن رهبری معصوم می‌دانیم لکن صلاح «زمین» جز به امام معصوم نیست، بیانی سنگین است که یافتن و حس کردن معنای

آن، بسیار جای بحث و بررسی دارد که البته باز هم تمسّک به خود روایات راه‌گشا است و الا دست ما کجا و لمس خورشید؟...

برهان۷- فاطمه در مباهله (حجّة الله بر نصاری)

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله بنابر دستور صریح ذات احدیّت جلّ جلاله در قرآن کریم، برای اتمام حجّت بر نصاری و اقامه حجّت بالغه الهی بر نصارای نجران، قرآن را نیاورد، بلکه خودش و «أَبْناءَنا» حسنین را آورد و «نِساءَنا» فاطمه را آورد، و «أَنْفُسَنا» امیرالمؤمنین علیهم‌الصّلوة و السّلام را آورد و این نمایش مقام حجّیّت ایشان در آیه کریمه مباهله می‌باشد. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

«فَمَنْ حَاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللهِ عَلَى الْكاذِبينَ».[۴۴]

پس هرکه بعد از این علم که تو را آمده، باز با تو به محاجّه (و جدل) برآید، بگو: بیایید ما و شما (عزیز) پسران ما و پسران شما و (عزیز) زنان ما و زنان شما و آنانی را که مانند (جان) خودمان و آنانی را که مانند (جان) خودتان هستند بخوانیم، سپس مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار بدهیم.

حضرت فاطمة الزّهراء علیها السّلام در این مقام، مانند اوصیاء، حجّة الله و حجّة الرّسول بر کافران است. ناگفته نماند که در واقعه مباهله با نصارای نجران احادیث متواتر و اجماع امّت بر اجتماع خمسه طیّبه دلالت دارد ، نه کسی غیر ایشان بلکه فقط و فقط اشخاص ایشان، نه کمتر نه بیشتر.

تسبیح حضرت فاطمة الزّهراء علیها السّلام در روز سوّم ماه

«سُبْحانَ مَنِ اسْتَنارَ بِالْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ، سُبْحانَ مَنِ احْتَجَبَ في سَبْعِ سَماواتٍ فَلا عَيْنُ تَراهُ، سُبْحانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلائِقَ بِالْمَوْتِ وَ أَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَياةِ، سُبْحانَ مَنْ يَبْقىٰ وَ يَفْنىٰ كُلُّ شَيْءٍ سِواهُ، سُبْحانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ ارْتَضاهُ، سُبْحانَ الْحَيِّ الْعَليمِ، سُبْحانَ الْحَليمِ الْكَريمِ، سُبْحانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ [الْعَلِيِّ] الْعَظيمِ، سُبْحانَ اللهِ وَ بِحَمْدِه».[٤٥]

بخش ششم

فاطمه و عبادت، غرض از خلقت

برهان۸- فاطمة اَمَةُ الله

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی به سلمان رضی‌الله‌عنه فرمودند:

«يَا سَلْمانُ، إِنَّ ابْنَتي فاطِمَةَ مَلَأَ اللهُ قَلْبَها وَ جَوارِحَها إِيماناً إِلىٰ مُشاشِها، فَتَفَرَّغَتْ لِطاعَةِ اللهِ (عَزَّوَجَلَّ)، ... ».[٤٦]

ای سلمان! همانا خداوند قلب و اعضای دخترم فاطمه را تا مغزاستخوان‌هایش چنان از ایمان آکنده ساخته (که فوق آن نیست)؛ لذا فاطمه فارغ البال مشغول عبادت الله گردیده است، ... .

و قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ ما أُمِرُوا إِلّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ حُنَفاءَ وَ يُقيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ وَ ذٰلِكَ دينُ الْقَيِّمَةِ».[٤٧]

مأمور نشده‌اند مگر آن‌که خدا را بندگی کنند، عبادت را مخصوص او کنند، موحّد باشند، نماز را پیوسته برپا دارند و زکات را بپردازند، که این است دین استوار.

پس امر الهی و نیز سبب خلقت، عبودیت الله تعالی و همین است موجب مقامات انبیاء و خاتم الأنبیاء صلوات الله علیهم، و اما مقام فاطمه، لقب «امة‌الله» که الله تبارک و

تعالی، خود براو نهاده است، چنان‌چه وحی فرمود:

«... فَإِنِي قَدْ زَوَّجْتُ أَمَتي فاطِمَةَ بِنْتَ حَبيبي مُحَمَّدٍ مِنْ عَبْدي عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، ... ».[۴۸]

... به یقین بنده‌ام فاطمه، دختر حبیبم محمّد را به ازدواج بنده‌ام علیّ بن ابی طالب درآوردم، ... .

و رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله فرمود:

... و اما دخترم فاطمه که سیّده زنان پیشین و پسین است... هرگاه به نماز بایستد، فرشتگان نور او را ببینند و خداوند تعالی خطاب به فرشتگان چنین بفرماید:

«يا مَلائِكَتي! أُنْظُرُوا إِلىٰ أَمَتي فاطِمَةَ، سَيِّدَةِ إِمائي، قائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ، تَرْتَعِدُ فَرائِصُها مِنْ خيفَتي، وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِها عَلىٰ عِبادَتي، أُشْهِدُكُمْ أَنّي قَدْ آمَنْتُ شيعَتَها مِنَ النّارِ، ... ».[۴۹]

ای فرشتگانم! بنده‌ام فاطمه را ببینید، سیّده (و سرور) بندگان (زن) من است، برابرم به (نماز) ایستاده، و دلش از ترس من می‌لرزد، و دل به عبادتم داده، شما را گواه می‌گیرم که شیعیانش را از آتش امان دادم، ... .

حتّی حسن بصری لعنة الله علیه یکی از دشمنان اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام حکایت کرد که عابدتر از فاطمه علیهاالسّلام در دنیا (و در امّت) نبوده، همیشه به نماز می‌ایستاد تا این‌که پاهایش ورم کرد.[۵۰]

تسبیح و تهلیل و تحمید، ورد فاطمه از آغاز

رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله فرمود:

«خَلَقَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كانَتِ الْأَرْواحُ، ... ».

الله عزّوجل نور او (یعنی فاطمه) را پیش از آفرینش آدم آن‌گاه که ارواح بودند، خلق فرمود، ... .

پرسیدند: آن‌گاه که روح فاطمه (قبل از خلقت آدم زیر ساق عرش قرار داشت) خوراکش چه بود؟ فرمود:

«التَّسْبيحُ وَ التَّهْليلُ وَ التَّحْميدُ، ... ».[۵۱]

تسبیح (سبحان الله، منزّه داشتن از شریک و صفات غیر) و تهلیل (لا إله إلّا الله، توحید) و حمد گویی (الحمد لله، و ثناگویی) بود، ... .

این بیان، مضاف براین‌که تأکید برسبقت آفرینش ایشان برآفرینش هستی دارد، او را مسبّحة و مهلّله و محمّده معرفی می‌فرماید و این خود نشان از معرفت عمیق حضرتش نسبت به الله جلّ جلاله دارد و این معرفت جوهری است و اکتسابی نیست چنان‌که برای سایر حضرات آل‌الله چنین است و جزاز ذات احدیّت، منشأ دیگری ندارد و این مقام را ندارد مگر آن‌کس که حجّةالله است. چنان‌چه خود حضرت خطاب به امیرالمؤمنین فرمودند:

إِعْلَمْ يا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَ نُوري، وَ كانَ يُسَبِّحُ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَضاءَتْ، فَلَمّا دَخَلَ أَبي إِلَى الْجَنَّةِ أَوْحَى اللهُ تَعالىٰ إِلَيْهِ إِلْهاماً: أَنِ اقْتَطِفِ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَدِرَّها في لَهَواتِكَ، فَفَعَلَ، فَأَوْدَعَني اللهُ تَعالىٰ صُلْبَ أَبي صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، ثُمَّ أَوْدَعَني خَديجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَاالسَّلامُ، فَوَضَعَتْني، وَ أَنَا مِنْ ذٰلِكَ النُّورِ... .[۵۲]

ای ابا الحسن! بدان که الله تعالی نور مرا خلق کرد و او پیوسته تسبیح الله

جلّ‌جلاله می‌گفت، سپس آن نور را به درختی در بهشت به ودیعت درآورد، در نتیجه نور افشاند، هنگامی که پدرم (در معراج) داخل بهشت شد، الله تعالی به او وحی نمود: میوه این درخت را برگیرو در کام قرار ده (و بخور)، و پدرم چنین کرد و بدین وسیله خداوند تعالی مرا در صلب پدرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله قرار داد، سپس در مادرم خدیجه دختر خویلد علیهاالسّلام به ودیعت نهاد، سپس مرا زایید، من از آن نور هستم.

تسبیحات الزّهراء علیهاالسّلام

قرآن کریم در چندین آیه کریمه به «بسیار یاد نمودن خداوند» امر نموده، می‌فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا لَقیتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْکُرُوا اللهَ کَثیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ».[۵۳]

ای ایمان آوردگان! هرگاه با گروهی از دشمن روبرو می‌شوید، پایداری کنید و خدا را بسیار یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«إِلاَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ وَ ذَکَرُوا اللهَ کَثیراً وَ انْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ ما ظُلِمُوا وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ».[۵۴]

جزآن‌هایی که ایمان آورده و عمل صالح نموده و خدا را بسیار یاد کنند، و هنگامی که مورد ظلم واقع می‌شوند، یاری می‌طلبند، و به زودی ستم‌کاران خواهند دانست که به چه حالی دگرگون می‌شوند.

«إِنَّ الْمُسْلِمینَ وَ الْمُسْلِماتِ وَ الْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ وَ الْقانِتینَ وَ الْقانِتاتِ وَ الصّادِقینَ وَ الصّادِقاتِ وَ الصّابِرینَ وَ الصّابِراتِ وَ الْخاشِعینَ وَ الْخاشِعاتِ وَ الْمُتَصَدِّقینَ وَ الْمُتَصَدِّقاتِ وَ الصّائِمینَ وَ

الصّائِماتِ وَ الْحافِظينَ فُرُوجَهُمْ وَ الْحافِظاتِ وَ الذّاكِرينَ اللهَ كَثيراً وَ الذّاكِراتِ أَعَدَّ اللهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَ أَجْراً عَظيماً».[۵۵]

مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان فرمان‌بردار، و مردان و زنان راست‌گوی، و مردان و زنان شکیبا، و مردان و زنان خاشع، و مردان و زنان انفاق‌کننده و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان حافظ عفت، و مردان و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آن‌ها بخشش و پاداش بزرگی آماده ساخته است.

«فَإِذا قُضِيَتِ الصَّلاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللهِ وَ اذْكُرُوا اللهَ كَثيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».[۵۶]

پس چون نماز تمام شد، در زمین پراکنده شوید، و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار گردید.[۵۷]

از امام جعفر صادق علیه‌السّلام درباره تفسیر آیه: «اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً» پرسیده شد، و حضرت فرمود:

«مَنْ سَبَّحَ تَسْبيحَ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ الذِّكْرَ الْكَثيرَ».

هر کس خداوند را با تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسّلام تسبیح گوید، به تحقیق همان ذکر بسیار خداوند را به جای آورده است.

و فرمود:

«تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ مِنْ ذِكْرِ اللهِ الْكَثيرِ الَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: فَاذْكُرُوني أَذْكُرْكُمْ».[۵۸]

تسبیح فاطمه علیهاالسّلام از ذکر بسیار الله است که خداوند عزّوجلّ فرمود:

«مرا یاد کنید شما را یاد کنم».

و فرمود:

«تَسْبیحُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَیْهَاالسَّلامُ مِنَ الذِّکْرِ الْکَثیرِ الَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: اذْکُرُوا اللهَ ذِکْراً کَثیراً».[۵۹]

تسبیح فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام از ذکر کثیر است که الله عزّوجلّ فرموده: «الله را یاد کنید یاد بسیار».

اسماعیل بن عمّار گوید: به امام جعفر صادق علیه‌السّلام عرض کردم: حدّ ذکر کثیر الله در آیه «اذْکُرُوا اللهَ ذِکْراً کَثیراً» چیست؟ فرمود:

«إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّی‌اللهُ‌عَلَیْهِ‌وَآلِهِ عَلَّمَ فاطِمَةَ عَلَیْهَاالسَّلامُ أَنْ تُکَبِّرَ أَرْبَعاً وَ ثَلاثینَ تَکْبیرَةً وَ تُسَبِّحَ ثَلاثاً وَ ثَلاثینَ تَسْبیحَةً وَ تُحَمِّدَ ثَلاثاً وَ ثَلاثینَ تَحْمیدَةً، فَإِذا فَعَلْتَ ذٰلِكَ بِاللَّیْلِ مَرَّةً، وَ بِالنَّهارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَکَرْتَ اللهَ کَثیراً».[۶۰]

همانا رسول‌الله صلّی الله‌علیه‌وآله به فاطمه علیهاالسّلام یاد دادند تا ۳۴ مرتبه الله اکبر گوید و ۳۳ مرتبه سبحان الله بگوید و ۳۳ مرتبه الحمدلله بگوید، پس چون در شب یک‌بار، و در روز یک‌بار چنین کنی، به تحقیق الله را بسیار یاد کرده‌ای.

و به ابوهارون مکفوف فرمود:

«یا أَبا هارُونَ! إِنّا نَأْمُرُ صِبْیانَنا بِتَسْبیحِ فاطِمَةَ عَلَیْهَاالسَّلامُ کَما نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلاةِ، فَالْزَمْهُ فَإِنَّهُ لَمْ یَلْزَمْهُ عَبْدٌ فَشَقِیَ».[۶۱]

ای ابوهارون! به درستی که ما (اهل‌بیت) فرزندان خود را امر می‌کنیم به گفتن

تسبیح فاطمه زهرا علیهاالسّلام چنان که امر می‌کنیم ایشان را به نماز گزاردن، بنابراین لازم است ملازم آن باشی، که به درستی هر بنده‌ای که آن‌را بر خود لازم نسازد و به آن قیام ننماید، به یقین بدبخت و بی‌سعادت باشد.

«مَنْ سَبَّحَ فِي عَقِبِ كُلِّ فَرِيضَةٍ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهَا فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ ذِكْراً كَثِيراً».[٦٢]

هر کس پس از هر نماز واجب به تسبیح فاطمة الزّهراء صلوات‌الله‌علیها تسبیح گوید قطعاً ذکرالله را بسیار نموده است.

از امام جعفرصادق علیه‌السّلام روایت شده است که فرموده‌اند:

«مَنْ باتَ عَلىٰ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كانَ مِنَ الذّاكِرِينَ اللهَ كَثِيراً وَ الذّاكِراتِ».[٦٣]

هر که به هنگام خواب تسبیح حضرت فاطمه علیهاالسّلام را به جای آورد از مردان و زنانی است که بسیار ذکرالله گفته‌اند.

امام جعفرصادق علیه‌السّلام فرمود:

«تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ (الزَّهْرَاءِ) عَلَيْهَاالسَّلامُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ».[٦٤]

(گفتن) تسبیح فاطمة (الزّهراء) علیهاالسّلام درهرروز پس از هر نماز برایم دوست داشتنی‌تر از هزار رکعت نماز گزاردن در هرروز است.

«ما عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ لَوْ كانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ».[٦٥]

خداوند از سپاس‌گزاری به ذکری برتر از تسبیح فاطمه علیهاالسّلام پرستش نشده است، و اگر چیزی بهتر از آن بود رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله آن را به فاطمه عطا می‌نمود.

افضل عبادات و اذکار لسانی و قلبی که در قرآن کریم به تفسیر اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام «ذکر کثیر» از آن یاد شده است همان تسبیحات حضرت فاطمة الزّهرا علیهاالسّلام است که سرشار از معارف توحیدی است لذا هر کس صبح و شام تسبیح او گوید، مفتخر به ذکر کثیر گشته است، نمونه‌ای بی‌بدیل و بی‌نظیر.

بنابراین خدای تبارک و تعالی حسب معرفت و طاعت و عبادت مقام می‌دهد چنان‌چه رسول‌الله را حسب عبودیّت محض او نسبت به ذات الله تبارک و تعالی، اشرف الخلائق مقرّر فرموده است و افتخار برای رسول‌الله این است که در قرآن او را بنده خویش معرفی می فرماید، به همین ترتیب فاطمه زهرا سلام الله علیها در مرحله‌ای از عبودیّت الهی قرار دارد که از سویی «اَمَةالله» نامیده شده و از سوی دیگر تسبیحات ایشان، ذکرالله الکثیر می‌شود چنان که برترین عبادت، تسبیح است؛

والاترین مرتبه توحید، توحید تنزیهی است «سبحان الله» و برترین سپاس‌گزاری، تحمید است «الحمدلله» و والاترین تقدیس، برتر دانستن الله تبارک و تعالی از هر وصف و موصوف است «الله اکبر» و او را چنان که شایسته اوست، بزرگ و گرامی داشتن و تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها متضمّن همه این‌ها است، برترین تقدیس و تنزیه و تحمید که حکایت از ذکرالله و عبادت اوست چنان که برخواسته از معرفت سرشار و شایسته است.

و این همه حکایت از مقام حجّةالله بودن آن حضرت دارد.

برهان۹- «الصّلوات» اوست

غرض از خلقت مخلوقات .چنان‌که صریح بیان قرآن است .عبادت برخواسته از معرفت

و قرین معرفت است، و پس از معرفت، نماز ستون دین است، و بنابراین آیه کریمه محافظت پیوسته بر نماز با رعایت همه شرایط آن واجب و منکر نماز کافر است:

«حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ».[٦٦]

همه نمازها خصوصاً نماز میانه را محافظت نمایید و برای خدا مطیعانه به پاخیزید.

امام جعفر صادق علیه‌السّلام درباره این آیه کریمه فرمودند:

«الصَّلاةُ رَسولُ اللّٰهِ وَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ وَ فاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَلامُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ، وَ الْوُسْطىٰ: أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، «وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ» طائِعينَ لِلْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ».[٦٧]

(در این آیه) الصَّلَواتِ ـ نمازها»، رسول‌الله و امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین هستند، و «الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ ـ نماز میانه» امیرالمؤمنین است، «وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ ـ و برای خدا مطیعانه به پاخیزید» (یعنی در راه) اطاعت از اهل‌بیت علیهم‌السّلام (برای خداوند به پا خیزید).

ایمان و اعتقاد به مقامات و شئونات اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام فرض است و بدون آن عبادتی نیست، این ایمان و اعتقاد شرط صحّت و قبولی است. روح عبادات قبول ولایت و ایمان به مقامات الهی آنان است، بنابراین آیه و حدیث امام علیه‌السّلام، همان‌طور که فرمودند رسول‌الله و امیرالمؤمنین و حسنین نماز هستند، حضرت فاطمه علیهاالسّلام را نیز فرمودند، و در این اصل نیز چون دیگر امامان از خمسه طیّبه، مشترک بوده همگی امام و حجّة‌الله هستند.

رسول الله صلّی الله علیه وآله وسلّم فرمود:

هنگام نماز فاطمه پیوسته هفتاد هزار فرشته به او ندا دهند:

«یا فاطِمَةُ! إِنَّ اللّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمينَ».

«یا فاطِمَةُ! اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعينَ».

بخش هفتم

فاطمه، الله و دین الله

برهان۱۰- نام فاطمه، مشتقّ از نام خداست

فَطَرَ در آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللهِ الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها ... ».[۶۸] به معنی «خَلَقَ» و «أبدَعَ» و ایجاد است. و در آیه «إِذَا السَّماءُ انْفَطَرَت»[۶۹] به معنی «إِنْشَقَّت» شکافتن و غایت موجودات است و رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌واله خطاب به حضرت فاطمه فرمودند:

«وَ شَقَّ لَكِ يا فاطِمَةُ اسْماً مِنْ أَسْمائِهِ، فَهُوَ الْفاطِرُ وَ أَنْتِ فاطِمَةُ، ... ».[۷۰]

و برای تو هم ای فاطمه! از اسامی خود نامی مشتق کرد، نام او فاطر است و تو فاطمه‌ای، ....

پس ایشان سبب فاعلی و غایت آفرینش است و این مقام، جز شأن ولیّ‌الله و حجّة‌الله نیست؛ فتدبّر جیّداً.

برهان۱۱- أسماء فاطمة عند الله!!!

امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«لِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ تِسْعَةُ أَسْماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: فاطِمَةُ وَ الصِّدّيقَةُ وَ الْمُبارَكَةُ وَ الطّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْراءُ».[۷۱]

فاطمه علیهاالسّلام نزد الله عزّوجل ۹ نام دارد: فاطمه و صدّیقه و مبارکه و طاهره و زکیّه و رضیّه و مرضیّه و محدّثه و زهراء.

امام علیه‌السّلام نفرمود این اسماء آسمانی است و نزد آسمانیان و ملکوتیان است و یا زمینی است و نزد زمینیان است، بلکه فرمود: ۹ نام نزد الله دارد!!! بسیار باید تأمّل کرد، خالق را شناخت و این مخلوق را که هر کدام از آن نام‌ها، متضمّن معارفی غیر قابل احصاء بشر است، و این حکایت از مقامات عندالله‌ی ایشان دارد... ، شرح این اسماء بماند تا وقت دگر.

امام فرمود:

آیا می‌دانی چرا فاطمه نامیده شد؟

عرض کردم: نمی‌دانم، شما بفرمایید، فرمود:

از (همه) شرّ بریده شده است.

قرآن کریم می فرماید:

«وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلّاً بِسيماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ».[۷۲]

و میان آنان (اهل بهشت و اهل دوزخ)، مانعی است و مردانی بر فراز هستند که هرکس را از روی چهره‌اش می‌شناسند و بهشتیان را ندا می‌دهند که سلام بر شما باد. وارد بهشت نمی‌شوند حال آن‌که امید آن دارند.

رسول‌الله و اهل بیت اطهار صلوات‌الله علیهم فرمودند:

«... وَ نَحْنُ الْأَعْرافُ الَّذينَ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِنا».[۷۳]

... و (مقصود از) اعراف (در قرآن) ما هستیم همانان که الله شناخته نشود جز به سبب راه شناخت ما (اهل بیت).

آیه و نیز احادیث شریفه ذیل آن، نشان می‌دهد که حضرت زهرا سلام الله علیها نیز از اعراف بوده و طریق انحصاری حصول معرفة‌الله هستند و جزآنان که حضرت ایمان آنان را تأیید نماید، وارد بهشت نخواهد شد و این همان مقام والای حجّة‌الله است.

برهان۱۲- فاطمه «دین استوار»

«وَ ما أُمِرُوا إِلّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ حُنَفاءَ وَ يُقيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ وَ ذٰلِكَ دينُ الْقَيِّمَةِ».[۷۴]

مأمور نشده‌اند مگر آن‌که خدا را بندگی کنند، عبادت را مخصوص او کنند، موحّد باشند، نماز را پیوسته برپا دارند و زکات را بپردازند، که این است دین استوار.

در حدیثی در تأویل آیه کریمه «وَ ذٰلِكَ دينُ الْقَيِّمَةِ» از امام محمّد باقر علیه‌السّلام روایت شده که فرمودند:

«هِيَ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ».[۷۵]

او (یعنی دین القیّمة) فاطمه علیهاالسّلام است.

مصداق اتمّ دین استوار، وجود یگانه و ارزش‌مند فاطمه زهرا سلام الله علیها است.

برهان۱۳- امر بزرگ، ولایت فاطمه

قرآن کریم می فرماید:

«إِنَّها لَإِحْدَى الْكُبَرِ* نَذيراً لِلْبَشَرِ».[۷۶]

به درستی که آن، هرآینه یکی از امور بزرگ است* که برای بشر بیم‌دهنده است.

در حدیث صحیح ابوحمزه‌ثمالی از امام محمّد باقر علیه‌السّلام است که فرمود:

یعنی فاطمه علیهاالسّلام.[۷۷]

بنابراین آن‌چه به تعبیر قرآن کریم، امری بزرگ و برای بشر بیم دهنده است، فاطمه

می‌باشد، از سوی دیگر در کتاب شریف الکافی ضمن حدیثی طولانی از امام موسی الکاظم علیه‌السّلام «لِإِحْدَى الْكُبَرِ» به ولایت تفسیر شده است؛ [۷۸]

یعنی ولایت اولیاء معصوم و خود آن حضرات امری بزرگ و از دین است و با سایر امور قابل مقایسه نیست، هم‌چنین چون با دیگر اشیاء و اشخاص مقایسه نمی‌شود، پس حجّت الله است و خدای تعالی با آنان حجّت خود را برهمه اقامه می‌کند.

برهان۱۴-فاطمة آیة الله

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلىٰ بابِها مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ؛ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ حَبيبُ اللهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ وَلِيُّ اللهِ، فاطِمَةُ آيَةُ اللهِ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَفْوَتَا اللهِ، عَلىٰ مُبْغِضيهِمْ لَعْنَةُ اللهِ». [۷۹]

داخل بهشت شدم و برسر در آن دیدم که با طلا نوشته بود: لا اله الّا الله، محمّد حبیب الله، علیّ بن ابی‌طالب ولیّ‌الله، فاطمة آیة‌الله، حسن و حسین دو برگزیده الله، لعنت خدا بردشمنانشان باد.

بنابراین حدیث شریف، وجود گرامی صدّیقه طاهره سلام الله علیها، رهنما و برهان توحید الهی هستند در همه عوالم و برهمه آفریدگان.

برهان۱۵- فاطمه در شمار اعراف

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلّاً بِسيماهُمْ وَ نادَوْا أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ». [۸۰]

و میان آنان (اهل بهشت و اهل دوزخ)، مانعی است و مردانی برفراز هستند که هرکس را از روی چهره‌اش می‌شناسند و بهشتیان را ندا می‌دهند که سلام برشما

باد. وارد بهشت نمی‌شوند حال آن‌که امید آن دارند.

رسول‌الله و اهل‌بیت اطهار صلوات‌الله‌علیهم فرمودند:

«... وَ نَحْنُ الْأَعْرافُ الَّذينَ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِنا».[۸۱]

... و (مقصود از) اعراف (در قرآن) ما هستیم همانان که الله شناخته نشود جز به سبب راه شناخت ما (اهل‌بیت).

آیه و نیز احادیث شریفه ذیل آن، نشان می‌دهد که حضرت زهراء سلام الله علیها نیز از اعراف بوده و طریق انحصاری حصول معرفة‌الله هستند و جز آنان که حضرت ایمان آنان را تأیید نماید، وارد بهشت نخواهد شد و این همان مقام والای حجّة‌الله است یعنی تحقّق و صحّت توحید و عبادت، به معرفت و طاعت آنان و اخذ معارف از آنان است.

برهان۱۶- مقام هدایت‌گری فاطمه

قرآن کریم می فرماید:

«وَ هُوَ الَّذي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِها في ظُلُماتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ».[۸۲]

او (یعنی خداوند) است کسی که ستارگان را برایتان قرار داد تا در تاریکی‌های بیابان و دریا بدان هدایت یابید (راه را بیابید) به راستی که آیات را برای دانایان، باز نموده و شرح دادیم.

در تفسیر شریف علیّ بن ابراهیم قمی که از امام جعفر صادق علیه‌السّلام نقل می‌کند آمده است: «النُّجُومُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْهِمْ».[۸۳] (مقصود آیه از) نجوم و ستارگان، آل محمّد صلوات‌الله‌علیهم هستند (که هدایت گرند)؛

اجمالاً بدین معنا: همان‌طور که رسول‌الله و ائمّه اطهار علیهم‌صلوات‌الله در تاریکی‌های جهالت و ضلالت، هادی خلق الی الله تعالی هستند، صدّیقه طاهره

فاطمه سلام‌الله‌علیها نیز هدایت‌گر از جانب الله تعالی است و مقام او به رتبه از حضرات امام حسن و امام حسین و ۹ امام از نسل امام حسین علیهم‌السّلام بالاتر است، و دلیل آن، احادیث از کتب خاصّه و عامه است‌که برخی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

جابربن عبدالله رحمه‌الله وانس بن مالک لعنه‌الله گویند: رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله فرمود:

«إِقْتَدُوا (إِهْتَدوا) بِالشَّمْسِ، فَإِذا غابَتِ الشَّمْسُ فَاقْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالْقَمَرِ، فَإِذا غابَ الْقَمَرُ فَاقْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالزُّهَرَةِ، فَإِذا غابَتِ الزُّهَرَةُ فَاقْتَدُوا (فَاهْتَدُوا) بِالْفَرْقَدَيْنِ».

باید دنباله‌روی خورشید باشید (بدان هدایت شوید)، و هرگاه که آن از دید شما دور شد، دنباله‌روی ماه باشید (بدان هدایت بجویید)، و چون ماه نیزاز شما دور گردید، دنباله‌روی زهره باشید (بدان هدایت بجویید)، و چون ستاره زهره هم از دید شما پنهان گشت، دنباله‌روی فرقدین (دو ستاره قطبی) باشید (بدان هدایت بجویید).

(اصحاب) گفتند: (مراد از) خورشید و ماه و زهره و فرقدان چیست؟ فرمودند:

«أَنَا الشَّمْسُ، وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ الزُّهَرَةُ فاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ».[۸۴]

(مراد از) خورشید منم، و ماه علی است، و «زهره» فاطمه، و «فرقدان» حسن و حسین‌اند.

و در روایت دیگری جابربن عبد الله انصاری گوید: روزی رسول‌الله پس از نماز صبح که با ما به جماعت به جا آورد به ما رو کرد و فرمود:

«أَيُّهَا النّاسُ! مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَ مَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ

فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ».

ای مردم، هرکس خورشید را از دست داد، باید به ماه چنگ زند و هرکس ماه را گم کرد، باید به دو ستاره متمسّک شود.

من و ابوایّوب انصاری و انس بن مالک گفتیم: یا رسول‌الله! خورشید کیست؟ فرمود: من هستم. و حضرتش برای ما مثالی زد و فرمود:

«إِنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَنا وَ جَعَلَنا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّماءِ، كُلَّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَا الشَّمْسُ، فَإِذا ذَهَبَ بي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ».

راستی که الله تعالی ما را آفرید و چونان ستارگان آسمان قرار داد، هرگاه ستاره‌ای غروب کند ستاره‌ای دیگر طلوع نماید، بنابراین (مقصود از) خورشید من هستم، و چون بُرده شوم، به ماه تمسک جویید.

گفتیم: ماه کیست؟ فرمود:

«أَخي، وَ وَصِيّي، وَ وَزيري، وَ قاضي ديني، وَ أَبُو وُلْدي، وَ خَليفَتي في أَهْلي عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ».

برادر و وصیّ من است و ادا کننده دین من، و پدر فرزندانم، و جانشینم در خاندانم، علیّ بن ابی‌طالب.

گفتیم: فرقدان کیانند؟ فرمود:

«الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ».

حسن و حسین‌اند.

سپس کمی مکث کرد و فرمود:

«فاطِمَةُ هِيَ الزُّهَرَةُ. وَ عِتْرَتي أَهْلُبَيْتي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ،

لايَفْتَرِقانِ حَتّىٰ يَرِدا عَلَيَّ الْحَوْضَ».[۸۵]

فاطمه همان زهره است، و عترت من، اهل‌بیت من، آنان با قرآن‌اند و قرآن با آنان است، تا زمانی که کنار حوض کوثر بر من وارد شوند از یک‌دیگر جدا نشوند.

برهان۱۷- فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

هنگام نماز فاطمه علیهاالسّلام، هفتاد هزار فرشته او را در محرابش سلامش کنند و او را ندا می‌دهند به همان ندایی که به حضرت مریم می‌دادند:

«يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمينَ».[۸۶]

ای فاطمه! همانا الله تو را برگزیده و پاک نموده و بر زنان جهان برگزیده است.

و پس از شهادت رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله خدای تعالی او را که وحشت‌زده از دوری رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله است به فرشتگان انس دهد و همان سخنی که به حضرت مریم علیهاالسّلام می‌گفتند به او می‌گویند:

«يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمينَ، يا فاطِمَةُ! اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعينَ».[۸۷]

ای فاطمه! همانا الله تو را برگزیده و پاکیزه نموده و بر زنان عالم برگزیده است، ای فاطمه! برای پروردگارت قنوت و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن.

پس فاطمة‌الزّهراء سلام الله علیها «مصطفاة الله» و از خصوصیّات امام، محدَّث بودن است و صدّیقه طاهره سلام الله علیها نیز چنین بودند.[۸۸] و این مقام، برگزیده الله بودن و بارها از عالم غیب این ندا را دریافتن، جز شایسته حجّة‌الله نیست.

برهان۱۸- خشنودی و خشم فاطمه

بنابر روایات بسیاری از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله، در کتب خاصّه و عامّه رضا و

غضب الله تبارک و تعالی، رضا و غضب فاطمه است.[۸۹] رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله به مردم عموماً می‌فرمود:

«إِنَّ اللهَ تَعالیٰ یَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ یَرْضیٰ لِرِضاها».

همانا الله تعالی برای غضب فاطمه غضب می‌نماید، و به رضایتش راضی می‌شود.

هم‌چنین خطاب به خود حضرت فاطمه علیهاالسّلام می‌فرمود:

«یا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالیٰ لَیَغْضَبُ لِغَضَبِكِ، وَ یَرْضیٰ لِرِضاكِ».[۹۰]

ای فاطمه! به راستی الله تبارک و تعالی به جهت غضب تو غضب می‌کند، و به رضایتت راضی می‌گردد.

این احادیث شریف و نیز احادیثی که تحت عنوان «اتّحاد نوری حضرت با اهل‌البیت» آورده شده، حکایت از عصمت و طهارت تامّه کلّیّه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها می‌کند که آیه تطهیر بر آن ظهور و دلالت دارد. رضایت آن‌حضرت هیچ تخلّفی از رضای الهی ندارد، و او جز به رضای الهی راضی نیست، و غضب نمی‌کند جز آن‌جا که خدای تعالی غضب نماید. ملاک رضا و غضب الهی است، و غضب و رضای او به هیچ وجه نفسانی و یا شهوی نمی‌باشد و این مقام جز برای حجّة‌الله نیست.

برهان۱۹- سلام و صلوات خداوند بر فاطمه

مأمون عبّاسی لعنه الله، در محضر امام علیّ بن موسی الرّضا علیهماالسّلام اجتماعی از علمای عراق و خراسان تشکیل داد و در آن از فضائل عترت رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله سخن گفته شد تا این‌که امام از آنان اقرار گرفت که مقصود از «یٰس» در قرآن کریم محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله است و فرمود:

«فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْطیٰ مُحَمَّداً وَ آلَ‌مُحَمَّدٍ مِنْ ذٰلِكَ فَضْلاً لا یَبْلُغُ أَحَدٌ

كُنْهَ وَصْفِهِ إِلّا مَنْ عَقَلَهُ، وَ ذٰلِكَ أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلىٰ أَحَدٍ إِلّا عَلَى الْأَنْبِياءِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ فَقالَ تَبارَكَ وَ تَعالى: سَلامٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ، وَ قالَ: سَلامٌ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَ قالَ: سَلامٌ عَلىٰ مُوسىٰ وَ هارُونَ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ إِبْراهيمَ وَ لا قالَ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ مُوسىٰ وَ هارُونَ وَ قالَ عَزَّوَجَلَّ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس يَعْني آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ... ».[۹۱]

همانا الله عزّوجل به محمّد و آل محمّد از این جهت فضیلتی بخشیده که احدی به فهم عمق وصف آن فضیلت نرسد مگر آن‌کس که درباره آن تعقّل نماید، و مطلب مهم آن است که حق تعالی جز بر انبیاء صلّی‌الله‌علیهم بر هیچ‌کس سلام نگفته است که او تبارک و تعالی فرموده: «سَلامٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ» و فرموده است: «سَلامٌ عَلىٰ إِبْراهيمَ» و فرموده است: «سَلامٌ عَلىٰ مُوسىٰ وَ هارُونَ» و نفرموده است: سلام علی آل نوح، و نفرموده است: سلام علی آل ابراهیم و نفرموده است: سلام علی آل موسی و هارون، در حالی که فرموده است: «سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس» یعنی آل محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله... .

پس این فضیلت تنها برای آل محمّد است که خداوند در قرآن به آنان سلام داده است، یعنی ایشان پیوسته بهره‌مند از فیوضات ویژه و سلام خاصّ الله تعالی هستند و یگانه بانوی هستی حضرت فاطمه نیز از آل محمّد هستند و حتی تنها با استناد به قرآن کریم نیز می‌توان دانست که خداوند آنان را هم‌تراز نه، بلکه فراتر از سایر پیامبران و خاندان آنان اعلام می‌فرماید، فافهم جیّداً.

بخش هشتم

فاطمه، الله و ملائکه

برهان ۲۰- فاطمة محدّثة الله و محدَّثَةُ الملائكة

اضافه بر روایات بسیار و فرمایش شهید اسلام محمّد بن ابی بکر و تأیید امیرالمؤمنین، حضرت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام نیز محدَّثه بودند، و در آخرت و قیامت نیز به جهت خطاب‌هایی از جانب ربّ جلیل عزّوجلّ به ایشان، محدّث خواهند بود، و این از ویژگی‌ها و شرایط امامت حضرات ائمّه معصومین علیهم‌السّلام است.[۹۲]

عنوان «فاطمة المصطفاة و بارها مصطفاة الله» نیز متضمّن همین معناست. مراجعه بفرمایید.

رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم فرمود:

مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَها، وَمَنْ لَمْ يَعْرِفْها، فَهِيَ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَهِيَ قَلْبي، وَرُوحِيَ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَمَنْ آذاني فَقَدْ آذَى الله».

بخش نهم

فاطمة و الأنبياء

برهان۲۱- ملاک الله در رسالت، فاطمه است

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ إِذْ أَخَذَ اللهُ میثاقَ النَّبِیّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ. قالَ: أَأَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلیٰ ذلِکُمْ إِصْري؟ قالُوا: أَقْرَرْنا. قالَ: فَاشْهَدُوا، وَ أَنَا مَعَکُمْ مِنَ الشّاهِدینَ».[۹۳]

و آن‌گاه که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که دین شما را تصدیق می‌کند حتماً به او ایمان می‌آورید و او را یاری می‌کنید. فرمود: آیا (به این عهد) اقرار کردید و پیمان مرا گردن گرفتید؟ گفتند اقرار کردیم، فرمود: گواه باشید، من نیز با شما از گواهانم.

شرط اساسی برای مقام نبوّت انبیاء، قبول ولایت اهل‌بیت‌اطهار است، و پیامبری هیچ پیامبری تکامل نیافت مگر با معرفت و قبول و اقرار به ولایت رسول‌الله و اهل‌بیت اطهارش و نیز برتری حضرت فاطمه صلوات‌الله‌وسلامه‌علیهم.[۹۴]

هم‌چنان که به معرفت و اقرار به حضرتش، آدم خلیفة الله شد، و انبیاء و رسل به نبوّت و رسالت مبعوث شدند، رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظِلَّةِ حَتّىٰ عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلايَتي وَ وَلايَةُ أَهْلِ بَيْتي، وَ مُثِّلُوا لَهُ، فَأَقَرُّوا بِطاعَتِهِمْ، وَ وَلايَتِهِمْ».[۹۵]

در عالم أظلّة (سایه‌ها) پیامبری هیچ پیامبری تکمیل نشد مگر این‌که ولایت من و ولایت اهل‌بیت من بر او عرضه شد، و تمثال آن‌ها برای آن پیامبر به مثال درآورده شد، در نتیجه به طاعت و ولایت آن‌ها اقرار نمودند.

اهمّیّت موضوع تا جایی است که به پیشی گرفتن بر محبّت فاطمه و اهل‌بیت اطهار علیهم‌صلوات‌الله مراتب تعیین گشته چنان‌که رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«إِنَّ اللهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبَّ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ ذُرِّيَّتَها عَلىٰ الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجابَةِ جَعَلَ مِنْهُمُ الرُّسُلَ، وَ مَنْ أَجابَ بَعْدَ ذٰلِكَ جَعَلَ مِنْهُمُ الشّيعَةَ، وَ إِنَّ اللهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ».[۹۶]

همانا الله که او را حمد سزاست، دوستی علی و فاطمه و نسل او را بر همه خلق عرضه داشت، پس هرکسی که پیشی بر اجابت آن گرفت پیامبران را از آنان قرار داد، و هرکه پس از آنان اجابت نمود شیعیان را از آنان قرار داد، و قطعاً خداوند آنان را در بهشت جمع نماید.

و امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«ما تَكامَلَتِ النَّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ حَتّىٰ أَقَرَّ بِفَضْلِها وَ مَحَبَّتِها».[۹۷]

نبوّت هیچ پیامبری کامل نگشت تا به فضیلت و (وجوب) محبّت فاطمه اقرار نمود.

اسحاق بن عمّار و ابو بصیر نقل می‌کنند که امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«... وَ عَلىٰ مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الْأُولىٰ».[۹۸]

... و قرن‌های آغازین بر (لزوم) معرفت (و ایمان به حضرت فاطمه) گردیده است.

بخش دهم

فاطمة و رسول‌الله

برهان۲۲- فاطمة علّت غائی خلقت أفضل الأنبیاء و سیّد الأوصیاء

الله تعالی در معراج به سیّد المرسلین فرمود:

«یا أَحْمَدُ! لَوْلاكَ لَما خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْ لا عَلِيٌّ لَما خَلَقْتُكَ، وَ لَوْ لا فاطِمَةُ لَما خَلَقْتُكُما».[۹۹]

ای احمد! اگر تو نبودی مدار هستی را نمی‌آفریدم، و اگر علی نبود تو را نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه نبود هیچ‌یک از شما را نمی‌آفریدم.

حضرت فاطمة الزّهراء سلام‌الله‌علیها چون حضرات رسول‌الله و ائمّه اطهار علیهم‌الصّلوة‌والسّلام اضافه بر این‌که علّت محدِثِه تکوین و تشریع است، علّت مبقیه تکوین و تشریع، و علّت خلق و بقاء اهل‌بیت‌اطهار نیز هست و در عالم دنیا اگر کار و جهاد او پس از رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله نبود، دیگر نه اسلامی باقی می‌ماند و نه قرآنی و نه صاحب و حافظ قرآن و نه اهل‌بیت‌وحی؛

مأموریّت حجّت الله بودنش پس از شهادت رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله، حفظ نبوّت و رسالت و زحمات رسول‌الله و حفظ حجّیّت قرآن کریم و حفظ امامت و بیان آن و ولایت ائمّه هدی و حفظ جان ائمّه هدی و نسل رسول‌الله بود، تا قرآن نیز بنابر فرمان و ترتیب رسول‌الله جمع شود و در خاندان امامت بماند و مصحف فاطمه نیز فراهم گردد و این‌ها و

بقیّه مواریث انبیاء و رسول‌الله به ائمّه هدی علیهم‌السّلام برسد.

صدّیقه کبری با جهاد و شهادت خود و فرزند مظلومش، سپر دین الهی و حجج الهی گشت، او حجّةالله است که چنین وظیفه خطیری را می‌پذیرد و به کمال، به انجام می‌رساند و از نبوّت رسول‌الله و ولایت امیرالمؤمنین، صیانت می‌نماید.

برهان۲۳- فاطمة، حجاب النّبوّة

« ... اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَ صَلِّ عَلَى الْبَتُولِ الطّاهِرَة، ... الَّتي شَرَّفْتَ مَوْلِدَها بِنِساءِ الْجَنَّةِ، وَ سَلَلْتَ مِنْها أَنْوارَ الْأَئِمَّةِ، وَ أَرْخَيْتَ دُونَها حِجابَ النُّبُوَّةِ، ... ».[۱۰۰]

... الاها! بر محمّد و اهل بیت او درود فرست، و بر بتول پاکیزه درود فرست، ... او که به زاده شدنش به زنان بهشت شرافت دادی، و از او نورهای امامان را بیرون کشیدی (خلق نمودی)، و پرده و حجاب نبوّت را از او برداشتی، ... .

پس فاطمه زهرا سلام الله علیها، به نبوت متّصل بوده و پرده‌ای میان او و حقیقت نبوت نیست و قطعاً خدای تبارک و تعالی، کسی جز حجّةالله را محرم این شأن نمی‌داند.

برهان۲۴- جایگاه باب و بیت فاطمه

در حدیث شریفی از امام موسی کاظم از پدر گرامش علیهماالسّلام از رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله آمده است:

حضرت (یعنی رسول‌الله) پیش از شهادتش سفارش ثقلین را به انصار کرد و در ضمن وصیّت‌های خود، بر حفظ حرمت حضرت فاطمه علیهاالسّلام سفارش اکید نموده و فرمود:

«يا مَعاشِرَ الْأَنْصارِ! أَلا إِسْمَعُوا وَ مَنْ حَضَرَ، أَلا إِنَّ بابَ فاطِمَةَ بابي، وَ بَيْتُها بَيْتي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجابَ اللهِ».

ای گروه انصار! هلا شما و هر که حضور دارد گوش دهید، بدانید همانا درب فاطمه درب من، و خانه‌اش خانه من است (حرمت خانه مرا دارد)، بنابراین هرکس حرمتش را بشکند، به یقین حجاب خدا را هتک کرده است.

و چون امام موسی کاظم به این‌جا رسید، حدیث را قطع کرد و بسیار گریه کرد و فرمود:

«هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، وَ حِجابُ اللهِ حِجابُ فاطِمَةَ، يا أُمَّهْ يا أُمَّهْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها»![۱۰۱]

سوگند به الله، حجاب‌الله پاره (و بی‌حرمت) شد، سوگند به الله، حجاب‌الله هتک شد، سوگند به الله، حجاب الله هتک شد، و حجاب‌الله حجاب فاطمه است، ای مادر! ای مادر! صلوات الله بر او باد.

دقت شود «حجاب‌الله، حجاب فاطمه» این جزبرای حجّة‌الله سزاوار نیست.

برهان۲۵- فاطمه، خانه‌اش برترین خانه‌های انبیاء

قرآن کریم می‌فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فيها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ».[۱۰۲]

در خانه‌هایی که خدا رخصت فرموده والا شوند و در آن‌ها نام او یاد گردد، و هر صبح و شام در آن‌ها تسبیح او کنند.

در روایات بسیاری در کتب خاصّه و عامّه از راویانی از جمله انس بن مالک و بریده روایت شده که گفتند: رسول الله این آیه را قرائت فرمود، کسی (ابوبکر) برخواست و گفت: (مراد آیه از خانه) کدام خانه است یا رسول‌الله؟ فرمود:

«بُيُوتُ الْأَنْبِياءِ».

خانه‌های پیامبران.

ابو بکر برخواست و گفت: ای پیامبرخدا! این خانه از آن‌هاست (خانه علی و فاطمه)؟ فرمود:

«نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِها».[۱۰۳]

آری، از برترین آن‌ها است.

خانه‌اش از برترین خانه‌هایی است که خداوند اجازه فرموده بالا رود و نام او در آن یاد شود، تسبیح صبح و شامی که خداوند از آن یاد نموده و آن را تأیید می‌فرماید، نه برای گذشته یا حال و آینده بلکه برای همه زمان‌ها.

برهان۲۶- جای‌گاه فاطمه نسبت به رسول الله

صدّیقه طاهره سلام الله علیها، وعاء و ظرف همه علوم قرآن است، زیرا لیلة القدر اوّل است که به نحو اِنزال بود و لیلة القدر تا آخر است که تقدیرات همه عالم خلق و امر به نحو تنزّل، اوست، و بنابر وحدت نوری، هم‌چون رسول خاتم و سیّدالأوصیاء صلوات الله علیهم، امر خلق و همه علوم و معانی ظاهری و باطنی قرآن و همه کتب آسمانی را داراست و بنابراین‌که در نور یکی هستند، هرچه بر رسول و ائمّه نازل می‌شود بر او نازل می‌شود لکن بنابر رتبه و ترتیب؛

و حضرت فاطمه علیهاالسّلام همه کمالات و مقامات و فضائل رسول‌الله و ائمّه اطهار علیهم صلوات الله را واجده است به جز نبوّت تأسیسی، و رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله به بیان خود در موقعیّت‌های مختلف و متعدّد آن‌را اِظهار فرمودند، مجاهد گوید: رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله روزی دست فاطمه را گرفته و از منزل خارج شدند و به مردم فرمودند:

«مَنْ عَرَفَ هٰذِهِ فَقَدْ عَرَفَها، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْها فَهِيَ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ هِيَ قَلْبي، وَ رُوحِيَ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَمَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ».[۱۰۴]

هرکه این (بانو) را می‌شناسد که می‌شناسد، و هرکه او را نمی‌شناسد، (بداند) او فاطمه دختر محمّد است، و او پاره‌ای از من است، و او قلب من است، و جان میان دو پهلوی من است، بنابراین هرکه او را بیازارد به تحقیق مرا آزرده است، و هرکه مرا بیازارد قطعاً خدا را آزرده است.

فاطمه از رسول الله و رسول الله از فاطمه

الله تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

«لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً قَدْ يَعْلَمُ اللهُ الَّذينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِواذاً فَلْيَحْذَرِ الَّذينَ يُخالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصيبَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ».[۱۰۵]

صدا کردن پیامبر را بین خودتان مانند صدا کردن بعضی از بعضی دیگر قرار ندهید. خداوند کسانی از شما را که در پناه یک‌دیگر پنهانی فرار می‌کنند می‌شناسد؛ بنا بر این آنانی که از فرمان او سرپیچی می‌کنند، باید بترسند از آن‌که فتنه‌ای به آنان برسد یا گرفتار عذابی دردناک گردند.

سیّد رضی قدّس‌سرّه به سند خود از امام جعفر صادق از پدرانش از حضرت فاطمه علیهم‌السّلام نقل کرد که فرمود:

«عَلَيَّ سَيِّدي (صَلَواتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ) قَرَأَ هٰذِهِ الْآيَةَ: لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً، فَجِئْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ أَقولَ لَهُ: يا أَباهُ، فَجَعَلْتُ أَقولُ: يا رَسولَ اللهِ. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، وَ قالَ: يا بُنَيَّةُ! لَمْ تَنْزِلْ فيكِ وَ لا في أَهْلِكِ مِنْ قَبْلُ، قالَ: أَنْتِ مِنّي، وَ أَنَا مِنْكِ، وَ إِنَّما نَزَلَتْ في أَهْلِ الْجَفاءِ، وَ إِنَّ قَوْلَكِ: يا أَباهُ، أَحَبُّ إِلىٰ قَلْبي، وَ

أَرْضىٰ لِلرَّبِّ، ثُمَّ قالَ: أَنْتِ نِعْمَ الْوَلَدِ، وَ قَبَّلَ وَجْهي، وَ مَسَحَني مِنْ ريقِهِ، فَمَا احْتَجْتُ إِلىٰ طيبٍ بَعْدَهُ».[۱۰۶]

سرورم (صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه) بر من این آیه را تلاوت فرمود: «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً»، نزد نبیّ اکرم صلّی‌الله‌علیه‌وآله آمدم و خواستم او را صدا بزنم و بگویم: ای پدر! اما به جای آن گفتم: یا رسول الله! حضرت به من رو کرد و فرمود: ای دخترکم! این آیه در شأن تو و خانواده‌ات نازل نشده. و فرمود: تو از من هستی، و من از تو هستم، و همانا این آیه در شأن اهل جفا نازل شده (که به درشتی و تندی مرا صدا می‌زنند)، و بدان «ای بابا» گفتن تو برای قلب من دوست داشتنی‌تر و برای خداوند رضایت‌مندتر است. سپس فرمود: تو چه بهترین فرزند هستی، سپس صورتم را بوسید، و از آب دهانش بر من مالید، که از آن پس دیگر مرا نیازی به عطر و بوی خوش نبود.

ابن شهرآشوب رحمه‌الله از کتاب قاضی ابو محمّد الکرخی از عامّه به سند خود از امام جعفر صادق از حضرت فاطمه علیهاالسّلام نقل کرده که فرمود:

«لَمّا نَزَلَتْ «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً» هِبْتُ رَسُولَ اللهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ يا أَبَتِ فَكُنْتُ أَقُولُ: يا رَسُولَ اللهِ فَأَعْرَضَ عَنّي مَرَّةً وَ اثْنَتَيْنِ أَوْ ثَلاثاً ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقالَ: يا فاطِمَةُ إِنَّها لَمْ تَنْزِلْ فيكِ وَ لا في أَهْلِكِ وَ لا في نَسْلِكِ، أَنْتِ مِنّي وَ أَنَا مِنْكِ، إِنَّما نَزَلَتْ في أَهْلِ الْجَفاءِ وَ الْغِلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ، أَصْحابِ الْبَذَخِ وَ الْكِبْرِ، قُولي يا أَبَتِ فَإِنَّها أَحْيا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضىٰ لِلرَّبِّ، ... ».[۱۰۷]

هنگامی که این آیه نازل شد، من از این‌که به رسول خدا صلّی الله علیه و آله و

سلّم «پدر» بگویم خودداری می‌کردم و لذا ایشان را با عنوان «رسول‌الله» مخاطب قرار می‌دادم ولی ایشان سه مرتبه، در زمانی که او را با این عنوان مورد خطاب قرار می‌دادم، از من اعراض نمود و دوری کرد و در دفعه بعد خطاب به من فرمود: ای فاطمه! این آیه درباره تو و اهل خانه تو و نسلی که از تو باقی می‌ماند نازل نشده، زیرا تو از من هستی و من از تو هستم، بلکه این آیه درباره ستم‌مکاران و متکبّران قریش نازل شده ولذا تو هم‌چنان مرا با لفظ «پدر» خطاب کن، زیرا قلب من به این کلمه خشنود گشته و زنده می‌شود، و خداوند نیز آن را بیشتر دوست می‌دارد.

فراز «تو از من هستی و من از تو هستم» تعبیری است که قرارداد و بیان آن جز برای مقام حجّة‌الله نخواهد بود و بدین معناست که وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها، در همه ابعاد از رسول‌الله هستند، نه تنها بُعد نَسب بلکه در معنا و واقع ظرف قابلی هستند که نبوّت خاتم الأنبیاء در آن جای دارد لکن نه نبوّت تأسیسی ضمن این‌که صامت‌اند به حسب امر و حکمت و مصلحت الهی. و این‌که رسول‌الله از حضرت فاطمه‌اند، به اتّحاد نوری ایشان و نیز مقام علم و عصمت و ولایت ایشان اشاره دارد.

برهان ۲۷- والاترین، شریف‌ترین، محبوب‌ترین، گرامی‌ترین

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ بَشيراً، ما عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ خَلْقٌ أَحَبَّ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ لا أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنّا...».[۱۰۸]

سوگند به خدایی که به حق مرا مژده‌دهنده مبعوث نموده، هیچ مخلوقی بر روی زمین نزد او محبوب‌تر و گرامی‌تر از ما نیست... .

از امام جعفر صادق علیه‌السّلام است در حدیث فرمودند:

«إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ الْأَرْواحَ قَبْلَ الْأَجْسادِ بِأَلْفَيْ عامٍ، فَجَعَلَ أَعْلاها وَ أَشْرَفَها أَرْواحَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ، فَعَرَضَها عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَغَشِيَها نُورُهُمْ، فَقالَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لِلسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ: هٰؤُلاءِ أَحِبّائي، وَ أَوْلِيائي، وَ حُجَجي عَلىٰ خَلْقي، وَ أَئِمَّةُ بَرِيَّتي، ما خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، وَ لِمَنْ تَوَلّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتي، وَ لِمَنْ خالَفَهُمْ وَ عاداهُمْ خَلَقْتُ ناري، ... ».[۱۰۹]

همانا الله تبارک و تعالی جان‌ها را دو هزار سال قبل از کالبدها خلق کرد، و عالی‌ترین و شریف‌ترین آن‌ها را، روح محمّد و علیّ و فاطمه و حسن و حسین و امامان بعد از ایشان صلوات الله علیهم قرار داد، آن‌گاه ارواح آنان را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه نمود، و نور آنان همه را فرا گرفت، سپس خداوند تبارک و تعالی به آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرمود: اینان دوستان و اولیاء و حجّت‌های من بر آفریدگانم می‌باشند، و پیشوایان مخلوقات من هستند، هیچ مخلوق را نیافریده‌ام که بیشتر از ایشان دوستش بدارم، و بهشت خود را برای دوست‌داران ایشان آفریده‌ام، و آتش جهنّم را برای هر کس که با آنان مخالفت و دشمنی ورزد پدید آورده‌ام... .

بنابراین روح مطهّره مولاتنا حضرت فاطمة الصّدّیقة سلام الله علیها، اقدم، اعلی و اشرف ارواح و نیز محبوب‌ترین آن‌ها نزد خدای تبارک و تعالی هستند.

بخش یازدهم

فاطمه و شجره طیّبه، نبوّت، رسالت و امامت

برهان۲۸- جای‌گاه فاطمه در شجره طیّبة

الله تعالی در قرآن کریم درباره اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام مثالی زده است و می‌فرماید:

«أَ لَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللهُ مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ * تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»:[۱۱۰]

آیا ندیدی که خداوند چگونه مثالی برای کلام پاکیزه زد که سخن پاکیزه، چون نهال پاکیزه است، ریشه آن برقرار و شاخه‌هایش در آسمان است؟ میوه‌اش را در همه وقت به اجازه پروردگارش می‌دهد. و خداوند (این‌گونه) مثل‌ها را برای مردم می‌زند تا متذکّر گردند.

فاطمة الشّجرة الطّيّبة

حضرت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام در حدیث مفاخره با امیرالمؤمنین علیه‌السّلام در محضر رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«... وَ أَنَا الشَّجَرَةُ الَّتي تُخْرِجُ أُكُلَها أَعْنِي الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، ... ».[۱۱۱]

... و منم شجره (طیّبة) که میوه‌اش را می‌دهد، مقصود (از آن میوه) حسن و حسین هستند... .

فاطمة ورقها

ازابن‌عبّاس روایت شده که جبرئیل علیه‌السّلام به رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله عرض کرد:

«أَنْتَ الشَّجَرَةُ، وَ عَلِيٌّ غُصْنُها، وَ فاطِمَةُ وَرَقُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها».[۱۱۲]

(مقصود از) درخت (در قرآن) شما هستید، و علی شاخه آن، و فاطمه برگ آن، و حسن و حسین میوه‌های آن هستند.

فاطمة فرعها

رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله فرمود:

«أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُها، وَ شيعَتُنا وَرَقُها، (وَ أَصْلُ الشَّجَرَةِ في جَنَّةِ عَدْنٍ)، (وَ الْأَصْلُ وَ الْفَرْعُ وَ اللِّقاحُ وَ الْوَرِقُ وَ الثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ)، (وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ)».[۱۱۳]

درخت من هستم، و فاطمه شاخه آن، و علی بارورکننده آن، و حسن و حسین میوه‌هایش، و شیعیان ما برگ‌هایش هستند، (و ریشه درخت در بهشت عدن است)، (و ریشه و شاخه و بارور کننده و برگ و میوه‌اش در بهشتند)، (سوگند به خدایی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت).

امیرالمؤمنین علیه‌السّلام فرمود: رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله فرمود:

«أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، ...».[۱۱۴]

درخت من هستم، و فاطمه شاخه آن، و علی بارورکننده‌اش، و حسن و حسین میوه‌هایش هستند... .

امام جعفرصادق علیه‌السّلام درباره این آیه فرمود:

«رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ وَ اللهِ جَذْرُها، وَ عَلِيٌّ ذِرْوُها، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ الْأَئِمَّةُ أَغْصانُها، وَ شيعَتُهُمْ أَوْراقُها، ... ».[۱۱۵]

سوگند به الله که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله ریشه آن (درخت طیّبه)، و علی بالای آن، و فاطمه تنه آن، و امامان شاخه‌هایش، و شیعیانشان برگ‌های آن (درخت) هستند، ... .

فاطمة حملها

«أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ حَمْلُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنَيْنِ ثَمَرُها، وَ الْمُحِبّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُها، إِلَى الْجَنَّةِ حَقّاً حَقّاً».[۱۱۶]

درخت من هستم، و فاطمه بار آن، و علی بارورکننده‌اش، و حسن و حسین میوه‌اش، و دوستان اهل‌بیت برگ‌هایش هستند، (همه روانه) به سوی بهشت هستند به حق و به حق (و راستی).

فاطمة لقاحها

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«أَنَا شَجَرَةٌ، وَ عَلِيٌّ الْقَلْبُ، وَ فاطِمَةُ اللِّقاحُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الثَّمَرُ، وَ شيعَتُنا الْوَرَقُ، ... ».[۱۱۷]

(مقصود از) درخت من هستم، و علی قلب است، و فاطمه بارورکننده‌اش، و حسن و حسین میوه‌اند، و شیعیان ما برگ‌ها هستند، ... .

«خَلَقَ اللهُ الْأَنْبِياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّىٰ، وَ خَلَقَني وَ عَلِيّاً مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُها، وَ عَلِيٌّ فَرْعُها، و فاطِمَةُ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا، وَ مَنْ زاغَ عَنْها هَوىٰ، ... ».[۱۱۸]

خداوند پیامبران را از درخت‌های گوناگونی آفرید، و من و علی را از یک درخت آفرید، من ریشه آن (درخت) هستم، و علی شاخه (تنه) آن، و فاطمه باروركننده آن، و حسن و حسین میوه‌اش، پس هر کسی که به شاخه‌ای از شاخه‌هایش آویزان شود نجات یافته، و هرکسی که از آن منحرف گردد هلاک شود، ... .

فاطمة عنصر الشّجرة

امام محمّد باقر علیه‌السّلام در تأویل شجره طیّبه در آیه کریمه فرمود:

«الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ، نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هَاشِمٍ، وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيٌّ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ أَغْصانُ الشَّجَرَةِ وَ ثَمَرُهَا الْأَئِمَّةُ، وَ وَرَقُ الشَّجَرَةِ الشّيعَةُ، ... ».[۱۱۹]

درخت (طیّبه) رسول‌الله است، نسب او ثابت (و صحیح) از بنی‌هاشم است، ریشه درخت فاطمه است، و تنه آن علی امیرالمؤمنین است، و شاخه‌ها و میوه‌اش امامان هستند، و برگ‌هایش شیعیانند... .

«الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ، أَصْلُها نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هاشِمٍ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ عُنْصُرُ (غُصْنُ) الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلامُ، وَ ثَمَرَتُهَا الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَ شيعَتُهُمْ وَرَقُها».[۱۲۰]

درخت (طیّبه) رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله است، ریشه‌اش نسب اوست که ثابت (و صحیح) در بنی‌هاشم است، و تنه آن علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السّلام است، و ریشه (شاخه) درخت فاطمه علیهاالسّلام است، و میوه‌اش امامان از فرزندانِ علی و فاطمه علیهم‌السّلام هستند، و شیعیانشان برگ‌هایش هستند، ... .

فاطمة غصنها

امام محمّد باقر علیه‌السّلام در روایت دیگری چنین فرمود:

«أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ فَرْعُها عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ غُصْنُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها، وَ ثَمَرُها أَوْلادُها عَلَيْهِمُ السَّلامُ، وَ وَرَقُها شيعَتُنا، ...».[۱۲۱]

درخت (در آیه) رسول‌الله صلّی‌الله علیه‌وآله است، و تنه آن علی علیه‌السّلام، و شاخه درخت فاطمه دختر رسول‌الله صلوات‌الله علیها است، و میوه آن فرزندان او علیهم‌السّلام، و برگ‌های آن شیعیان ما هستند، ... .

شجره طیّبة، شجره ولایت و امامت اهل‌بیت اطهار علیهم السّلام است و اصل آن، تنه، شاخه و میوه‌های آن، همه حجّت‌های الهی هستند، چطور ممکن است که حضرت فاطمه سلام الله علیها که از مهم‌ترین ارکان این شجره و بخش ضروری و بدل‌ناپذیر آن هستند، در شمار حجج الهی و از برترین ایشان نباشد؟

اما این‌که به عنوان مثال امیرالمؤمنین و حضرت زهرا سلام الله علیها، هر دو بزرگوار به عنوان تنه درخت معرفی می‌شوند، هیچ منافاتی با هم ندارد بلکه نشان‌دهنده این است که حضرت زهرا سلام الله علیه همان مقامات را دارا هستند و مانند امیرالمؤمنین علیه‌السّلام، اصل، فرع، عنصر، لقاح و الی آخره هستند و البته حجّة‌الله هستند.

ضمناً روایاتی که ثمره درخت را اولاد آن حضرت و امامان معصوم اعلام می‌فرماید، متضمّن این معناست که البته ایشان به طریق اولی از اولاد کرام خویش بالاتر و دارای مقام حجّة‌الله بر حجج می‌باشند.

برهان۲۹- فاطمه؛ نبوّت، رسالت، عصمت و حکمت

امیرالمؤمنین علیه السّلام به ایشان فرمودند:

«... يَابْنَةَ الصَّفْوَةِ، وَ بَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ... ».[۱۲۲]

... ای فرزند برگزیده (خداوند)، و ای باقی‌مانده نبوّت... .

و فرمودند:

«... يا بَقِيَّةَ النُّبُوَّةِ، وَ شَمْسَ الرِّسالَةِ، وَ مَعْدِنَ الْعِصْمَةِ وَ الْحِكْمَةِ...».[۱۲۳]

و فرموده‌اند:

«إِنَّ فاطِمَةَ بَقِيَّةُ النُّبُوَّةِ، وَ بَرْزَخٌ بَيْنَ بَحْرِ النُّبُوَّةِ وَ الْإِمامَةِ».[۱۲۴]

همانا فاطمه باقی‌مانده نبوّت، وبرزخ (وواسطه) میان دریای نبوّت وامامت است.

لازم به ذکر است که هرکدام از این احادیث نورانی، در باطن خود معارف بسیار بلندی را داراست که نیاز به شرح و تفسیر آن است و از ذات احدیّت جلّ‌وعلا خواهان آن هستیم؛ اجمالاً آن‌چه نتیجه این بیانات نورانی است این‌که فاطمه مطهّره، برزخ و میانه نبوّت کبری و رسالت، و ولایت عظمی است. مقام ایشان نزد خداوند مقام ویژه‌ای است که حتّی از امامت نیز بالاتر بوده و نشان از حجّة‌الله علی الحجج بودن ایشان دارد.

برهان۳۰- فاطمه، برگزیده رسول‌الله

امام حسین علیه‌السّلام فرمودند:

«لَمّا قُبِضَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ دَفَنَها أَميرُ الْمُؤْمِنينَ سِرّاً، وَ عَفا عَلىٰ مَوْضِعِ قَبْرِها، ثُمَّ قامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلىٰ قَبْرِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ فَقالَ: السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ عَنّي، وَ السَّلامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ، وَ زائِرَتِكَ، وَالْبائِتَةِ فِي الثَّرىٰ بِبُقْعَتِكَ، وَالْمُخْتارِ اللهُ لَها سُرْعَةَ اللَّحاقِ بِكَ. قَلَّ يا رَسُولَ اللهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْري، وَ عَفا عَنْ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ

تَجَلُّدي، إِلّا أَنَّ لي فِي التَّأَسّي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ...».[۱۲۵]

چون فاطمه علیهاالسّلام درگذشت، امیرالمؤمنین او را پنهانی به خاک سپرد، و جای قبرش را ناپدید کرد، سپس برخاست و رو به جانب قبر رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله کرد و گفت: سلام بر تو ای رسول‌خدا از جانب من، و از جانب دخترت، و دیدارکننده‌ات، و آن‌که در خاک رفته و در بقعه تو جای گرفته، او که خدا زود پیوستن به شما را برایش برگزید. ای رسول‌خدا! از دوری دختر برگزیده‌ات شکیبایی‌ام کم شد، و خویشتن‌داری من به خاطر سیّده زنان جهانیان از دست رفت. اما برایم پیروی از سنّت شما، در فراق عظیم شما، موجب تسلیت است... .

رسول‌الله کیست؟ و برگزیده رسول‌الله کیست؟ رسول‌الله که اشرف اوّلین و آخرین است، کسی جز حجّة‌الله را برگزیده نمی‌فرماید، و بسیار نادرست است اگر بیانات از این دست را، تعارف‌های احساسی و غیرواقعی بدانیم، زیرا که این مقام عصمت است که سخن می‌گوید، و هرگز هوای نفس و یا احساسات بر او غلبه نداشته و نخواهد داشت؛ «وَ ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوىٰ* إِنْ هُوَ إِلّا وَحْيٌ يوحىٰ* عَلَّمَهُ شَديدُ الْقُوىٰ»،[۱۲۶] فتأمّل.

برهان۳۱- فاطمة، ذی‌القربی

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَ آتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ وَ الْمِسْكينَ وَ ابْنَ السَّبيلِ ... ».[۱۲۷]

و حقّ خویشاوند و درمانده و در راه مانده را بده... .

«فَآتِ ذَا الْقُرْبىٰ حَقَّهُ وَ الْمِسْكينَ وَ ابْنَ السَّبيلِ ذٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذينَ يُريدُونَ وَجْهَ اللهِ وَ أُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».[۱۲۸]

پس حقّ خویشان و مستمندان و درراه‌ماندگان را بده، آن بهتر است برای کسانی که رضای خدا را می‌خواهند، و آن‌ها رستگاران هستند.

«وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ وَ الْيَتامىٰ وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللهِ وَ ما أَنْزَلْنا عَلىٰ عَبْدِنا يَوْمَ الْفُرْقانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعانِ وَ اللهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».[۱۲۹]

و بدانید هرچه فایده بردید، پنج یک آن برای خداست و مال رسول و خویشان رسول و یتیمان و درماندگان و درراه‌ماندگان است، (چنین کنید) اگر به خدا و آن‌چه در روز جدایی، روزی که دو گروه یک‌دیگر را ملاقات می‌کنند، بر بنده‌مان نازل کرده‌ایم، ایمان دارید، که خداوند برهمه چیزتواناست.

«ما أَفاءَ اللهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرىٰ فَلِلّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبىٰ وَ الْيَتامىٰ وَ الْمَساكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ وَ ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللهَ إِنَّ اللهَ شَدِيدُ الْعِقابِ».[۱۳۰]

آن چیزهایی که خداوند از ثروت مردم آبادی‌ها نصیب پیامبرخویش کرد، از آنِ خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان است، تا در بین ثروت‌مندان شما دست به دست نگردد، و آن‌چه پیامبربرای شما می‌آورد، به کار بندید و آن‌چه نهی می‌کند خودداری نمایید، از خدا بترسید که قطعاً خداوند مجازات شدیدی دارد.

«إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبىٰ وَ يَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ».[۱۳۱]

همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و نیکی می‌دهد و دادن حقّ خویشاوندان امر

می‌کند و از فحشاء و کارهای زشت و تجاوز نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.

در تفسیر شریف فرات بن ابراهیم کوفی محدّث عصر غیبت صغری، سه روایت از امام محمّد باقر علیه‌السّلام درباره این آیه کریمه آمده که حضرتش پس از قرائت آیه فرموده:

«الْعَدْل رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ الْإِحْسان أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ بْنُ أَبي‌طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى فاطِمَةُ الزَّهْراءُ عَلَيْهَا السَّلامُ».[۱۳۲]

(مقصود از) «عدل» (در این آیه) رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله است، و «احسان» امیرالمؤمنین علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السّلام (و ولایت او) است، و «ذی‌القربی» فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام است.

و در یکی از این روایات اضافه دارد:

«ذی‌القربی» فاطمه و امامان از فرزندان اوست.

و در روایاتی آن‌چه را که به ایتاء ذی‌القربی مأمور شده‌ایم، چنین بیان شده است: خداوند دستور داده است به سوی ایشان برویم و ایشان را مودّت نماییم و به ایشان ظلم نکنیم و به سوی دیگران نرفته و آنان را دوست نداشته باشیم و جای‌گزین اهل‌بیت علیهم‌السّلام ننماییم. در روایات بسیاری اضافه بر بیان این‌که عدل رسول‌الله و احسان امیرالمؤمنین و ذی‌القربی اهل‌بیت علیهم‌السّلام هستند، بیان می‌کنند که «فحشاء» و «منکر» و «بغی» که از آن‌ها نهی شده‌ایم فلانی و فلانی و فلانی است.

امر الهی چنین مقرّر شده: همان‌طور که ایمان داشتن به رسول‌الله و ائمّه اطهار و مقامات الهی آن‌ها بر ما واجب است، باید به آنان اقتدا کرده و از آنان اطاعت کنیم و همان جای‌گاه را برای فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام بدانیم، ایمان داشته باشیم و اطاعت نماییم.

برهان۳۲- «المودّة الواجبة» از آنِ فاطمه است

خداوند تبارک و تعالی خطاب به پیامبرش می‌فرماید:

«... قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ ... ».[۱۳۳]

... بگو برای (ابلاغ رسالت الهی) از شما پاداشی درخواست نمی‌کنم جز دوستی خویشاوندانم (که بر شما واجب است)... .

در بسیاری از کتاب‌های تفسیر و حدیث و فضائل اهل‌بیت علیهم‌السّلام از شیعه امامیّه و مخالفین در تفسیر مودّت در آیه کریمه، و مودّت آل‌محمّد و به ویژه حضرت فاطمه علیهم‌السّلام، احادیث بسیاری ذکر شده است. مودّت حضرات اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام بر همه واجب است، واجب الهی، و فاطمة‌الزّهراء علیهاالسّلام قطب اهل‌بیت‌اطهار است؛ و خداوند این مقام وجوب مودّت مطلق یا به تعبیر صحیح‌تر مطلق مودّت داشتن را نسبت به کسانی واجب مقرّر نموده که مطیع اوامر الهی و امرکننده به فرامین خداوند هستند و این، جز مقام حجّة‌الله نیست.

برهان۳۳- فاطمه و بطن مادرش خدیجه

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت فاطمه درباره مادر گرامش امّ‌المؤمنین خدیجه علیهماالسّلام فرمود:

«إِنَّ بَطْنَ أُمِّكِ كانَ لِلْإِمامَةِ وِعاءً».[۱۳۴]

همانا شکم مادرت ظرفی برای امامت بود.

دلالت نصّ این حدیث شریف واضح بوده و بر این است که حضرت خدیجه، مادر امامان است، یعنی فرزند بلافصل ایشان، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز امام هستند. ضمن این‌که بنابر احادیث رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله، افضلیّت ایشان بر مادر گرامش و نیز بر امامان از نسل خودش مسلّم است.

بخش دوازدهم

فاطمه و امامت

برهان۳٤- امامت نعمة الله، فاطمة نعمة الله

بنابرنصّ آیه کریمه

«... وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لا تُحْصُوها... ».[۱۳۵]

... و اگرنعمت‌های الهی را بشمارید، نتوانید... ».

نعمت‌های الهی قابل شمارش نیستند و اصل و علّت، آغاز و انجام «نعمةالله»، حضرات محمّد و آل‌محمّد صلّی‌الله علیهم هستند، امامت و ولایت حضرات اهل‌بیت‌اطهار محمّدوآل‌محمّد صلوات الله‌وسلامه‌علیهم نعمت الله است، و بنابرآیه کریمه تبدیل آن به غیرآنان کفرو سبب خلود درعذاب الهی است:

«الَّذینَ بَدَّلُوا نِعْمَةَ اللهِ کُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ».[۱۳۶]

کسانی که نعمت خدا را به کفرتبدیل کردند و قوم خود را به نابودی کشاندند.

مولی‌الموحّدین علیّ بن ابی‌طالب علیه‌السّلام ضمن حدیثی درباره امرامامت خود و ائمّه علیهم‌السّلام این آیه کریمه را قرائت کرد و فرمود:

«نَحْنُ وَ اللهِ نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ اللهُ بِها عَلىٰ عِبادِهِ، وَ بِنا فازَ مَنْ فازَ».[۱۳۷]

سوگند به الله، نعمةالله که خداوند به بندگانش ارزانی داشته، ما (اهل‌بیت‌اطهار)

هستیم، و هرکه رستگار شد به (سبب ایمان به امامت و ولایت) ما (که برترین نعمت و اصل آن هستیم) رستگار شد.

امام محمّد باقر علیه‌السّلام در حدیثی در وصف اهل بیت اطهار علیهم‌السّلام فرمود:

«... وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، ... ».[۱۳۸]

... و از جمله «نعمة‌الله» برآفریدگانش ما (اهل‌بیت) هستیم... .

عثمان بن عیسی گوید: از امام جعفر صادق علیه السّلام درباره آیه کریمه پرسیدم و آن حضرت فرمود:

«نَزَلَتْ فِي الْأَفْجَرَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ، وَ مِنْ بَني أُمَيَّةَ، وَ بَنِي الْمُغيرَةِ. فَأَمّا بَنُو الْمُغيرَةِ فَقَطَعَ اللهُ دابِرَهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ، وَ أَمّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمُتِّعُوا إِلىٰ حينٍ. وَ نَحْنُ وَ اللهِ نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ بِها عَلىٰ عِبادِهِ، وَ بِنا يَفُوزُ مَنْ فازَ».[۱۳۹]

درباره دو نابکار قبیله قریش و بنی امیّه و بنی مغیره نازل شده ، امّا بنی مغیره را خداوند در جنگ بدر دمار از روزگارشان درآورد، ولی بنی‌امیّه تا مدّتی آزادند. و به خدا سوگند ما (اهل‌بیت) هستیم آن نعمتی که خداوند به مردم ارزانی داشته، و به وسیله ما رستگار گردد آن‌که رستگار گردد.

و امامت را در واقعه غدیرخم نیزنعمت خاصّ خود اعلام فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ ديناً».[۱۴۰]

امروز دینتان را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و برای شما اسلام را به عنوان دین، پسندیدم.

بنابراین، آن‌چه میان فاطمه زهرا سلام الله علیها و سایر اهل‌بیت در این زمینه مشترک است، مقام امامت و حجّة‌الله بودن ایشان است.

برهان۳۵- علی هم‌تای ایمانی فاطمه

امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند:

قالَ لي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ: يا عَلِيُّ! لَقَدْ عاتَبَتْني رِجالٌ مِنْ قُرَيْشٍ في أَمْرِ فاطِمَةَ وَ قالُوا: خَطَبْناها إِلَيْكَ فَمَنَعْتَنا وَ تَزَوَّجْتَ عَلِيّاً. فَقُلْتُ لَهُمْ: وَ اللَّهِ ما أَنَا مَنَعْتُكُمْ وَ زَوَّجْتُهُ، بَلِ اللهُ تَعالىٰ مَنَعَكُمْ وَ زَوَّجَهُ. فَهَبَطَ عَلَيَّ جَبْرَئيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ يَقُولُ: لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيّاً لَما كانَ لِفاطِمَةَ ابْنَتِكَ كُفْوٌ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ».[۱۴۱]

رسول‌الله صلّی الله علیه و آله و سلّم به من فرمودند: ای علی، به راستی که مردانی از قریش درباره فاطمه مرا سرزنش نمودند و گفتند: او را از تو خواستگاری کردیم و ما را بازداشتی، و به علی ترویج نمودی. به آنان گفتم: به خدا سوگند، نه من شما را بازداشتم و نه او را به شوهر دادم بلکه الله تعالی شما را بازداشت و او را شوهر داد. سپس جبرئیل علیه السّلام بر من فرود آمده، گفت: ای محمّد، به راستی خداوند ـ جلّ جلاله ـ می‌فرماید: اگر علی را نمی‌آفریدم، برای دخترت فاطمه، هم‌تایی برروی زمین نبود، از آدم گرفته تا دیگران.

یونس بن ظبیان گوید: شنیدم حضرت (امام جعفرصادق علیه‌السّلام) می‌فرمود:

«لَوْ لا أَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ لِفاطِمَةَ ما كانَ لَها كُفْوٌ عَلىٰ ظَهْرِ الْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ».[۱۴۲]

اگر خدای تبارک و تعالی امیرالمؤمنین علیه‌السّلام را برای فاطمه نمی‌آفرید، بر روی زمین، هم‌تایی برای او نبود، از آدم گرفته تا سایرین.

هم‌چنین در حدیث دیگری فرمودند:

«لَوْلا أَنَّ أَمیرَالْمُؤْمِنینَ عَلَیْهِالسَّلامُ تَزَوَّجَها لَما کانَ لَها کُفْوٌ عَلیٰ وَجْهِ الْأَرْضِ إِلیٰ یَوْمِ الْقِیامَةِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ».[۱۴۳]

اگر نبود که امیرالمؤمنین علیه‌السّلام با او ازدواج کرد، قطعاً تا روز قیامت از آدم گرفته تا دیگران، کسی که هم‌تای او باشد برایش نبود.

کفو ایمانی فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام، امیر المؤمنین علیه‌السّلام است و از سوی دیگر ولایت و امامت بر اساس درجه ویژه و یگانه‌ای از ایمان است، واضح مطلب نیز مقام حجّةالله است.

برهان۳۶- فاطمه، علیّ دیگر

از امام جعفر صادق علیه‌السّلام روایت است که فرمودند:

«وَ الْفَجْرِ » هُوَ الْقائِمُ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ، «وَ اللَّیالِي الْعَشْرُ» الْأَئِمَّةُ عَلَیْهِمُ‌السَّلامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَی الْحَسَنِ، «وَ الشَّفْعُ أَمیرُ الْمُؤْمِنینَ وَ فاطِمَةُ عَلَیْهِمَاالسَّلامُ، «وَ الْوَتْرُ » هُوَ اللهُ وَحْدَهُ لا شَریكَ لَهُ، «وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ» هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْري إِلیٰ قِیامِ الْقائِمِ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ».[۱۴۴]

سخن خداوند که فرمود: «وَ الْفَجْرِ» او حضرت قائم عجّل‌الله‌فرجه است، «وَ لیالٍ عَشْرٍ» ائمّه از امام حسن تا امام حسن هستند، «وَ الشَّفْعُ» امیرالمؤمنین و فاطمه علیهماالسّلام هستند، «وَ الْوَتْرُ» الله است که یگانه است و شریک ندارد «وَ اللَّیْلِ إِذا یَسْرِ» دولت حبتر است که تا قیام قائم عجّل الله فرجه ادامه دارد.

برهان۳۷- رسول‌الله و فاطمه، دو رکن امیرالمؤمنین

حمّاد بن عیسی از امام جعفر صادق از پدرش علیهماالسّلام نقل می‌کند و آن حضرت از

جابربن عبد الله انصاری که گفت: سه روز پیش از آن‌که رسول خدا صلّی‌الله‌علیه‌وآله جهان را وداع گوید شنیدم که به علی علیه السّلام می‌فرمود:

«سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فَلَمّا قُبِضَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ لي رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فَلَمّا ماتَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ عَلَيْهِ‌وَآلِهِ».[۱۴۵]

ای پدر دو گل من! سلام خدا برتو باد، سفارش می‌نمایم تو را درباره دو گلم از دنیا (یعنی امام حسن و امام حسین)، به زودی دو رکن تو ویران می‌شوند، و خداوند جانشینم بر توست. و هنگامی که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله دیده از دنیا فروبست، علی علیه‌السّلام فرمود: این یکی از آن دو رکن من بود که رسول‌خدا صلّی الله علیه وآله به من خبرداد. و پس از آن‌که فاطمه علیهاالسّلام از دنیا رفت، علی علیه‌السّلام فرمود: این دومین رکنی بود که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود.

متن تلفیق از کتب عامّه:

«سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيا، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا خَيراً؛ فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ (يَذْهَبُ) رُكْناكَ، وَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ خَليفَتي عَلَيْكَ، فَلَمّا قُبِضَ رَسولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ قالَ عَلِيٌّ

عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ (الرُّكْنَيْنِ) الَّذَيْنِ (الَّذي) قالَ لي رَسولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. فَلَمّا ماتَتْ فاطِمَةُ رَضِيَ اللهُ عَنْها قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذا رُكْنِيَ (الرُّكْنُ) الثّانِي (الرُّكْنُ الْآخَرُ) الَّذي قالَ لي رَسولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ». [١٤٦]

کسی که مقام رسول‌الله و امیرالمؤمنین را دریابد، معنای رکن بودن فاطمه سلام الله علیها را برای آن حضرت خواهد دانست. فاطمه کیست که در این جایگاه با رسول‌الله شریک است؟ و امیرالمؤمنین کیست که فاطمه رکن اوست؟

و آن‌کس که معنای رکن را دریابد، خواهد دانست که هیچ‌کس جز حجّة‌الله نمی‌تواند رکن حجّة‌الله باشد. فتأمّل جیّداً.

برهان۳۸- واجب بی برو برگرد

امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«مِنَّا الْإِمامُ الْمَفْرُوضُ طاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ ماتَ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرانِيّاً، وَاللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ». [١٤٧]

امامی که فرمان‌برداری از او واجب است از ما اهل‌بیت است، هرکس او را انکار نماید یهودی یا نصرانی می‌میرد (مسلمان از دنیا نمی‌رود بلکه کافر خواهد مُرد)، به خدا سوگند که خداوند زمین را از آن‌گاه‌که آدم را قبض روح نمود، وانگذارده مگر این‌که درآن امامی‌که به وسیله او به سوی خداوند هدایت شود، قرارداده است.

ابو بصیر، گوید: از امام ابو جعفر محمّد بن عليّ الباقر علیه‌السّلام از مصحف فاطمة صلوات‌الله علیها پرسیدم، ... تا این‌که فرمود:

«... وَ لَقَدْ كانَتْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها طاعَتُها مَفْرُوضَةً عَلىٰ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْجِنِّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهائِمِ، وَ الْأَنْبِياءِ، وَ الْمَلائِكَةِ ...».[۱۴۸]

... و قطعاً (فاطمه) ـ صلوات (و درودهای) الله بر او باد ـ اطاعت از او بر همه آفریدگان؛ جنّ و انس، پرندگان و چهارپایان، و پیامبران و فرشتگان واجب بود... .

وقتی بر همه از جمله بر انبیاء و حجج الله، حجّت الله است و معرفت و طاعتش بر آنان فرض، پس در همه عوالم و درجات و مراتب و شئونات، واسطه در ایجاد و استمرار فیوضات الهی (معنوی و مادّی)، بر آنان می‌باشد تا آخر و بعد از خلق.

قرآن کریم به اطاعت محض از الله تعالی امر می‌کند، سپس به اطاعت محض از رسول‌الله و ائمّه معصومین صلوات الله علیهم امر می‌کند:

«يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... ».[۱۴۹]

و بنابر فرمایشات و نیز تفسیر طٰهٰ و آل یاسین صلوات الله علیهم از آیاتی از قرآن کریم، اطاعت از حضرت صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء سلام الله علیها بر همه فرض، و امامتش بر حضرات ائمّه معصومین از نسل خود صلّی‌الله علیهم ساری و جاری است.

اضافه بر این‌که در حدیثی که تحت عنوان «دورنمای ولایت اهل‌بیت» ذکر شده به نقل از امام موسی کاظم علیه‌السّلام درباره جای‌گاه امامان هدایت مطالب ارزش‌مندی آمده است و حضرت در آخر حدیث می‌فرمایند:

«إِنَّ اللهَ اشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطّاعَةِ».[۱۵۰]

به راستی خداوند علم و نیز واجب بودن اطاعت را میان پیامبران و جانشینان

پیامبران، به اشتراک نهاده است.

بنابراین هم‌چنان که ولایت در معرفت دارد، ولایت در طاعت نیز از آنِ اوست؛ همان‌طور که معرفت او واجب است، اطاعت از او نیز همانند سایر اهل‌بیت اطهار علیهم‌السّلام بر همگان حتّی بر انبیاء علیهم‌السّلام واجب است.

حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند:

«... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ) اللهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً (أَماناً) لِلْفُرْقَةِ، ...».[151]

... الله برای پاک بودن از (آلودگی) شرک؛ ایمان را بر شما واجب فرمود، ... و اطاعت (از ما اهل‌بیت) را برای نظام ملّت، و امامت ما را برای اجتماع (و امانی) از تفرقه مقرّر نمود، ... .

ایمان را سبب طهارت از شرک فرمود، و دقت شود که فرمود: «... وَ طاعَتَنا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا ...» زیرا که حضرتش از اهل‌البیت است، در نتیجه اطاعت از او بر انبیاء و غیر آنان ـ چنان‌چه گذشت ـ واجب است، زیرا او نیز حجّة‌الله است و فرمود: «وَ إِمامَتَنا...» بنابراین ایشان نیز شیعیانی دارد.

برهان۳۹- امامت، خاصّ نسل فاطمه

امام علیّ الرّضا علیه‌السّلام در حدیث وصف امام و امامت و عجز مردم از شناخت و اختیار امام علیهم‌السّلام فرمود:

«...، فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيارِ الْإِمامِ؟! وَ الْإِمامُ عالِمٌ لا يَجْهَلُ، ... مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ نَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبَتُولِ، ...».[152]

... پس چگونه می‌توانند امام اختیار کنند؟! با آن‌که باید امام کسی باشد که دانا است و نادانی نمی‌کند، ... و مخصوص به دعوت از طرف رسول‌خدا

صلّی‌الله‌علیه‌وآله باشد و از جانب او تعیین شود، و از نژاد و نسل فاطمه زهراء مطهّره بتول است، ... .

اضافه کنید این حدیث را به حدیثی که تحت عنوان «فاطمه و بطن مادرش خدیجه» آورده شد، امامت بر مردم انتصابی الهی است، و در خصوص نسل رسول‌الله و فاطمه صلّی‌الله‌علیهماوآلهما است.

رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود:

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ أَنَا مِنْها، ...

وَ هِيَ رُوحِيَ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيَّ، ...

مَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ،

وَ مَنْ آذَى اللهَ أَكَبَّهُ اللهُ فِي النّارِ، ...

يَرْضَى اللهُ لِرِضاها، وَ يَغْضَبُ لِغَضَبِها، ... ».

بخش سیزدهم

علم فاطمه

برهان۴۰- علم فاطمة محیط بر خلق و عدم

حضرت فاطمه خطاب به امیرالمؤمنین فرمود:

«إِعْلَمْ یا أَبَاالْحَسَنِ!... أَعْلَمُ ما کانَ وَ ما یَکُونُ، وَ ما لَمْ یَکُنْ. یا أَبَاالْحَسَنِ! الْمُؤْمِنُ یَنْظُرُ بِنُورِ اللهِ تَعالیٰ».[۱۵۳]

یا ابا الحسن! بدان که... نسبت به هرآن‌چه بوده، هست و خواهد بود و آن‌چه نخواهد بود دانایم. یا ابا الحسن! مؤمن به نور الله تعالی می‌بیند.

صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام به امیرالمؤمنین علیه‌السّلام فرمود:

«أُذْنُ لِأُحَدِّثَكَ بِما کانَ وَ بِما هُوَ کائِنٌ وَ بِما لَمْ یَکُنْ إِلیٰ یَوْمِ الْقِیامَةِ حینَ تَقُومُ السّاعَةُ».

نزدیک بیا تا به تو بگویم آن‌چه را واقع شده و آن‌چه واقع خواهد شد و آن‌چه تا روز قیامت (یعنی زمان ظهور) رخ ندهد تا برپا شدن ساعت (یعنی روز قیامت).

دانش نسبت به گذشته و حال و آینده و آن‌چه رخ نخواهد داد، به کسی جز حجّة‌الله داده نمی‌شود زیرا که او برای هدایت خلق و اعمال ولایت خویش، ناگزیر از دانش‌مند بودن است و این نیز مقامی از مقامات شامخ ولیّة‌الله العظمی فاطمه زهرا سلام الله علیها است که بر حجّیّت ایشان بر خلق دلالت دارد.

برهان۴۱- ژرفای دریای علم فاطمه

بنابر آیه کریمه

«مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ».[۱۵۴]

دو دریا را که با هم ملاقات دارند به هم آمیخت.

و احادیث ذیل آن، این دو دریا، استعاره از مولانا امیرالمؤمنین و سیّدتنا فاطمةالزّهراء می‌باشد و دریا عبارت از دریای ژرف علم‌الله است. و واضح است که الله تعالی، کسی جزحجّةالله را امین علم خویش مقرّر نفرموده است.

برهان۴۲- «مصحف» میراث ویژه فاطمه

مولانا امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمودند:

«وَ لَقَدْ أُعْطِيَتْ زَوْجَتي مُصْحَفاً فيهِ مِنَ الْعِلْمِ ما لَمْ يَسْبِقْها إِلَيْهِ أَحَدٌ، خاصَّةً مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ».[۱۵۵]

و به راستی به همسرم مصحفی مشحون از علم داده شده که هیچ‌کس در این امر، براو پیشی نگرفته است، ویژگی مختصّ برای او از جانب الله و پیامبرش.

امام جعفرصادق علیه السّلام ضمن حدیثی به ابوبصیرفرمودند:

«... وَ ما يُدْرِيهِمْ ما مُصْحَفُ فاطِمَةَ؟! قال: مُصْحَفٌ فيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هٰذا ثَلاثَ مَرّاتٍ، ... هُوَ شَيْءٌ أَمْلاهَا اللهُ، وَ أَوْحىٰ إِلَيْها، ...».[۱۵۶]

... و چه می‌دانند مصحف فاطمه چیست؟ فرمود: مصحفی است مانند این قرآن شما، ۳ برابر... چیزی است که خداوند بر او (یعنی حضرت فاطمه) املا فرموده و وحی نموده است... .

حضرت واسطه علوم و مواریث الهی و انبیاء و مصحف خود برای ائمّه است.

هرچند جریان مصحف فاطمه، پس از رسول‌الله بوده است لکن بنابراحادیث بسیار،

مسلّم است که آن‌چه از وحی و الهام از ذات احدیّت می‌رسد، نخست به روح رسول الله داده می‌شود و بعد از او به حضرات اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام می‌رسد؛
مصحف فاطمه سلام‌الله‌علیها نیز به واسطه روح و نور وجود رسول‌الله به حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها رسیده است. مصحف او فیض عظیم الله تعالی بر فاطمه است به واسطه رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله،

و ما أدراك ما مصحف فاطمة؟

از این حدیث شریف معلوم می‌شود که مصحف او بر همه کتب آسمانی هیمنه و سلطنت دارد اضافه بر این‌که مصحف او سه بار مانند قرآن شماست، سه برابر بزرگ‌تر، زیرا اضافه بر ظاهر قرآن، باطن آن و حقیقت و تأویل آن نیز هست.

امامت و مصحف فاطمة

ابوبصیر گوید: از امام ابوجعفر محمّد بن علیّ الباقر علیه السّلام درباره مصحف فاطمه صلوات الله علیها پرسیدم... تا آن‌جا که فرمود:

«... وَ فیهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ کَما أُنْزِلَ، وَ عِلْمُ التَّوْراةِ کَما أُنْزِلَتْ، وَ عِلْمُ الْإِنْجیلِ (کَما أُنْزِلَ)، وَ (عِلْمُ) الزَّبُورِ، ...».[۱۵۷]

در (مصحف فاطمه) علم قرآن است هم‌چنان که نازل شده، و دانش تورات است آن‌چنان که نازل شده، دانش انجیل است آن‌چنان که نازل شده و دانش زبور است، آن‌چنان که نازل شده است... .

تمامی علوم قرآنی و کتب آسمانی «به نحو انزال و نه تنزیل» در مصحف فاطمه علیهاالسّلام است. مصحف او بر آن کتاب‌ها هیمنه و سلطنت دارد، نه تنها ظاهر آن بلکه حاوی تأویل و باطن آن است.

و از دیگر سوی، مصحف فاطمه علیهاالسّلام که از مواریث و لوازم امامت است، امام

علیّ بن موسی الرّضا علیه‌السّلام فرمود:

«لِلْإِمامِ عَلاماتٌ؛ ... ، وَ إِذا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلىٰ راحَتَيْهِ رافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهادَتَيْنِ، ... وَ يَكُونُ مُحَدَّثاً، ... وَ يَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ».[۱۵۸]

امام نشانه‌هایی دارد؛ ... ، و (از جمله) هنگامی که از شکم مادر بر زمین افتد، دو کف دست خود را بر زمین نهاده و صدایش را به شهادت بلند کند، ... و محدَّث باشد، ... و مصحف فاطمه علیهاالسّلام نزد او باشد.

مصحف حضرت، حاوی علوم عوالم ملکوت و غیرآن و حوادث گذشته و حال و آینده همه عوالم و طبقات و اصناف آن است و این همه از مواریث امامت است، به یقین او، کسی جزحجّةالله نیست.

بخش چهاردهم

فاطمه در آیات

برهان۴۳- فاطمه در آیه نور

قرآن کریم می‌فرماید:

«اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ».[۱۵۹]

خداوند، نور (یعنی روشنی‌بخش) آسمان‌ها و زمین است، (صفت و) مَثَلِ نور او چون قندیلی است‌که در آن چراغی است و آن چراغ در شیشه‌ای است، آن شیشه گویی ستاره درخشانی است از درخت پربرکت زیتون، با آن‌که نه شرقی و نه غربی است (شرق و غرب جهان به آن روشن است)، (از شدّت صافی آن روغن) نزدیک است بدون تماس با آتش روشنی دهد؛ نوری است بر فراز نور دیگر، خدا هر که را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند، و خداوند برای مردم مثال‌ها می‌زند، و او به همه چیز داناست.

در حدیث رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرازهای آیه نور به حضرت فاطمه و دوازده امام

علیهم‌السّلام تفسیر شده است؛ «نور» نام رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله و «الْمِشْكاةُ» امیرالمؤمنین و «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» بر امام محمّد باقر و «يَكادُ زَيْتُها» بر امام حسن زکیّ ـ عسکری و «يُضيءُ» بر صاحب الزّمان علیهم‌السّلام بیان شده است.[۱۶۰]

و در حدیث امیرالمؤمنین علیه‌السّلام «الْمِشْكاةُ» به رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله و «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» به امام علیّ بن الحسین و «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» به امام محمّد جواد علیهم‌السّلام تفسیر شده است.[۱۶۱]

و امام علیّ بن الحسین علیه‌السّلام فرمود:

«مَثَلُنا فِي كِتابِ اللهِ كَمَثَلِ الْمِشْكاةِ، فَنَحْنُ الْمِشْكاةُ، ... ».[۱۶۲]

مَثَلِ ما اهل‌بیت در کتاب الله همانند چراغ‌دان است، (مقصود از) آن چراغ‌دان ما اهل‌بیت هستیم... .

و امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«الْمِشْكاةُ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، ... «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَأَنَّ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِساءِ أَهْلِ الْأَرْضِ (أَهْلِ الدُّنْيا) (الْعالَمينَ) (وَ نِساءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ)، ... يَكادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ (يَنْفَجِرُ) مِنْها، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» إِمامٌ مِنْها بَعْدَ إِمامٍ، ... ».[۱۶۳]

(مقصود از) «چراغ‌دان» فاطمه علیهاالسّلام است، ... «گویی ستاره‌ای درخشان است» گویی فاطمه علیهاالسّلام ستاره‌ای درخشان است در میان زنان اهل زمین (زنان اهل دنیا) (زنان جهان) (و زنان اهل بهشت)، ... نزدیک است‌که نور علم از او درخشش گیرد (از شدّت خلوص و صافی)، «هرچند که آتش به او نرسد، نوریست برفراز نوری» امامی از آن بعد از امامی، ... .

و امام موسی الکاظم علیه‌السّلام فرمود:

«الْمِشْكاةُ» فاطِمَةُ، ... «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كانَتْ كَوْكَباً دُرِّيّاً بَيْنَ نِساءِ الْعالَمينَ، ... «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ أَنْ يَنْطِقَ مِنْها...».[۱۶۴]

«چراغ‌دان» فاطمه است، ... «گویا ستاره‌ای درخشان است» آن‌حضرت ستاره‌ای درخشان در میان زنان جهانیان بود، ... «نزدیک است روغنش درخشش گیرد» نزدیک است که علم (پیش از وحی) از او نطق گیرد... .

و امام علیّ بن موسی الرّضا علیه‌السّلام فرمود:

«... مَثَلُنا في كِتابِ اللهِ كَمَثَلِ مِشْكاةٍ، وَ الْمِشْكاةُ في الْقِنْديلِ، فَنَحْنُ الْمِشْكاةُ «فيها مِصْباحٌ»، الْمِصْباحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ» مِنْ عُنْصُرَةٍ طاهِرَةٍ، ... فَالنُّورُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلامُ، يَهْدي اللهُ لِوَلايَتِنا مَنْ أَحَبَّ، ... ».[۱۶۵]

... مَثَلِ ما (اهل‌بیت‌اطهار) در کتاب الله همانند چراغ‌دان است، و چراغ‌دان در آویز است، (مقصود از) مشکات ما هستیم، «فيها مِصْباحٌ» مصباح محمّد رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌واله است، «الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ» از عنصری طاهره (و پاکیزه) است، ... و «نور» علی علیه‌السّلام است، هرکه را الله دوست دارد به ولایت ما هدایت فرماید... .

این احادیث و دیگر احادیث در تفسیر قسمت‌های این آیه کریمه تصریح و دلالت دارند بر این‌که «مَثَلُ نُورِهِ» «كَمِشْكاةٍ» «فيها مِصْباحٌ» «الْمِصْباحُ» «في زُجاجَةٍ» «الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» «نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» «لِنُورِهِ» همه حکایت از اهل‌بیت

عصمت و طهارت علیهم‌السّلام دارد و بر آنان دلالت می‌کنند، و حضرت فاطمة الزّهراء سلام‌الله‌علیها نیز از آنان و در ولایت هم‌سان آنان است، و یازده امام از ائمّه اطهار از آن مشکات و نور الهی هستند.

همه آنان چراغ‌دان و چراغ و جام و روغن‌چراغ، مبارک، نه شرقی و نه غربی هستند، نور درخشان و بر نور دیگرند، همه نورند و از نورند و نور از آنان است، امامت و ولایت در آنان و از آنان و به آنان است آغاز و انجام آن، و همه از یک‌دیگرند، و حضرت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام رتبه و مقام ویژه‌ای دارد زیرا که او «عُنْصُرَةٍ طاهِرَةٍ» است که «یَکادُ الْعِلْمُ یَتَفَجَّرُ مِنْها» و «یَکادُ الْعِلْمُ أَنْ یَنْطِقَ مِنْها»؛

شرح آن؟؟؟ بگذار و بگذر که کنونش نه مجال است... .

برهان٤٤- فاطمه، بئر معطّله، امام صامت

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَکَأَیِّنْ مِنْ قَرْیَةٍ أَهْلَکْناها وَ هِیَ ظالِمَةٌ فَهِیَ خاوِیَةٌ عَلیٰ عُرُوشِها وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیدٍ».[١٦٦]

چه بسیار شهرها که (اهل آن) ستمگر بودند و هلاکشان کردیم. آن‌گاه آن شهرها بر سقف‌ها خراب شدند، و چه چاه‌های آب بلا استفاده و کاخ‌های بلند که متروک ماند.

امام جعفر صادق علیه‌السّلام در جواب سؤال نصربن‌قابوس و ابوبصیر و ابراهیم‌بن‌زیاد، و امام موسی کاظم علیه‌السّلام در جواب برادرش علیّ بن جعفر درباره این آیه فرمودند:

«الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمامُ الصّامِتُ، وَ الْقَصْرُ الْمَشِیدُ الْإِمامُ النّاطِقُ».[١٦٧]

(مقصود از) چاه بلا استفاده، امام صامت است، وکاخ بلند (و سرفراز) امام ناطق.

این دو امام علیهماالسّلام «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ» را به امام صامت تفسیر نمودند.

احمد بن حمید هاشمی گفت: در کتاب جامع امام جعفرصادق علیه‌السّلام درباره سخن خدای تعالی «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ» آمده بود که حضرت فرموده‌اند: «رَسُولُ اللّٰهِ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ عَلِيٌّ» یعنی امیرالمؤمنین علیه‌السّلام را مصداق «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ» فرموده است.

صالح بن سهل، از امام جعفرصادق علیه‌السّلام روایت کرد که فرمود:

«أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلامُ هُوَ الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ فاطِمَةُ وَ وُلْدُها مُعَطَّلِينَ مِنَ الْمُلْكِ».[۱۶۹]

کاخ محکم (و استوار) امیرالمؤمنین علیه‌السّلام است، و چاه بلااستفاده فاطمه و فرزندان او هستند که از مُلک وامانده‌اند.

بنابراین حضرت فاطمه و امامان از فرزندان ایشان نیز چون امیرالمؤمنین علیهم‌السّلام، امام صامت هستند و هم‌چنان که می‌دانیم حقوق آنان غصب گردیده و معطّل از مُلْک می‌باشند. فاطمه زهرا نیز تمام شرایط امامت را دارند لکن بئر معطّله و حجّة‌الله صامت هستند و این به جهت وجود موانع برای خلق ناقابل است که نمی‌توانند بهره آن‌چنان که باید ببرند لکن برای خودشان حجّة‌الله هستند و همیشه ناطق.

و حتی با این وجود، عمل‌کرد حضرت پس از رسول‌الله، میزان حقّ و باطل بوده و راه‌گشای حق‌جویان بوده و هست و خواهد بود.

برهان ۴۵ الی ۴۷

فاطمه، «لیلة‌القدر» آغاز تا انجام

فاطمه «روح القدس»

فاطمه «اللّیلة‌المبارکة» منها الأئمّة

بنابر فرمایش امام جعفرصادق علیه‌السّلام «شب قدر» فاطمه است، حمران (بن أعین)

گفت: از امام جعفر صادق علیه‌السّلام پرسیدم در شب قدر چه چیز ممتاز و پراکنده می‌شود؟ آیا همان است که خداوند در آن تقدیر می‌کند؟ فرمود:

«لا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللهِ إِلّا أَنَّهُ قالَ: «فيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكيمٍ»، فَكَيْفَ يَكُونُ حَكيماً إِلّا ما فُرِّقَ؟، وَ لا تُوصَفُ قُدْرَةُ اللهِ سُبْحانَهُ، لِأَنَّهُ يُحْدِثُ ما يَشاءُ، وَ أَمّا قَوْلُهُ: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْني فاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ، وَ قَوْلُهُ: «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها» وَ الْمَلائِكَةُ في هٰذَا الْمَوْضِعِ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذينَ يَمْلِكونَ عِلْمَ آلِ‌مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ الرّوحُ روحُ الْقُدُسِ، وَ هُوَ في فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، «مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ»، يَقولُ: مِنْ كُلِّ أَمْرٍ مُسَلَّمَةٍ، «حَتّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ»، يَعْني حَتّىٰ يَقومَ الْقائِمُ عَلَيْهِ السَّلامُ».[۱۷۰]

قدرت الله وصف نمی‌شود، جز این‌که او (یعنی خودِ خداوند) فرمود: «در آن (شب) هر کاری استوار فیصله می‌یابد»، و چگونه چیزی استوار است مگر آن‌چه به طور مشخّص برنامه‌ریزی و تعیین شده باشد؟ و قدرت خداوند سبحان وصف نمی‌شود، زیرا او آن‌چه را که بخواهد، پدید می‌آورد. این‌که فرموده است: «شب قدر از هزار ماه بهتر است» مقصود فاطمه علیهاالسّلام است، و این سخن او که فرمود: «فرشتگان و روح در آن (شب) فرود می‌آیند»، فرشتگان در این‌جا مؤمنانی هستند که علم آل‌محمّد علیهم‌السّلام را دارا شده‌اند، و «روح» روح القدس است، که همان فاطمه علیهاالسّلام است، «برای هر امری (فرمان و سرنوشتی)، سلام است»، می‌فرماید: هر امری که تسلیم شده باشد، «تا طلوع سپیده»، یعنی تا زمانی که قائم علیه‌السّلام قیام کند.

بنابراین، خشنودی و خشم حضرت زهرا سلام الله علیها، در تقدیر مؤثّر بوده و «روح القدس» که در تنزّل ملائکه و مقدّرات از هر امری از جانب ساحت قدس ربوبی، به امام و ولیّ عصرنقش اساسی دارد، او نیزفاطمه است.[۱۷۱]

بلکه روح‌القدس، شأنی از شئون فاطمه طاهره است. و این مقامی است که به تعبیر امام، «قدرةالله وصف نگردد».

مردی نصرانی از امام موسی الکاظم علیه‌السّلام از باطن آیات نخستین سوره مبارکه دخان پرسید و امام در تفسیرآن‌ها فرمود:

«أَمّا حٰم فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ هُوَ فِي كِتابِ هُودٍ الَّذي أُنْزِلَ عَلَيْهِ، وَ هُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ، وَ أَمَّا الْكِتابُ الْمُبينُ فَهُوَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ أَمَّا اللَّيْلَةُ (الْمُبارَكَةُ) فَفاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ أَمّا قَوْلُهُ: فيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكيمٍ، يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْها خَيْرٌ كَثيرٌ فَرَجُلٌ حَكيمٌ وَ رَجُلٌ حَكيمٌ وَ رَجُلٌ حَكيمٌ، ... ».[۱۷۲]

امّا «حٰم» همان محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله است، (نام) او در کتابی که بر هود نازل شد (چنین) است، نام محمّد با نقص حروف آمده است (که میم اول و دال باشد)، و امّا «کتاب مبین» امیرالمؤمنین علیه‌السّلام است، و امّا «اللّیلة (المبارکة)» مقصود فاطمه علیهاالسّلام است، اما این‌که فرمود: «در آن (شب) هر امر استواری ممتاز شود» یعنی خیر بسیاری از او برآید ؛ مردی حکیم و مردی حکیم و مردی حکیم... .

او لیله است لکن «لَيْلَةُ الْقَدْرِ»، شب الله است، اوست لیلة القدر و ظرف اِنزال تمام قرآن کریم و جمیع کتب وحی، إنزالاً من الرّبّ الجلیل. خیر بسیار و با برکت از اوست، و این بطن فاطمه است که ظرف قابل قرار و انتقال امامان و اولیاء معصوم است؛ و از

لیلة القدر وجود او طلوع فجر حسین علیه‌السّلام است و فجر قیام مهدی آل‌محمّد صلّی‌الله‌علیهم خواهد بود، از روح و نور و جان و قلب و همه وجود او مردانی حکیم پا به عرصه وجود گذاشته و به عالم دنیا نیزبیایند... .

اما در باب معرفت روح القدس، امام محمّد باقرعلیه‌السّلام فرمود:

«یا جابِرُ !إِنَّ فِي الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ خَمْسَةَ أَرْواحٍ: رُوحَ الْقُدُسِ وَ رُوحَ الْإِيمانِ وَ رُوحَ الْحَياةِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ، فَبِرُوحِ الْقُدُسِ يا جابِرُ عَلِمْنا ما تَحْتَ الْعَرْشِ إِلىٰ ما تَحْتَ الثَّرىٰ».

ای جابر! همانا در پیامبران و جانشینان پیامبران پنج روح است: روح قدسی، روح ایمان، روح زندگی، روح قوت، روح شهوت، پس به وسیله روح قدسی امور و مطالب زیرعرش تا زیرخاک را می‌دانیم.

سپس فرمود:

«یا جابِرُ! إِنَّ هٰذِهِ الْأَرْواحَ يُصيبُهُ الْحَدَثانِ، إِلّا أَنَّ رُوحَ الْقُدُسِ لا يَلْهُو وَ لا يَلْعَبُ».

ای جابر! این چهار روح (اخیررا) پیش‌آمد و آفت می‌رسد، ولی روح قدسی بازی و یاوه‌گری نکند.

و فرمودند: روح القدس خلق است لکن بزرگ‌تر از ملائکه؛ از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل است.[۱۷۳]

در صحیح هشام بن سالم از امام جعفرصادق علیه‌السّلام است‌که گوید: شنیدم امام علیه‌السّلام درباره روح در آیه «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» فرمود:

«خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ، لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضىٰ غَيْرِ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ هُوَ مَعَ الْأَئِمَّةِ، يُوَفِّقُهُمْ وَ يُسَدِّدُهُمْ، وَ لَيْسَ كُلَّما طُلِبَ وُجِدَ».

مخلوق است بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل که همراه هیچ‌یک از پیغمبران گذشته جز محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله نبوده است، و او همراه ائمه می‌باشد، و ایشان را حفظ و راه‌نمایی می‌کند، چنان نیست که هرچه طلب شود، به دست آید.

فاطمه است روح القدس که واسطه انزال قرآن و تنزّل مقدّرات تمّامی عوالم و تنزّل ملائکه بر ولیّ معصوم است، او که لهو و لغو و لعب و حدثانی بر او نیست، و حضرات انبیاء و آل‌الله را توفیق و تسدید کرده و می‌کند و علم آموخته و می‌آموزد.[۱۷۴]

نه تنها دارای روح قدسی است بلکه خود «روح‌القدس» است، او که رسول الله و ائمّه هدی علیهم صلوات الله به آن منزلت نبوّت و رسالت و امامت را حمل نمودند؛

«وَ لَيْسَ كُلَّما طُلِبَ وُجِدَ».

برهان۴۸- به خدا سوگند، حجّة‌الله است

امام محمّد جواد علیه‌السّلام فرمود:

«يا مَعْشَرَ الشّيعَةِ! خاصِمُوا بِسُورَةِ إِنّا أَنْزَلْناهُ تَفْلُجُوا، فَوَ اللهِ إِنَّها لَحُجَّةُ اللهِ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّها لَسَيِّدَةُ دينِكُمْ، وَ إِنَّها لَغايَةُ عِلْمِنا، ...».[۱۷۵]

ای گروه شیعیان! با سوره «إِنّا أَنْزَلْناهُ» (با مخالفین) مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید، به خدا قسم که آن سوره پس از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله حجّت خدای تبارک و تعالی است بر خلق، و آن سرور دین شماست، و نهایت دانش ماست، ... .

بنابر فرمایش امام محمّد جواد علیه‌السّلام، سوره قدر پس از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله،

حجّة الله برخلق است، و «اللّيلة» و «الرّوح» فاطمه عليهاالسّلام است، از اعتبارات سوره قدر اين است‌كه ظرف مقدّرات الهى براى خلق است كه بر امام معصوم زمان نازل مى‌شود و روح حامل آن است.

امام محمّد جواد عليه‌السّلام ابتدا قسم جلاله ياد نموده، سپس مى‌فرمايد «إنّها»، إنّ تأكيد است و مى‌فرمايد: «لَ» لام نيز تأكيد ديگرى است، «فَوَ اللهِ إِنَّها لَحُجَّةُ اللهِ» به خدا سوگند آن حجّة‌الله است، امام معصوم است كه سوگند به الله ياد مى‌كند، و آن‌را پس از رسول‌الله، حجّة‌الله برخلق مى‌داند.

و فرمود: به راستى سيّده دين شماست. در سوره قدر سخن از نزول دفعى قرآن و كتب آسمانى است، و فاطمه مصحفى دارد كه حاوى جميع آن‌ها و تأويل و علوم آن‌ها مى‌باشد.

و فرمود: غايت علم ما (امامان) است. و مصحف او حاوى علم به آن‌چه اتفاق نيافتاده و در آينده خواهد شد نيز هست.

امّا اين‌كه فرمودند: «با سوره إنّا أنزلناه (با مخالفين) مخاصمه و احتجاج نماييد» بسيار تأمّل برانگيز است.

وقتى سوره قدر حجّة الله برخلق پس از رسول‌الله است و امام زمان عجّل‌الله‌فرجه در توقيع از عالم آل محمّد صلوات‌الله‌عليهم روايت نموده‌اند كه فرمود:

«عَجَباً لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلاتِهِ إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلاتُهُ؟!»[۱۷۶]

شگفتا از كسى كه در نمازش سوره قدر را نمى‌خواند ، چگونه نماز او قبول مى‌شود؟!

اكنون، مقام فاطمه كجاست؟!

بخش پانزدهم

فاطمه و اهل‌بیت اطهار

برهان۴۹- دورنمای جای‌گاه اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام

در حدیثی از امام موسی کاظم علیه‌السّلام آمده است:

... تنها چیزی که دین شخص را فاسد می‌کند این است‌که ما اهل‌بیت را ترک کند، و از (پیروی) ما بازبماند، ... ما (اهل‌بیت) فرزندان رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله هستیم ... ما کلید کتاب (تکوین و تشریع) هستیم. به وسیله ما دانش‌مندان سخن می‌گویند که اگر این نبود، گنگ می‌شدند. و ما منارهٔ (هدایت) را برافراشتیم، و قبله را شناساندیم، ما در آسمان و زمین (به منزله) سنگ (بنای) خانه (خدا) هستیم (یعنی معرفت موضوعی و طریق ما، قسمت بسیار مهمّ دین است). به (سبب و واسطه) ما آدم بخشیده شد... و به واسطه ما بلا دفع شده و خورشید نورانی شد، ... نام ما بر عرشِ ـ خدا ثبت است، بر عرش چنین نوشته: محمّد بهترین پیامبران، و علیّ سرور اوصیاء، و فاطمه بهترین زنان دو جهان است، ... هرکس ما را دوست بدارد، و از دشمن ما بیزاری جوید، با ما خواهد بود، ... .[۱۷۷]

برهان۵۰- اتحاد نوری حضرت با اهل‌بیت

طاهره مطهّره فاطمة الزّهراء علیها السّلام بضعه خاتم الأنبیاء صلّی الله علیه و آله است.[۱۷۸]

بخاری در صحیح خود و مسلم و ترمذی در صحاح خود این حدیث را به چند طریق و صورت‌های مختلف روایت کرده‌اند.

از بزرگان محدّثین عامّه مانند صاحب مشکوة المصابیح پس از نقل حدیث می‌نویسد: این حدیث متّفق علیه است.

در کتب فریقین به تواتر و به روایت دوست و دشمن حتّی به اقرار آن دو دشمن و ظالم آمده است که: رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌واله در جای جای مکرّر می‌فرمود:

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني».

فاطمه پاره‌ای از من است، هرکه او را بیازارد قطعاً مرا آزرده است.

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، فَمَنْ أَغْضَبَها أَغْضَبَني».

فاطمه پاره‌ای از من است، هرکه او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

«إِنَّما فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، مَنْ أَغْضَبَها فَقَدْ أَغْضَبَني».

همانا فاطمه پاره‌ای از من است، هرکه او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

«فَإِنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّي، يُؤْلِمُني ما يُؤْلِمُها، وَ يَسُرُّني ما يَسُرُّها».

همانا فاطمه پاره‌ای از من است، آن‌چه او را به درد آورد مرا به درد آورده، و آن‌چه که او را شاد کند مرا شاد کرده است.

«إِنَّما فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُرْضيني ما أَرْضاها، وَ يُسْخِطُني ما أَسْخَطَها».

همانا فاطمه پاره‌ای از من است، آن‌چه که او را راضی کند مرا راضی نموده است، و آن‌چه او را به خشم آورد مرا به خشمگین نموده است.

«إِنَّما فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، مَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ أَحَبَّها فَقَدْ أَحَبَّني، وَ مَنْ سَرَّها فَقَدْ سَرَّني».

«أَلا إِنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّي، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ سَرَّها فَقَدْ سَرَّني، وَ مَنْ غاظَها فَقَدْ غاظَني».

آگاه باشید همانا فاطمه پاره‌ای از من است، بنابراین هرکه او را بیازارد به درستی که مرا آزرده، و هرکه او را شادمان کند مرا شاد نموده است. و هرکه او را به خشم آورد مرا خشمگین نموده است.

«يَا عَلِيُّ! إِنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ هِيَ نُورُ عَيْني، وَ ثَمَرَةُ فُؤادي، يَسُوؤُني ما ساءَها، وَ يَسُرُّني ما سَرَّها».

یاعلی! همانا فاطمه پاره‌ای از من است، و او نور دیدگانم است، و میوه دلم، آن‌چه او را ناخوش آید مرا ناخوش آمده، و آن‌چه او را شاد کند مرا شاد نموده است.

«إِنَّ فاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ هِيَ رُوحِيَ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيَّ، ... ».

همانا فاطمه پاره‌ای از من است، و او روح میان دو پهلوی من است، ... .

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ أَنَا مِنْها، مَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ، وَ مَنْ آذاها بَعْدَ مَوْتي فَكانَ كَمَنْ آذاها في حَياتي، وَ مَنْ آذاها في حَياتي كانَ كَمَنْ آذاها بَعْدَ مَوْتي».

فاطمه از من است، و من از اویم، هرکه او را بیازارد قطعاً مرا آزرده است، و هرکه مرا بیازارد خدا را آزرده، و هر که او را پس از مرگم بیازارد مانند آن است که در زنده بودنم او را آزرده، هرکه او را در زنده بودنم بیازارد چنان است که پس از مرگم بیازارد.

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، ... فاطِمَةُ أَعَزُّ الْبَرِيَّةِ عَلَيَّ».

فاطمه پاره‌ای از من است، ... فاطمه نزد من عزیزترین خلق است.

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُؤْلِمُني ما يُؤْلِمُها، وَ يُؤْذيني ما يُؤْذيها».

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُرْضيني ما أَرْضاها، وَ يُسْخِطُني ما أَسْخَطَها».

« فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ».

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، مَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، يَرْضَى اللهُ لِرِضاها، وَ يَغْضَبُ لِغَضَبِها، وَ هِيَ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ».

فاطمه پاره‌ای از من است، هرکه او را بیازارد همانا مرا آزرده است، به رضایت او خدا راضی می‌شود، و به غضب او غضب می‌کند، واو سرور زنان عالمیان است.

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، مَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ، وَ مَنْ آذَى اللهَ أَكَبَّهُ اللهُ فِي النّارِ».

«إِنَّما فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُؤْذيني ما آذاها، وَ يُنْصِبُني ما أَنْصَبَها».

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُريبُني ما رابَها، وَ يُؤْذيني ما آذاها».

«فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي، يُسْعِفُني مَن أَسْعَفَها».

از احادیثی که ذکر شد استفاده می‌شود که حضرت فاطمة الزّهراء سلام‌الله‌علیها پاره و قطعه‌ای ازوجود رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله است و نه این‌که تنها از نسل اوست، فتدبّر.

برهان۵۱- فاطمه در شمار اهل‌بیت و ائمّه علیهم‌السّلام

حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها فرمودند:

«... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ) اللهُ عَلَيْكُمُ الْإيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا (أَهْلَ الْبَيْتِ) نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً (أَماناً) لِلْفُرْقَةِ... ».[۱۷۹]

... الله برای پاک بودن از (آلودگی) شرک؛ ایمان را بر شما واجب فرمود، ... و

اطاعت (از ما اهل‌بیت) را برای نظام ملّت، و امامت ما را برای اجتماع (و امانی) از تفرقه مقرّر نمود... .

ایمان را سبب طهارت از شرک اعلام نموده و دقت شود که می‌فرماید: «... وَ طاعَتَنا (أَهْلَ‌الْبَيْتِ) نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا ... » زیرا که حضرتش از اهل‌بیت و حجّةالله است، در نتیجه اطاعت از او برانبیاء و غیرآنان .چنان‌چه گذشت .واجب است، ضمن این‌که به تصریح حضرت که فرمودند: «إِمامَتَنا»...، فتدبّر.

برهان۵۲- السّيّدة فاطمة

دربسیاری ازروایات و احادیث کتب خاصّه و عامّه درباره حضرت فاطمه علیهاالسّلام تعابیری آمده است نظیر:

«فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ... ».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان اهل بهشت است ... .

«فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان اولین تا آخرین جهان است.

«سَيِّدَة نِساءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعينَ».

فاطمه سیّده (و سرور) بانوان همه اهل بهشت است.

بنابراین حضرت فاطمه سلام الله علیها، سیّده همه زنان اهل بهشت است اجمعین، بلکه سیّده اوّلین و آخرین است سوای خاتم النبیّین، چنان‌چه از اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام روایت است که فرمودند:

«لَمّا حَضَرَتْ فاطِمَةَ الْوَفاةُ بَكَتْ، فَقالَ لَها أَميرُالْمُؤْمِنينَ: يا سَيِّدَتي ما يُبْكيكِ؟ قالَتْ: أَبْكي لِما تَلْقىٰ بَعْدي. فَقالَ لَها: لا تَبْكي، فَوَ اللهِ إِنَّ

ذٰلِكِ لَصَغيرٌ عِنْدي في ذاتِ اللهِ... ».[۱۸۰]

چون زمان وفات حضرت فاطمه فرا رسید، امیرالمؤمنین به ایشان فرمودند: ای سیّده من، چرا می‌گریی؟ فرمود: برای آن‌چه پس از من می‌بینی. حضرت به ایشان فرمودند: گریه نکن، به خدا سوگند در راه خدا، آن (چه پس از شما بر من جاری خواهد شد) نزد من بسیار ناچیز است... .

سیّده حجّة‌الله، به یقین و به طریق اولی حجّة‌الله است.

برهان۵۳- منها الأئمّة

فاطمه، مادر ائمّه است، ظرف امامت است، اگر او نبود، ائمّه هدی از فرزندان او نیز نبودند و یکی از فرازهایی که معصومین علیهم‌السّلام، علی الخصوص آن‌جا که در مقام احتجاج و معارضه برآمده‌اند، مکرّر خاطرنشان نموده‌اند، زهراءزاده بودن است؛ تعابیری نظیر «أنا ابن فاطمة‌الزّهراء» و یکی از معانی این تعبیر وراثتی بودن ولایةالأمری آنان از مادر بزرگوارشان است، ولایة الأمری او قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق است و به مشیّت و اراده و قدر و قضاء و اذن و کتاب و اجل حاکم و جاری است؛

قرآن کریم می‌فرماید:

«مَثَلُ الَّذينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمْ في سَبيلِ اللهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ في كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَ اللهُ يُضاعِفُ لِمَنْ يَشاءُ وَ اللهُ واسِعٌ عَليمٌ». [۱۸۱]

مَثَل آنان که اموال خویش را در راه الله انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که ۷ خوشه برویاند و در هر خوشه ۱۰۰ دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد چندین برابر کند، و خدا (رحمتش) وسعت‌بخش و داناست.

امام جعفر صادق علیه‌السّلام در تأویل «كَمَثَلِ حَبَّةٍ... » فرمود:

«الْحَبَّةُ فاطِمَةُ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْها، وَ السَّبْعُ السَّنابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِها، سابِعُهُمْ قائِمُهُمْ».[۱۸۲]

(مراد از) دانه (در این آیه) فاطمه صلوات‌الله‌علیها است، و (مقصود از) هفت خوشه، هفت تن از (امامان از) فرزندان او هستند، که هفتمین آنان (حضرت مهدی) قائم (از) آنان است.

ارزش والای این مقام تنها توسّط ولیّ معصوم شناخته می‌شود و همین نشان‌دهنده هیمنه و سلطنت علم و عصمت و امامت حضرت فاطمه علیهاالسّلام برائمّه هدی از فرزندانش می‌باشد.

برهان٥٤- فاطمة اسوة الحجّة

شیخ الطّائفة الحقّه طوسی قدّس‌سرّه به سند متّصل خود توقیعی را نقل می‌کند که از ناحیه مقدّسه مهدیّه عجّل‌الله‌فرجه‌الشّریف صادر شد و در آن است:

«... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ لي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...».[۱۸۳]

... و در دختر رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله برای من الگو (و سرمشق) نیکویی است... .

و پرواضح است که اسوه حجّة‌الله، کسی جزحجّة‌الله نیست و البته به طریق اولی از او نیزبالاتراست که اسوه او قرار گرفته است.

امیرالمؤمنین خطاب به صدّیقه طاهره علیها السّلام فرمودند

یا بقیّة النّبوّة وشمس الرّسالة ومعدن العصمة والحکمة

بخش شانزدهم

فاطمه و جزاء، شفاعت

برهان۵۵- ولایت فاطمه در قیامت

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی مفصّل درباره شهادت امام حسین علیه‌السّلام خطاب به حضرت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام فرمود:

«... یا فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ! أَ ما تُحِبّینَ أَنْ تَأْمُرینَ غَداً بِأَمْرٍ فَتُطاعینَ فِي هٰذَا الْخَلْقِ عِنْدَ الْحِسابِ؟... ».[۱۸۴]

... ای فاطمه دختر محمّد، آیا دوست نداری که فردا (ی قیامت) هنگام محاسبه اعمال درباره این آفریدگان ، به هرامری امرنموده، اطاعت شوی؟... .

حضرت فاطمه علیهاالسّلام به اذن الله تعالی درقیامت کبری حاکم است و امرش مطاع.

برهان۵۶- مهریه فاطمه

اسحاق بن عمّار و ابو بصیر نقل می کنند که امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«إِنَّ اللهَ تَعالیٰ أَمْهَرَ فاطِمَةَ عَلَیْهَاالسَّلامُ رُبُعَ الدُّنیا، فَرُبُعُها لَها، وَ أَمْهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النّارَ، تُدْخِلُ أَعْداءَهَا النّارَ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِیاءَهَا الْجَنَّةَ، وَ هِيَ الصِّدّیقَةُ الْکُبْریٰ، وَ عَلیٰ مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الْأُولیٰ».[۱۸۵]

به راستی الله تعالی، یک چهارم دنیا را مهریه حضرت فاطمه علیهاالسّلام مقرّر فرمود پس یک چهارم دنیا از آنِ اوست، و بهشت و دوزخ را نیز مهریه او قرار داد،

دشمنانش را وارد آتش و دوستانش را وارد بهشت می‌نماید، و اوست صدّیقه کبری و قرن‌های آغازین بر(لزوم) معرفت او (و ایمان به حضرت فاطمه) گردیده است.

جزحجّةالله هیچ کس نیست که دشمنی و دوستی او تا این حد نافذ باشد و چنین ولایت شگفتی را در اختیار داشته باشد. ولایت بر بهشت و دوزخ تنها شایسته کسی است که اطاعت از او، رضای محض الهی باشد و او همان حجّةالله است؛

اما این‌که براساس معرفت او، قرون نخستین گردیده است، یعنی معرفت او بر پیشینیان، از نبیّ و غیراو، همه واجب بوده است.

برهان۵۷- شیعة فاطمة

«إِنَّ الَّذينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنى أُولٰئِكَ عَنْها مُبْعَدُونَ * لا يَسْمَعُونَ حَسيسَها وَ هُمْ في مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ * لا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقّاهُمُ الْمَلائِكَةُ هٰذا يَوْمُكُمُ الَّذي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».[۱۸۶]

آنانی که از قبل به آن‌ها وعده نیک داده‌ایم، از آتش دور شده هستند * صدای آتش را نمی‌شنوند و هر چه را مایل باشند، برای همیشه در اختیارشان هست * وحشت بزرگ آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان الهی به استقبال آن‌ها می‌آیند و می‌گویند: این، همان روزی است که به شما وعده داده می‌شد.

بنابر روایت تفسیر فرات از امام جعفر صادق از پدر گرامش علیهماالسّلام از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله روایت است که فرمودند:

خدای تعالی در روز قیامت... خطاب به حضرت فاطمه علیهاالسّلام می‌فرماید:

... ای دخترحبیب من، ستمی را که امّت پدرت انجام داده‌اند، بدان جهت به تو نشان دادم تا آن تسلیتی را که برای تو ذخیره نموده‌ام، به تو بنمایم:

«... وَ إِنّي جَعَلْتُ تَعْزِيَتَكِ الْيَوْمَ أَنّي لا أَنْظُرُ في مُحاسَبَةِ الْعِبادِ حَتّىٰ

تَدْخُلِي الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكِ وَ شيعَتُكِ وَ مَنْ والاكُمْ [أَوْلاكُمْ] مَعْرُوفاً مِمَّنْ [بمن] لَيْسَ هُوَ مِنْ شيعَتِكِ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ في مُحاسَبَةِ الْعِبادِ. فَتَدْخُلُ فاطِمَةُ ابْنَتِي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتُها وَ شيعَتُها وَ مَنْ والاهَا [والاهُمْ أَوْلاها] مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شيعَتِها فَهُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: لا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ. قال: هَوْلُ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ هُمْ في مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ، هِيَ وَ اللهِ فاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُها وَ شيعَتُها وَ مَنْ والاهُمْ مَعْرُوفاً [مِمَّنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شيعَتِها».[۱۸۷]

و من تسلیت تو را این قرار دادم که امروز به حساب احدی رسیدگی نخواهم کرد تا زمانی که تو و فرزندانت و شیعیانت و افرادی که شیعه نبودند ولی به شما خدمتی کرده باشند داخل بهشت شوید. در همین موقع است که دخترم فاطمه و فرزندان و شیعیانش و اشخاصی که شیعه نبودند ولی به ایشان خدمتی کرده باشند، داخل بهشت خواهند شد، به الله قسم منظور از آن افرادی که این آیه فرموده: «ترس بزرگ ایشان را غمگین نخواهد کرد»، همین است. و به الله سوگند روز قیامت چنان‌که در آیه می‌فرماید: «ایشان در حالی در بهشت جاویدان خواهند بود که هر چه بخواهند موجود است»، کسانی که این آیه فرموده منظور فاطمه و فرزندان او و شیعیانش و کسانی است که به فاطمه خدمتی کرده باشند.

می‌بینیم که در این حدیث شریف الله تعالی و رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله چهار بار از تعبیر «شیعیان فاطمه علیهاالسّلام» استفاده فرموده‌اند.

امام محمّد باقر علیه‌السّلام فرمودند: از جابربن عبدالله انصاری شنیدم می‌گفت: رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله وسلّم فرمود:

چون روز قیامت شود دخترم فاطمه بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشت رو به محشر نماید که دو پهلویش نگار دارد و مهارش از لؤلؤ تر (مروارید تازه) و چهارپایش از زمرد سبز و دمش از مشک اذفر و دو چشمش از یاقوت سرخ است، بر پشت آن گنبدی از نور است که برونش از درونش دیده شود و درونش از برونش، درون آن گذشت خداست و برونش رحمت خدا؛

بر سر آن مخدّره، تاجی است از نور که ۷۰ رکن دارد و هر رکنی مرصّع به مروارید و یاقوت است، بدرخشد چنان‌چه اختر فروزان در افق آسمان می‌درخشد، و سمت راستش هفتاد هزار فرشته باشد و سمت چپش هفتاد هزار فرشته؛

جبرئیل مهار ناقه را گرفته و به بانگ بلند فریاد کشد: «دیده بر هم نهید تا فاطمه دختر محمّد بگذرد» در آن روز هیچ پیامبر و فرستاده و نه صدّیق و شهیدی نماند، جز آن‌که همه دیده بر هم نهند تا فاطمه بگذرد و خود را برابر عرش پروردگارش جلّ جلاله رساند و از ناقه بزیر اندازد و گوید:

«معبود من، سرورم، میان من و هر کس به من ستم کرده، حکم کن، خدایا حکم کن میان من و هر کس که فرزندانم را کشت».

ناگاه از جانب خدای جلّ جلاله پاسخی در رسد: ای حبیب من و حبیب‌زاده من، از من بخواه تا به تو عطا شود و شفاعت کن تا پذیرفته گردد، به عزّت و جلالم سوگند که ستم ستمگر را کیفر دهم. عرض می‌کند:

«إِلٰهي وَ سَيِّدي! ذُرِّيَّتي، وَ شيعَتي، وَ شيعَةَ ذُرِّيَّتي، وَ مُحِبِّيَّ، وَ مُحِبّي ذُرِّيَّتي! فَإِذَا النِّداءُ مِنْ قِبَلِ اللهِ جَلَّ‌جَلالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فاطِمَةَ وَ شيعَتُها وَ مُحِبُّوها وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِها؟ فَيُقْبِلُونَ وَ قَدْ أَحاطَ بِهِمْ مَلائِكَةُ الرَّحْمَةِ، فَتَقْدُمُهُمْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ حَتّىٰ تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ».[۱۸۸]

الاه من، سرورم، فرزندانم وشیعیانم وشیعیان فرزندانم و دوست دارانم و دوست داران فرزندانم.

از جانب خدای جلّ جلاله ندا رسد: فرزندان فاطمه کجا هستند؟ و شیعیان و دوستان او و دوستان فرزندان او؟ آنان روی می‌آورند در حالی که فرشتگان رحمت، گرداگرد ایشان را گرفته‌اند، فاطمه بر آنان پیش بیافتد تا آن‌ها را وارد بهشت کند.

برهان۵۸- شفاعت فاطمی

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«... یا فاطِمَةُ! الْبُشْریٰ، فَلَكِ عِنْدَ اللهِ مَقامٌ مَحْمُودٌ، تَشْفَعینَ فیهِ لِمُحِبّیكِ وَ شیعَتِكِ فَتُشَفَّعینَ...».[۱۸۹]

... ای فاطمه! مژده! مقامی ستوده نزد خداوند داری، برای دوستان و شیعیانت شفاعت خواهی کرد و شفاعتت پذیرفته شود... .

حضرت زهرا درمقام شفاعت، شریک رسول‌الله، امیرالمؤمنین، امام مجتبی و سیّدالشّهداء علیهم صلوات الله هستند و این نیز جایگاهی ویژه و بی‌بدیل برای ایشان است.

حضرات انبیاء و از آن‌ها آدم و ابراهیم، به خمسه طیّبه علیهم‌السّلام متوسّل شدند که یکی از آنان فاطمه زهراست، خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

«فَتَلَقّیٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحیمُ».[۱۹۰]

«وَ إِذِ ابْتَلیٰ إِبْراهیمَ رَبُّهُ بِكَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنّي جاعِلُكَ لِلنّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتي قالَ لا یَنالُ عَهْدِي الظّالِمینَ».[۱۹۱]

جویندگان می‌توانند به روایات ذیل این دو آیه کریمه مراجعه نمایند.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله

یا فاطمة من صلی علیک غفر الله له

و الحقه بی حیث کنت من الجنة

ای فاطمه هرکس بر تو صلوات فرستد خداوند او را آمرزیده

و به من ملحق کند هر کجای بهشت که باشم

بخش هفدهم

امامت فاطمه

برهان۵۹ الی٦٤

از صفات حجج الله در فاطمه

نطفه‌اش از خوراک بهشتی

در شکم مادر صداها را می‌شنود و سخن می‌گوید

طاهر و مطهَّر به دنیا می‌آید

با دو دست به دنیا می‌آید و دست خود بالا می‌برد

شهادات را با صدای بلند می‌گوید

رشد و نموّ ویژه‌ای دارد

یکی از بخش‌های مهمّ اعتقاد شیعه، باور او نسبت به ویژگی‌های امام است که کاملاً او را از سایرین متمایز می‌سازد. در این قسمت به دنبال آن هستیم اثبات کنیم که صدّیقه طاهره سلام الله علیها در بسیاری از نشانه‌های امامت با ائمّه از اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام مشترک هستند، و حتی اختصاصاتی نیز دارند تا جایی که از ائمّه از فرزندانش نیز افضل می‌باشند؛

از جمله در احادیث بسیاری از اهل‌بیت‌اطهار علیهم‌السّلام در کتاب‌های معتبر شیعه امامیّه هم‌چون بصائر الدّرجات و الکافي و غیر آن‌ها آمده است‌که از علامت‌ها و ویژگی‌های امام و حجّت الله تعالی این است‌که نطفه امام از بهشت و میوه‌ها و خوراکی‌های بهشت است، از شکم مادر با دو دست بیرون می‌آید و دست خود را بلند

می‌کند و شهادات را با صدای بلند می‌گوید و... و محدَّث است، ... و مصحف فاطمه علیهاالسّلام نزد اوست،...[۱۹۲]

و صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء سلام الله علیها تمام این ویژگی‌ها را دارا هستند. به جهت رعایت اختصار برخی در پی نوشت مسنداً نقل شده و خواهد شد که جویندگان را به آن ارجاع می‌دهم و در ادامه نیز برخی دیگر مفصّلاً نقل می‌شود:

امام جعفر صادق علیه‌السّلام فرمود:

«إِنَّ نُطْفَةَ الْإِمامِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَإِذا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعَ وَ هُوَ واضِعٌ يَدَهُ إِلَى الْأَرْضِ، رافِعٌ رَأْسَهُ إِلَى السَّماءِ».[۱۹۳]

به راستی نطفه امام از بهشت است، و چون از شکم مادر بر زمین افتد (زاده شود)، دست خود را بر زمین نهاده، و سر بر آسمان بالا برد.

همه این انوار که در همه نشآت اوّل موحّد و عابد بوده‌اند و سابق به توحید و عبادت، در این نشئه دنیویّه نیز اوّل ساجدند و اوّل مبتهل زماناً و رتبةً و ... . چنان‌چه درباره رسول‌الله نیز حضرت آمنه بنت وهب علیهاالسّلام می‌فرماید:

«... فَلَمّا وَضَعْتُهُ رَأَيْتُهُ ساجِداً قَدْ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّماءِ كَالْمُبْتَهِلِ الْمُتَضَرِّعِ... ».[۱۹۴]

چون وضع حمل نمودم، دیدم سجده‌کنان، انگشت به سوی آسمان بلند نموده مانند کسی که با تضرّع، تهلیل می‌گوید.

یکی دیگر از شروط امام این است که هنگام تولد، پاک و پاکیزه زاییده می‌شود، چنان‌چه والده ماجده خاتم الأنبیاء حضرت آمنة بنت وهب علیهاالسّلام فرمود:

«إِنَّهُ أَتانِي الْمَخاضُ وَ أَنَا وَحْدي، فَلَمّا وَضَعْتُهُ رَأَيْتُهُ ساجِداً قَدْ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّماءِ كَالْمُبْتَهِلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَشَّتْني سَحابَةٌ غَيَّبَتْهُ

عَنْ عَيْني، وَ سَمِعْتُ مِنْها كَلاماً، ثُمَّ أُعيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدَرَّجٌ في ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَريرَةٌ خَضْراءُ، وَ وُلِدَ طاهِراً مُطَهَّراً».[۱۹۵]

تنها بودم و مرا درد زایمان گرفت، چون او را زاییدم، دیدم سجده‌کنان انگشت به سوی آسمان بلند نموده مانند کسی که با تضرّع، مناجات می‌کند، ابری مرا در بر گرفت که او را از دیدِ من پنهان کرد ، سخنی از او شنیدم، سپس به من بازگردانده شد در حالی که در پیراهنی پشمینه از برف سفیدتر، پیچیده شده بود و زیر او ابریشمی سبز. و پاک و پاکیزه زاده شد.

«... ثُمَّ خَرَجَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَخَرَّ ساجِداً لِلّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ، وَ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّماءِ كَالْمُتَضَرِّعِ الْمُبْتَهِلِ، وَ رَأَيْتُ سَحابَةً بَيْضاءَ تَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ حَتّىٰ غَشِيَتْهُ، وَ سَمِعْتُ مُنادِياً يُنادي: طوفوا بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَها وَ الْبِحارَ لِيَعْرِفوهُ بِصورَتِهِ وَ اسْمِهِ وَ نَعْتِهِ، ... وَ وُلِدَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ طاهِراً مُطَهَّراً...».[۱۹۶]

... سپس پیامبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله به دنیا آمده، بلافاصله برای الله ـ جلّ ذکره ـ به سجده افتاد و انگشت به سوی آسمان بلند نمود مانند کسی که زاری‌کنان دعا می‌کند. و ابری سپید دیدم که از آسمان فرود می‌آید تا این‌که او را فرا گرفت و شنیدم کسی فریاد می‌زد: محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم را شرق و غرب زمین و دریاها، بگردانید تا او را به صورت و نام و ویژگی‌اش بشناسند... و حضرت صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم پاک و پاکیزه زاده شد... .

و ولادت امیرالمؤمنین علیه السّلام نیز چنین بود:

«... إِنَّهُ وُلِدَ طاهِراً مُطَهَّراً ... ».[۱۹۷]

... او پاک و پاکیزه زاده شد... .

و همه ائمّه معصومین علیهم‌السّلام پاک و پاکیزه به دنیا آمدند، و حضرت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام نیز این‌چنین بوده‌اند:

«... فَوَضَعَتْ خَديجَةُ فاطِمَةَ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً ... ».[۱۹۸]

... خدیجه، فاطمه را پاک و پاکیزه زایید... .

در این ره‌گذر متذکّر عهود و مواثیق غلیظ و سختی می‌شوم که از نبیّ الله آدم و دیگر انبیاء و اوصیاء علیهم‌السّلام گرفته شده است بر این‌که نطفه خود را در ارحام طیّبه قرار دهند، و این همه ثابت کننده مقام حجّةاللّهی ایشان و نیز به جهت حراست مقام حجّت اللّهی از بدی و پلیدی است.

یکی دیگر از نشانه‌های امام این است که در شکم مادر صداها را می‌شنود و بعضاً روایاتی هستند که حکایت از پاسخ‌گویی امام دارد. امام محمّد باقر علیه‌السّلام فرمود:

«إِنَّ الْإِمامَ مِنّا يَسْمَعُ الْكَلامَ في بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِذا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرىٰ بِهِ ما بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ».[۱۹۹]

همانا امام از ما (اهل‌بیت‌اطهار) در شکم مادر سخن را می‌شنود، و آن‌گاه که به دنیا بیاید، نوری برای او از آسمان به زمین بتابد، و چون راه بیفتد برایش ستونی از نور برپا گردد که با آن میان مشرق تا مغرب را ببیند.

و حضرت صدّیقه کبری فاطمة الزّهراء سلام‌الله‌علیها نیز در شکم مادر می‌شنید و با مادرگرامش سخن می‌فرمود.

جابربن عبد الله الأنصاری گوید: رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«دَخَلْتُ عَلىٰ خَديجَةَ وَ قَدْ حَمِلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ كانَتْ وَحْدَها تَتَكَلَّمُ، فَقالَتْ: إِنَّ الْجَنينَ الَّذي في بَطْني يُكَلِّمُني وَ أُكَلِّمُهُ، وَلي بِهِ أُنْسٌ في حالِ وَحْدَتي».[٢٠٠]

برحضرت خديجه داخل شدم در حالی که به حضرت فاطمه عليهاالسّلام باردار شده بود، و او تنها بود و سخن می‌گفت، فرمود: همانا جنينی که در شكم من است با من سخن می‌گويد و با او سخن می‌گويم، و در تنهايی‌ام با او انسی دارم.

و مفضّل بن عمرو گويد: به امام جعفرصادق عليه‌السّلام عرض كردم: ولادت حضرت فاطمه عليهاالسّلام چگونه بود؟ فرمود:

«نَعَمْ، إِنَّ خَديجَةَ (رِضْوانُ اللهِ عَلَيْها) لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَجَرَتْها نِسْوَةُ مَكَّةَ، فَكُنَّ لا يَدْخُلْنَ عَلَيْها، وَ لا يُسَلِّمْنَ عَلَيْها، وَ لا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْها، فَاسْتَوْحَشَتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ، وَ كانَ جَزَعُها وَ غَمُّها حَذَراً عَلَيْهِ (وَ كانَ حُزْنُ خَديجَةَ وَ حَذَرُها عَلىٰ رَسُولِ اللهِ)، فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ (وَ كانَتْ خَديجَةُ تَغْتَمُّ وَ تَحْزَنُ إِذا خَرَجَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) كانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها، وَ تُصَبِّرُها، وَ كانَتْ تَكْتُمُ ذٰلِكَ مِنْ رَسُولِ اللهِ، فَدَخَلَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْماً فَسَمِعَ خَديجَةُ تُحَدِّثُ فاطِمَةَ، فَقالَ لَها: ياخَديجَةُ! مَنْ تُحَدِّثينَ؟ (مَنْ يُحَدِّثُكِ؟) قالَتْ: الْجَنينَ الَّذي في بَطْني، يُحَدِّثُني وَ يُؤْنِسُني. قالَ: يا خَديجَةُ! هٰذا جَبْرَئيلُ يُخْبِرُني (يُبَشِّرُني) بِأَنَّها أُنْثىٰ، وَ أَنَّهَا النَّسْلَةُ (النَّسَمَةُ) الطّاهِرَةُ

الْمَيْمُونَةُ، وَ أَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها، وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِها أَئِمَّةً، وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفاءَهُ في أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيِهِ».

آری، همانا چون رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله با خدیجه (رضوان‌الله‌علیها) ازدواج کرد، زنان او را ترک کردند، و نزد او نمی‌رفتند و بر او سلام نمی‌کردند، و نمی‌گذاشتند زنی نزد او برود، خدیجه به وحشت افتاد، و بی‌تابی و اندوهش مایه نگرانی و بیم بر او بود (و اندوه خدیجه و بیم او بر رسول‌الله بود که آزاری از آن‌ها نبیند)، (و چون رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله خارج می‌شد خدیجه غمگین می‌شد) و هنگامی که به فاطمه آبستن شد، در شکمش که بود با او صحبت می‌کرد و او را تسلّی می‌داد، و این راز را از رسول‌الله نهان می‌داشت. روزی رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله وارد شد و شنید خدیجه با فاطمه سخن می‌گوید، فرمود: ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟ گفت: با این بچه که در شکم دارم، با من سخن می‌گوید و مرا انس می‌دهد. فرمود: ای خدیجه! این جبرئیل است که به من خبر (و بشارت) می‌دهد، به راستی این بچه دختر است، و همان نسل پاک بامیمنت است، و الله تبارک و تعالی نژاد مرا از او مقرّر کند و از نژادش امامانی برآورد، و پس از پایان وحی، آن‌ها را در زمین خود خلیفه سازد.

«فَلَمْ تَزَلْ خَديجَةُ عَلىٰ ذٰلِكَ إِلىٰ أَنْ حَضَرَتْ وِلادَتُها، فَوَجَّهَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ وَ بَني هاشِمٍ: أَنْ تَعالَيْنَ لِتَلِينَ مِنّي ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ، فَأَرْسَلْنَ إِلَيْها: أَنْتِ عَصَيْتِنا، وَ لَمْ تَقْبَلي قَوْلَنا، وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً، يَتيمَ أَبي طالِبٍ، فَقيراً لا مالَ لَهُ، فَلَسْنا نَجيءُ، وَ لا نَلي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً. فَاغْتَمَّتْ خَديجَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ لِذٰلِكَ، فَبَيْنا هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها

أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمْرٍ طِوالٍ، كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِساءِ بَني هاشِمٍ، فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمّا رَأَتْهُنَّ، فَقالَتْ إِحْداهُنَّ: لا تَحْزَني يا خَديجَةُ! فَأَرْسَلَنا رَبُّكِ إِلَيْكِ، وَ نَحْنُ أَخَواتُكِ؛ أَنَا سارَةُ، وَ هٰذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ هِيَ رَفيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ، وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ، وَ هٰذِهِ كُلْثُومُ (بِنْتُ عِمْرانَ) أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ، بَعَثَنَا اللهُ إِلَيْكِ، لِنَلِيَ مِنْكِ ما تَلِي النِّساءُ. فَجَلَسَتْ واحِدَةٌ عَنْ يَمينِها، وَ أُخْرىٰ عَنْ يَسارِها، وَ الثّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْها، وَ الرّابِعَةُ مِنْ خَلْفِها، فَوَضَعَتْ فاطِمَةَ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَمّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتّىٰ دَخَلَ بُيُوتاتِ مَكَّةَ، وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا غَرْبِها مَوْضِعٌ إِلّا أَشْرَقَ فيهِ ذٰلِكَ النُّورُ، وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعينِ، كُلُّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَها طَسْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ إِبْريقٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ فِي الْإِبْريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ، فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها، فَغَسَلَتْها بِماءِ الْكَوْثَرِ، وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوَتَيْنِ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ، وَ أَطْيَبَ ريحاً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ، فَلَفَّتْها بِواحِدَةٍ، وَ قَنَّعَتْها بِالثّانِيَةِ، ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْها».

خدیجه پیوسته بر این حال بود تا این‌که زمان زایمان او فرا رسید و به دنبال زنان قریش و بنی‌هاشم فرستاد که از من چون زنان دیگر پذیرایی کنید. جوابش دادند که: تو با ما مخالفت کردی، و سخن ما را نپذیرفتی، و با محمّد، یتیم ابوطالب، فقیر بی‌مال ازدواج کردی، و ما نمی‌آییم و برایت کاری نمی‌کنیم. خدیجه از این پاسخ اندوه‌ناک شد. در این میان چهار زن گندم‌گون بلند بالا، گویی مانند زنان

بنی‌هاشم بر او داخل شدند، از آنان هراسید، یکی از آن‌ها گفت: ای خدیجه! غم مخور که ما فرستاده پروردگاریم نزد تو، و ما خواهران تو هستیم؛ من ساره‌ام، و این آسیه دختر مزاحم است که در بهشت رفیق توست، و این مریم دختر عمران، و این کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خداوند ما را فرستاده که مانند سایر زنان از تو پذیرایی کنیم. یکی سمت راستش نشست، و یکی سمت چپش، و سومی برابرش، و چهارمی پشت سرش، سپس فاطمه را پاک و پاکیزه زایید، و چون به زمین آمد، نوری از او درخشید که به همه خانه‌های مکّه پرتو افکند، و جایی از شرق و غرب زمین نماند مگر آن‌که آن نور در آن تابید، و ده تن حورالعین که هریک طشت و آب‌دان بهشتی داشتند وارد شدند، و در آن آب‌دان‌ها آب کوثر بود، و زنی که برابرش بود گرفت و او را با آب کوثر شست، و دو پارچه سفیدتر از شیر و خوشبوتر از مشک و عنبر برآورد، و او را در یکی از آن‌ها پیچید، و با دیگری سر و رویش را بست، و از او خواست زبان به سخن باز کند.

«فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ (بِشَهادَةِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ) بِالشَّهادَةِ وَ قالَتْ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي (عَلِيٌّ) سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ، وَ وُلْدي سادَةُ الْأَسْباطِ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ، وَ سَمَّتْ كُلَّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِها، وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْها، وَ تَباشَرَتِ الْحُورُ الْعينُ، وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّماءِ (أَهْلُ الْجَنَّةِ) بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَةِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ حَدَثَ فِي السَّماءِ نُورٌ زاهِرٌ، لَمْ تَرَهُ الْمَلائِكَةُ قَبْلَ ذٰلِكَ (الْيَوْمِ، فَلِذٰلِكَ سُمِّيَتِ الزَّهْراءُ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها.)، وَ قالَتِ النِّسْوَةُ: خُذيها، يا خَديجَةُ، طاهِرَةً مُطَهَّرَةً، زَكِيَّةً مَيْمُونَةً، بُورِكَ فيها وَ

فِي نَسْلِها. فَتَناوَلَتْها فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، وَ أَلْقَمَتْها ثَدْيَها فَدَرَّ عَلَيْها. فَكانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تَنْمي فِي الْيَوْمِ كَما يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَ تَنْمي فِي الشَّهْرِ كَما يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ».[۲۰۱]

فاطمه علیهاالسّلام لب به ذکر تهلیل گشوده، فرمود: گواهی می‌دهم که جز الله معبود حقّ نیست، و پدرم رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله و سیّد انبیاء است، و شوهرم (علی) سیّد اوصیاء است، و فرزندانم سروران نوادگان پیامبران هستند. سپس به آن‌ها سلام کرد و نام یکایک آن‌ها را گفت و آن‌ها با او روبه‌رو شده و برایش خندیدند، و حوریان به یک‌دیگر بشارت دادند، و اهل آسمان (و اهل بهشت) ولادت فاطمه علیهاالسّلام را به هم بشارت دادند، و در آسمان نوری تابید که فرشتگان پیش از آن (روز) ندیده بودند (پس به این خاطر زهراء «نورافشان» علیهاالسّلام نامیده شد، و آن زن‌ها گفتند: ای خدیجه! او را پاک و پاکیزه برگیر، زکیّه و با میمنت است، و خودش و نسلش بابرکت است. پس شاد و خرم او را گرفت، و پستان به دهانش نهاد و شیر برایش جاری گشت. فاطمه در هرروز به اندازه رشد یک ماه نوزاد پسر، بزرگ می‌شد، و در یک ماه به اندازه رشد یک سال نوزاد پسربزرگ می‌شد.

و در خبر نیز ابن عبّاس واقعه بارداری حضرت خدیجه به حضرت فاطمه علیهماالسّلام را همانند روایت امام جعفر صادق علیه‌السّلام با اختلافی اندک حکایت کرده است، و تصریح دارد که آن‌حضرت در شکم مادر با او سخن می‌فرمود، و از حضرت خدیجه در جواب به رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل می‌کند که فرمود:

«يا رَسولَ‌اللهِ! إِنَّ الْجَنينَ الَّذي أَنَا حامِلٌ بِهِ إِذا أَنَا خَلَوْتُ بِهِ في مَنْزِلي كَلَّمَني، وَ حَدَّثَني مِنْ ظُلْمَةِ الْأَحْشاءِ».[۲۰۲]

یا رسول‌الله! راستی جنینی که به او حامله شده‌ام، چون در منزلم با او خلوت کنم با من سخن می‌گوید، و از تاریکی‌های شکم با من حرف می‌زند.

و بسیاری از علمای عامّه از رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله روایت کرده‌اند که فرمود:

«أَتاني جِبْريلُ بِتُفّاحَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَكَلْتُها وَ واقَعْتُ خَديجَةَ فَحَمِلَتْ بِفاطِمَةَ، فَقالَتْ: إِنّي حَمَلْتُ حَمْلاً خَفيفاً، فَإِذا خَرَجْتَ حَدَّثَني الَّذي في بَطْني. فَلَمّا أَرادَتْ أَنْ تَضَعَ بَعَثَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ لِيَأْتينَها فَيَلينَ مِنْها ما يَلِي النِّساءُ مِمَّنْ تَلِدُ، فَلَمْ يَفْعَلْنَ، وَ قُلْنَ: لا نَأْتيكِ، وَ قَدْ صِرْتِ زَوْجَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ(وَآلِهِ)وَسَلَّمَ، فَبَيْنَما هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمالِ وَ النّورِ ما لا يُوصَفُ، فَقالَتْ لَها إِحْداهُنَّ: أَنَا أُمُّكِ حَوّاءُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا آسِيَةُ بنت مزاحم، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا كُلْثُمُ أُخْتُ موسىٰ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ أُمِّ عيسىٰ، جِئْنا لِنَلِيَ من أَمْرَكِ ما يَلِي النِّساء، قالَتْ: فَوُلِدَتْ فاطِمَةُ، فَوَقَعَتْ حين وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ ساجِدَةً رافِعَةً إِصْبَعَها».[٢٠٣]

جبرئیل برایم سیبی را از بهشت آورد، و آن‌را خوردم و با خدیجه نزدیکی کردم و او به فاطمه باردار شد، در نتیجه گفت: من به بار سبکی باردار شده‌ام، هنگامی که بیرون می‌روی درون شکمم با من سخن می‌گوید. سپس چون خواست بار بگذارد (بزاید) به دنبال زنان قریش فرستاد تا نزدش بیایند و در زایمان کمکش کنند، چنان نکردند و گفتند: نزد تو نمی‌آییم، که زن محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله شدی. در همان حال (نگرانی) بود که چهار زن زیبا و نورانی چنان‌که به وصف نیایند بر او داخل شدند، یکی از آنان گفت: من مادرت حوّاء هستم، و دیگری

گفت: من آسیه دخترمزاحم هستم، و دیگری گفت: من کلثُم خواهرموسی هستم، و دیگری گفت: منم مریم دخترعمران و مادر عیسی. برای زایمان به کمک شما آمده‌ایم. (حضرت خدیجه) گفت: سپس فاطمه متولّد شد، چون برزمین افتاد، بلافاصله سجده‌کنان انگشتش را بالا برده بود (برای گفتن شهادات).

و در خبردیگری آمده است که حضرت امّ‌المؤمنین خدیجه علیهاالسّلام فرمود:

«لَمّا حَمَلْتُ بِفاطِمَةَ كانَتْ حَمْلاً خَفيفاً تُكَلِّمُني مِنْ باطِني، فَلَمّا قَرُبَتْ وَلادَتي أَرْسَلْتُ إِلَى الْقَوابِلِ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَبَيْنَ عَلَيَّ لِأَجْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ(وَآلِهِ)وَسَلَّمَ، فَبَيْنَما أَنَا كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمالِ وَ النّورِ ما لا يُوصَفُ، فَقالَتْ إِحْداهُنَّ: أَنَا أُمِّكِ حَوّاءُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا آسِيَةُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا أُمُّ كُلْثومُ أُخْتُ موسىٰ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا مَرْيَمُ جِئْنا لِنَلِيَ أَمْرَكِ».[۲۰۴]

وقتی که به فاطمه باردار شدم، باری سبک بود و در شکمم با من سخن می‌گفت. آن‌گاه که زمان زایمانم نزدیک گردید در پی قابله‌های قریش فرستادم، به خاطر(ازدواج من با) محمّد صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم، از آمدن سرباززدند. در آن حال (نگران) بودم که ناگهان چهار زن زیبا و نورانی چنان‌که به وصف نیاید داخل شدند، یکی از آنان گفت: من مادرت حوّاء هستم، و دیگری گفت: من آسیه هستم، و دیگری گفت: من امّ کلثوم خواهرموسی هستم، و دیگری گفت: من مریم هستم آمده‌ایم تا کار (زایمان) تورا به عهده گیریم.

و شیخ عزّالدّین عبد السّلام شافعی از علمای عامّه می‌نویسد:

آن‌گاه که حضرت امّ‌المؤمنین خدیجه سلام‌الله‌علیها به حضرت فاطمه علیهاالسّلام باردار شد، از دل مادر با او سخن می‌گفت و او از پیامبر

صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم پنهان می‌کرد، روزی (پیامبر) بر او داخل شد و کسی را با او ندید، از او پرسید با چه کسی سخن می‌گفت؟ فرمود:

«مَعَ ما في بَطْني، فَإِنَّهُ يَتَكَلَّمُ مَعي».

با آن‌که در شکمم (است سخن می‌گویم)، که به راستی با من سخن می‌گوید.

پیامبر صلّی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلّم فرمود:

«أَبْشِري يا خَديجَةُ! هٰذِهِ بِنْتٌ، جَعَلَهَا اللهُ أُمَّ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ خُلَفائي، يَخْرُجونَ بَعْدي وَ بَعْدَ أَبيهِمْ».[۲۰۵]

ای خدیجه! بشارت ده که این دختر است، خداوند او را مادر یازده تن از جانشینان من قرار داده است، که پس از من و پدرشان خارج می‌گردند.

شیخ عبد الله الحنفی متوفای بعد از سال ۸۰۰ می‌نویسد:

بعضی از راویان گرامی روایت کرده‌اند که همانا حضرت خدیجه کبری علیهاالسّلام روزی آرزو کرد که برخی از میوه‌های بهشت را ببیند، پس جبرئیل دو سیب بهشتی برای رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله آورد و گفت:

«يا مُحَمَّدُ! يَقولُ لَكَ مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً: كُلْ واحِدَةً، وَ أَطْعِمِ الْأُخْرىٰ لِخَديجَةَ الْكُبْرىٰ، وَ اغْشِها، فَإِنّي خالِقٌ مِنْكُما فاطِمَةَ الزَّهْراءِ».

ای محمّد! آن (خدایی) که برای هرچیزی قدری قرار داده تو را فرماید: یکی از این دو سیب را بخور، و دیگری را به خدیجه اطعام نما، و با او همبستر شو، همانا من از شما دو تن فاطمه زهراء را خلق می‌نمایم.

پس رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله بنا بر دستور چنان کرد. هنگامی که کافران از آن حضرت معجزه شقّ القمر (برای صدق ادّعای نبوّتش) را خواستند و آن زمانی بود که بارداری خدیجه به فاطمه نمایان شده بود، حضرت خدیجه فرمود:

«واخَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّداً، وَ هُوَ خَيْرُ رَسولٍ وَ نَبِيٍّ!».

نا امید و سرافکنده باد آن‌که محمّد را تکذیب کند، حال آن‌که او بهترین رسول و نبیّ است.

حضرت فاطمه علیهاالسّلام از شکم مادر بلافاصله ندا داد:

«يا أُمّاهُ! لا تَحْزَني، وَ لا تَرْهَبي، فَإِنَّ اللهَ مَعَ أَبي».

ای مادر! اندوه‌گین مباش، و نترس، همانا خداوند حامی پدر من است.

چون مدّت بارداری تمام شد و گذشت، فاطمه را زاد و به نور چهره حضرتش فضا روشن گشت.[۲۰۶]

رشد جسمی عبدالله‌بن‌عبد المطّلب

شیخ ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری استاد شیخ شهید اوّل می‌نویسد: شیوخ و گذشتگان محدّث ما برایمان این حدیث را روایت کرده‌اند:

«... وَ كانَ عَبْدُ اللهِ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ مِثْلَما يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ، وَ كانَ النّاسُ يَرَوْنَهُ وَ يَتَعَجَّبونَ مِنْ حُسْنِهِ وَ جَمالِهِ وَ أَنْوارِهِ، ...».[۲۰۷]

... و عبد الله در یک ماه چون رشد دیگران در یک سال بزرگ می‌شد، و مردم او را می‌دیدند و در شگفت می‌شدند از نیکویی و زیبایی و انوار او، ... .

رشد جسمی رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله

دایه رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله حضرت حلیمه سعدیّه رضی‌الله‌عنها فرمود:

«كانَ يَشِبُّ الْيَوْمَ شَبابَ الصَّبِيِّ فِي الشَّهْرِ، فَبَلَغَ سِتّاً وَ هُوَ جَفْرٌ».[۲۰۸]

رشد (رسول‌الله در کودکی) در هر روز مانند رشد یک ماه بچه‌ها بود، در نتیجه در شش‌ماهگی نیرومند بود.

دایه رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله حضرت حلیمه سعدیّه رضی‌الله‌عنها فرمود:

«... وَ شَبَّ شَباباً مُسْرِعاً، وَ كانَ يُمْسي صَغيراً وَ يُصْبِحُ كَبيراً، وَ كانَ يَزيدُ فِي الْيَوْمِ مِثْلَ ما يَزيدُ غَيْرُهُ فِي الشَّهْرِ، وَ يَشِبُّ فِي الشَّهْرِ مِثْلَما يَزيدُ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ. قالت: فَلَمّا كَبُرَ وَ نَشَأَ لَمْ يَكُنْ في زَمانِهِ أَكْثَرَ مِنْهُ حُسْناً وَ جَمالاً...».[۲۰۹]

... شتابان به نوجوانی رسید، شب کوچک بود و صبح بزرگ شده بود و در یک روز مانند یک ماه دیگران، رشد می‌کرد. و در یک ماه مانند یک‌سال دیگران بزرگ می‌شد. گوید: چون بزرگ شد و رشد نمود، هیچ‌کس در زمان او، در نیکویی و زیبایی از او بیش نبود... .

شیخ ابوالحسن احمد بن عبد الله بکری استاد شیخ شهید اوّل می‌نویسد: شیوخ و گذشتگان ما برایمان این حدیث‌ها را روایت کرده‌اند که:

أنّه (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) ... وَ قَدْ كانَ يَشِبُّ فِي الْيَوْمِ ما يَشِبُّ غَيْرُهُ فِي السَّنَةِ وَ يَنْمو، فَتَعَجَّبَ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ ذٰلِكَ وَ حُسْنِهِ وَ جَمالِهِ، ... .[۲۱۰]

همانا رسول‌الله (صلّی‌الله‌علیه‌وآله) ... در یک روز چنان رشد می‌کرد که غیر او در یک سال بزرگ می‌شد و نمو می‌کرد، در نتیجه اهل مکّه از آن و از نیکویی و جمالش شگفت‌زده می‌شدند، ... .

حکایت ولادت و رشد جسمانی و ...حجّة بن الحسن المهديّ عجّل‌الله‌فرجه

نسیم و ماریه دو خدمت‌کار امام حسن زکیّ عسکری علیه‌السّلام گفتند:

همانا آن‌گاه که صاحب الزّمان علیه‌السّلام زاده شد با دو زانویش افتاد، و انگشت سبّابه‌اش را به سوی آسمان بلند کرد، و عطسه نمود و فرمود:

«الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، عَبْداً داخِراً لِلّٰهِ (مِنْ عَبْدٍ داخِرٍ لِلّٰهِ) غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَ لا مُسْتَكْبِرٍ (وَ لا مُسْتَحْسِرٍ).

و فرمود:

زَعَمَتِ الظَّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللهِ داحِضَةٌ، وَ لَوْ أُذِنَ لَنا فِي الْكَلامِ لَزالَ الشَّكُّ».[۲۱۱]

ستمگران، گمان می‌کنند که حجّت خدا از بین خواهد رفت، و اگر اجازه یابیم که سخن بگوییم، هرآینه شک از میان می‌رود.

و گزیده‌ای از متن روایات بسیاری از حکیمه خاتون دختر گرامی امام محمّد جواد علیه‌السّلام در حکایت ولادت اعلی‌حضرت ولیّ‌عصر حجّة بن الحسن المهدیّ علیه‌السّلام و عجّل‌الله فرجه:

... امام زمان حجّة بن الحسن المهدیّ علیه‌السّلام و عجّل الله فرجه الشّریف در سحرگاه جمعه پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا اجلال نزول فرمود، و حکیمه خاتون به امر امام حسن زکیّ عسکری علیه‌السّلام برای کمک به زایمان در خدمت حضرت نرجس (سوسن) خاتون والده مکرّمه امام زمان علیهماالسّلام که دست پرورده و زاده شده در خانه حکیمه خاتون بود، آماده کمک به او بود، و خود شاهد عجایب آن‌چه که در آن شب گذشت قرار گرفت، وی حکایت می‌کند که: ... تا سحرگاه آثار زایمان هویدا نبود و امام در پاسخ اظهار تعجّب من فرمود:

«إِنّا مَعاشِرَ الْأَوْصِياءِ لا نُحْمَلُ فِي الْبُطُونِ، وَ إِنَّما نُحْمَلُ فِي الْجَنوبِ، وَ لا نُخْرَجُ مِنَ الْأَرْحامِ، وَ إِنَّما نُخْرَجُ مِنَ الْفَخِذِ الْأَيْمَنِ مِنْ أُمَّهاتِنا، لِأَنَّنا نُورُ اللهِ الَّذي لا تَنالُهُ الدَّناساتُ».

... همانا ما اوصیاء، در شکم (مادران) حمل نمی‌شویم، و تنها در پهلوها حمل می‌شویم (و نه جای دیگری)، و از رحم‌ها (ی مادران) خارج نمی‌شویم، و تنها از ران راست مادران‌مان خارج می‌شویم، زیرا که ما نور الله هستیم که آلودگی‌ها

بدان نرسد.

و چون نزدیک طلوع فجر شد به امر امام شروع به قرائت سوره قدر کردم و آن فرزند از درون مادر با من قرائت می‌فرمود و بر من سلام کرد، ترسیدم و امام حسن علیه‌السّلام فرمود:

«لا تَعْجَبي مِنْ أَمْرِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ يُنْطِقُنا بِالْحِكْمَةِ صِغاراً، وَ يَجْعَلُنا حُجَّةً في أَرْضِهِ كِباراً».

از امر خدای عزّوجلّ تعجب نکن، زیرا خدای تبارک و تعالی از کودکی ما را به حکمت گویا کند، و در بزرگی ما را حجّت خود در زمین سازد.

و به ناگاه دیدم که میان من و نرجس خاتون گویی پرده‌ای قرار گرفت و از دیدگانم پنهان شد، پس فریاد کنان نزد امام علیه‌السّلام رفتم که او فرمود: ای عمّه! بازگرد او را در جایش می‌بینی، بازگشتم و چیزی نگذشت که پرده کنار رفت و او را پوشیده از نوری دیدم که چشمم را تار می‌کند و خانه نیز پر از نور گردید و آن فرزند را چون پاره ماهی دیدم که بر بازوی راستش این آیه نوشته شده بود:

«جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً».[۲۱۲]

حق آمد و باطل نابود شد که قطعاً باطل نابود شدنی است.

و دیدم که او در حال سجده رو به قبله است و مواضع سجده را بر زمین نهاده و (دو) انگشت سبّابه را بلند کرده و با تضرّع می‌فرماید:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، وَ أَنَّ جَدّي مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَ أَنَّ أَبي أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، (وَ عَلِيٌّ حُجَّةُ اللهِ).

پس امامان را یک یک نام برد و بر آنان صلوات فرستاد تا این که به خودش رسید و فرمود:

«اللّٰهُمَّ! أَنْجِزْ لي ما وَعَدْتَني، وَ أَتْمِمْ لي أَمْري، وَ ثَبِّتْ وَطْأَتي، وَ امْلَإِ

الْأَرْضَ بِي عَدْلاً وَ قِسْطاً».

الاها! آن‌چه به من وعده فرمودی برایم به محقّق ساز، و امر مرا به انجام رسان، و گامم را استوار ساز، و زمین را به واسطه من پر از عدل و داد گردان.

او را پاک و پاکیزه و متضرّع یافتم، در آغوش گرفتم، و به فرموده امام نزد او بردم و او با دو دست خویش او را گرفت و در گوشش نجوی کرد و زبان خود را در کامش نهاد و دست خود را بر کمر و مفاصل و گوشش کشید، و صورت و دست‌ها و پاهایش را بوسه زد، حضرتش عطسه‌ای کرد، و امام حسن علیه‌السّلام به او فرمود:

پسرم! به اذن الله (به قدرت الله) سخن بگو، فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ، وَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حقّاً».

و امامان را یک به یک نام برد تا این‌که به خودش رسید و بر دستان امام حسن برای فرج شیعیانش دعا کرد.

به او فرمود: بخوان: او آغاز به قرائت قرآن از اول تا آخرش نمود...

امام به من فرمود: روز هفتم نزد ما بیا، و روز هفتم به خانه امام رفتم و حضرتش فرمود: فرزندم را نزدم بیاور، و چون آوردم با او همان کرد که در روز ولادتش کرد، سپس فرمود: ای پسرم سخن بگو: پس فرمود:

«أَعوذُ بِاللهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللهِ الرَّحْمانِ الرَّحِيمِ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ * وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هامانَ وَ جُنُودَهُما مِنْهُمْ ما كانُوا يَحْذَرُونَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفىٰ، وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضىٰ، وَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، وَ الْحَسَنِ، وَ الْحُسَيْنِ، وَ عَلِيِّ بْنِ

الْحُسَيْنِ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ موسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَ عَلِيِّ بْنِ موسىٰ، وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، ... ».

و بر بازوی راست او این آیه نوشته شده بود:

«وَ قُلْ جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إِنَّ الْباطِلَ كانَ زَهُوقاً».

و امام حسن علیه‌السّلام به او فرمود:

پسرم! آن‌چه را خداوند بر پیامبران و فرستادگان نازل فرمود، بخوان.

او از صحف شیث نبیّ و ابراهیم به زبان سریانی شروع کرد و هم‌چنین صحف ادریس و نوح و صالح و تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن جدّش رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله را از اول تا آخرش قرائت کرد، و قصّه انبیاء و مرسلین را تا زمان خودش حکایت فرمود.

و پس از چهل روز داخل خانه امام ابومحمّد علیه‌السّلام شدم به ناگاه مولایم امام زمان علیه‌السّلام را دیدم که در خانه راه می‌رود، نیکوتر از چهره او ندیده‌ام و شیواتر از سخن او و نوایی نیکوتر از نوایش نشنیده‌ام. امام حسن علیه‌السّلام فرمود:

«هٰذَا الْمَوْلودُ الْكَريمُ عَلَى اللهِ جَلَّ‌وَعَلا».

این همان مولودی است که بر الله عزّوجلّ گرامی است.

عرضه داشتم: ای سیّد و مولایم! آیا امر او را چون من می‌بینید، (چون) فرزند دوساله است حال آن‌که چهل روز دارد؟! در جواب از تعجّب من لبخندی زد و فرمود:

يا عَمَّتي! أَوَ ما عَلِمْتِ أَنّا مَعاشِرَ الْأَوْصِياءِ نَنْشَأُ فِي الْيَوْمِ مِثْلَ ما يَنْشَأُ غَيْرُنا فِي الْجُمُعَةِ، وَ نَنْشَأُ فِي الْجُمُعَةِ مِثْلَ ما يَنْشَأُ غَيْرُنا فِي الشَّهْرِ، وَ نَنْشَأُ فِي الشَّهْرِ مِثْلَ ما يَنْشَأُ غَيْرُنا فِي السَّنَةِ؟.

ای عمه‌ام! آیا ندانستی ما اوصیاء در یک روز برابر رشد یک هفته دیگران رشد می‌کنیم، و نموّ ما در یک هفته، چون رشد یک ماه دیگران است، و رشد ما در یک ماه مانند رشد دیگران در یک سال است؟!، ... .

«إِنَّ أَوْلادَ الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ إِذا كانُوا أَئِمَّةً يَنْشَئُونَ بِخِلافِ ما يَنْشَأُ غَيْرُهُمْ، وَ إِنَّ الصَّبِيَّ مِنّا إِذا كانَ أَتى عَلَيْهِ شَهْرٌ كانَ كَمَنْ أَتى عَلَيْهِ سَنَةٌ، وَ إِنَّ الصَّبِيَّ مِنّا لَيَتَكَلَّمُ في بَطْنِ أُمِّهِ، وَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ، وَ يَعْبُدُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَ عِنْدَ الرَّضاعِ تُطيعُهُ الْمَلائِكَةُ، وَ تَنْزِلُ عَلَيْهِ صَباحاً وَ مَساءً».

همانا فرزندان انبیاء و اوصیاء اگر مقام امامت داشته باشند بر خلاف دیگران نشو و نماء دارند، و همانا کودک ما در یک ماه چون کودک یک ساله باشد، و همانا کودک ما در شکم مادر سخن می‌گوید و قرآن می‌خواند، و پروردگار عزّوجلّ خود را عبادت کند، و فرشتگان در شیرخوارگی‌اش از او فرمان برند، و صبح و شام بر او نازل شوند.

برخواستم و سر حضرت (مهدی) را بوسیدم و رفتم... او را هر چهل روز می‌دیدم تا چند روز قبل از شهادت امام حسن علیه السّلام او را جوان مردی دیدم و نشناختم، به امام حسن علیه‌السّلام عرض کردم: این شخص کیست که مرا امر می‌فرمایید روبه رویش بنشینم؟! فرمود: این پسر نرجس است، و این خلیفه و جانشین من پس از من است... .[۲۱۳]

از مجموع این روایات و احادیث شریف درباره ولادت اعلی‌حضرت ولیّ عصر حجّة بن الحسن المهدیّ علیه‌السّلام و عجّل‌الله‌فرجه مطالبی به دست آمد:

۱- اوصیاء علیهم‌السّلام در پهلوی مادران قرار می‌گیرند و نه در شکم، لذا برای دیگران

نمایان و محسوس نیستند.

۲ - اوصیاء علیهم‌السّلام در دوران جنینی می‌شنوند و سخن می‌گویند.

۳- اوصیاء علیهم‌السّلام در دوران جنینی تلاوت آیات قرآن و عبادت الله می‌نمایند.

٤- و از رحم مادران خارج نمی‌شوند بلکه از ران راست آنان خارج می‌شوند، و چون نور الله هستند لذا آلوده به ناپاکی‌ها نمی‌شوند و پاک و پاکیزه به دنیا می‌آیند.

٥- هنگام ولادت سجده‌کنان به دنیا می‌آیند و مواضع سجده را بر زمین می‌گذارند، و انگشت اشاره را به آسمان به تضرّع بلند می‌کنند، شهادات را بر زبان جاری می‌نمایند، و اوصیاء را نام می‌برند.

٦- ازویژگی‌های آنان است که رشد جسمشان پس ازولادت چندین برابر دیگران است.

۷- و پس از ولادت بدون آن‌که درس خوانده باشند، دانای به کتاب‌های آسمانی از آغاز تا قرآن هستند و آن‌ها را تلاوت می‌کنند.

۸- و امام زمان علیه‌السّلام از صحف شیث نبیّ و ابراهیم به زبان سریانی، و صحف ادریس و نوح و هود و صالح و تورات موسی و انجیل عیسی و قرآن جدّش رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله و علیهم‌اجمعین از آغاز تا آخر آن را قرائت فرمود، سپس ماجرای انبیاء و مرسلین تا زمان خودش را حکایت نمود.

و سایر ائمّه معصومین علیهم‌السّلام نیز چنین بودند، و صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء صلوات‌الله‌وسلامه‌علیها نیزسجده‌کنان به دنیا آمد و انگشت خود را بالا برد و شهادات را فرمود:

«... ساجِدَةً رافِعَةً إِصْبَعَها... ».[۲۱٤]

... سجده‌کنان، انگشت خود را (برای شهادات) بالا برد... .

و نیزرشد جسمانی ایشان، به همان ترتیب بوده است:

«... وَ كانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تَنْمُو في الْيَوْمِ كَما يَنْمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَتَنْمُو فِي الشَّهْرِ كَما يَنْمُو فِي السَّنَةِ».[۲۱۵]

... فاطمه علیهاالسّلام در یک روز چونان یک ماه پسربچه رشد می‌کرد و در یک ماه چنان‌که پسربچه در یک سال رشد می‌نمود.

برهان٦٥- فاطمه، بهترین اهل زمین

یکی دیگراز شرایط امامت اعلم بودن و افضل بودن اوست و این هردو در وجود گرامی فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها است چنان‌چه رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله در حدیثی خطاب به عبدالرّحمان بن عوف لعنه‌الله فرمودند:

«...، وَ لَوْ كانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكانَتْ فاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ ابْنَتي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُراً وَ شَرَفاً وَ كَرَماً».[۲۱٦]

... اگر(تمامی) نیکویی، شخصیتی می‌داشت هرآینه فاطمه بود، بلکه او بزرگ‌تر است، همانا دخترم فاطمه علیهاالسّلام درجوهروشرافت وکرامت (ذاتی)، بهترین شخص اهلِ ـزمین است.

بنابراین کمالات همه در جوهرو شئون و صفات اوست.

هم‌چنین است خلافت کلّیّه الهیّه[۲۱۷]و مقام شاهد بر خلق بودن[۲۱۸] که هر دو این‌ها نیزبنابرنصّ وحی، در فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها گرد آمده است.

برهان ٦٦ الی ٦٩- همانند رسول‌الله و امیرالمؤمنین صلّی‌الله‌علیهماوآلهما؛

شاهد درآفرینش و اعمال خلق است

اطاعتش بر همه فرض است

تفویض امرخلق به او شده است

ولایت در تشریع دارد

محمّد بن سنان گوید: نزد امام محمّد تقی علیه‌السّلام بودم و ازاختلاف شیعه یاد کردم،

امام فرمود:

«يا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لَمْ يَزَلْ مُتَفَرِّداً بِوَحْدانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ فاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْياءِ، فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَها، وَ أَجْرىٰ طاعَتَهُمْ عَلَيْها، وَ فَوَّضَ أُمُورَها إِلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحِلُّونَ ما يَشاءُونَ، وَ يُحَرِّمُونَ ما يَشاءُونَ، وَ لَنْ يَشاءُوا إِلّا أَنْ يَشاءَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ. ثمّ قال: يا مُحَمَّدُ! هٰذِهِ الدِّيانَةُ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَها مَرَقَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها مُحِقَ، وَ مَنْ لَزِمَها لَحِقَ، خُذْها إِلَيْكَ يا مُحَمَّدُ».[۲۱۹]

ای محمّد! همانا خدای تبارک و تعالی پیوسته به یگانگی خود یکتا بود (جزاو نبود) سپس محمّد و علی و فاطمه را آفرید، آن‌ها هزار دوران بماندند، سپس سایر اشیاء را آفرید. و ایشان را برآفرینش آن‌ها شاهد قرار داد، و اطاعت ایشان را در میان آفریدگان جاری ساخت (یعنی برآن‌ها واجب کرد)، و امور آفریدگان را به ایشان واگذاشت. پس ایشان هرچه را خواهند حلال کنند، و هرچه را خواهند حرام سازند، حال آن‌که هرگز جزآن‌چه خدای تبارک و تعالی خواهد، نخواهند. سپس فرمود: ای محمّد! این است آن دیانتی که هرکه از آن جلورود (غلوکند، از دایره اسلام) بیرون رفته، و هرکه عقب بماند نابود گشته [و دینش را باطل کرده]، و هرکه به آن بچسبد، به حق رسیده است. ای محمّد !همواره ملازم این دیانت باش.

این حدیث شریف در کتاب «ریاض الجنان»، فضل الله بن محمود الفارسی نیز با اضافاتی بسیار مهم روایت شده، که جویندگان را به پی‌نوشت ارجاع می‌دهم.

نتایج این حدیث شریف:

حضرت فاطمه علیهاالسّلام خلقت نوری و ویژه‌ای دارند

همراه با رسول‌الله و امیرالمؤمنین، مخلوق نخست هستند
همه آفریدگان، در همه عوالم نسبت به نور ایشان در خلق متأخّر هستند
همه آفریدگان، در همه عوالم نسبت به نور ایشان در رتبه متأخّر هستند
شاهد خلقت آفریدگان هستند
و شاهد اعمال آفریدگان هستند.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم كن لوليك الحجة بن الحسن المهدي صلواتك عليه
وعلى آبائه في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً
وقائداً وناصراً ودليلاً وعيناً حتى تسكنه أرضك طوعاً
وتمتعه فيها طويلاً

بخش هجدهم

فاطمة حجّة الله

برهان۷۰- فاطمة حجّة الله

در ماجرای ازدواج امیرالمؤمنین با حضرت فاطمه علیهماالسّلام در آسمان‌ها، ذات احدیّت در پاسخ به سؤال فرشته‌ای که خطبه عقد آنان را در آسمان خواند درباره برکتی که خداوند برای آنان قرار داده چنین فرمود:

«... يا راحيلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتي عَلَيْهِما أَنْ- أَنّي أَجْمَعُهُما عَلىٰ مَحَبَّتي، وَ أَجْعَلَهُما حُجَّةً - حُجَّتي - عَلىٰ خَلْقي، وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأَخْلُقَنَّ مِنْهُما خَلْقاً، وَ لَأُنْشِئَنَّ مِنْهُما (فيهما) ذُرِّيَّةً (مُبارَكَةً طاهِرَةً) ، أَجْعَلُهُمْ خُزّاني في أَرْضي، وَ مَعادِنَ لِعِلْمي (لِحُكْمي)، وَ دُعاةً إِلىٰ ديني، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلىٰ خَلْقي بَعْدَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، ... ».[۲۲۰]

... ای راحیل، از جمله برکت بیشتری که از جانب خویش به آن دو می‌دهم، این است‌که آنان را براساس محبّت خودم جمع می‌نمایم، و آنان را حجّت (خود) بر آفریدگانم قرارمی‌دهم. به عزّت و جلالم سوگند، مخلوق از آنان به وجود می‌آورم، و ازآن دو(ودرآن دو)، نسلی (با برکت وپاکیزه) ایجاد می‌کنم‌که خزانه‌داران من درزمین، ومعادن علم من (حُکم من)، و دعوت‌کنندگان (خلق) به سوی دین من خواهند بود، وبعد ازپیامبران و رسولان، به وسیله آنان برخلق اتمام حجّت خواهم نمود... .

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله خطاب به امیرالمؤمنین و صدّیقه طاهره فرمودند:

«... وَ لَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ أَنَّ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَها لَمُشْتاقَةٌ إِلَيْكُما، وَ لَوْ لا أَنَّ اللهَ قَدَّرَ أَنْ يُخْرِجَ مِنْكُما ما يَتَّخِذُ بِهِ عَلَى الْخَلْقِ حُجَّةً لَأَجابَ فيكُمَا الْجَنَّةُ وَ أَهْلُها... ».[۲۲۱]

به یقین جبرئیل علیه السّلام مرا خبر داد که بهشت و بهشتیان، مشتاق شما هستند و اگر نبود که خداوند مقدّر فرموده از شما حجّت‌های آفریدگان را به وجود آورد، به یقین بهشت و بهشتیان شما را اجابت می‌نمودند،... .

رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«إِنَ اللهَ جَعَلَ عَلِيّاً وَ زَوْجَتَهُ وَ أَبْناءَهُ حُجَجَ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ هُمْ أَبْوابُ الْعِلْمِ في أُمَّتي، مَنِ اهْتَدىٰ بِهِمْ هُدِيَ إِلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ».[۲۲۲]

همانا خداوند؛ علیّ و همسر و فرزندانش را حجّت‌های خود بر خلق قرار داده است، و آنان درهای علم در امّت من هستند، هر کسی به وسیله آنان هدایت شود به صراط مستقیم هدایت شده است.

در بیان شخص صدّیقه طاهره سلام الله علیها در خطبه فدکیّه است که فرمودند:

«... وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ في غَيْبِهِ، ... ».[۲۲۳]

... و ما حجّت‌های او در غیب او هستیم، ... .

نصّ این احادیث شریف، خود برهان روشن بر مقام حجّة‌الله بودن آن حضرت است همراه با امیرالمؤمنین و دیگر ائمّه معصومین علیهم‌السّلام. روایات بسیار دیگری بر این معنا تصریح دارد که برخی از آن‌ها در ادامه و در ذیل عناوین دیگر آمده است.

برهان۷۱ الی ۷۵-

فاطمة وسیلة الله

خاصّة الله

محلّ قدس الله

حجّة الله في غيبه

وارثة الأنبياء

در بیان حضرت در خطبه فدکیّه است که فرمودند:

«... وَ نَحْنُ وَسيلَتُهُ في خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ في غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبِيائِهِ، ... ».[۲۲۴]

... و ماییم وسیله خداوند در میان خلق او، و ماییم خاصّان او و جایگاه قدس او، و ما حجّت‌های او در غیب اوییم، و وارثان پیامبرانش ما هستیم، ... .

هرچند، هریک از فرازهای ذکر شده جای بسیار تأمّل و درنگ دارد لکن مقصود ما به غایت واضح بوده و نیازی به تبیین نیست و ایشان چون بقیه معصومین، این مقامات را دارند و همه این‌ها بر طهارت و عصمت مطلقه و ولایت مطلقه و کلّیّه دلالت دارد.

اعتراف دشمن (و الفضل ما شهدت به الأعداء)

فراوانی دلایل و برهان‌هایی که رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله از قرآن کریم بر حجّت الله بودن فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام برای مسلمانان بیان فرموده بود، قابل انکار لدودترین دشمنان آن‌حضرت هم نبود، که خودش به آن اقرار زبانی کرد هرچند که ایمان نداشت، و کرد آن‌چه کرد:

در کتاب شریف دلائل‌الإمامة، محمّد بن جریر بن رستم طبری صغیر از اعلام محدّثین قرن۵، به هفت سند از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق و حضرت زینب علیهم‌السّلام و بنی‌هاشم و زید بن علی و ابن‌عبّاس آورده است که:

پس از ایراد خطبه حضرت فاطمه علیهاالسّلام و اقامه حجج بر غاصبین و انصارشان در مسجد رسول‌الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله و در جمع اصحاب سقیفه

ملعونه و جمع مهاجرین و انصار، ابوبکر چنین گفت:

یا بنت رسول الله، أنت عین الحجّة، و منطق الحکمة، ... .[۲۲۵]

و در کتاب بلاغات النّساء، ابن طیفور، احمد بن أبي طاهر متوفای ۲۸۰ هجری به سند خود کلام او را چنین نقل کرده است:

یا بنت رسول الله! أنت عین الحجّة، و منطق الرّسالة، ... .[۲۲۶]

و در کتاب شریف الإحتجاج، احمد بن علیّ بن ابی‌طالب طبرسی از اعلام محدّثین قرن٦، به روایت خود از عبدالله محض فرزند حسن مثنّی از پدرانش علیهم‌السّلام سخن او را چنین نقل کرده:

صدق الله و رسوله، و صدقت ابنته؛ معدن الحکمة، و موطن الهدی و الرّحمة، و رکن الدّین، و عین الحجّة، ... .[۲۲۷]

پس فاطمه کیست؟

امام علیّ بن موسی الرّضا المرتضی صلوات الله و سلامه علیه در وصف امام فرمود:

«... إِنَّ الْإِمامَةَ أَجَلُّ قَدْراً، وَ أَعْظَمُ شَأْناً، وَ أَعْلىٰ مَكاناً، وَ أَمْنَعُ جانِباً، وَ أَبْعَدُ غَوْراً مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النّاسُ بِعُقُولِهِمْ، أَوْ يَنالُوها بِآرائِهِمْ، أَوْ يُقيمُوا إِماماً بِاخْتِيارِهِم... إِنَّ الْإِمامَةَ أُسُّ الْإِسْلامِ النّامي وَفَرْعُهُ السّامي...».[۲۲۸]

... همانا امامت قدرش والاتر، و منزلتش شگفت‌تر، و جایگاه‌اش والاتر، و مکانش منیع‌تر، و عمقش گودتر از آن است که مردم با عقل خود به آن رسند، یا با نظرات خود آن‌را دریابند، و یا با انتخاب خود امامی منصوب کنند، ... همانا امامت اساس و ریشه با نموّ اسلام و شاخه بلند آن است، ... .

می‌بینیم حضرت امام علیّ الرّضا المرتضی علیه‌السّلام فرمود که با عقل عموم مردم، معرفت حقیقت امام دست نایافتنی است، به همین ترتیب جز خود رهبران معصوم، همه

خلق ازمعرفت حقیقت حضرت فاطمه علیهاالسّلام نیزبریده ومنقطع وناتوان می باشند. حال که امام و شناخت اوصاف او برتراز عقول است پس فاطمه چیست؟ و کیست؟ «وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ»؟

امام جعفرصادق علیه‌السّلام فرمود:

« ... اللَّيْلَةُ فاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُ اللهُ، فَمَنْ عَرَفَ فاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِها فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ إِنَّما سُمِّيَتْ فاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها - أو - مِنْ مَعْرِفَتِها، ... ».[۲۲۹]

... (مقصود از) «اللَّيْلَةُ» (در سوره قدر) فاطمه است، و «الْقَدْر» الله است، پس هرکس به قدر حقّ معرفت فاطمه او را شناخت، همانا شب قدر را درک نموده، و تنها به این خاطرفاطمه نامیده شد که همه خلق از معرفت او بریده شدند، ... .

فاطمة حجّة الله علی الحجج

حضرت فاطمه علیها السّلام حجّة الله است نه تنها برخلق که براهل عصمت و این حکایت از سبقت و تقدّم جوهری رتبی ایشان می‌کند. حضرت امام حسن زکیّ عسکری علیه‌السّلام فرمودند:

«نَحْنُ حُجَجُ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ جَدَّتُنا فاطِمَةُ حُجَّةُ اللهِ عَلَيْنا».[۲۳۰]

ما حجّت‌های الله برخلق اوهستیم، ومادربزرگ ما فاطمه حجّت الله است برما».

و صدّیقه طاهره علیهاالسّلام که حجّت برحجج الهی و طاعتش بر همه آنان فرض است، او دلیل و راهنمای انبیاء و اوصیاء و سایرخلق به توحید و معرفت و طاعت و نیز واسطه علوم آنان است؛ و دراخذ و عطاء ولایت دارد ... .

زيارت حضرت فاطمة الزّهراء عليها السّلام

« (السَّلامُ عَلَيْكِ) يا مُمْتَحَنَةُ، إِمْتَحَنَكِ اللَّهُ الَّذي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ، فَوَجَدَكِ لِمَا امْتَحَنَكِ صابِرَةً، وَ زَعَمْنا أَنّا لَكِ أَوْلِياءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتانا بِهِ أَبُوكِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ أَتانا بِهِ وَصِيُّهُ عَلَيْهِ السَّلامُ، فَإِنّا نَسْأَلُكِ إِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكِ، إِلّا أَلْحَقْتِنا بِتَصْدِيقِنا لَهُما بِالْبُشْرىٰ لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنا، بِأَنّا قَدْ طَهُرْنا بِوَلايَتِك».

پایان ناگزیر

کنه حقیقت فاطمه سلام الله علیها در دولت کریمه آل‌محمّد صلّی‌الله‌علیهم‌وسلّم و در قیامت هویدا خواهد شد، و ظرف قابل آن خاتم الأنبیاء و ساداتنا الأوصیاء هستند و هر که را مشیّت نمایند.[۲۳۱]

ابوالصّامت یکی از اصحاب امام جعفرصادق علیه‌السّلام است گوید: امام فرمود:

«إِنَّ حَدیثَنا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، شَریفٌ، کَریمٌ، ذَکْوانُ، ذَکِیٌّ، وَعْرٌ، لایَحْتَمِلُهُ مَلَکٌ مُقَرَّبٌ، وَ لا نَبِیٌّ مُرْسَلٌ، وَ لا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ».

گوید: به امام عرض کردم: پس چه کسی احتمال آن می‌کند؟ فرمود:

«مَنْ شِئْنا یا أَبَا الصّامِتِ».

ای اباالصّامت! آن‌کس که ما مشیّت نماییم.

و درک کنه معرفت فاطمة الزّهراء علیهاالسّلام برای غیرذات احدیّت و حضرات محمّد و آل‌محمّد صلوات الله و سلامه علیهم ناممکن و دست‌نیافتنی است زیرا که او لیله است و پوشیده شده، لکن «لَیْلَةُ الْقَدْرِ»، شب الله است، و از لیلة القدر وجود او، طلوع فجر حسین علیه‌السّلام است و فجرقیام مهدی آل‌محمّد صلّی‌الله‌علیهم خواهد

بود، و بقیّه صلوات که امر به محافظت بر آن‌ها شده‌ایم «حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ» پس از او و از اوست، که «وَ لَوْلا فاطِمَةُ لَما خَلَقْتُكُما»، و بقای همه عالم وجود و تکوین و تشریع به نور او و فعل اوست که فاطمه و از اسم فاطر و . . . خیر بسیار و با برکت از اوست، زیرا منشأ و اساس و آغاز و انجام هر خیری از ذات احدیّت به آنان است که «هٰذا عَطاؤُنا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسابٍ»، و این بطن فاطمه است که ظرف قابل قرار و انتقال امامان و اولیاء معصوم است؛ بلکه از روح و نور و جان و قلب و همه وجود او مردانی حکیم پا به عرصه وجود گذاشته و به عالم دنیا نیز بیایند. . .

آن حضرت وعاء و ظرف همه علوم کتاب‌های آسمانی و قرآن کریم است و عالمه است به معارف و معانی ظاهر و باطن آن‌ها و چون در حقیقت نوری، با نور رسول‌الله و ائمّه هدی صلوات‌الله‌علیهم یکی است، پس هرآن‌چه را که بر حقیقت آن حضرات نازل می‌گردد، بر او نیز به نحو انزال نازل گردیده و البته که به ترتیب؛ اوّل رسول‌الله و آن‌گاه امیرالمؤمنین و حضرتش و آن‌گاه بقیّه ائمّه علیهم‌السّلام، ... آیات بسیاری از قرآن کریم درباره صدیقه طاهره علیهاالسّلام است و در آیاتی که درباره اهل بیت علیهم‌السِلام است نیز شریک است و واجده همه کمالات آن حضرات. . .

جان من و جان عزیزانم به فدای آن‌که رضای الله در رضای او، و دستان تازیانه خورده‌اش و آستان سوخته‌ی خانه‌اش بوسه‌گاه رسول و وصیّ و آل‌الرّسول بود، و حجّت بر حجج الله، شفیعة شیعتها و شفیعة محبّیها است.[۲۳۲]

برای آن‌کس که روحش از فاضل طینت حضرات محمّدوآل‌محمّد صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین باشد، آن‌چه از آیات و احادیث نورانی درباره حضرت آیة الله العظمی حجّة الله علی الحجج فاطمة الزّهراء صلوات الله و سلامه علیها ذکر گردید، غنیمتی بس

بزرگ است که باید قدرش را بداند. فهنیئاً للمسلّمین لهم.

الحاصل حضرت آیة الله العظمی، عصمة الله الکبری فاطمة الزّهراء سلام الله علیها امام است لکن صامت، زیرا سگان و گرگان نگذاشتند، و بئر معطّله است، زیرا ناقابلان نخواستند، در عین حال چون پدر و شوهر و فرزندانش قائم به امر الله است و بإذن الله تعالی زمامدار هستی و شرع بوده، هست و خواهد بود، و واسطه عقل و علم و دیگر عطایای الهی به خرد و کلان عوالم وجود است، و برآن‌ها سلطنت می کند. او حجّة الله بر حجج الله است و این مقام او هیمنه و سلطنت برآنان دارد، و اوست که آنان را توفیق و تسدید می کند. ماء معین معرفت به مقامات صدّیقه طاهره فاطمة الزّهراء سلام الله علیها گوارای آنان که ازروی عقل و علم، تسلیم محض اهل بیت اطهار علیهم السّلام هستند و از شیعیانشان شده‌اند که امام علیّ بن موسی الرّضا علیه السّلام فرمود:

«شیعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنا، الْمُخالِفُونَ لِأَعْدائِنا، فَمَنْ لَمْ یَکُنْ کَذٰلِکَ فَلَیْسَ مِنّا».[۲۳۳]

شیعیان ما آنانی هستند که تسلیم امر ما هستند، سخنان ما را پذیرفته (وآن را ملاک می گیرند) و با دشمنان ما مخالفند. پس هرکس این گونه نباشد از ما نیست.

اللّهمّ اجعلنا من شیعة فاطمة الشّهیدة في الدّنیا و الآخرة، و آخر دعوٰنا أن الحمد لله ربّ العالمین، و صلّی الله علی محمّد و آله، و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین إلی أبد الآبدین.

قم المقدّسة عشّ آل محمّد صلّی الله علیهم

عُبَیْدُهُمْ حیدر حسین حیدر التربتي الکربلائي

یوم الجمعة الرّابع و العشرین من شهر ذي القعدة الحرام ۱٤٤۱



پی نوشت‌ها

۱- مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد: ص۴۰۱- الصّلاة على السّيّدة فاطمة عليهاالسّلام:. و جمال الأسبوع: ص۴۸۶ و البلدالأمين : ص۳۰۴.

۲- الكافي: ج۱ ص۳۳۷ ح۵ و ۳۴۲ ح۲۹ و الغيبة، النعمانيّ: ص۱۶۶ ح۶ و كمال الدّين: ج۲ ص۳۴۳ ب۳۳ ح۲۴ و مصباح المتهجّد: ج۱ ص۴۱۲ و إعلام الورى: ص۴۳۲ فصل۲ و جمال الأسبوع: ص۵۲۱ و ص۵۲۲ و ....

۳- سوره (۹) التّوبة آيه۱۰۳.

۴ - سوره (۴) النساء آيه ۱۷۵.

۵- سوره (۱۶) النّحل آيه۱۹.

۶ - بصائر الدّرجات في فضائل آل‌محمّد صلّى الله عليهم: ص۴۸۷ ب۱۱ ح۱- حدّثنا الهيثم النّهديّ، عن البرقيّ، عن خلف بن حمّاد، عن أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ».

و الكافي: ج۱ ص۱۷۷ ح۴- محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن البرقيّ، -مانند البصائر-. و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص۱۳۵ ب۳۵ ح۱۴۹- سعد، عن النّهديّ،-مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج۱ ص۴- قول الصّادق جعفر بن محمّد عليه السّلام – مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج۱ ص۲۲۱ ب۲۲ ح۵- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الهيثم بن أبي مسروق النّهديّ،- مانند البصائر-. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج۱ ص۲۳۲ ب۲۲ ح۳۶- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ قال: حدّثنا الحسن بن عليّ الزّيتونيّ، عن ابن هلال، عن خلف بن حمّاد، عن ابن مسكان، عن محمّد بن مسلم، عن أبي عبد الله عليه السّلام – مانند البصائر-. و الإختصاص: ص۲۳- أبان بن تغلب قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: «الْحُجَّةُ

قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ». و الثّاقب في المناقب: ص١١٧ فصل١- إنّ الله سبحانه و تعالى خلق آدم عليه السّلام، و اصطفاه، و جعله بديع فطرته، و آية قدرته، بفضائل إعلاءً لقدره و تنويهاً باسمه، و جعله حجّة قبل أن يحتجّ به عليه، كما روي عن الصّادقين عليهما السّلام: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». و الدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص٢٥٦- و نصب الإمام من الواجبات لقوله تعالى: «إِنِّي جاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بدأ بالخليفة قبل الخليقة، و الحكيم العليم يبدأ بالأهمّ دون الأعمّ، و ذلك تصديق قول جعفر بن محمّد عليهما السّلام حيث يقول: «الْحُجَّةُ قَبْلَ الْخَلْقِ وَ مَعَ الْخَلْقِ وَ بَعْدَ الْخَلْقِ». و لو خلق الله تعالى الخليقة خلواً من الخليفة لكان قد عرضهم للتّلف.

٧ - قرب الإسناد: ص٣٤٨ ح١٢٦٠- أحمد بن محمّد بن عيسى، عن أحمد بن محمّد بن أبي نصر قال: كتبت إلى الرّضا عليه السّلام: ... فكتب: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمانِ الرَّحِيمِ، ... وَ قالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السّلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقُومُ لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يَعْرِفُونَهُ ... . و الإختصاص: ص٢٦٨- عن الرّضا عليه السّلام قال: قال أبو جعفر عليه السّلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقُومُ لِلّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ.

٨ - الإختصاص: ص٢٦٨- عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: إِنَّ الْحُجَّةَ لا يَقُومُ لِلّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ. و الإختصاص: ص٢٦٩- عن داود الرّقّيّ، عن العبد الصّالح عليه السّلام قال: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَيٍّ يُعْرَفُ.

٩ - الكافي: ج١ ص١٧٧ ح٢- الحسين بن محمّد، عن معلّى بن محمّد، عن الحسن بن عليّ الوشّاء قال: سمعت الرّضا عليه السّلام يقول: إنّ أبا عبد الله عليه السّلام قال: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَتّىٰ يُعْرَفَ. و الكافي: ج١ ص١٧٧ ح١- محمّد بن يحيى العطّار، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن الحسن بن محبوب، عن داود الرّقّيّ، عن العبد الصّالح عليه السّلام قال: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَتّىٰ يُعْرَفَ. و بصائر

الدّرجات في فضائل آل‌محمّد صلّى الله عليهم: ج١ ص٤٨٦ ب١٠ ح١٣- حدّثنا عبّاد بن سليمان، عن سعد بن سعد، عن محمّد بن عمارة، عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: إِنَّ الْحُجَّةَ لا تَقومُ لِلّهِ عَلىٰ خَلْقِهِ إِلّا بِإِمامٍ حَتّىٰ يُعْرَفَ. و الكافي: ج١ ص١٧٧ ح٣- أحمد بن محمّد، عن محمّد بن الحسن، عن عبّاد بن سليمان، ...- مانند البصائر-.

١٠- التّوحيد: ص١٥٨ ب١٥ ح٤- بسنده المتّصل القويّ عن عيسى بن راشد، عن محمّد بن عليّ بن الحسين عليهم السّلام في قوله عزّوجلّ: «كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» قال: الْمِشْكاةُ نُورُالْعِلْمِ في صَدْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، «الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ» الزُّجاجَةُ صَدْرُعَلِيٍّ عَلَيْهِ السّلام، صارَ عِلْمُ النَّبِيِّ إِلىٰ صَدْرِ عَلِيٍّ، «الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» قال: نُورٌ، «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» قال: لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ» قال: يَكادُ الْعالِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلاةُ وَ السّلام يَتَكَلَّمُ بِالْعِلْمِ قَبْلَ أَنْ يَسْأَلَ، «نُورٌعَلىٰ نُورٍ» يَعْني إِماماً مُؤَيَّداً بِنُورِ الْعِلْمِ وَ الْحِكْمَةِ في إِثْرِإِمامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ذٰلِكَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلىٰ أَنْ تَقُومَ السّاعَةُ. فَهٰؤُلاءِ الْأَوْصِياءُ الَّذينَ جَعَلَهُمُ اللهُ خُلَفاءَهُ في أَرْضِهِ، وَ حُجَجَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، لا تَخْلُو الْأَرْضُ في كُلِّ عَصْرٍ مِنْ واحِدٍ مِنْهُمْ. از او: مناقب آل‌أبي‌طالب عليهم السّلام: ج١ ص٢٨٠و الصّراط المستقيم:ج٢ ص٤٢ فصل٣. تفسير مجمع البيان: ج٧ ص٢٢٦ از او: تأويل الآيات الظّاهرة: ص٣٥٦.

١١- الغيبة، النّعمانيّ: ص١٤٠ ب٩ ح٣ از كلينى مانند الكافي: ج١ ص١٨٠ ح٣- محمّد بن يحيى، عمّن ذكره، عن الحسن بن موسى الخشّاب، عن جعفربن محمّد، عن كرّام قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: لَوْكانَ النّاسُ رَجُلَيْنِ، لَكانَ أَحَدُهُما الْإِمامَ. و قال: إِنَّ آخِرَمَنْ يَمُوتُ الْإِمامُ، لِئَلّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِحُجَّةٍ لِلّهِ عَلَيْهِ. و الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص٣٠ ب٢ ح١٣- أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمّد، عن الخشّاب، عن جعفربن محمّد، عن كرّام .... و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٦ ب١٥٣ ح٦ -حدّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله

قال: حدّثنا أحمد بن إدريس ... .

١٢- الكافي: ج١ ص١٨٠ ح٣- محمّد بن يحيى، عمّن ذكره، عن الحسن بن موسى الخشّاب، عن جعفر بن محمّد، عن كرّام قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: لَوْ كانَ النّاسُ رَجُلَيْنِ لَكانَ أَحَدُهُما الْإِمامَ. و قال: إِنَّ آخِرَمَنْ يَمُوتُ الْإِمامُ، لِئَلّا يَحْتَجَّ أَحَدٌ عَلَى اللهِ عَزَّوَ جَلَّ أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِ حُجَّةٍ لِلّهِ عَلَيْهِ. و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص٣٠ ح١٣- أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمّد، عن الخشّاب، عن جعفربن محمّد، عن كرّام، قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام: ... أَنَّهُ تَرَكَهُ بِغَيْرِحُجَّةٍ. و الغيبة، النّعماني: ص١٤٠ ب٩ ح٣ از كلينى مانند الكافي. و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٦ ب١٥٣ ح٦- حدّثنا الحسين بن أحمد رحمه الله قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، عن عبد الله بن محمّد، عن ابن الخشّاب، عن جعفربن محمّد، عن كرّام قال: قال أبو عبد الله عليه السّلام:-مانند الكافي-.

١٣- الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٨ ب٨ ح٧ از كلينى مانند الكافي: ج١ ص١٧٨ ح٨- عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفرعليه السّلام قال: قال: وَ اللهِ، ما تَرَكَ اللهُ أَرْضاً مُنْذُ قَبَضَ (اللهُ - النعماني و المختصر) آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ، وَ هُوَ حُجَّتُهُ (حُجَّةٌ لِلّهِ - المختصر) عَلىٰ عِبادِهِ، وَ لا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِإِمامٍ، حُجَّةٍ لِلّهِ عَلىٰ عِبادِهِ. و مانند آن در: مختصرالبصائر: ص٦٣ ح٣٠-(سعد)، عنهما (يعقوب بن يزيد و إبراهيم بن هاشم)، عن محمّد بن الفضيل، عن عليّ بن أبي حمزة الثماليّ، عن أبي جعفر عليه السّلام... . الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص٢٩ ب٢ ح١٠- و عنه (سعد بن عبد الله)، عن محمّد بن عيسى، عن رجل، عن أبي حمزة: عن أبي جعفرعليه السّلام، قال: وَ اللهِ، ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ آدَمَ، إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ، وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ عَلىٰ عِبادِهِ، وَ لا تَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ(إِمامٍ)، حُجَّةً لِلّهِ عَلَى عِبَادِهِ. از الإمامة: علل الشّرائع: ج١ ص١٩٧ ب١٥٣ ح١١- أبي رحمه الله ... . و مانند المحاسن: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص٢٠٥- و بهذا

الإسناد (أبي ره قال: حدّثني سعد بن عبد الله، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ قال: حدّثني عبد العظيم بن عبد الله)، عن أحمد بن أبي المعزى، عن ذريح ... . و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٧ ب١٥٣ ١٣- أبي رحمه الله قال: الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص٣١ ب٢ ح١٥- و عنه (عبد الله بن جعفر الحميريّ)، عن إبراهيم بن هاشم، عن محمّد بن حفص، عن عيثم بن أسلم، عن ذريح المحاربيّ، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: سمعته يقول: وَ اللهِ، ما تَرَكَ اللهُ (عَزَّوَ جَلَّ - الكمال) الْأَرْضَ (قَطُّ- الكمال) مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ (عَزَّوَ جَلَّ- العلل و الكمال)، وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ (عَزَّوَ جَلَّ- العلل) عَلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا، حَقّاً عَلَى اللهِ تَعالىٰ (عَزَّوَجَلَّ- العلل و الكمال). و مانند آن: كمال الدّين و تمام النّعمة : ج١ ص٢٣٠ ب٢٢ ح٢٨- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر قال: حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن أبي جعفر ،عن عثمان بن أسلم، عن ذريح... . و حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر،عن محمّد بن عيسى، عن جعفربن بشير و صفوان بن يحيى جميعاً، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السّلام مثله سواء. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٢٠ ب٢٢ ح٣- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمّد بن عيسى، عن صفوان بن يحيى، عن أبي الحسن الأوّل يعني موسى بن جعفر عليهما السّلام قال: ما تَرَكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْأَرْضَ بِغَيْرِ إِمامٍ قَطُّ مُنْذُ قُبِضَ آدَمُ، يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ هُوَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ ضَلَّ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا، حَقّاً عَلَى اللهِ عَزَّوَ جَلَّ. و أعلام الدّين: ص٤٠٠ قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: مَنْ أَبْغَضَنا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللهُ يَهُودِيّاً، وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَ اللهَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقامِ أَلْفَ سَنَةٍ ثُمَّ لَقِيَ اللهَ بِغَيْرِ وَلايَتِنا لَأَكَبَّهُ اللهُ عَلىٰ مَنْخِرَيْهِ فِي النّارِ، وَ مَنْ ماتَ لا يَعْرِفُ إِمامَ زَمانِهِ ماتَ ميتَةً جاهِلِيَّةً، وَ اللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ مُنْذُ قَبَضَ آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ، حُجَّةً عَلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا.

١٤- الأصول السّتّة عشر (دار الشبستري): ص٨٩ و دار الحديث: ص٢٦٦ ح٥٤/٣٨١- (كتاب

محمّد بن المثنّى بن القسم الحضرميّ) رواية هارون بن موسى التلعكبريّ، عن أبي عليّ محمّد بن همّام بن سهل الكاتب: بسم الله الرّحمان الرّحيم حدّثنا الشيخ أبو محمّد هراون بن موسى بن أحمد التلعكبريّ أيّده الله قال: حدّثنا محمّد بن همّام قال: حدّثنا حميد بن زياد الدهقان قال: حدّثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزديّ البزّاز قال: حدّثنا محمّد بن المثنّى بن القسم الحضرميّ قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن شريح الحضرميّ، عن ذريح المحاربيّ): جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: كنّا عنده فقال: إِحْتَجَّ (يَحْتَجُّ- دار الحديث) عَلَيْهِمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السّلام بِأَنْ قالَ: وَ اللهِ إِنَّ مِنّا لَرَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ إِنَّ مِنّا حَمْزَةَ سَيِّدَ الشُّهَداءِ، وَ إِنَّ مِنَّا الْإِمامَ الْمُفْتَرَضَ الطّاعَةِ، مَنْ أَنْكَرَهُ ماتَ إِنْ شاءَ يَهُودِيّاً، وَ إِنْ شاءَ نَصْرانِيّاً. ثُمَّ قالَ: وَ اللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ قَطُّ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ آدَمَ إِلّا وَ فيها مَنْ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ إِلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا حَقّاً عَلَى اللهِ. و المحاسن: ج١ ص٩٢ ب١٧ ح٤٥- عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: مِنَّا الْإِمامُ الْمَفْرُوضُ طاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ ماتَ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرانِيّاً، وَ اللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ (ما تُرِكَ الْأَرْضُ- العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللهُ (عَزَّ وَ جَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ، حُجَّةً عَلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا، حَقّاً عَلَى اللهِ.

١٥- كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٦٢ ب٢٤ ح٨- حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق رضي الله عنه قال: أخبرنا أحمد بن محمّد الهمداني قال: حدّثنا محمّد بن هشام قال: حدّثنا عليّ بن الحسن السائح قال: سمعت الحسن بن عليّ العسكريّ يقول: حدّثني أبي، عن أبيه، عن جدّه عليهم السّلام قال: قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِعَلِيّ بْنِ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ السّلام: يا عَلِيُّ! لا يُحِبُّكَ إِلّا مَنْ طابَتْ وِلادَتُهُ، وَ لَا يُبْغِضُكَ إِلّا مَنْ خَبُثَتْ وِلادَتُهُ، وَ لا يُواليكَ إِلّا مُؤْمِنٌ، وَ لا يُعاديكَ إِلّا كافِرٌ،... مَنْ أَنْكَرَ واحِداً مِنْهُمْ (الأئمّة) فَقَدْ أَنْكَرَني، وَ مَنْ أَنْكَرَني فَقَدْ أَنْكَرَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ، وَ مَنْ جَحَدَ واحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ جَحَدَني، وَ مَنْ جَحَدَني فَقَدْ جَحَدَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ،

لِأَنَّ طاعَتَهُمْ طاعَتي، وَ طاعَتي طاعَةُ اللهِ، وَ مَعْصِيَتَهُمْ مَعْصِيَتي، وَ مَعْصِيَتي مَعْصِيَةُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، ... اللّٰهُمَّ والِ مَنْ والىٰ خُلَفائي وَ أَئِمَّةَ أُمَّتي بَعْدي، وَ عادِ مَنْ عاداهُمْ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَ لا تُخْلِ الْأَرْضَ مِنْ قائِمٍ مِنْهُمْ بِحُجَّتِكَ ظاهِراً، أَوْ خافِياً مَغْمُوراً، لِئَلّا يَبْطُلَ دينُكَ وَ حُجَّتُكَ، وَ بُرْهانُكَ وَ بَيِّناتُكَ ... .

١٦- كفاية الأثر في النّصّ على الأئمّة الإثني عشر: ص١٦٢- حدّثني عليّ بن الحسين بن محمّد قال: حدّثنا عتبة بن عبد الله الحمصيّ بمكّة قراءة عليه سنة ثمانين و ثلاثمائة قال: حدّثنا موسى القطقطاني قال: حدّثنا أحمد بن يوسف قال: حدّثنا حسين بن زيد بن علي قال: حدّثنا عبد الله بن حسين بن حسن، عن أبيه، عن الحسن عليه السّلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْماً فَقالَ بَعْدَ ما حَمِدَ اللهَ وَ أَثْنىٰ عَلَيْهِ: مَعاشِرَ النّاسِ! كَأَنّي أُدْعىٰ فَأُجيبُ، وَ إِنّي تارِكٌ فيكُمُ الثَّقَلَيْنِ؛ كِتابَ اللهِ وَ عِتْرَتي أَهْلَ بَيْتي، ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لا يَخْلُوالْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَتْ إِذًا لَساخَتْ بِأَهْلِها. ثُمَّ قالَ عليه السّلام: اللّٰهُمَّ إِنّي أَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لا يَبيدُ وَ لا يَنْقَطِعُ، وَ أَنَّكَ لَا تُخْلي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ؛ ظاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطاعِ، أَوْ خائِفٍ مَغْمُورٍ، لِكَيْلا تَبْطُلَ حُجَّتُكَ، وَ لا تَضِلَّ أَوْلِياؤُكَ، ... . و الكافي: ج١ ص١٧٨ ح٧- عليّ بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة و عليّ بن إبراهيم، عن أبيه، عن الحسن بن محبوب، عن أبي أسامة و هشام بن سالم، عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق، عمّن يثق به من أصحاب أميرالمؤمنين عليه السّلام أنّ أميرالمؤمنين عليه السّلام قال: اللّٰهُمَّ إِنَّكَ لَا تُخْلي أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ. و الكافي: ج١ ص٣٣٥ ح٣- عليّ بن محمّد، عن سهل بن زياد، عن ابن محبوب، عن أبي أسامة، عن هشام؛ و محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن ابن محبوب، عن هشام بن سالم؛ عن أبي حمزة، عن أبي إسحاق قال: حدّثني الثقة من أصحاب أميرالمؤمنين عليه السّلام: أنّهم سمعوا أميرالمؤمنين عليه السّلام يقول في خطبة له: ... اللّٰهُمَّ وَ إِنّي لَأَعْلَمُ أَنَّ الْعِلْمَ لا يَأْرِزُكُلُّهُ، وَ لَا يَنْقَطِعُ مَوادُّهُ، وَ أَنَّكَ لَا تُخْلي

أَرْضَكَ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلىٰ خَلْقِكَ؛ ظاهِرٍ لَيْسَ بِالْمُطاعِ، أَوْخائِفٍ مَغْمُورٍ،كَيْلا تَبْطُلَ حُجَجُكَ، وَ لا يَضِلَّ أَوْلِياؤُكَ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ، ... .

١٧- إرشاد القلوب إلى الصّواب: ج٢ ص٣١٤ - بحذف الإسناد مرفوعاً إلى سلمان الفارسيّ رضي الله عنه (في حديث طويل) قال: ... قال أمير المؤمنين عليه السّلام:.

١٨- تفسير القمّي: ج١ ص٣٥٩ و الغارات: ج١ ص٨٩ و چاپ جديد: ج١ ص١٥٣و الغيبة، النّعمانيّ: ص٢٥ و الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٦ ب٨ ح١ و شرح الأخبار في فضائل الأئمّة الأطهار عليهم السّلام: ج٢ ص٣٧٠ح٧٣٢ و الخصال: ج١ ص١٨٧ ح٢٥٧ و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٩١- ٢٩ ٤ ب٢٦ ح٢ و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٥ ب١٥٣ ح٢ و نهج البلاغة: ص٤٩٥ حكمت١٤٣/١٤٧ و خصائص الأئمّة عليهم السّلام، الشّريف الرّضيّ: ص١٠٦ و الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد: ج١ ص٢٢٨ و نزهة النّاظر و تنبيه الخاطر: ص٥٧ ح٤٠ و الأمالي، الشّيخ المفيد: ص٢٤٧ ح٣ و الأمالي، الشّيخ الطّوسيّ: ص٢١ مجلس١ ح٢٣ و عيون الحكم و المواعظ: ص٥٤١ فصل٢ح١٠٠٣٧ و غرر الحكم و درر الكلم: ص٧٨٦ ح٣٨٤ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج١ ص٢٤٥ و عوالي اللّئالي العزيزيّة: ج٤ ص١٢٧ ح٢١٦ و كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السّلام: ص٧٤و ... .

١٩- تاريخ اليعقوبيّ و فرائد السّمطين و ينابيع المودّة و ... .

٢٠- يا كُمَيْلَ بْنَ زِياد! ...

اللّٰهُمَّ بَلىٰ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّةٍ، إِمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، وَ إِمّا خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللّٰهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ بَلىٰ وَ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ قائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّتِهِ، إِمّا ظاهِرٍ مَعْلُومٍ، وَ إِمّا خائِفٍ مَغْمُورٍ، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللّٰهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ بَلىٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ ظاهِرٍ أَوْ خافٍ مَغْمُورٍ لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللّٰهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ بَلیٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ للّٰهِ بِحُجَّةٍ، إمّا ظاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خافٍ (باطِنٍ) مَغْمُورٍ، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ إِنَّكَ لا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ إمّا ظاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خائِفٍ مَغْمُورٍ لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ بَلیٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ لَكَ عَلیٰ خَلْقِكَ، إمّا ظاهِراً مَعْلُوماً، أَوْ خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُكَ وَ بَيِّناتُكَ.

اللّٰهُمَّ بَلیٰ لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ (إمامٍ) قائِمٍ لِلّٰهِ بِحُجَّةٍ، إمّا ظاهِراً مَشْهُوراً (مَشْهُوداً)، أَوْ (وَ إمّا) (خائِفاً) خافِياً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

اللّٰهُمَّ بَلیٰ لا تُخْلِي الْأَرْضَ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ، ظاهِرٍ مَشْهُورٍ، أَوْ مُسْتَتِرٍ مَغْمُورٍ، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ (إمامٍ) قائِمٍ بِحُجَّةِ اللهِ، إمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، أَوْ خائِفاً مَغْمُوراً، لِئَلّا يَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

لا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ بِحُجَّةٍ (بِحُجَجِهِ)،إمّا ظاهِراً مَشْهُوراً، أَوْ باطِناً مَغْمُوراً، لِئَلّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللهِ وَ بَيِّناتُهُ.

٢١- الهداية الكبرى: ص٣٦٢ ب١٤- عن الحسن بن محمّد بن جمهور، عن عليّ بن إسماعيل، عن هارون بن مسلم بن سعدان، عن مسعدة بن صدقة، عن أبي عبد الله الصادق عليه السّلام، في خطبة له مع كميل بن زياد:.

٢٢ - كامل الزّيارات: ص٢١٤ ب ٩ ح١٠- حدّثني محمّد بن جعفر، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل ،عن صالح بن عقبة، عن أبي سعيد المدائنيّ قال: دخلت على أبي عبد الله عليه‌السّلام فقلت: جعلت فداك آتي قبر الحسين عليه‌السّلام؟ قال: نَعَمْ يا با سَعيدٍ ائْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ‌السَّلامُ أَطْيَبَ الطَّيِّبينَ وَ أَطْهَرِ الطّاهِرينَ وَ أَبَرِّ الْأَبْرارِ وَ إِذا زُرْتَهُ يا با سَعيدٍ فَسَبِّحْ

عِنْدَ رَأْسِهِ تَسْبيحَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِالسَّلامُ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ سَبِّحْ عِنْدَ رِجْلَيْهِ تَسْبيحَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ صَلِّ عِنْدَهُ رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فيهِما يس وَ الرَّحْمانَ فَإِذا فَعَلْتَ ذٰلِكَ كَتَبَ اللهُ لَكَ ثَوابَ ذٰلِكَ إِنْ شاءَ اللهُ تَعالىٰ. قال: قلت: جعلت فداك علّمني تسبيح عليّ و فاطمة عليهماالسّلام. قال: نَعَمْ يا با سَعيدٍ، تَسْبيحُ عَلِيٍّ عَلَيْهِالسَّلامُ: سُبْحانَ الَّذي لا تَنْفَدُ خَزائِنُهُ سُبْحانَ الَّذي لا تَبيدُ مَعالِمُهُ سُبْحانَ الَّذي لا يَفْنىٰ ما عِنْدَهُ سُبْحانَ الَّذي لا يُشْرِكُ أَحَداً في حُكْمِهِ سُبْحانَ الَّذي لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ سُبْحانَ الَّذي لَا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحانَ الَّذي لا إِلٰهَ غَيْرُهُ. وَ تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ: سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ سُبْحانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَ الْجَمالِ سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَ الْوَقارِ سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَالنَّمْلِ فِي الصَّفا وَ وَقْعَ الطَّيْرِفِي الْهَواءِ. و من لا يحضره الفقيه: ج٢ ص٥٩١ ح٣١٩٨- وَ إِذا أَرَدْتَ أَنْ تُوَدِّعَهُ فَقُلْ: السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَ أَسْتَرْعيكَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِما جاءَتْ بِهِ وَ دَلَّتْ عَلَيْهِ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ أَشْهَدُ في مَماتي عَلىٰ ما شَهِدْتُ عَلَيْهِ في حَياتي أَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ واحِداً بَعْدَ واحِدٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ حارَبَكُمْ مُشْرِكُونَ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحيمِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مَنْ حارَبَكُمْ لَنا أَعْداءُ وَ نَحْنُ مِنْهُمْ بُرَآءُ وَ أَنَّهُمْ حِزْبُ الشَّيْطانِ اللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلاةِ وَ التَّسْليمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - و تسمّيهم عليهم‌السّلام- وَ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِ فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْني مَعَ هٰؤُلاءِ الْأَئِمَّةِ المُسَمَّيْنَ. اللّٰهُمَّ وَ ثَبِّتْ قُلُوبَنا بِالطّاعَةِ وَ الْمُناصَحَةِ وَ الْمَحَبَّةِ وَ حُسْنِ الْمُؤازَرَةِ وَ التَّسْليمِ. و سبّح تسبيح الزّهراء فاطمة عليهاالسّلام و هو: سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَ الْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَ الْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَالنَّمْلِ فِي الصَّفا وَ وَقْعَ الطَّيْرِفِي الْهَواءِ. و مصباح المتهجّد: ص٣٠١ صلاة الطّاهرة فاطمة عليهاالسّلام- هما ركعتان تقرأ في الأولىٰ الحمد و مائة مرّة إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، و في الثّانية الحمد و مائة مرّة قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ، فإذا سلّمت سبّحت تسبيح الزّهراء

عليهاالسّلام ثمّ تقول: سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّىٰ بِالنُّورِ وَ الْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا لا هٰكَذا غَيْرُهُ. و مصباح المتهجّد: ص٦٧١ ذو الحجّة ...- و يستحبّ أن تصلّى فيه صلاة فاطمة عليهاالسّلام، و روي أنّها أربع ركعات مثل صلاة أمير المؤمنين عليه‌السّلام كلّ ركعة بالحمد مرّة و خمسين مرّة قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ و يسبّح عقيبها بتسبيح الزّهراء عليهاالسّلام و يقول: سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ، سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرىٰ وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا وَ لا هٰكَذا غَيْرُهُ. و الإقبال بالأعمال الحسنة: ج٢ ص٤٤ الفصل٦ - فيما نذكره من فضل أوّل يوم من ذي الحجّة ... عن الشيخ الطوسيّ ... . و جمال الأسبوع: ص٢٦٣ الفصل٢٩- أربع صلوات لمولاتنا فاطمة بنت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌و آله في يوم الجمعة- حدّث محمّد بن هارون التلّعكبريّ قال: أخبرنا محمّد بن قشير قال: حدّثنا عليّ بن حبشيّ قال: حدّثنا العبّاس بن محمّد بن الحسين قال: حدّثنا أبي، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: كانَتْ لِأُمّي فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ رَكْعَتانِ تُصَلّيهِما عَلَّمَها جَبْرَئيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ فَإِذا سَلَّمَتْ سَبَّحَتِ التَّسْبيحَ وَ هُوَ: سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنيفِ سُبْحانَ ذِي الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظيمِ سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ الْفاخِرِ الْقَديمِ سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَ الْجَمالَ سُبْحانَ مَنْ تَرَدّى بِالنُّورِ وَ الْوَقارِ سُبْحانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفا سُبْحانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَواءِ سُبْحانَ مَنْ هُوَ هَكَذا وَ لا هَكَذا غَيْرُهُ.

٢٣ - عيون أخبار الرّضا عليه‌السّلام: ج١ ص٣٠٧ ب٢٨ ح٦٧ و معاني الأخبار: ص١٢٤ ح١- حدّثنا عبد الواحد بن محمّد بن عبدوس النّيسابوريّ العطّار رضي الله عنه قال: حدّثنا عليّ بن محمّد بن قتيبة، عن حمدان بن سليمان، عن عبد السّلام بن صالح الهرويّ قال: قلت للرّضا عليه‌السّلام: يا ابن رسول الله! أخبرني عن الشّجرة الّتي أكل منها آدم و حوّاء ما كانت فقد

اختلف النّاس فيها، فمنهم من يروي أنّها الحنطة و منهم من يروي أنّها العنب و منهم من يروي أنّها شجرة الحسد؟ فقال عليه‌السّلام: كُلُّ ذٰلِكَ حَقٌّ. قلت: فما معنى هذه الوجوه على اختلافها؟ فقال: يا أَبَا الصَّلْتِ! إِنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْواعاً فَكانَتْ شَجَرَةُ الْحِنْطَةِ وَ فيها عِنَبٌ وَ لَيْسَتْ كَشَجَرَةِ الدُّنْيا وَ إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ لَمّا أَكْرَمَهُ اللهُ تَعالىٰ ذِكْرُهُ بِإِسْجادِ مَلائِكَتِهِ وَ بِإِدْخالِهِ الْجَنَّةَ قالَ فِي نَفْسِهِ: هَلْ خَلَقَ اللهُ بَشَراً أَفْضَلَ مِنّي؟ فَعَلِمَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ ما وَقَعَ فِي نَفْسِهِ فَناداهُ: إِرْفَعْ رَأْسَكَ يا آدَمُ وَ انْظُرْ إِلىٰ ساقِ الْعَرْشِ، فَرَفَعَ آدَمُ رَأْسَهُ فَنَظَرَ إِلىٰ ساقِ الْعَرْشِ فَوَجَدَ عَلَيْهِ مَكْتُوباً: لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ‌السَّلامُ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ زَوْجَتُهُ فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدا شَبابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. فَقالَ آدَمُ: يا رَبِّ! مَنْ هٰؤُلاءِ؟ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: هٰؤُلاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ، وَ هُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مِنْ جَميعِ خَلْقي، وَ لَوْلا هُمْ ما خَلَقْتُكَ، وَ لا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَ النّارَ وَ لَا السَّماءَ وَ الْأَرْضَ، فَإِيّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجَكَ عَنْ جِواري، فَنَظَرَ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ، وَ تَمَنّىٰ مَنْزِلَتَهُمْ، فَتَسَلَّطَ عَلَيْهِ الشَّيْطانُ، حَتّىٰ أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ الَّتي نُهِيَ عَنْها، وَ تَسَلَّطَ عَلىٰ حَوّاءَ لِنَظَرِها إِلىٰ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ بِعَيْنِ الْحَسَدِ، حَتّىٰ أَكَلَتْ مِنَ الشَّجَرَةِ كَما أَكَلَ آدَمُ، فَأَخْرَجَهُمَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ جَنَّتِهِ، فَأَهْبَطَهُما عَنْ جِوارِهِ إِلَى الْأَرْضِ.

٢٤ - معاني الأخبار: ص١٠٨ ح١- حدّثنا أحمد بن محمّد بن الهيثم العجليّ رضي الله عنه قال: حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا أبو محمّد بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثنا تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ الْأَرْواحَ قَبْلَ الْأَجْسادِ بِأَلْفَيْ عامٍ فَجَعَلَ أَعْلاها وَ أَشْرَفَها أَرْواحَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْهِمْ فَعَرَضَها عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَغَشِيَها نُورُهُمْ فَقالَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لِلسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ: هٰؤُلاءِ أَحِبّائي وَ أَوْلِيائي وَ حُجَجي عَلىٰ خَلْقي وَ أَئِمَّةُ بَرِيَّتي ما خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ وَ لِمَنْ تَوَلّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتي وَ لِمَنْ خالَفَهُمْ وَ عاداهُمْ خَلَقْتُ

ناري فَمَنِ ادَّعىٰ مَنْزِلَتَهُمْ مِنّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظَمَتي عَذَّبْتُهُ عَذاباً لا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكينَ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْ ناري وَ مَنْ أَقَرَّبِوَلايَتِهِمْ وَ لَمْ يَدَّعِ مَنْزِلَتَهُمْ مِنّي وَ مَكانَهُمْ مِنْ عَظَمَتي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ في رَوْضاتِ جَنّاتي وَ كانَ لَهُمْ فيها ما يَشاءُونَ عِنْدي وَ أَبَحْتُهُمْ كَرامَتي وَ أَحْلَلْتُهُمْ جِواري وَ شَفَّعْتُهُمْ فِي الْمُذْنِبينَ مِنْ عِبادي وَ إِمائي فَوَلايَتُهُمْ أَمانَةٌ عِنْدَ خَلْقي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُها بِأَثْقالِها وَ يَدَّعيها لِنَفْسِهِ دُونَ خِيَرَتي؟ فَأَبَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِن ادِّعاءِ مَنْزِلَتِها وَ تَمَنّي مَحَلِّها مِنْ عَظَمَةِ رَبِّها فَلَمّا أَسْكَنَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ قالَ لَهُما: كُلا مِنْها رَغَداً حَيْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْني شَجَرَةَ الْحِنْطَةِ فَتَكُونا مِنَ الظّالِمينَ فَنَظَرا إِلىٰ مَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُاللهِعَلَيْهِمْ فَوَجَداها أَشْرَفَ مَنازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقالا: يا رَبَّنا! لِمَنْ هٰذِهِ الْمَنْزِلَةُ؟ فَقالَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: ارْفَعا رُءُوسَكُما إِلىٰ ساقِ عَرْشي فَرَفَعا رُءُوسَهُما فَوَجَدا اسْمَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُاللهِعَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلىٰ ساقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَبّارِ جَلَّ جَلالُهُ فَقالا: يا رَبَّنا ما أَكْرَمَ أَهْلَ هٰذِهِ الْمَنْزِلَةِ عَلَيْكَ وَ ما أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ ما أَشْرَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقالَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: لَوْ لا هُمْ ما خَلَقْتُكُما هُؤُلاءِ خَزَنَةُ عِلْمي وَ أُمَنائي عَلىٰ سِرّي إِيّاكُما أَنْ تَنْظُرا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّيا مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كَرامَتي فَتَدْخُلا بِذٰلِكَ فِي نَهْيي وَ عِصْياني فَتَكُونا مِنَ الظّالِمينَ قالا: رَبَّنا وَ مَنِ الظّالِمُونَ؟ قالَ: الْمُدَّعُونَ لِمَنْزِلَتِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ. قالا: رَبَّنا فَأَرِنا مَنازِلَ ظالِميهِمْ في نارِكَ حَتّىٰ نَراها كَما رَأَينا مَنْزِلَتَهُمْ في جَنَّتِكَ، فَأَمَرَاللهُ تَبارَكَ وَ تَعالَى النّارَفَأَبْرَزَتْ جَميعَ ما فيها مِنْ أَلْوانِ النَّكالِ وَ الْعَذابِ وَ قالَ عَزَّوَجَلَّ: مَكانُ الظّالِمينَ لَهُمُ الْمُدَّعينَ لِمَنْزِلَتِهِمْ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْها كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعيدُوا فيها وَ كُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بُدِّلُوا سِواها لِيَذُوقُوا الْعَذابَ، يا آدَمُ! وَ يا حَوّاءُ! لا تَنْظُرا إِلىٰ أَنْواري وَ حُجَجي بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُهْبِطُكُما عَنْ جِواري وَ أُحِلُّ بِكُما هَواني، فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ: ما نَهاكُما رَبُّكُما عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلّا أَنْ تَكُونا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونا مِنَ الْخالِدينَ. وَ قاسَمَهُما إِنّي لَكُما لَمِنَ النّاصِحينَ. فَدَلّاهُما بِغُرُورٍ وَ حَمَلَهُما عَلىٰ تَمَنّي مَنْزِلَتِهِمْ فَنَظَرا

إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَخُذِلا حَتّىٰ أَكَلا مِنْ شَجَرَةِ الْحِنْطَةِ فَعادَ مَكانَ ما أَكَلا شَعيراً فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلِّها مِمّا لَمْ يَأْكُلاهُ وَ أَصْلُ الشَّعيرِ كُلِّهِ مِمّا عادَ مَكانَ ما أَكَلاهُ فَلَمّا أَكَلا مِنَ الشَّجَرَةِ طارَ الْحُلِيُّ وَ الْحُلَلُ عَنْ أَجْسادِهِما وَ بَقِيا عُرْيانَيْنِ وَ طَفِقا يَخْصِفانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ ناداهُما رَبُّهُما: أَ لَمْ أَنْهَكُما عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَ أَقُلْ لَكُما إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُما عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَقالا: رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ، قالَ: اهْبِطا مِنْ جِواري فَلا يُجاوِرُني في جَنَّتي مَنْ يَعْصيني، فَهَبَطا مَوْكُولَيْنِ إِلىٰ أَنْفُسِهِما في طَلَبِ الْمَعاشِ فَلَمّا أَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِما جاءَهُما جَبْرَئيلُ فَقالَ لَهُما: إِنَّكُما إِنَّما ظَلَمْتُما أَنْفُسَكُما بِتَعَيِّ مَنْزِلَةِ مَنْ فُضِّلَ عَلَيْكُما فَجَزاؤُكُما ما قَدْ عُوقِبْتُما بِهِ مِنَ الْهُبُوطِ مِنْ جِوارِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ إِلىٰ أَرْضِهِ فَسَلا رَبَّكُما بِحَقِّ الْأَسْماءِ الَّتي رَأَيْتُمُوها عَلىٰ ساقِ الْعَرْشِ حَتّىٰ يَتُوبَ عَلَيْكُما، فَقالا: اللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ إِلّا تُبْتَ عَلَيْنا وَ رَحِمْتَنا، فَتابَ اللهُ عَلَيْهِما إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ، فَلَمْ يَزَلْ أَنْبِياءُ اللهِ بَعْدَ ذٰلِكَ يَحْفَظُونَ هٰذِهِ الْأَمانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِها أَوْصِياءَهُمْ وَ الْمُخْلَصينَ مِنْ أُمَمِهِمْ فَيَأْبَوْنَ حَمْلَها وَ يُشْفِقُونَ مِن ادِّعائِها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ الَّذي قَدْ عُرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظُلْمٍ مِنْهُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ ذٰلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً. از او: بحار الأنوار: ج١١ ص١٧٢ ب٣ ح١٩ و ج٢٦ ص٣٢٠ ب٧ ح٢ و ج٨٥ ص١٣٦ ب٤٣ ح١١.

٢٥- ر.ک پی‌نوشت شماره٤٩.

٢٦- مشارق أنوار اليقين: ص٧١.

٢٧ - بحار الأنوار: ج٢٥ ص١٧ ب١ ح٣٠- من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسي: بحذف الأسانيد عن أنس بن مالك قال: بينا رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله صلّى صلاة الفجر ثمّ استوى في محرابه كالبدر في تمامه فقلنا: يا رسول الله! إن رأيت أن تفسّر لنا هذه الآية قوله تعالى: «فَأُولٰئِكَ مَعَ الَّذينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيّينَ وَ الصِّدّيقينَ وَ الشُّهَداءِ وَ

الصّالِحينَ»، فقال النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَمَّا النَّبِيُّونَ فَأَنَا، وَ أَمَّا الصِّدّيقُونَ فَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَ أَمَّا الشُّهَدَاءُ فَعَمِّي حَمْزَةُ، وَ أَمَّا الصَّالِحُونَ فَابْنَتِي فَاطِمَةُ وَ وَلَدَاهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. فنهض العبّاس من زاوية المسجد إلى بين يديه صلّى‌الله‌عليه‌وآله و قال: يا رسول الله! أ لست أنا و أنت و عليّ و فاطمة و الحسن و الحسين من ينبوع واحد؟! قال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: وَ ما وَراءَ ذٰلِكَ يا عَمّاه؟ قال: لأنّك لم تذكرني حين ذكرتهم، و لم تشرّفني حين شرّفتهم. فقال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: يا عَمّاهْ! أَمّا قَوْلُكَ أَنَا وَ أَنْتَ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ مِنْ يَنْبُوعٍ واحِدٍ فَصَدَقْتَ، وَ لٰكِنْ خَلَقَنَا اللهُ نَحْنُ حَيْثُ لا سَماءَ مَبْنِيَّةَ، وَ لا أَرْضَ مَدْحِيَّةَ، وَ لا عَرْشَ وَ لا جَنَّةَ وَ لا نارَ، كُنّا نُسَبِّحُهُ حينَ لا تَسْبيحَ، وَ نُقَدِّسُهُ حينَ لا تَقْديسَ، فَلَمّا أَرادَ اللهُ بَدْءَ الصَّنْعَةِ فَتَقَ نُوري، فَخَلَقَ مِنْهُ الْعَرْشَ، فَنُورُالْعَرْشِ مِنْ نُوري، وَ نُوري مِنْ نُورِ اللهِ، وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنَ الْعَرْشِ، ثُمَّ فَتَقَ نُورَابْنِ أَبي طالِبٍ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْمَلائِكَةَ، فَنُورُالْمَلائِكَةِ مِنْ نُورِابْنِ أَبي طالِبٍ، وَ نُورُابْنِ أَبي طالِبٍ مِنْ نُورِ اللهِ، وَ نُورُابْنِ أَبي طالِبٍ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلائِكَةِ، وَ فَتَقَ نُورَابْنَتي فاطِمَةَ، مِنْهُ فَخَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ، فَنُورُالسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مِنْ نُورِ ابْنَتي فاطِمَةَ، وَ نُورُفاطِمَةَ مِنْ نُورِ اللهِ، وَ فاطِمَةُ أَفْضَلُ مِنَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ، ثُمَّ فَتَقَ نُورَالْحَسَنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ، فَنُورُالشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ مِنْ نُورِ الْحَسَنِ، وَ نُورُالْحَسَنِ مِنْ نُورِ اللهِ، وَ الْحَسَنُ أَفْضَلُ مِنَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، ثُمَّ فَتَقَ نُورَالْحُسَيْنِ، فَخَلَقَ مِنْهُ الْجَنَّةَ وَ الْحُورَالْعينَ، فَنُورُالْجَنَّةِ وَ الْحُورِ الْعينِ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ، وَ نُورُالْحُسَيْنِ مِنْ نُورِ اللهِ، وَ الْحُسَيْنُ أَفْضَلُ مِنَ الْجَنَّةِ وَ الْحُورِ الْعينِ، ثُمَّ إِنَّ اللهَ خَلَقَ الظُّلْمَةَ بِالْقُدْرَةِ، فَأَرْسَلَها في سَحائِبِ الْبَصَرِ، فَقالَتِ الْمَلائِكَةُ: سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبَّنا! مُذْ عَرَفْنا هٰذِهِ الْأَشْباحَ ما رَأَيْنا سُوءاً، فَبِحُرْمَتِهِمْ إِلّا كَشَفْتَ ما نَزَلَ بِنا، فَهُنالِكَ خَلَقَ اللهُ تَعالىٰ قَناديلَ الرَّحْمَةِ، وَ عَلَّقَها عَلىٰ سُادِقِ الْعَرْشِ، فَقالَتْ: إِلٰهَنا! لِمَنْ هٰذِهِ الْفَضيلَةُ وَ هٰذِهِ الْأَنْوارُ؟ فَقالَ: هٰذا نُورُأَمَتي فاطِمَةَ الزَّهْراءِ، فَلِذٰلِكَ سُمِّيَتْ أَمَتي الزَّهْراءَ، لِأَنَّ السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ بِنُورِها ظَهَرَتْ، وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيّي، وَ زَوْجَةُ وَصِيّي، وَ حُجَّتي عَلىٰ خَلْقي، أُشْهِدُكُمْ يا مَلائِكَتي! أَنّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوابَ تَسْبيحِكُمْ وَ تَقْديسِكُمْ لِهٰذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شيعَتِها إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ. فعند ذلك نهض العبّاس إلى عليّ

بن أبي طالب و قبّل ما بين عينيه و قال: يا عليّ! لقد جعلك الله حجّة بالغة على العباد إلى يوم القيامة. و عيون المعجزات: ص٥٢- و في حديث رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله لمّا دخل العبّاس في رواية أبي محمّد الجلّوديّ البصريّ، عن الفرج بن فضالة، عن أبيه، عن يحيى بن سعيد، عن محمّد بن أبي بكر، عن عمّار قال: يا محمّد! بما ذا فضّلت علينا أهل بيتك؟ فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: إليك يا عمّ لا تقل هذا، فإنّ الله تبارك و تعالى خلقني و عليّاً نوراً ثمّ فتق من نورنا سبطيّ ثمّ فتق من نورنا نور العرش و من نور سبطيّ نور الشّمس و القمر، كنّا نعلّم الملائكة التّسبيح و التّهليل و التّمجيد. ثمّ قال الله تعالى للملائكة: و عزّتي و جلالي و جودي و ارتفاعي لأفعلنّ، فخلق سبحانه نور فاطمة عليهاالسّلام كالقنديل فزهرت به السّموات فسمّيت الزّهراء، لمّا استنار بنورها الأفق. فخرج العبّاس من عنده لا يحير جواباً، فاستقبله عليّ عليه‌السّلام فضمّه إلى صدره و قبّل ما بين عينيه و جبينه و قال: ما أكرمكم على الله يا أهل بيت المصطفى. و كان إسمها في الدّار الدّنيا؛ فاطم و فاطر و الزّهراء و البتول و الحصان و الحوراء و السّيّدة و الصّدّيقة و مريم الكبرى.

٢٨ - الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص١٣٣ ب٣٥ ح١٤٤ - به سند متّصل خود از جابر گويد: به امام جعفر صادق عليه‌السّلام عرض كردم: از براى چه حضرت فاطمة الزهراء زهراء ناميده شدند؟ فرمود: لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ، فَلَمّا أَشْرَقَتْ أَضاءَتِ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضَ بِنُورِها، وَ غَشِيَتْ أَبْصارُ الْمَلائِكَةِ، وَ خَرَّتِ الْمَلائِكَةُ لِلّهِ ساجِدينَ، وَ قالُوا: إِلٰهَنا وَ سَيِّدَنا، ما هٰذَا النُّورُ؟ فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِمْ: هٰذا نُورٌ مِنْ نُوري، وَ أَسْكَنْتُهُ في سَمائي، خَلَقْتُهُ مِنْ عَظَمَتي، أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبِيٍّ مِنْ أَنْبيائي، أُفَضِّلُهُ عَلىٰ جَميعِ الْأَنْبِياءِ، وَ أُخْرِجُ مِنْ ذٰلِكَ النُّورِ أَئِمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْري، يَهْدُونَ إِلىٰ حَقّي، وَ أَجْعَلُهُمْ خُلَفائي في أَرْضي بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيي. علل الشرائع: ج١ ص١٨٠ ب١٤٣ ح١ به سند متّصل خود از جابر از امام صادق عليه‌السّلام مانند الإمامة و التبصرة. كشف الغمّة: ج١ص٤٦٤ از امام محمّد باقر عليه‌السّلام مانند آن. نوادر المعجزات: ص١٩٣ ح٣/٤٥ از جابر بن عبد الله از امام محمّد باقر عليه السّلام مانند آن و در آن

است: وَ يَهْدُونَ إِلَيَّ خَلْقِي... . الدّرّالنظيم: ص٤٥٦ و حديث كرد حمّاد از عمرو بن شمر از جابر مانند نوادر المعجزات. العدد القويّة: ص٢٢٧ از كتاب الدّرّ و كتاب مواليد الأئمّة. و دلائل الإمامة: ص١٤٩ ح٦٠ و يروى: أَنَّها (عَلَيْهَا السَّلامُ) سُمِّيَتْ الزَّهْراءَ لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَ جَلَّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ. معاني الأخبار: ص٦٤ ح١٦- و قد روي: إِنَّما سُمِّيَتِ الزَّهْراءَ لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَ جَلَّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ.

٢٩- الدعوات، سلوة الحزين، الرّاونديّ: ص٥٤ ح١٣٧- و عن زين العابدين عليه‌السّلام قال: ضَمَّني والِدي عَلَيْهِ‌السَّلامُ إِلىٰ صَدْرِهِ يَوْمَ قُتِلَ وَ الدِّماءُ تَغْلي وَ هُوَ يَقُولُ: يا بُنَيَّ! إِحْفَظْ عَنّي دُعاءً عَلَّمَتْنيهِ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ وَ عَلَّمَها رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ وَ عَلَّمَهُ جَبْرَئيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ فِي الْحاجَةِ وَ الْهَمِّ وَ الْغَمِّ وَ النّازِلَةِ إِذا نَزَلَتْ وَ الْأَمْرِ الْعَظيمِ الْفادِحِ، قالَ: ادْعُ:. از او: بحار الأنوار: ج٩٢ ص١٩٦ ب١٠٦ ضمن ح٢٩.

امام زين العابدين علىّ بن الحسين عليهماالسّلام فرمود: در روز عاشوراء كه پدرم امام حسين عليه‌السّلام كشته شد مرا در حالى به سينه‌اش چسبانيد كه خون از آن جوشش مى‌كرد به من فرمود: اى پسرم! دعايى را كه فاطمه عليهاالسّلام مرا ياد داد و آن‌را رسول‌الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله به او ياد داد، و آن‌را جبرئيل عليه‌السّلام به او ياد داد از من به ياد داشته باش، كه در هر حاجت و گرفتارى و غم و بلا و امر(و مصيبتى) بزرگ و سنگين، دعا كن:.

٣٠- ر.ک. پى‌نوشت١٥٠.

٣١- كفاية الأثر: ص٨٩- حدّثنا أبو الحسن محمّد بن جعفر بن محمّد التميميّ المعروف بابن النجّار النحوي قال: حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن محمّد بن مروان الغزال قال: حدّثني محمّد بن تيم، عن عبد الرحمان بن مهدي قال: حدّثنا معاوية بن صالح، عن عبد الغفّار بن القاسم، عن أبي مريم، عن أبي هريرة قال: دخلت على رسول الله صلّى الله عليه و آله و قد نزلت هذه الآية: « إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هادٍ» فقرأها علينا رسول الله صلّى الله عليه و آله ثمّ قال: أَنَا الْمُنْذِرُ أَ تَعْرِفُونَ الْهادِيَ؟ فقلنا: لا يا رسول الله. فقال: هُوَ خاصِفُ النَّعْلِ. فطوّلت الأعناق إذ خرج علينا

عليّ عليه السّلام من بعض الحجر و بيده نعل رسول الله صلّى الله عليه و آله ثم التفت إلينا فقال: أَلا إِنَّهُ الْمُبَلِّغُ عَنّي، وَ الْإِمامُ بَعْدي، فَزَوْجُ ابْنَتي، وَ أَبُو سِبْطَيَّ، فَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتٍ أَذْهَبَ اللهُ عَنَّا الرِّجْسَ وَ طَهَّرَنا مِنَ الدَّنَسِ، يُقاتِلُ بَعْدي عَلَى التَّأْويلِ، كَما قاتَلْتُ عَلَى التَّنْزيلِ، هُوَ الْإِمامُ، أَبُو الْأَئِمَّةِ الزُّهْرِ. فقيل: يا رسول الله فكم الأئمّة بعدك؟ قال: إِثْنا عَشَرَ عَدَدَ نُقَباءِ بَني إِسْرائيلَ، وَ مِنّا مَهْدِيُّ هٰذِهِ الْأُمَّةِ، يَمْلَأُ اللهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلاً كَما مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً، لا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ إِلّا ساخَتْ بِأَهْلِها. و الصّراط المستقيم إلى مستحقّي التّقديم: ج٢ ص١٤- و أسند ابن النجّار النحويّ إلى أبي هريرة قول النبيّ صلّى الله عليه و آله في عليّ: أَلا إِنَّهُ الْمُبَلِّغُ عَنّي... - به إختصار آورده است-.

٣٢- كفاية الأثر: ص١٦٢- حدّثني عليّ بن الحسين بن محمّد قال: حدّثنا عتبة بن عبد الله الحمصيّ بمكّة قراءة عليه سنة ثمانين و ثلاثمائة قال: حدّثنا موسى القطقطاني قال: حدّثنا أحمد بن يوسف قال: حدّثنا حسين بن زيد بن عليّ قال: حدّثنا عبد الله بن حسين بن حسن، عن أبيه، عن الحسن عليه السّلام قال: خَطَبَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْماً فَقالَ بَعْدَ ما حَمِدَ اللهَ وَ أَثْنىٰ عَلَيْهِ: مَعاشِرَ النّاسِ! كَأَنّي أُدْعىٰ فَأُجيبُ، وَ إِنّي تارِكٌ فيكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتابَ اللهِ وَ عِتْرَتي أَهْلَ بَيْتي، ما إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِما لَنْ تَضِلُّوا، فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ، وَ لا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ، لا يَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَتْ إِذًا لَساخَتْ بِأَهْلِها ... .

٣٣- مشارق أنوار اليقين: ص٨٥- و قال أمير المؤمنين عليه السّلام: نَحْنُ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمينَ، وَ حُجَّةُ اللهِ عَلَى الْعالَمينَ، وَ نَحْنُ أَمانٌ لِأَهْلِ السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ، وَ لَوْ لانا لَساخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِها.

٣٤- الكافي: ج١ ص٥٢٥ ح١٧- ... عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: إِنّي وَ اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ وُلْدي وَ أَنْتَ يا عَلِيُّ زِرُّ الْأَرْضِ يَعْني أَوْتادَها وَ جِبالَها، بِنا أَوْتَدَ اللهُ الْأَرْضَ أَنْ تَسيخَ بِأَهْلِها، فَإِذا ذَهَبَ الْإِثْنا عَشَرَ مِنْ وُلْدي ساخَتِ الْأَرْضُ

بِأَهْلِها وَ لَمْ يُنْظَرُوا. و الأصول السّتّة عشر: ص١٦ و دار الحديث: ص١٤٠ ح٦/٤٠ أصل عبّاد العصفريّ، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود ... . و الغيبة، الشّيخ الطّوسيّ: ص١٣٨- ... عن أبي سعيد العصفريّ، عن عمرو بن ثابت، عن أبي الجارود، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: إِنّي وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدي وَ أَنْتَ يا عَلِيُّ زِرُّالْأَرْضِ أَعْني أَوْتادَها وَ جِبالَها، ... . و تقريب المعارف: ص٤١٩- و من الشّيعة ما تناصرت به رواياتهم عن أبي الجارود، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن جدّه عليهم السّلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: إِنّي وَ اثْنَيْ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتي أَوَّلُهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ أَوْتادُ الْأَرْضِ الَّتي أَمْسَكَهَا اللهُ بِها أَنْ تَسيخَ بِأَهْلِها، فَإِذا ذَهَبَ الْإِثْنا عَشَرَ مِنْ أَهْلي ساخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِها وَ لَمْ يُنْظَرُوا.

٣٥- الأمالي، الصّدوق: ص١٨٦ مجلس٣٤ ح١٥ و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٧ ب٢١ ح٢٢- حدّثنا محمّد بن أحمد السّنائيّ [الّسنائيّ] (الشّيبانيّ-كمال الدّين) رحمه الله قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثنا الفضل بن صقر العبدي قال: حدّثنا أبو معاوية، عن سليمان بن مهران الأعمش، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه محمّد بن عليّ، عن أبيه عليّ بن الحسين عليهم السّلام قال: نَحْنُ أَئِمَّةُ الْمُسْلِمينَ، وَ حُجَجُ اللهِ عَلَى الْعالَمينَ، وَ سادَةُ الْمُؤْمِنينَ، وَ قادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَ مَوالِي الْمُؤْمِنينَ، وَ نَحْنُ أَمانُ أَهْلِ الْأَرْضِ (أَمانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ -الإحتجاج)، كَما أَنَّ النُّجُومَ أَمانٌ لِأَهْلِ السَّماءِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يُمْسِكُ اللهُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلّا بِإِذْنِهِ، وَ بِنا يُمْسِكُ الْأَرْضَ أَنْ تَميدَ بِأَهْلِها، وَ بِنا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ بِنا يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ يُخْرِجُ بَرَكاتِ (تَخْرُجُ بَرَكاتُ- الإحتجاج) الْأَرْضِ، وَ لَوْلا ما فِي الْأَرْضِ مِنّا لَساخَتْ بِأَهْلِها. (ثمّ) قال عليه السّلام: وَ لَمْ تخلو [تَخْلُ] الْأَرْضُ مُنْذُ خَلَقَ اللهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللهِ (حُجَّةٍ لِلّهِ-الكمال و الإحتجاج) فيها ظاهِرٌ مَشْهُورٌ (مَشْهُودٌ- الروضة) أَوْ غائِبٌ مَسْتُورٌ، وَ لا تَخْلُو إِلى أَنْ تَقُومَ السّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلّهِ (حُجَّةِ اللهِ-الروضة و

الإحتجاج) فيها، وَ لَوْ لا ذلِكَ لَمْ يُعْبَدِ اللهُ. قال سليمان: فقلت للصّادق عليه السّلام: فكيف ينتفع النّاس بالحجّة الغائب المستور؟ قال: كَما يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذا سَتَرَهَا السَّحابُ. و روضة الواعظين: ج١ ص١٩٩ و الإحتجاج: ج٢ ص٣١٧. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٤ ص١٧٦ از روضة الواعظين.

٣٦- كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٢ ب٢١ ح٦- بسنده المتّصل عن إبراهيم بن أبي محمود قال: قال الرّضا عليه السّلام: نَحْنُ حُجَجُ اللهِ في خَلْقِهِ، وَ خُلَفاؤُهُ في عِبادِهِ، وَ أُمَناؤُهُ عَلىٰ سِرِّهِ، وَ نَحْنُ كَلِمَةُ التَّقْوىٰ، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ، وَ نَحْنُ شُهَداءُ اللهِ وَ أَعْلامُهُ في بَرِيَّتِهِ، بِنا يُمْسِكُ اللهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا، وَ بِنا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ، وَ لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قائِمٍ مِنّا ظاهِرٍ أَوْ خافٍ، وَ لَوْ خَلَتْ يَوْماً بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَماجَتْ بِأَهْلِها كَما يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. از او: إرشاد القلوب: ج٢ ص٤١٧.

٣٧- كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٤ ب٢١ ح١٤- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا عبد الله بن جعفر قال: حدّثنا محمّد بن أحمد عن أبي سعيد العصفريّ، عن عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: سمعته يقول: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْماً (+ واحداً- النوادر و الدلائل) بِلا إِمامٍ مِنّا لَساخَتْ بِأَهْلِها، وَ لَعَذَّبَهُمُ اللهُ بِأَشَدِّ عَذابِهِ. (+ وَ ذٰلِكَ- النوادر و الدلائل) إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ جَعَلَنا حُجَّةً في أَرْضِهِ، وَ أَماناً فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَمْ (لَنْ- النوادر و الدلائل) يَزالُوا في أَمانٍ (بِأَمانٍ- النوادر و الدلائل) مِنْ أَنْ تَسيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ ما دُمْنا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذا أَرادَ اللهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ، ثُمَّ لا يُمْهِلَهُمْ، وَ لا يُنْظِرَهُمْ، ذَهَبَ بِنا مِنْ بَيْنِهِمْ، وَ رَفَعَنا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللهُ (+ بِهِمْ ما يَشاءُ - النوادر و الدلائل) ما شاءَ وَ أَحَبَّ. و نوادر المعجزات: ص٣٨٥ ح٤/١٧٢ و دلائل الإمامة: ص٤٣٦ ح١١/٤٠٧- و أخبرني أبو الحسين محمّد بن هارون بن موسى، عن أبيه، عن محمّد بن همّام، عن عبد الله بن أحمد، عن عمرو بن ثابت ....

٣٨- الأصول السّتّة عشر: ص١٦ و دار الحديث: ص٤٠ ح٧/٤١- عبّاد، عن عمرو، و عن أبيه، عن ابى جعفر عليه السّلام قال: سمعته يقول: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْماً بِلا إِمامٍ مِنّا، لَساخَتْ بِأَهْلِها، وَ لَعَذَّبَهُمُ اللهُ بِأَشَدِّ عَذابِهِ، وَ ذٰلِكَ أَنَّ اللهَ جَعَلَنا حُجَّةً في أَرْضِهِ، وَ أَماناً فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، لَنْ يَزالُوا في أَمانٍ أَنْ تَسيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ ما دُمْنا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، فَإِذا أَرادَ اللهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لا يُمْهِلَهُمْ وَ لا يُنْظِرَهُمْ، ذَهَبَ بِنا مِنْ بَيْنِهِمْ، وَ رَفَعَنا إِلَيْهِ، ثُمَّ يَفْعَلُ اللهُ بِهِمْ ما شاءَ وَ أَحَبَّ.

٣٩- بصائر الدّرجات: ص٩ ب١٢ ح٣- حدّثنا محمّد بن عيسى قال: حدّثني المؤمن، حدّثني أبو هراسة، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: لَوْ أَنَّ الْإِمامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ ساعَةً لَساخَتْ بِأَهْلِهِ كَما يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. و الكافي: ج١ ص١٧٩ ح١٢- عليّ، عن محمّد بن عيسى، عن أبي عبد الله المؤمن، عن أبي هراسة... . و الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٨ ب٨ ح١٠- محمّد بن يعقوب الكلينيّ، عن عليّ بن إبراهيم ...لَوْ أَنَّ الْإِمامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ ساعَةً لَساخَتْ بِأَهْلِها وَ ماجَتْ كَما يَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٢ ب٢١ ح٣- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن عيسى بن عبيد، عن أبي عبد الله زكريّا بن محمّد المؤمن، عن أبي هراسة ... . و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٣ ب٢١ ح٩- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر قالا: حدّثنا محمّد بن عيسى و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي عبد الله المؤمن و الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة ... . و دلائل الإمامة: ص٤٣٥ ح٤٠٣/ ٧- أبو الحسن عليّ بن هبة الله، عن أبي جعفر، قال: حدّثنا أبي، عن سعد بن عبد الله، عن أبي عبد الله محمّد بن خالد البرقيّ، عن الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبي هراسة... .

٤٠- الغيبة، النّعمانيّ: ص١٤١ ب١٠ ح٢- أخبرنا محمّد بن همّام و محمّد بن الحسن بن محمّد بن جمهور جميعاً، عن الحسن بن محمّد بن جمهور قال: حدّثنا أبي، عن بعض رجاله، عن المفضّل بن عمرو قال أبو عبد الله عليه السّلام: خَبَرٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرٍ تَرْوِيهِ، إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ لِكُلِّ

صَوابٍ نُوراً. ثمّ قال: إنّا وَ اللهِ لا نَعُدُّ الرَّجُلَ مِنْ شيعَتِنا فَقيهاً حَتّىٰ يُلْحَنَ لَهُ فَيَعْرِفَ اللَّحْنَ، إنَّ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السّلام قالَ عَلىٰ مِنْبَرِالْكُوفَةِ: إنَّ مِنْ وَرائِكُمْ فِتَناً مُظْلِمَةً عَمْياءَ مُنْكَسِفَةً لا يَنْجُو مِنْها إلَّا النُّوَمَةُ، قيلَ: يا أَميرَ الْمُؤْمِنينَ! وَ مَا النُّوَمَةُ؟ قالَ: الَّذي يَعْرِفُ النّاسَ وَ لا يَعْرِفُونَهُ. وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ للهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لٰكِنَّ اللهَ سَيُعْمي خَلْقَهُ عَنْها بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إسْرافِهِمْ عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ ساعَةً واحِدَةً مِنْ حُجَّةٍ للهِ لَساخَتْ بِأَهْلِها وَ لٰكِنَّ الْحُجَّةَ يَعْرِفُ النّاسَ وَ لا يَعْرِفُونَهُ كَما كانَ يُوسُفُ يَعْرِفُ النّاسَ وَ هُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ- ثمّ تلا: «يا حَسْرَةً عَلَى الْعِبادِ ما يَأْتيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إلّا كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ».

٤١- بصائرالدّرجات: ص٩ ب١٢ ح٢- حدّثنا محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة الثماليّ قال: قلت لأبي عبد الله عليه السّلام: (أ) تبقى الأرض بغيرإمام؟ قال: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إمامٍ، لَساخَتْ. و الكافي: ج١ ص١٧٨ ح١٠- عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى... . و الإمامة و التّبصرة من الحيرة: ص٣٠ ب٢ ح١٢- سعد بن عبد الله، عن محمّد بن عيسى ... . و الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٨ ب٨ ح٨- محمّد بن يعقوب، عن عليّ بن إبراهيم ... . و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠١ ب٢١ ح١- حدّثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن عيسى بن عبيد و محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن الفضيل ... . و علل الشرائع: ج١ ص١٩٥ ب١٥٣ ح٥- حدّثنا محمّد بن الحسن قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار، عن محمّد بن عيسى ... . و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح١٦- حدّثنا محمّد بن الحسن رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب و محمّد بن عيسى بن عبيد، عن محمّد بن الفضيل الصيرفيّ ... . و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح١٨- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن النضربن سويد، عن محمّد بن الفضيل ... . و الغيبة، الشّيخ الطّوسيّ: ص٢٢٠ ما رواه سعد بن عبد الله الأشعريّ، عن محمّد بن عيسى بن عبيد و

محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب عن محمّد بن الفضل ... . و بصائر الدّرجات: ص٩ ب١٢ ح٤- حدّثنا محمّد بن عليّ بن إسماعيل، عن العبّاس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: قلت له يكون الأرض بلا إمام فيها؟ قال: لا إِذاً ساخَتْ بِأَهْلِها. و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح١٧ و عيون أخبار الرّضا عليه السّلام: ج١ ص٢٧٢ ب٢٨ ح١- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى و عليّ بن إسماعيل بن عيسى، عن العبّاس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن القاسم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرضا عليه السّلام قال: قلت له: تكون الأرض و لا إمام فيها؟ فقال: لا إِذاً لَساخَتْ بِأَهْلِها. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠١ ب٢١ ح٥- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الحلّال قال: قلت لأبي الحسن الرّضا عليه السّلام إنّا روينا عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: إِنَّ الْأَرْضَ لا تَبْقىٰ بِغَيْرِإِمامٍ - أو - تَبْقىٰ وَ لا إِمامَ فيها؟! فقال: مَعاذَ اللهِ لا تَبْقىٰ ساعَةً إِذاً لَساخَتْ. و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح١٥- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب و الهيثم بن أبي مسروق النهديّ، عن أبي داود سليمان بن سفيان المسترقّ، عن أحمد بن عمر الخلّال، عن أبي الحسن قال: قلت: تبقى الأرض بغير إمام فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تَبْقىٰ، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلَى الْعِبادِ؟ فقال: لا لا تَبْقىٰ لَوْ بَقِيَتْ إِذاً لَساخَتْ. و الكافي: ج١ ص١٧٨ ح١١- عليّ بن إبراهيم، عن محمّد بن عيسى، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام: أَنَّها لا تَبْقىٰ بِغَيْرِ إِمامٍ إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ تَعالىٰ عَلىٰ أَهْلِ الْأَرْضِ - أو- عَلَى الْعِبادِ؟! فقال: لا لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. و الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٨ ب٨ ح٩- از كلينى مانند آن و زيادت: فقال: لا تَبْقَى

الْأَرْضُ بِغَيْرِإِمامٍ، وَلَوْبَقِيَتْ إِذاً لَساخَتْ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠١ ب٢١ ح٢- حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رضي الله عنه قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصفّار قال: حدّثنا العبّاس بن معروف، عن عليّ بن مهزيار، عن محمّد بن الهيثم، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: قلت له: أ تبقى الأرض بغيرإمام؟ فقال: لا. قلت: فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام:أَنَّها، لا، تَبْقىٰ بِغَيْرِإِمامٍ، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلىٰ أَهْلِ الْأَرْضِ - أو- عَلَى الْعِبادِ. فقال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج١ ص٢٤٥- سئل الرّضا و الصّادق عليهما السّلام: تكون الأرض و لا إمام: قال: إِذاً لَساخَتْ. و بصائرالدّرجات: ص٩ ب١٢ ح٧. و الكافي: ج١ ص١٧٨ ح١٣- حدّثنا الحسين بن محمّد، عن معلّى بن محمّد، عن الحسن بن عليّ الوشّاء قال: سألت الرّضا عليه السّلام: هل تبقى الأرض بغيرإمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروى: أَنَّها، لا، تَبْقىٰ، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ (عَزَّوَجَلَّ - الكافي) عَلَى الْعِبادِ؟! قال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. مانند آن: الغيبة، النّعمانيّ: ص١٣٨ ب٨ ح١١- محمّد بن يعقوب، عن الحسين بن محمّد... . و عيون أخبار الرّضا عليه السّلام: ج١ ص٢٧٢ ب٢٨ ح٣ و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح٢٠- حدّثنا جعفربن محمّد بن مسرور رضي الله عنه قال: حدّثنا الحسين بن محمّد بن عامر، عن المعلّى بن محمّد البصريّ ... . بصائرالدّرجات: ص٤٨٩ ب١٢ ح٦- حدّثنا محمّد بن سليمان، عن سعد بن سعد، عن أحمد بن عمر،عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغيرإمام؟ قال: لا. قلت: فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تَبْقىٰ، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلَى الْعِبادِ؟ قال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. و بصائر الدّرجات:ص٤٨٨ ب١٢ ح١- حدّثنا محمّد بن الحسين، عن أبي داود المسترق، عن أحمد بن عمرقال: قلت لأبي الحسن عليه السّلام: هل يبقى الأرض بغيرإمام فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: لا، يَبْقَى الْأَرْضُ، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلَى الْعِبادِ؟ قال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٣ ب٢١ ح٨- و بهذا الإسناد (حدّثنا

أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر الحميريّ قالا: حدّثنا إبراهيم بن مهزيار، عن أخيه) عليّ بن مهزيار، عن الحسن بن عليّ الخزّاز، عن أحمد بن عمر قال: سألت أبا الحسن عليه السّلام: أ تبقى الأرض بغير إمام؟ قال: فقال: لا. قلت: فإنّا نروى: أَنَّها لا، تَبْقىٰ، إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلَى الْعِبادِ. فقال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ. و عيون أخبار الرّضا عليه السّلام: ج١ ص٢٧٢ ب٢٨ ح٢ و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٨ ب١٥٣ ح١٩- حدّثنا أبي قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن عبّاد بن سليمان، عن سعد بن سعد الأشعري، عن أحمد بن عمر، عن أبي الحسن الرّضا عليه السّلام قال: قلت له: هل تبقى الأرض بغير إمام؟ فقال: لا. قلت: فإنّا نروى عن أبي عبد الله عليه السّلام أنّه قال: لا، تَبْقىٰ (الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمامٍ - العلل)، إِلّا أَنْ يَسْخَطَ اللهُ عَلَى الْعِبادِ؟! فقال: لا تَبْقىٰ إِذاً لَساخَتْ.

٤٢- بصائر الدّرجات: ص٩ ب١٢ ح٨- حدّثنا محمّد بن محمّد، عن أبي طاهر محمّد بن سليمان، عن أحمد بن هلال قال: أخبرني سعيد، عن سليمان الجعفريّ قال: سألت أبا الحسن الرّضا عليه السّلام قلت: تخلو الأرض من حجّة الله؟ قال: لَوْ خَلَتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَساخَتْ بِأَهْلِها. مانند آن: مختصر البصائر: ٦٤ ح٣٤- (سعد) عن سليمان بن جعفر الجعفري... . و علل الشّرائع: ج١ ص١٩٩ ب١٥٣ ح٢١- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن علي الدينوريّ و محمّد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان بن جعفر الجعفريّ... . و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٤ ب٢١ ح١٥- حدثنا أبي و محمّد بن الحسن رضي الله عنهما قالا: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن جناح، عن سليمان الجعفريّ ... . و عيون أخبار الرّضا عليه السّلام: ج١ ص٢٧٢ ب٢٨ ح٤- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن الحسن بن عليّ الزيتونيّ و محمّد بن أحمد بن أبي قتادة، عن أحمد بن هلال، عن سعيد بن سليمان، عن سليمان بن جعفر الحميريّ قال: سألت الرّضا ... .

٤٣- المحاسن: ج١ ص٢٣٤ ب٢١ ح١٩٣- بسند صحيح عن زياد العطّار، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السّلام يقول: إِنَّ الْأَرْضَ لا تَكُونُ إِلّا وَ فيها حُجَّةٌ، إِنَّهُ لا يُصْلِحُ النّاسَ إِلّا ذٰلِكَ، وَ لا يُصْلِحُ الْأَرْضَ إِلّا ذٰلِكَ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٣ ب٢١ ح٧- بسند صحيح عن حسن بن زياد قال: سمعت أبا عبد الله عليه السّلام يقول:إِنَّ الْأَرْضَ لا تَخْلُو مِنْ أَنْ يَكُونَ فيها حُجَّةٌ عالِمٌ، إِنَّ الْأَرْضَ لا يُصْلِحُها إِلّا ذٰلِكَ، وَ لا يُصْلِحُ النّاسَ إِلّا ذٰلِكَ.

٤٤ - سوره (٣) آل عمران (آل محمّد صلوات الله عليهم) آيه٦٢.

٤٥ - الدعوات، الراونديّ: ص٩١ تسبيح فاطمة عليهاالسّلام في اليوم الثّالث ....:.

از او: بحار الأنوار: ج٩١ ص٢٠٥ ب٣٧ ح٣.

٤٦ - دلائل الإمامة: ص١٣٩ ح٤٧/ ٤٧- حدّثني أبو الحسن أحمد بن الفرج بن منصور بن محمّد، قال: حدّثنا أبو الحسن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ قال: حدّثنا سعد بن عبد الله قال: حدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن محمّد بن سعيد الثقفيّ قال: حدّثني عثمان بن سعيد قال: حدّثنا أحمد بن حمّاد بن أحمد الهمدانيّ قال: حدّثنا عمرو بن ثابت، عن أبيه، عن محمّد بن عليّ بن الحسين بن عليّ عليهمالسّلام قال: بَعَثَ رَسُولُ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ سَلْمانَ رَضِيَاللهُعَنْهُ إِلىٰ مَنْزِلِ فاطِمَةَ لِحاجَةٍ. قالَ سَلْمانُ: فَوَقَفْتُ بِالْبابِ وَقْفَةً حَتّىٰ سَلَّمْتُ، فَسَمِعْتُ فاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوّا، وَ الرَّحىٰ تَدُورُ مِنْ بَرّا، ما عِنْدَها أَنيسٌ. قالَ: فَعُدْتُ إِلىٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ فَقُلْتُ: يا رَسُولَ اللهِ! رَأَيْتُ أَمْراً عَظيماً! فَقالَ: هيهِ يا سَلْمانُ، تَكَلَّمْ بِما رَأَيْتَ وَ سَمِعْتَ. قالَ: وَقَفْتُ بِبابِ ابْنَتِكَ يا رَسُولَ اللهِ، وَ سَلَّمْتُ، فَسَمِعْتُ فاطِمَةَ تَقْرَأُ الْقُرْآنَ مِنْ جَوّا، وَ الرَّحىٰ تَدُورُ مِنْ بَرّا ما عِنْدَها أَنيسٌ! قالَ: فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ وَ قالَ: يا سَلْمانُ، إِنَّ ابْنَتي فاطِمَةَ مَلَأَ اللهُ قَلْبَها وَ جَوارِحَها إِيماناً إِلىٰ مُشاشِها، فَتَفَرَّغَتْ لِطاعَةِ اللهِ

عَزَّوَجَلَّ فَبَعَثَ اللهُ مَلَكاً اسْمُهُ رَوْفائيلُ- و في رواية أخرى: رَحْمَةٌ- فَأَدارَ لَهَا الرَّحىٰ فَكَفاهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مَئُونَةَ الدُّنْيا مَعَ مَئُونَةِ الْآخِرَة. و مناقب آل‌أبي‌طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٣٣٧. ر.ک. الثاقب في المناقب: ص٢٩٠ الفصل٣ ح٢٤٨.

٤٧ - سوره (٩٨) البيّنة آيه ٦.

٤٨ - مناقب عليّ بن أبي طالب، الخطيب الخوارزميّ: ص٣٤٢ الى٣٥٤ الفصل٢٠ ح٣٦٤ به سند خودش از أمّ سلمة و سلمان الفارسي و عليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام روايت مفصّل و طولانی را درباره ازدواج حضرت فاطمه عليهاالسّلام نقل می‌کند تا این‌که می نویسد: ... قالَ جَبْرَئيلُ: ثُمَّ أَوْحَى اللهُ إِلَيَّ: أَنْ أَعْقِدَ عُقْدَةَ النِّكاحِ فَإِنِي قَدْ زَوَّجْتُ أَمَتي فاطِمَةَ بِنْتَ حَبيبي مُحَمَّدٍ مِنْ عَبْدي عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ، فَعَقَدْتُ عُقْدَةَ النِّكاحِ، وَ أَشْهَدْتُ عَلىٰ ذٰلِكَ الْمَلائِكَةَ أَجْمَعينَ، وَ كَتَبْتُ شَهادَتَهُمْ في هٰذِهِ الْحَريرَةِ، وَ قَدْ أَمَرَني رَبّي عَزَّوَجَلَّ أَنْ أَعْرِضَها عَلَيْكَ، وَ أَنْ أَخْتِمَها بِخاتَمِ مِسْكٍ، وَ أَنْ أَدْفَعَها إِلىٰ رِضْوانَ، ... . از او: كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٣٥٧. بحار الأنوار: ج٤٣ ص١٢٨ ب٥ ضمن ح٢٣ از كشف الغمّة.

٤٩ - الأمالي، ابن بابويه القميّ: ص١١٣ مجلس٢٤- حدّثنا عليّ بن أحمد بن موسى الدّقّاق رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن أبي عبد الله الكوفيّ قال: حدّثنا موسى بن عمران النّخعيّ، عن عمّه الحسين بن يزيد النّوفليّ، عن الحسن بن عليّ بن أبي حمزة، عن أبيه، عن سعيد بن جبير، عن ابن عبّاس قال: إنّ رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله كان جالساً ذات يوم إذ أقبل الحسن عليه‌السّلام فلمّا رآه بكى ثمّ قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يا بُنَيَّ، فما زال يدنيه حتّى أجلسه على فخذه اليمنى ثمّ أقبل الحسين عليه‌السّلام فلمّا رآه بكى ثمّ قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يا بُنَيَّ، فما زال يدنيه حتّى أجلسه على فخذه اليسرى ثمّ أقبلت فاطمة عليهاالسّلام فلمّا رآها بكى ثمّ قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يا بُنَيَّةُ، فأجلسها بين يديه ثمّ أقبل أمير المؤمنين عليه‌السّلام فلمّا رآه بكى ثمّ قال: إِلَيَّ إِلَيَّ يا أَخي، فما زال يدنيه حتّى أجلسه إلى جنبه الأيمن. فقال له أصحابه: يا رسول الله! ما ترى واحداً من هؤلاء إلّا بكيت أ و ما فيهم من تسرّ برؤيته؟ فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: «... وَ أَمَّا ابْنَتي فاطِمَةُ، فَإِنَّها سَيِّدَةُ نِساءِ

الْعالَمَينَ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، ... مَتىٰ قامَتْ في مِحْرابِها بَيْنَ يَدَيْ رَبِّها جَلَّ جَلالُهُ ظَهَرَ نُورُها لِمَلائِكَةِ السَّماءِ كَما يَظْهَرُ نُورُ الْكَواكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَ يَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِمَلائِكَتِهِ: يا مَلائِكَتي! انْظُرُوا إِلىٰ أَمَتي فاطِمَةَ، سَيِّدَةِ إِمائي، قائِمَةً بَيْنَ يَدَيَّ، تَرْتَعِدُ فَرائِصُها مِنْ خيفَتي، وَ قَدْ أَقْبَلَتْ بِقَلْبِها عَلىٰ عِبادَتي، أُشْهِدُكُمْ أَنّي قَدْ آمَنْتُ شيعَتَها مِنَ النّارِ ... ». از او: بشارة المصطفى: ج۲ ص۱۹۸ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج۳ ص۳٦۰ و إرشاد القلوب: ج۲ ص۲۹۵ و الفضائل، ابن شاذان القميّ: ص۹ المقدّمة و بحار الأنوار: ج۲۸ ص۳۸ ب۲ ح۱ و ج٤۳ ص۱۷۲ ب۷ ح۱۳.

۵۰ - بحار الأنوار: ج٤۳ ص۷٦ ب۳ ضمن٦۲ من كتاب قديم من العامّة: و قال الحسن: ما كان في الدّنيا أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتّىٰ تتورّم قدماها. و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج۳ ص۳٤۱- حلية أبي نعيم و مسند أبي يعلى ... الحسن البصريّ: ما كانَ في هٰذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدُ مِنْ فاطِمَةَ، كانَتْ تَقُومُ حَتّىٰ تَوَرَّمَ قَدَماها. از او: بحار الأنوار: ج٤۳ ص۸٤ ب٤ . و ربيع الأبرار و نصوص الأخبار: ج۲ ص۲۷٤-الحسن : ما كان في هذه الأمّة أعبد من فاطمة، كانت تقوم حتّى تورّمت قدماها . و المستطرف في كلّ فنّ مستظرف: ج۱ ص۲٦- وقال الحسن : ما كان في هذه الأمّة أعبد من فاطمة رضي الله عنها بنت رسول الله صلّى الله عليه (و آله) و سلّم، و كانت تقوم بالأسحار حتّى تورّمت قدماها.

۵۱ - معاني الأخبار: ص۳۹٦ ح۵۳- حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رضي الله عنه قال: حدّثنا عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن يعقوب بن يزيد قال: حدّثنا الحسن بن عليّ بن فضّال، عن عبد الرّحمان بن الحجّاج، عن سدير الصّيرفيّ، عن الصّادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليهم‌السّلام قال قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: خُلِقَ نُورُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ قَبْلَ أَنْ تُخْلَقَ الْأَرْضُ وَ السَّماءُ. فقال بعض النّاس: يا نبيّ الله! فليست هي إنسيّة؟ فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: فَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ. قال: يا نبيّ الله! و كيف هي حوراء إنسيّة؟ قال: خَلَقَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نُورِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ إِذْ كانَتِ الْأَرْواحُ، فَلَمّا خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ عُرِضَتْ

عَلىٰ آدَمَ. قيل: يا نبيّ الله! و أين كانت فاطمة؟ قال: كانَتْ في حُقَّةٍ تَحْتَ ساقِ الْعَرْشِ. قالوا: يا نبيّ الله! فما كان طعامها؟ قال: التَّسْبيحُ وَ التَّهْليلُ وَ التَّحْميدُ، فَلَمّا خَلَقَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ وَ أَخْرَجَني مِنْ صُلْبِهِ، أَحَبَّ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُخْرِجَها مِنْ صُلْبي، جَعَلَها تُفّاحَةً فِي الْجَنَّةِ، وَ أَتاني بِها جَبْرَئيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ فَقالَ لي: السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ يا مُحَمَّدُ، قُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلامُ وَ رَحْمَةُ اللهُ حَبيبي جَبْرَئيلُ، فَقالَ يا مُحَمَّدُ! إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلامَ، قُلْتُ: مِنْهُ السَّلامُ وَ إِلَيْهِ يَعُودُ السَّلامُ، قالَ: يا مُحَمَّدُ! إِنَّ هٰذِهِ تُفّاحَةٌ أَهْداهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْكَ مِنَ الْجَنَّةِ، فَأَخَذْتُها وَ ضَمَمْتُها إِلىٰ صَدْري، قالَ: يا مُحَمَّدُ! يَقُولُ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: كُلْها، فَفَلَقْتُها فَرَأَيْتُ نُوراً ساطِعاً فَفَزِعْتُ مِنْهُ، فَقالَ: يا مُحَمَّدُ! ما لَكَ لا تَأْكُلُ؟ كُلْها وَ لا تَخَفْ، فَإِنَّ ذٰلِكَ النُّورَ الْمَنْصُورَةُ فِي السَّماءِ وَ هِيَ فِي الْأَرْضِ فاطِمَةُ، قُلْتُ: حَبيبي جَبْرَئيلُ! وَ لِمَ سُمِّيَتْ فِي السَّماءِ الْمَنْصُورَةَ وَ فِي الْأَرْضِ فاطِمَةَ؟ قالَ: سُمِّيَتْ فِي الْأَرْضِ فاطِمَةَ لِأَنَّها فَطَمَتْ شيعَتَها مِنَ النّارِ، وَ فُطِمَ أَعْداؤُها عَنْ حُبِّها، وَ هِيَ فِي السَّماءِ الْمَنْصُورَةُ، وَ ذٰلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ* بِنَصْرِ اللهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشاءُ، يَعْني نَصْرَ فاطِمَةَ لِمُحِبّيها.

۵۲- ر.ک. پی‌نوشت ۱۵۰.

۵۳ - سوره (۸) الأنفال آیه ٤٦.

٥٤ - سوره (٢٦) الشّعراء آیه ٢٢٨.

٥٥ - سوره (٣٣) الأحزاب آیه ٣٦.

٥٦ - سوره (٦٢) الجمعة آیه ١١.

٥٧ - التبیان فی تفسیر القرآن: ج٨ ص٣٤٧- روي في أخبارنا أنّ: مَنْ قالَ: سُبْحانَ اللهِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ، وَ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ اللهُ أَكْبَرُ ثَلاثينَ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ كَثيراً.

٥٨ - معاني الأخبار: ص١٩٣ ح٥- و قد روي في خبر آخر عن الصّادق عليه‌السّلام: أنّه سئل عن قول الله عزّوجلّ: «اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً» ما هذا الذّكر الكثير؟ قال: مَنْ سَبَّحَ تَسْبيحَ فاطِمَةَ عَلَيْهَا‌السَّلامُ فَقَدْ ذَكَرَ اللهَ الذِّكْرَ الْكَثيرَ. حدّثنا بذلك محمّد بن الحسن رحمه الله قال: حدّثنا أحمد

بن إدريس، عن محمّد بن أحمد قال: حدّثنا أبو محمّد جعفربن أحمد بن سعيد البجليّ ابن أخي صفوان بن يحيى، عن عليّ بن أسباط، عن سيف بن عميرة، عن أبي الصبّاح بن نعيم العائذيّ، عن محمّد بن مسلم قال في حديث يقول في آخره: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ مِنْ ذِكْرِاللهِ الْكَثيرِ الَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: فَاذْكُرُوني أَذْكُرْكُمْ. از او: وسائل الشيعة: ج٦ ص٤٤٢ ب ح٨٣٩٣- ٤ و بحار الأنوار: ج٨٢ ص٣٣١ ب٣٧ ح٨. و تفسير العياشي: ج١ ص٦٧ ح١٢٢ عن محمّد بن مسلمّ عن أبي جعفر عليه‌السّلام قال: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ مِنْ ذِكْرِاللهِ الْكَثيرِ الَّذي قالَ: فَاذْكُرُوني أَذْكُرْكُمْ. و مجمع البيان فى تفسير القرآن: ج٨ ص٥٦٨- عن زرارة و حمران ابني أعين، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام: مَنْ سَبَّحَ تَسْبيحَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ فَقَدْ ذَكَرَاللهَ ذِكْراً كَثيراً. از او: وسائل الشيعة: ج٦ ص٤٤٣ ب٨ ح٨٣٩٥- ٦ و البرهان في تفسير القرآن: ج٤ ص٤٧٦ ح٨٦٦٣ و بحار الأنوار: ج٨٢ ص٣٣٥ ب٣٧ ح٢٢

٥٩ - الكافي: ج٢ ص٥٠٠ ح٤- محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن عليّ بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن بكر بن أبي بكر، عن زرارة بن أعين، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: تَسْبيحُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثيرِ الَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً. از او: وسائل الشيعة: ج٦ ص٤٤١ ب٨ ح٨٣٩٠-١.

و تأويل الآيات الظاهرة: ص٤٤٦ و البرهان في تفسير القرآن: ج٤ ص٤٧٦ ح٨٦٦٠- قال محمّد بن العبّاس رحمه الله: حدّثنا أحمد بن هوذة الباهليّ، عن إبراهيم بن إسحاق النّهاونديّ، عن عبد الله بن حمّاد، عن محمّد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر عليه‌السّلام يقول: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ مِنْ ذِكْرِاللهِ الْكَثيرِالَّذي قالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً.

٦٠ - تأويل الآيات الظاهرة: ص٤٤٦ و البرهان في تفسير القرآن: ج٤ ص٤٧٦ ح٨٦٦١- قال محمّد بن العبّاس رحمه الله: حدّثنا الحسين بن أحمد، عن محمّد بن عيسى، عن يونس، عن إسماعيل بن عمّار قال: قلت لأبي عبد الله عليه‌السّلام: قول الله عزّوجلّ: اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً ما حدّه؟ قال: إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَّمَ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ أَنْ تُكَبِّرَ أَرْبَعاً وَ ثَلاثينَ

تَكْبيرَةً وَ تُسَبِّحَ ثَلاثاً وَ ثَلاثينَ تَسْبيحَةً وَ تُحَمِّدَ ثَلاثاً وَ ثَلاثينَ تَحْميدَةً، فَإِذا فَعَلْتَ ذٰلِكَ بِاللَّيْلِ مَرَّةً، وَ بِالنَّهارِ مَرَّةً، فَقَدْ ذَكَرْتَ اللهَ كَثيراً.

٦١ - الكافي: ج٣ ص٣٤٣ ح١٣- محمّد بن يحيى، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: يا أَبا هارُونَ! إنّا نَأْمُرُ صِبْيانَنا بِتَسْبيحِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كَما نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلاةِ، فَالْزَمْهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمْهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ. از او: تهذيب الأحكام: ج٢ ص١٠٥ ب٨ ح١٦٥ و وسائل الشيعة: ج٦ ص٤٤١ ب ح٨٣٩١- ٢. و مانند آن الأمالي، الشيخ الصّدوق: ص٥٧٩ المجلس٨٥ ح١٦- حدّثنا جعفربن محمّد بن مسرور رضوان الله عليه قال: حدثنا الحسن بن محمّد بن عامر، عن عمّه عبد الله بن عامر، عن محمّد بن أبي عمير، عن أبي هارون المكفوف ... . و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص١٦٣- حدّثني محمّد بن الحسن ،عن محمّد بن الحسن الصّفّار، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل، عن صالح بن عقبة، عن أبي هارون المكفوف، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال لأبي هارون المكفوف: يا أَبا هارُونَ! إنّا نَأْمُرُ صِبْيانَنا بِتَسْبيحِ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ كَما نَأْمُرُهُمْ بِالصَّلاةِ، فَالْزَمْهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمْهُ عَبْدٌ فَشَيَشْقى.

٦٢ - المقنعة: ص١٤٠- و سئل الصّادق عليه‌السّلام عن قول الله عزّوجلّ: «يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللهَ ذِكْراً كَثيراً» ما حدّ هذا الذّكر؟ فقال: مَنْ سَبَّحَ في عَقِبِ كُلِّ فَريضَةٍ تَسْبيحَ الزَّهْراءِ فاطِمَةَ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْها فَقَدْ ذَكَرَاللهَ ذِكْراًكَثيراً.

٦٣ - مجمع البيان فى تفسير القرآن: ج٨ ص٥٦١- روي عن أبي عبد الله عليه‌السّلام أنّه قال: مَنْ باتَ عَلىٰ تَسْبيحِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كانَ مِنَ الذّاكِرينَ اللهَ كَثيراً وَ الذّاكِراتِ.

از او: وسائل الشّيعة: ج٦ ص٤٤٧ ب١١ ح٨٤٠٤- ٤ و بحار الأنوار: ج٢٢ ص١٧٦ ب٢ و ج٨٢ ص٣٣٥ ب٣٧ ضمن ح٢٢.

٦٤ - الكافي:ج٣ ص٣٤٣ ح١٥- (محمّد بن يحيى، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل بن بزيع، عن صالح بن عقبة- معلّق) عن أبي خالد القمّاط قال: سمعت أبا عبد الله

عليه‌السّلام يقول:. از او: تهذيب الأحكام: ج٢ ص١٠٥ ب٨ ح١٦٧ و فلاح السّائل و نجاح المسائل: ص١٣٥. و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص١٦٣-حدّثني محمّد بن الحسن، عن محمّد بن الحسن الصّفّار، عن محمّد بن الحسن، عن محمّد بن إسماعيل، عن أبي خلف القمّاط قال: سمعت أبا عبد الله عليه‌السّلام يقول: تَسْبيحُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ في كُلِّ يَوْمٍ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ في كُلِّ يَوْمٍ. و مكارم الأخلاق: ص٣٠١- فروي عن الصّادق عليه‌السّلام أنّه قال: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ في كُلِّ يَوْمٍ عَقيبَ كُلِّ صَلاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ في كُلِّ يَوْمٍ. و مجموعة ورّام: ج١ ص٣٠١- عن الصّادق عليه‌السّلام قال: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ في كُلِّ يَوْمٍ دُبُرَ كُلِّ فَريضَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ في كُلِّ يَوْمٍ.

و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٤٧١- روي عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: تَسْبيحُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كُلَّ يَوْمٍ في دُبُرِ كُلِّ صَلاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ في كُلِّ يَوْمٍ. و عوالي اللئالي: ج١ ص٣٣٣ ح٩١- و روي عن الباقر عليه‌السّلام أنّه قال: ما عُبِدَ اللهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبيحِ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ لَوْ كانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ. إِنَّ تَسْبيحَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ في كُلِّ يَوْمٍ دُبُرَ كُلِّ صَلاةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ صَلاةِ أَلْفِ رَكْعَةٍ في كُلِّ يَوْمٍ.

وسائل الشّيعة: ج٦ ص٤٤٤ ب٩ ح٨٣٩٧- ٢ از الكافي و التّهذيب و ثواب الأعمال.

بحار الأنوار: ج٨٢ ص٣٣٢ ب٣٧ ح٩ از ثواب الأعمال و از مصباح الأنوار مرسل.

٦٥ - الكافي: ج٣ ص٣٤٣ ح١٤- (محمّد بن يحيى، عن محمّد بن الحسين، عن محمّد بن إسماعيل بن بزيع- معلّق)، عن صالح بن عقبة، عن عقبة، عن أبي جعفر عليه‌السّلام قال:. از او: تهذيب الأحكام: ج٢ ص١٠٥ ب٨ ح١٦٦، وسائل الشّيعة: ج٦ ص٤٤٣ ب٩ ح٨٣٩٦ و بحار الأنوار: ج٤٣ ص٦٤ ب٣ ح٥٦.

٦٦ - سوره (٢) آيه ٢٣٩.

٦٧ - تفسير العيّاشيّ: ج١ ص١٢٨ ح٤٢١- [عن زرارة]، عن عبد الرّحمان بن كثير، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام في قوله: «حافِظُوا عَلَى الصَّلَواتِ وَ الصَّلاةِ الْوُسْطىٰ- وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ» قال: الصَّلاةُ رَسولُ اللهِ وَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ وَ فاطِمَةَ وَ الْحسن و الحسين سَلامُ‌اللهِ‌عَلَيْهِمْ، و الوسطى: أمير المؤمنين «وَ قُومُوا لِلّٰهِ قانِتِينَ» طائعين للأئمّةِ. از او: البرهان في تفسير القرآن: ج١ ص٤٩٨ ح٤٩٦ ح١٣٢٠.

٦٨ - سوره (٣٠) الروم آيه٣١.

٦٩ - سوره (٨٢) الإنفطار آيه ٢.

٧٠ - معاني الأخبار: ص٥٦ ح٣. از او: بحارالأنوار: ج٣٧ ص٤٧ ب٥٠ ح٢٣.

٧١ - الأمالي، ابن بابويه: ص٥٩٢ المجلس٨٦ ح١٨ و الخصال: ج٢ ص٤١٤ ح٣ و علل الشّرائع: ص١٧٨ ب١٤٢ ح٣-حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال: حدّثني عليّ بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ قال: حدّثني عبد العظيم بن عبد الله الحسنيّ قال: حدّثني الحسن بن عبد الله بن يونس، عن يونس بن ظبيان قال: قال أبو عبد الله الصّادق عليه‌السّلام: لِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ تِسْعَةُ أَسْماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛ فاطِمَةُ وَ الصِّدّيقَةُ وَ الْمُبارَكَةُ وَ الطّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْراءُ. ثمّ قال: تَدْري لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ فاطِمَةَ؟ قلت: أخبرني يا سيّدي. قال: فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قال: ثمّ قال: لَوْ لا أَنَّ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ تَزَوَّجَها لَما كانَ لَها كُفْوٌ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و دلائل الإمامة: ص٧٩ ح١٩- أخبرني الشّريف أبو محمّد الحسن بن أحمد العلويّ المحمّديّ النّقيب، قال: أخبرني أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى القميّ رضي الله عنه، قال: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل، قال: حدّثنا عليّ بن الحسين السّعدآباديّ، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنيّ، قال: حدّثني الحسن بن عبد الله، عن يونس بن ظبيان، قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: لِفاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ تِسْعَةُ أَسْماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: فاطِمَةُ، وَ الْمَذُوبَةُ، وَ الْمُبارَكَةُ، وَ الطّاهِرَةُ، وَ الزَّكِيَّةُ،

وَ الرّاضِيَةُ، وَ الرَّضِيَّةُ، وَ الْمُحَدَّثَةُ، وَ الزَّهْراءُ. ثمّ قال عليه السّلام: أَ تَدْري أَيُّ شَيْءٍ تَفْسيرُ فاطِمَةَ؟ قلت: أخبرني يا سيّدي، فمّا فطمت؟ قال: مِنَ الشِّرْكِ. قال: ثمّ قال عليه السّلام: لَوْلا أَنَّ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِالسَّلامُ تَزَوَّجَها لَما كانَ لَها كُفْوٌ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٨ و مناقب آل‌أبي‌طالب عليهم‌السّلام: ج٢ ص١٨١ و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٤٦٣ و الدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص٤٥٥ مانند الأمالى و الخصال و الشّرائع.

٧٢- سوره (٧) الأعراف آيه٤٧.

٧٣ - احاديث بسيارى در كتاب‌هاى: بصائر الدّرجات و الإختصاص و الكافي وغير آن‌ها درباره اين مطلب است، و ما در اين‌جا به دو حديث شريف اكتفا مى‌كنيم: بصائرالدرجات: ص٤٩٧ ب١٦ ح٧ به سند خود از اصبغ بن نباتة از سلمان فارسى گفت: قسم به خداوند هرآينه از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم شنيدم كه به حضرت على عليه‌السّلام مى فرمود: يا عَلِيُّ! أَنْتَ وَ الْأَوْصِياءُ مِنْ بَعْدي -أو قال:- مِنْ بَعْدِكَ أَعْرافٌ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِكُمْ، وَ أَعْرافٌ لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ، وَ لا يَدْخُلُ النّارَ إِلّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ. و بصائر الدرجات: ص٤٩٧ ب١٦ ح٦ به سند صحيح از أصبغ بن نباتة گويد: امير المؤمنين عليه‌السّلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرافُ الَّذينَ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِنا، ... .

٧٤ - سوره (٩٨) البيّنة آيه ٦.

٧٥ - تأويل الآيات الظّاهرة: ص٨٠٠- محمّد بن خالد البرقيّ مرفوعاً، عن عمرو بن شمر، عن جابربن يزيد، عن أبي جعفرعليه‌السّلام قال: في قوله عزّوجلّ: «لَمْ يَكُنِ الَّذينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ» قال: هُمْ مُكَذِّبُو الشّيعَةِ، لِأَنَّ الْكِتابَ هُوَ الْآياتُ، وَ أَهْلَ الْكِتابِ الشّيعَةُ. و قوله: «وَ الْمُشْرِكينَ مُنْفَكّينَ» يَعْني الْمُرْجِئَةَ، «حَتّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ» قال: يَتَّضِحُ لَهُمُ الْحَقُّ. وَ قَوْلُهُ: «رَسُولٌ مِنَ اللهِ» يَعْني مُحَمَّداً صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، «يَتْلُوا صُحُفاً مُطَهَّرَةً» يَعْني يَدُلُّ عَلىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ، وَ هُمُ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ وَ هُمْ الصُّحُفُ الْمُطَهَّرَةُ، وَ قَوْلُهُ: «فيها كُتُبٌ قَيِّمَةٌ» أَيْ عِنْدَهُمْ

الْحَقُّ الْمُبينُ. وَ قَوْلُهُ:«وَ ما تَفَرَّقَ الَّذينَ أُوتُوا الْكِتابَ» يَعْني مُكَذِّبِي الشّيعَةِ. وَ قَوْلُهُ:«إِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ» أَيْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْحَقُّ، «وَ ما أُمِرُوا» هٰؤُلاءِ الْأَصْنافُ «إِلّا لِيَعْبُدُوا اللهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدّينَ» وَ الْإِخْلاصُ الْإِيمانُ بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ قَوْلُهُ: «وَ يُقيمُوا الصَّلاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكاةَ» وَ الصَّلاةُ وَ الزَّكاةُ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ‌السَّلامُ «وَ ذٰلِكَ دينُ الْقَيِّمَةِ» قالَ: هِيَ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ قَوْلُهُ: «إِلَّا الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ» قالَ: الَّذينَ آمَنُوا بِاللهِ وَ رَسُولِهِ وَ بِأُولِي الْأَمْرِ وَ أَطاعُوهُمْ بِما أَمَرُوهُمْ بِهِ فَذٰلِكَ هُوَ الْإِيمانُ وَ الْعَمَلُ الصّالِحُ، وَ قَوْلُهُ: «رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: اللهُ راضٍ عَنِ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، وَ الْمُؤْمِنُ وَ إِنْ كانَ راضِياً عَنِ اللهِ فَإِنَّ فِي قَلْبِهِ ما فيهِ لِما يَرىٰ فِي هٰذِهِ الدُّنْيا مِنَ التَّمْحيصِ، فَإِذا عايَنَ الثَّوابَ يَوْمَ الْقِيامَةِ رَضِيَ عَنِ اللهِ الْحَقِّ حَقَّ الرِّضا، وَ هُوَ قَوْلُهُ: «وَ رَضُوا عَنْهُ»، وَ قَوْلُهُ:«ذٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» أَيْ أَطاعَ رَبَّهُ. و معنى آخر أنّ بولايتهم تقبل الصّلاة و الزّكاة و جميع الأعمال. و قوله: «و دينُ الْقَيِّمَةِ» فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، أي صاحبة دين القيّمة أي الملّة المستقيمة.

٧٦ - سوره (٧٤) المدّثّر آيه ٣٦.

٧٧ - تفسير القميّ: ج٢ ص٣٩٦- أخبرنا الحسين بن محمّد، عن المعلّى بن محمّد، عن الحسن بن عليّ الوشّاء، عن محمّد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه‌السّلام في قوله: «إِنَّها لَإِحْدَى الْكُبَرِ* نَذيراً لِلْبَشَرِ» قال: يَعْني فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ. از او: البرهان فى تفسير القرآن: ج٥ ص٥٢٨ ح١١٢٠٧ و بحار الأنوار: ج٢٤ ص٣٣١ ب٦٧ ح٥٥ و ج٤٣ ص٢٣ ب٣ ح١٦.

٧٨ - الكافي: ج١ ص٤٣٤ ح٩١.

٧٩ - كنز الفوائد: ج١ ص١٤٩ به سند خود از موسى بن جعفر از پدران گرامش از رسول‌الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم كه فرمود: دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ عَلىٰ بابِها مَكْتُوباً بِالذَّهَبِ؛ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، مُحَمَّدٌ حَبيبُ اللهِ، عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ وَلِيُّ اللهِ، فاطِمَةُ آيَةُ اللهِ، الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَفْوَتَا اللهِ، عَلىٰ مُبْغِضيهِمْ لَعْنَةُ اللهِ.

٨٠- سوره (٧) الأعراف آيه٤٧.

٨١ - احاديث بسيارى در كتاب‌هاى: بصائرالدّرجات و الإختصاص و الكافي وغيرآن‌ها درباره اين مطلب است، و ما در اين‌جا به دو حديث شريف اكتفا مى‌كنيم: بصائرالدرجات: ص٤٩٧ ب١٦ ح٧ به سند خود از اصبغ بن نباتة از سلمان فارسى گفت: قسم به خداوند هرآينه از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم شنيدم كه به حضرت على عليه‌السّلام مى فرمود: يا عَلِيُّ! أَنْتَ وَ الْأَوْصِياءُ مِنْ بَعْدي -أو قال:- مِنْ بَعْدِكَ أَعْرافٌ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِكُمْ، وَ أَعْرافٌ لا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلّا مَنْ عَرَفَكُمْ وَ عَرَفْتُمُوهُ، وَ لا يَدْخُلُ النّارَ إِلّا مَنْ أَنْكَرَكُمْ وَ أَنْكَرْتُمُوهُ. و بصائرالدرجات: ص٤٩٧ ب١٦ ح٦ به سند صحيح از أصبغ بن نباتة گويد: امير المؤمنين عليه‌السّلام فرمود: ... وَ نَحْنُ الْأَعْرافُ الَّذينَ لا يُعْرَفُ اللهُ إِلّا بِسَبيلِ مَعْرِفَتِنا، ... .

٨٢ - سوره (٦) الأنعام آيه٩٨.

٨٣ - تفسيرالقميّ: ج١ ص٢١١. از او: مناقب آل أبي‌طالب عليهم‌السّلام: ج٤ ص١٧٨.

٨٤ - معاني الأخبار: ص١١٥ ح٢- حدّثنا أبو الحسن محمّد بن عمرو البصريّ قال: حدّثنا أبو القاسم نصربن الحسين الصفّار النّهاونديّ بها قال: حدّثنا أبو الفرج أحمد بن محمّد بن خوزيّ السّامريّ قال: حدّثنا أبو بكرالقاسم بن إبراهيم القنطريّ قال: حدّثنا إبراهيم بن خالد الحلوانيّ قال: حدّثنا محمّد بن خلف العسقلانيّ قال: حدّثنا محمّد بن السّريّ، عن محمّد بن المنكدر، عن جابربن عبد الله قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: إِقْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذا غَابَتِ الشَّمْسُ فَاقْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فَإِذا غابَ الْقَمَرُ فَاقْتَدُوا بِالزُّهَرَةِ، فَإِذا غابَتِ الزُّهَرَةُ فَاقْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقالوا: يا رسول الله! فما الشّمس و ما القمر و ما الزّهرة و ما الفرقدان؟ فقال: أَنَا الشَّمْسُ، وَ عَلِيٌّ الْقَمَرُ، وَ الزُّهَرَةُ فاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. حدّثنا أحمد بن محمّد بن عبد الرّحمان المقري قال: حدّثنا أبو الحسن عليّ بن الحسن بن بندار قال: حدّثنا أبو الحسن بن حيسون [حيون] قال: حدّثنا القاسم بن إبراهيم قال: حدّثنا إبراهيم بن خالد الواسطيّ قال: حدّثنا محمّد بن خلف قال: حدّثنا عبد الله بن السّريّ، عن محمّد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله، عن رسول الله

صلّى الله عليه وآله: أنّه قال: إِقْتَدُوا بِالشَّمْسِ- و ذكر الحديث مثله سواء. از او: بحار الأنوار: ج٢٤ ص٧٤ ب٣٠ ح٩.

و از كتب عامّه: شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٧٦ ح٩١- أخبرنا أبو عبد الله محمّد بن عبد الله بن أحمد الفسويّ بقراءتي عليه من أصله قال: حدّثنا أبو يعقوب بن يوسف بن مكّيّ الزّنجانيّ بهمذان قال: حدّثنا أبو بكر أحمد بن سليمان ببغداد قال: قرئ على هلال بن العلاء الرّقّيّ و أنا أسمع قال: حدّثني أبي، عن الدّراورديّ، عن مكحول، عن محمّد بن المنكدر، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: إِهْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَإِذا غابَ الشَّمْسُ فَاهْتَدُوا بِالْقَمَرِ، فَإِذا غابَ الْقَمَرُ فَاهْتَدُوا بِالزُّهَرَةِ، فَإِذا غابَتِ الزُّهَرَةُ فَاهْتَدُوا بِالْفَرْقَدَيْنِ. فقيل: يا رسول الله! ما الشَّمْسُ وَ ما القمر و ما الزّهرة و ما الفرقدان؟ قال: الشَّمْسُ أَنَا، وَ الْقَمَرُ عَلِيٌّ، وَ الزُّهَرَةُ فاطِمَةُ، وَ الْفَرْقَدانِ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ. و شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج٢ ص٢٨٨ ح٩٢٢- أخبرنا أبو سعد السّعديّ في فوائده، أخبرنا أبو الحسن عليّ بن محمّد السّريّ الهمدانيّ ببغداد، حدّثنا محمّد بن هبة الله بن المهتدي بالله، حدّثنا أبو منصور نصر بن عبد الرّحمان المصيصيّ، حدّثنا عبد الله بن عبد الرّحمان البصريّ، حدّثنا عمرو بن مرزوق، حدّثنا شعبة، عن الأعمش، عن أبي عبد الرّحمان السّلميّ، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: إِذا فَقَدْتُمُ الشَّمْسَ فَأْتُوا الْقَمَرَ، وَ إِذا فَقَدْتُمُ الْقَمَرَ فَأْتُوا الزُّهَرَةَ، فَإِذا فَقَدْتُمُ الزُّهَرَةَ فَأْتُوا الْفَرْقَدَيْنِ. قيل: يا رسول الله! ما الشّمس؟ قال: أَنَا. قيل: ما القمر؟ قال: عَلِيٌّ. قيل: ما الزّهرة؟ قال: فاطِمَةُ. قيل: ما الفرقدان؟ قال: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ. و فرائد السّمطين: ج٢ ص١٦ ب٣ السّمط٢: ح٣٦٧- أخبرني أحمد بن إبراهيم الفاروقيّ، أنبأنا أبو طالب بن عبد المسيح الهاشميّ، أنبأنا شاذان بن جبرئيل القميّ بقرائتي عليه، أنبأنا محمّد بن عبد العزيز القميّ، أنبأني أبو عبد الله محمّد بن أحمد بن عليّ النّطنزيّ قال: أنبأنا أبو الفتح [الفتوح «خ»] المحسن بن أبي طاهر حامد بن محمّد بن أبي الصّباح الماهآباديّ فيما قرأت عليه من أصل سماعه قال: حدّثنا الحافظ أبو مسعود سليمان بن إبراهيم بن سليمان قال: حدّثنا أبو

الحسن عليّ بن جعفر الإمام، حدّثنا عمر بن عليّ بن إبراهيم بن عيسى بن جرير بن موسى البغداديّ بالبصرة إملاءاً سنة سبع و خمسين و ثلاث مأة قال: أخبرنا القاضي يوسف بن يعقوب بن إسماعيل بن حمّاد بن زيد بن درهم، قال: أخبرنا عمرو بن مزروق، عن شعبة بن الحجّاج، عن الأعمش، عن أبي عبد الرّحمان السّلميّ، عن أنس بن مالك قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: أُطْلُبُوا الشَّمْسَ، فَإِذا غابَتْ فَاطْلُبُوا الْقَمَرَ، فَإِذا غابَ فَاطْلُبُوا الزُّهَرَةُ، فَإِذا غابَتْ فَاطْلُبُوا الْفَرْقَدَيْنِ. قلنا: يا رسول الله: و من الشّمس؟ قال: أَنَا. قلنا: و من القمر؟ قال عَلِيٌّ. قلنا: و من الزّهرة؟ قال: فاطمة. قلنا: فمن الفرقدان؟ قال: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَاالسَّلامُ.

٨٥ - الأمالي، الطّوسيّ: ص٥١٦ المجلس ١٨ ح١١٣١- ٣٨- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضّل قال: حدّثنا الحسن بن عليّ بن زكريّا أبو سعيد البصريّ قال: حدّثنا محمّد بن صدقة العنبريّ قال: حدّثنا موسى بن جعفر، عن أبيه جعفربن محمّد، عن أبيه محمّد بن عليّ عليهم‌السّلام، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: صلّى بنا رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يوماً صلاة الفجر، ثمّ انفتل و أقبل علينا يحدّثنا، فقال: أَيُّهَا النّاسُ! مَنْ فَقَدَ الشَّمْسَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْقَمَرِ، وَ مَنْ فَقَدَ الْقَمَرَ فَلْيَتَمَسَّكْ بِالْفَرْقَدَيْنِ. قال: فقمت أنا و أبو أيّوب الأنصاريّ و معنا أنس بن مالك، فقلنا: يا رسول الله! من الشّمس؟ قال: أَنَا. فإذا هو صلّى‌الله‌عليه‌وآله ضرب لنا مثلاً، فقال: إِنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَنا وَ جَعَلَنا بِمَنْزِلَةِ نُجُومِ السَّماءِ، كُلَّما غابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ، فَأَنَا الشَّمْسُ، فَإِذا ذَهَبَ بِي فَتَمَسَّكُوا بِالْقَمَرِ. قلنا: فمن القمر؟ قال: أَخي وَ وَصِيّي وَ وَزيري وَ قاضي دِيني وَ أَبُو وُلْدي وَ خَليفَتي في أَهْلي عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ. قلنا: فمن الفرقدان؟ قال: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ. ثمّ مكث مليّاً، و قال: فاطِمَةُ هِيَ الزُّهَرَةُ. وَ عِتْرَتي أَهْلُ بَيْتي هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُمْ، لا يَفْتَرِقانِ حَتّىٰ يَرِدا عَلَيَّ الْحَوْضَ. از او: بحارالأنوار: ج٢٤ ص٧٥ ب٣٠ ح١١.

٨٦ - الأمالي، ابن بابويه القمّي: ص٤٨٧ مجلس٧٣ - از ابن عبّاس از رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم ضمن حديثى در باره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... فَأَمَّا ابْنَتي

فاطِمَةُ فَهِيَ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ إِنَّها لَتَقُومُ في مِحْرابِها فَيُسَلِّمُ عَلَيْها سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنادُونَها بِما نادَتْ بِهِ الْمَلائِكَةُ مَرْيَمَ فَيَقُولُونَ: «يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمِينَ» ... . و بشارة المصطفى: ج٢ ص١٧٧ و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٩ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٦٠ مانند الأمالي.

٨٧ - الأمالي، ابن بابويه القميّ: ص١١٤ مجلس٢٤به سند خود از ابن عبّاس از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم ضمن حديثى در باره حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمودند: ... وَ تَسْتَوْحِشُ إِذا جَنَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ صَوْتِيَ الَّذي كانَتْ تَسْتَمِعُ إِلَيْهِ إِذا تَهَجَّدْتُ بِالْقُرْآنِ، ثُمَّ تَرىٰ نَفْسَها ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كانَتْ في أَيّامِ أَبيها عَزِيزَةً فَعِنْدَ ذٰلِكَ يُؤْنِسُهَا اللهُ تَعالىٰ ذِكْرُهُ بِالْمَلائِكَةِ، فَنادَتْها بِما نادَتْ بِهِ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرانَ فَتَقُولُ: يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمِينَ، يا فاطِمَةُ! اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعِينَ. از او: بشارة المصطفى: ج٢ ص١٩٨ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٦٠.

٨٨ - احاديث بسيارى در باب محدَّث بودن حضرات محمّد و آل‌محمّد و حضرت فاطمه صلوات الله عليهم استكه به برخى از آن‌ها اشاره مى‌شود: سوره (٢٢) الحج آيه٥٣: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ إِلّا إِذا تَمَنّىٰ أَلْقَى الشَّيْطانُ في أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللهُ ما يُلْقِي الشَّيْطانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللهُ آياتِهِ وَ اللهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». و تفسير علىّ بن إبراهيم القميّ: ج٢ ص٨٥ و امّا در روايات خاصّه همانا روايت شده است از إمام جعفر صادق عليه‌السّلام كه فرمود: «أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ أَصابَهُ خَصاصَةٌ فَجاءَ إِلىٰ رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصارِ فَقالَ لَهُ: هَلْ عِنْدَكَ مِنْ طَعامٍ؟ فَقالَ: نَعَمْ يا رَسُولَ اللهِ. وَ ذَبَحَ لَهُ عَناقاً وَ شَوّاهُ، فَلَمّا أَدْناهُ مِنْهُ تَمَنّىٰ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ أَنْ يَكُونَ مَعَهُ عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ، فَجاءَ مُنافِقانِ، ثُمَّ جاءَ عَلِيٌّ بَعْدَهُما، فَأَنْزَلَ اللهُ في ذٰلِكَ: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ إِلّا إِذا تَمَنّىٰ أَلْقَى الشَّيْطانُ في أُمْنِيَّتِهِ»، يَعْني فُلاناً وَ فُلاناً». و بصائر الدرجات: ص٣٢٠

ب٥ ح٣ به سند متّصل خود از حكم بن عيينة قال: دخلت على عليّ بن الحسين يوماً فقال لي: «يا حَكَمُ! هَلْ تَدْري مَا الْآيَةُ الَّتي كان عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عليه‌السّلام يَعْرِفُ بِها صاحِبَ قَتْلِهِ (يَعْرِفُ قاتِلَهُ بِها- الكافي) وَ يَعْلَمُ بِهَا الْأُمُورَ الْعِظامَ الَّتي كانَ يُحَدِّثُ بِهَا النّاسَ؟». قال الحكم: فقلت في نفسي: قد وقفت على علمٍ من علم عليّ بن الحسين، أعلم بذلك تلك الأمور العظام. قال: فقلت: لا و الله لا أعلم به أخبرني بها يا ابن رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله. قال: «وَ اللهِ قَوْلُ اللهِ: «وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ». فقلت: و كان عليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام محدّثاً؟ قال: «نَعَمْ وَ كُلُّ إِمامٍ مِنّا أَهْلَ الْبَيْتِ فَهُوَ مُحَدَّثٌ». از او: الكافي: ج١ ص٢٧٠ح٢ مانند او و اضافه نمود: فقال له رجل يقال له عبد الله بن زيد كان أخا عليّ لأمّه: سبحان الله محدّثاً! كأنّه ينكر ذلك فأقبل علينا أبو جعفر عليه‌السّلام فقال: «أَمَا وَ اللهِ إِنَّ ابْنَ أُمِّكَ بَعْدُ قَدْ كانَ يَعْرِفُ ذٰلِكَ». قال: فلمّا قال ذلك سكت الرّجل. فقال: «هِيَ الَّتي هَلَكَ فيها أَبُو الْخَطّابِ فَلَمْ يَدْرِ ما تَأْويلُ الْمُحَدَّثِ وَ النَّبِيِّ». و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص ص٣٣٦ در كتاب الأحياء است كه ابن عبّاس آيه را چنين قرائت مى‌نموده: «وَ مَا أَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ». و دلائل الإمامة: ص٨٠ و ١٥٢به سند خود از امام جعفر صادق عليه‌السّلام روايت كند كه فرمود: سُمِّيَتْ فاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلائِكَةَ كانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّماءِ فَتُناديها كَما كانَتْ تُنادي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرانَ، فَتَقُولُ: «يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمِينَ». «يا فاطِمَةُ! اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعِينَ»، وَ تُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَها. مانند آن: الدّرّ النظيم: ص٤٥٦. و العدد القويّة: ص٢٢٦از كتاب الدّرّ و كتاب مواليد الأئمّة عليهم السّلام: اسْمُها فاطِمَةُ ...وَ مُحَدَّثَةٌ لِأَنَّ الْمَلائِكَةَ كانُوا يُنادُونَها: «يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ وَ اصْطَفاكِ عَلىٰ نِساءِ الْعالَمِينَ» «يا فاطِمَةُ! اقْنُتي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدي وَ ارْكَعي مَعَ الرّاكِعِينَ»، وَ تُحَدِّثُهُمْ وَ يُحَدِّثُونَها ....

٨٩ - الأمالي، إبن بابويه: ص٣٨٤ مجلس٦١ ح١- به سند خود از امام جعفر صادق، از پدران گرامش، از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم فرمود: «يا فاطِمَةُ! إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لَيَغْضَبُ

لِغَضَبِكِ وَ يَرْضىٰ لِرِضاكِ، ... ». مانند آن: دلائل الإمامة: ص١٤٦ح٥٣ به سند خود از امام حسين از پدرش از جدش رسول الله، و الأمالي، الشّيخ الطّوسيّ: ص٤٢٧ مجلس١٥ ح٩٥٤- ١١- به سند خود از امام جعفرصادق، از پدرانش، از رسول الله. و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٩ - از رسول الله. و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: از امام صادق، و از كتاب شرف النّبيّ ابن سعيد واعظ، و از كتاب الفضائل: از أبوصالح مؤذّن، از ابن عبّاس، و از كتاب الإبانة عكبريّ، و از كتاب الديانة محمود إسفرائيني، همه گي از رسول الله. و الإحتجاج: ج٢ ص٣٥٤- از حسين بن زيد، از امام جعفرصادق عليه السّلام، از رسول الله، و كشف الغمّة: ج١ ص٤٥٨ از كتاب الآل، از امام حسين، از پدرش عليهما السّلام، از رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلّم. و عيون أخبار الرّضا عليه السّلام: ج٢ ص٢٦ ب٣١ ح٦- به سند خود از رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود: «تُحْشَرُ ابْنَتي فاطِمَةُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ مَعَها ثِيابٌ مَصْبُوغَةٌ بِالدَّمِ، فَتَعَلَّقُ بِقائِمَةٍ مِنْ قَوائِمِ الْعَرْشِ فَتَقُولُ: يا عَدْلُ! أُحْكُمْ بَيْني وَ بَيْنَ قاتِلِ وَلَدي. قال رسول الله صلّى الله عليه وآله: فَيَحْكُمُ اللهُ تَعالىٰ لِابْنَتي وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ، وَ إِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ بِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ يَرْضىٰ لِرِضاها». عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج٢ ص٤٦ ب٣١ ح١٧٦- به سند خود از رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللهَ تَعالىٰ يَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ يَرْضىٰ لِرِضاها». و معاني الأخبار: ص٣٠٣ ح٢ به سند خود از رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فاطِمَةَ شِجْنَةٌ مِنّي، يُؤْذيني ما آذاها، وَ يَسُرُّني ما يَسُرُّها، وَ إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ يَرْضىٰ لِرِضاها». و كشف الغمّة: ج١ ص٤٦٧ از رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ فاطِمَةَ شَجْنَةٌ مِنّي، يُسْخِطُني ما أَسْخَطَها، وَ يُرْضيني ما أَرْضاها». الأمالي، الشّيخ المفيد: ص٩٥ مجلس١٦ ح٤ - به سند خود از امام محمّد باقر از رسول الله صلّى الله عليه وآله فرمود: «إِنَّ اللهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ يَرْضىٰ لِرِضاها». مانند آن: إعلام الورى: ص١٤٩ فصل٢ از رسول الله صلّى الله عليه وآله، و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٢٥- از حسين بن زيد بن عليّ، از امام جعفر صادق، و از جابر، از امام محمّد باقر، از رسول الله

صلّى‌الله‌عليه‌وآله، و كشف الغمّة: ج١ ص٤٦٧- روايت شده است از امام جعفر صادق، از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله. بشارة المصطفى: ج٢ ص٢٠٨- به سند خود از امام رضا، از پدرانش، از رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «إِنَّ اللهَ لَيَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَةَ، وَ يَرْضىٰ بِرِضاها». إعتقادات‌الإماميّة: ص١٠٥ - و أمّا فاطمة صلوات الله عليها فاعتقادنا فيها أنّها سيّدة نساء العالمين من الأوّلين و الآخرين، و أنّ الله يغضب لغضبها، و يرضى لرضاها، و أنّها خرجت من الدّنيا ساخطة على ظالميها و غاصبيها و مانعي إرثها.

٩٠ - برخى از منابع عامّه: مناقب‌آل‌أبي‌طالب عليهم‌السّلام، ابن‌شهرآشوب: ج٣ ص٣٧٣ نقل از كتاب‌هاى:- شرف‌النّبيّ، ابو سعيد خركوشى- فضائل العشرة، ابو صالح المؤذّن- الإبانة، ابو عبد الله العكبريّ- كتاب الدّيانة، محمود الإسفرائينيّ.

السقيفة و فدك، الجوهريّ: ص١٠٦ و مستدرك الصحيحين: ج٣ ص١٦٧ ح ٤٧٣٠- المعجم الكبير: ج٢ ص٤٠١ ح١٠٠١- التّدوين: ج٣ ص٤٢/ از چاپ جديد اين كتاب در بيروت حذف شده است- أسد الغابة: ج٥ ص٥٢٢- ذخائر العقبى: ص٣٩- كفاية الطالب: ص٢١٩- ميزان الإعتدال: ج٢ ص٧٢- أخبار الدّول: ص٨٧- الخصائص الكبرى: ج١٦ ص٢٦٥- الإصابة: ج٤ ص٣٦٦- نظم درر السّمطين: ص١٧٧- كنز العمّال: ج٦ ص٢١٩ و ج٧ ص١١١ و ج١٣ ص٩٦ و ص٢٨٠- تهذيب التّهذيب: ج١٢ ص٤٤١- كنوز الحقائق: ص٣٢- ينابيع المودّة:ص١٧٣ و ١٧٩ و ١٩٨- رشفة الصّادي: ص٦١- مناقب عليّ‌بن‌أبي‌طاب عليه‌السّلام، ابن المغازليّ: ص٣٥١ ح٤٠١ و ص٣٥٢ ح٤٠٢- المدهش: ص١٢٩ مسند فاطمة الزّهراء‌عليها‌السّلام: ص٧٤ ح١٨٦- الذّريّة الطّاهرة: ج٢ ص٧٦٢ عيون الأخبار في مناقب الأخيار: ص٤٦- تهذيب الكمال: ج٢٢ ص١٤٤- ترجمة الإمام الحسن عليه‌السّلام تاريخ دمشق: ص٣٧ و ....

٩١ - عيون أخبار الرّضا عليه‌السّلام: ج١ ص٢٢٩ – ٢٣٦ ب٢٣ ح١- حدّثنا عليّ بن الحسين بن شاذويه المؤدّب و جعفر بن محمّد بن مسرور رضي الله عنهما قالا: حدّثنا محمّد بن عبد الله بن

جعفر الحميريّ، عن أبيه، عن الرّيّان بن الصّلت قال: حضر الرّضا عليه‌السّلام مجلس المأمون بمرو، و قد اجتمع في مجلسه جماعة من علماء أهل العراق و خراسان، فقال المأمون: أخبروني عن معنى هذه الآية: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتابَ الَّذينَ اصْطَفَيْنا مِنْ عِبادِنا. فقالت العلماء: أراد الله عزّوجلّ بذلك الأمّة كلّها. فقال المأمون: ما تقول يا أبا الحسن؟ فقال الرّضا عليه‌السّلام: لا أَقُولُ كَما قَالُوا وَ لٰكِنّي أَقُولُ: أَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِذٰلِكَ الْعِتْرَةَ الطّاهِرَةَ ... فقالت العلماء: فأخبرنا هل فسّر الله عزّوجلّ الإصطفاء في الكتاب؟ فقال الرّضا عليه‌السّلام: فَسَّرَ الْإِصْطِفاءَ فِي الظّاهِرِ سِوَى الْباطِنِ فِي إِثْنَيْ عَشَرَ مَوْطِناً وَ مَوْضِعاً: ... وَ أَمَّا الْآيَةُ السّابِعَةُ فَقَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ اللهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليماً. قالُوا: يا رَسُولَ اللهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْليمَ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلاةُ عَلَيْكَ؟ فَقالَ: تَقُولُونَ: اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَ عَلىٰ آلِ إِبْراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ، فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعاشِرَ النّاسِ فِي هٰذا خِلافٌ؟ فقالوا: لا، فقال المأمون: هذا ممّا لا خلاف فيه أصلاً و عليه إجماع الأمّة فهل عندك في الآل شيء أوضح من هذا في القرآن؟ فقال أبو الحسن: نَعَمْ، أَخْبِرُوني عَنْ قَوْلِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: يٰس وَ الْقُرْآنِ الْحَكيمِ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلينَ عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، فَمَنْ عَنىٰ بِقَوْلِهِ: يٰس؟ قالت العلماء: يٰس مُحَمَّدٌ صلّى‌الله‌عليه‌وآله لم يشكّ فيه أحدٌ. قال أبو الحسن: فَإِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ أَعْطىٰ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذٰلِكَ فَضْلاً لا يَبْلُغُ أَحَدٌ كُنْهَ وَصْفِهِ إِلّا مَنْ عَقَلَهُ، وَ ذٰلِكَ أَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يُسَلِّمْ عَلىٰ أَحَدٍ إِلّا عَلَى الْأَنْبِياءِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِمْ فَقالَ تَبارَكَ وَ تَعالى: سَلامٌ عَلىٰ نُوحٍ فِي الْعالَمينَ، وَ قالَ: سَلامٌ عَلىٰ إِبْراهيمَ وَ قالَ: سَلامٌ عَلىٰ مُوسىٰ وَ هارُونَ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ نُوحٍ وَ لَمْ يَقُلْ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ إِبْراهيمَ وَ لا قالَ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ مُوسىٰ وَ هارُونَ وَ قالَ عَزَّوَجَلَّ: سَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰس يَعْني آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ. فقال المأمون: لقد علمت أنّ في معدن النّبوّة شرح هذا و بيانه فهذه السّابعة، .... و سعد السعود للنفوس منضود: ص٢٧٣ [فيما نذكره من مناقب النّبيّ و الأئمّة للأسترآباديّ] و منه آيات، و اختار من الوجهة الأولة من ثاني قائمة من الكرّاس الرّابع بلفظه: و قد روى محمّد بن عبد الله بن جعفر الحميريّ، عن أبيه، عن الرّيّان بن الصّلت قال:

حضرالرّضا عليّ بن موسى عند المأمون بمرو،... و تحف العقول: ص ٤٢٥- ٤٣٣.

٩٢ - كتاب سليم بن قيس الهلالي: ج٢ ص٨٢٣ ح٣٧... فقلت لمحمّد: من تراه حدّث أمير المؤمنين عليه‌السّلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله، إنّه يراه في منامه كلّ ليلة و حديثه إيّاه في المنام مثل حديثه إيّاه في [الحياة] و اليقظة فإنّ رسول‌الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال: «مَنْ رَآني فِي الْمَنامِ فَقَدْ رَآني، فَإِنَّ الشَّيْطانَ لا يَتَمَثَّلُ بي في نَوْمٍ وَ لا يَقَظَةٍ، وَ لا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيائي إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ». قال سليم: فقلت لمحمّد بن أبي بكر: من حدّثك بهذا؟ قال عليّ عليه‌السّلام. فقلت: و أنا سمعته أيضا منه‌كما سمعت أنت. فقلت لمحمّد: فلعلّ ملكاً من الملائكة حدّثه؟ قال: أو ذاك. قلت: و هل تحدّث الملائكة إلّا الأنبياء؟ قال: أ ما تقرأ القرآن: «وَ مَا أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِن رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ»؟ قال: قلت له: أمير المؤمنين عليه‌السّلام محدّث هو؟ قال: نعم، و كانت فاطمة عليهاالسّلام محدّثة و لم تكن نبيّة و مريم كانت محدّثة و لم تكن نبيّة و أمّ موسىٰ ما كانت نبيّة و كانت محدّثة و كانت سارة امرأة إبراهيم قد عاينت الملائكة فبشّروها «بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقوبَ» و لم تكن نبيّة. قال سليم: فلمّا قتل محمّد بن أبي بكربمصرو نعي عزّيت به أمير المؤمنين عليه‌السّلام و خلوت به فحدّثته بما حدّثني به محمّد بن أبي بكرو خبّرته بما خبّرني به عبد الرحمان بن غنم قال: صَدَقَ مُحَمَّدٌ رَحِمَهُ اللهُ، أَما إِنَّهُ شَهيدٌ حَيٌّ يُرْزَقُ، ... . و بصائر الدرجات: ص٣٧٢ جزء٨ ب١ ح١٦ به سند متّصل خود از سليم گويد: شنيدم حضرت علىّ عليه‌السّلام مى‌فرمود: إِنّي وَ أَوْصِيائي مِنْ وُلْدي (أَئِمَّةٌ مُهْتَدونَ - الإختصاص) مَهْدِيُّونَ كُلُّنا مُحَدَّثُونَ». فقلت: يا أمير المؤمنين! من هم؟ قال: الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، ثُمَّ ابْني عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلامُ. قال: و عليٌّ يومئذ رضيعٌ- ثُمَّ ثَمانِيَةٌ مِنْ بَعْدِهِ واحِداً بَعْدَ واحِدٍ، وَ هُمُ الَّذينَ أَقْسَمَ اللهُ بِهِمْ فَقالَ: «وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ»، أَمَّا الْوالِدُ فَرَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، «وَ ما وَلَدَ» يَعْني هٰؤُلاءِ الْأَوْصِياءَ. قلت: يا أمير المؤمنين! تجمع [أ يجتمع] إمامان؟ قال: «لا إِلّا وَ أَحَدُهُما مُصْمَتٌ لا يَنْطِقُ حَتّىٰ يَمْضِيَ الْأَوَّلُ». قال سليم الشاميّ: سألت محمّد بن أبي بكر قلت: كان عليّ عليه‌السّلام محدَّثاً؟ قال: نعم.

قلت: و هل يحدِّث الملائكة إلّا الأنبياء؟ (و يحدّث الملائكة الأئمّة- الإختصاص) قال: أ ما تقرأ: «وَ مَا أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ»؟ قلت: فأمير المؤمنين عليه‌السّلام محدَّثٌ؟ قال: نعم، و فاطمة كانت محدَّثَةٌ و لم تكن نبيّة. الإختصاص: ص٣٢٩ از إسماعيل بن يسار مانند البصائر با اختلافى اندک. و علل‌الشّرائع: ج١ ص١٨٣ ب١٤٦ ح٢ - از پدرش، از عبد الله بن الحسن مؤدّب، از احمد بن على إصفهانى، از إبراهيم بن محمّد ثقفى، از إسماعيل بن بشّار، از عليّ بن جعفر حضرمى، از سليمان، از محمّد بن أبى بكر: لمّا قرأ: «وَ مَا أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَ لا نَبِيٍّ وَ لا مُحَدَّثٍ»، و هل يحدّث الملائكة إلّا الأنبياء؟ قال: مريم لم تكن نبيّة و كانت محدَّثة، و أمّ موسى بن عمران كانت محدّثة و لم تكن نبيّة، و سارة امرأة إبراهيم قد عاينت الملائكة فبشّروها «بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ» و لم تكن نبيّة، و فاطمة بنت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله كانت محدّثة و لم تكن نبيّة. و كشف الغمّة: ج١ ص٤٦٨ و روي أنّ محمّد بن أبي بكر رضي الله عنه ... . مانند العلل. و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص ص٣٣٦ از سليم مانند علل‌الشّرائع. و گويد: و قد ذكر سعد القميّ في بصائر الدرجات و محمّد بن يعقوب الكلينيّ في الكافي باباً في ذلك.

سوره (١١) هود عليه‌السّلام آيه٧٢: «وَ امْرَأَتُهُ قائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْناها بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ».

و إرشاد القلوب: ج٢ ص٣٩٣...قال (سليم) قلت لمحمّد: من تراه حدّث أمير المؤمنين عليه‌السّلام عن هؤلاء الخمسة بما قالوا؟ فقال: رسول الله، إنّه يراه كلّ ليلة في المنام و حدّثه إيّاه في المنام مثل ما حدّثه إيّاه في اليقظة و الحياة. و قد قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: «مَنْ رَآنِي فِي الْمَنامِ فَقَدْ رَآنِي فَإِنَّ الشَّيْطانَ لا يَتَمَثَّلُ بِي فِي النَّوْمِ وَ لا فِي الْيَقَظَةِ وَ لا بِأَحَدٍ مِنْ أَوْصِيائِي إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ». قال سليم: فقلت: لمحمّد: من حدّثك بهذا؟ قال: أمير المؤمنين علّي بن أبي طالب. فقلت: و أنا أيضا سمعته منه كما سمعته أنت، فلعلّ ملكا من الملائكة حدّثه. قال: و هل تحدّث الملائكة إلّا الأنبياء؟ أ و ما تقرأ كتاب الله العزيز: « وَ ما أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ

وَ لا نَبِيّ وَ لا مُحَدَّثٍ»؟ قلت: فأمير المؤمنين عليه‌السّلام محدّث؟ قال: نعم و فاطمة عليهاالسّلام محدّثة و لم تكن نبيّة، و مريم عليهاالسّلام محدّثة و لم تكن نبيّة، و أمّ موسى عليهاالسّلام محدّثة و لم تكن نبيّة، و سارة امرأة إبراهيم عليهماالسّلام محدّثة قد عاينت الملائكة و لم تكن نبيّة و بشّروها «بِإِسْحاقَ وَ مِنْ وَراءِ إِسْحاقَ يَعْقُوبَ»... قال سليم: فلمّا قتل محمّد بن أبي بكر بمصر و نعي عزّيت به أمير المؤمنين عليه‌السّلام و خلوت به و حدّثته بما حدّثني به محمّد بن أبي بكر و بما حدّثني به ابن غنم قال: «صَدَقَ مُحَمَّدٌ (رَحِمَهُ اللهُ) أَما إِنَّهُ شَهِيدٌ حَيٌّ مَرْزُوقٌ. يا سُلَيْمُ! إِنّي وَ أَوْصِيائي أَحَدَ عَشَرَ رَجُلاً مِنْ وُلْدي أَئِمَّةُ الْهُدىٰ مَهْدِيُّونَ مُحَدَّثُونَ». قلت: و من هم يا أمير المؤمنين؟ قال: «ابْني [ابْنايَ] الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ ابْني هٰذا -و أخذ بيد عليّ بن الحسين و هو رضيعٌ ثمّ قال-: ثَمانِيَةٌ مِنْ وُلْدِهِ واحِدٌ بَعْدَ واحِدٍ، وَ هُمُ الَّذينَ أَقْسَمَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ بِهِمْ فَقالَ:«وَ والِدٍ وَ ما وَلَدَ» فَالْوالِدُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ، وَ أَنَا وَ ما وَلَدَ، يَعْني هٰؤُلاءِ الْأَحَدَ عَشَرَ أَوْصِيائي (عَلَيْهِمُ السَّلامُ)، وَ اللَّعْنَةُ عَلىٰ أَعْدائِهِمْ أبداً [أَبَدَ الْآبِدينَ]». قلت: يا أمير المؤمنين! يجتمع إمامان؟ قال: «لا، أَحَدُهُما لا يَنْطِقُ حَتّىٰ يَهْلِكَ الْأَوَّلُ».

٩٣ - سوره (٣) آل عمران (سورة آل محمّد صلّى الله عليهم) آيه٨٢.

٩٤ - بصائر الدرجات: ص٧٣ ب٨ ح٧به سند متّصل خود از حذيفة بن أسيد الغفارى گفت: رسول الله صلّى‌الله‌عليه وآله‌وسلّم فرمود: ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظِلَّةِ حَتّىٰ عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلايَتي وَ وَلايَةُ أَهْلِ بَيْتي وَ مَثُلُوا لَهُ فَأَقَرُّوا بِطاعَتِهِمْ وَ وَلايَتِهِمْ. و غرر الأخبار: ٣٠٥ فصل٢٤- از حذيفة بن أسيد غفارى مانند البصائر و در آن است: فَأَقَرَّ بِها و بِطاعَتِهِمْ وَ وَلايَتِهِمْ. و غررالأخبار: ٢٠٦ فصل٧-رسول‌الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظِلَّةِ حَتّىٰ عُرِضَتْ عَلَيْهِ نَبُوَّتي وَ وَلايَةِ أَهْلِ بَيْتي فَيَقِرَّ بِها وَ بِإِمامَةِ ابْنِ عَمّي عَلَيْهِ‌السَّلامُ». و مجمع النورين: ص٢٠ و فاطمة الزهراء عليهاالسّلام بهجة قلب المصطفى صلّى‌الله‌عليه‌وآله: ص٨٦. از مدينة المعاجز از حضرت امام جعفر صادق عليه‌السّلام فرمود: «ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ،

حَتّىٰ أَقَرَّ بِفَضْلِها وَ مَحَبَّتِها».

٩٥ - بصائر الدرجات: ص٧٣ ب٨ ح٧ - حدّثنا أحمد بن محمّد، عن عليّ بن الحكم، عن سيف بن عميرة، عن أبي بكر الحضرميّ، عن حذيفة بن أسيد الغفاريّ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظِلَّةِ حَتّىٰ عُرِضَتْ عَلَيْهِ وَلايَتي وَ وَلايَةُ أَهْلِ بَيْتي وَ مَثُلُوا لَهُ فَأَقَرُّوا بِطاعَتِهِمْ وَ وَلايَتِهِمْ. و غرر الأخبار: ٣٠٥ الفصل٢٤ از حذيفة بن أسيد غفارى مانند البصائر و در آن است: فَأَقَرَّ بِها و بِطاعَتِهِمْ وَ وَلايَتِهِمْ. و غررالأخبار: ٢٠٦ الفصل٧-رسول‌الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ فِي الْأَظِلَّةِ حَتّىٰ عُرِضَتْ عَلَيْهِ نَبُوَّتي وَ وَلايَةِ أَهْلِ بَيْتي فَيَقِرَّ بِها وَ بِإِمامَةِ ابْنِ عَمّي عَلَيْهِ‌السَّلامُ».

٩٦ - ملحقات إحقاق الحق: ج٩ ص١٩٢ از كتاب المناقب المرتضويّة: ص ٩٧ چاپ بمبئ از كتاب خلاصة المناقب رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «إِنَّ اللهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حُبَّ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ ذُرِّيَّتَها عَلَى الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بادَرَمِنْهُمْ بِالْإِجابَةِ جَعَلَ مِنْهُمُ الرُّسُلَ، وَ مَنْ أَجابَ بَعْدَ ذٰلِكَ جَعَلَ مِنْهُمُ الشّيعَةَ، وَ إِنَّ اللهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ».

٩٧ - مجمع النورين: ص٢٠ و فاطمة الزّهراء عليهاالسّلام بهجة قلب المصطفى صلّى‌الله‌عليه‌وآله: ص٨٦. از مدينة المعاجز از حضرت امام جعفرصادق عليه‌السّلام فرمود: «ما تَكامَلَتِ النُّبُوَّةُ لِنَبِيٍّ، حَتّىٰ أَقَرَّبِفَضْلِها وَ مَحَبَّتِها».

٩٨ - الأمالي، الشيخ الطوسيّ: ص٦٦٨ مجلس٣٦ ح١٣٩٩- ٦- به سند متّصل از اسحاق بن عمّار و ابوبصير از امام جعفرصادق عليه‌السّلام فرمود: إِنَّ اللهَ تَعالىٰ أَمْهَرَفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ رُبُعَ الدُّنْيا، فَرُبُعُها لَها، وَ أَمْهَرَهَا الْجَنَّةَ وَ النّارَ، تُدْخِلُ أَعْداءَهَا النّارَ، وَ تُدْخِلُ أَوْلِياءَهَا الْجَنَّةَ، وَ هِيَ الصِّدّيقَةُ الْكُبْرىٰ، وَ عَلىٰ مَعْرِفَتِها دارَتِ الْقُرُونُ الْأُوَلُ (الْأُولىٰ-البحار). از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص١٠٥ ب٥ ح١٩.

٩٩ - منابع حديث شريف:

١- كشف اللّآلي (مخطوط): ص٥.

از او: جنة العاصمة، سيّد حسن ميرجهاني: ص۲۸۳ نگارنده مؤلّف قاصرحسن ميرجهانی طباطبائی جرقوئی اصفهانی عفی الله عن جرائمه گويد: زمانی که در نجف اشرف مشرّف بودم، بر حسب اتّفاق برای اخذ کتابی از فضيلة العلّامه خلد مقام شيخ محمّد سماوی مؤلّف کتاب إبصار العين فی أنصار الحسين عليه السّلام شرف خدمت ايشان را حاصل کردم، در مکتبه ايشان به کتابی مخطوط که در مقابل داشتند نگاه می‌کردم، از نام آن کتاب پرسيدم، فرمودند: کتاب کشف اللّآلي تأليف عالم جليل شيخ صالح بن عبد الوهّاب بن العرندس حلّی است، که يکی از علماء بزرگ شيعه بوده از علماء قرن نهم، و کتاب را به من دادند، کتابی بود به قطع وزيری، کاغذ زرد، قريب سيصد صفحه بخطّ شيخ احمد تونی نوشته شده بود. در ضمن اين‌که مشغول ديدن عناوين آن بودم، برخورد کردم به حديثی که مکرّر از زبان معدودی از بزرگان اهل فضل شنيده بودم به طور مرسل و هرچند تفحّص کرده و از بعضی از محدّثين از سند آن پرسش می‌کردم اظهار بی‌اطّلاعی می‌کردند، و بعضی هم از احاديث موضوعه می‌دانستند، ديدم در آن حديث را مسنداً نقل نموده، از مرحوم سماوی استجازه استنساخ آن‌را نمودم، ايشان هم مضايقه نفرمودند، من با نهايت خوشحالی در همان مجلس حديث را نوشتم چون در فضيلت بی‌بی معظّمه فاطمه زهراء سلام الله عليها بود مقتضی ديدم که در اين کتاب درج نمايم، و العهدة علی راويه. في كتاب كشف اللّآلي لصالح بن عبد الوهّاب بن العرندس أنّه روى عن الشيخ إبراهيم بن الحسن الدّرّاق، عن الشيخ عليّ بن هلال الجزائريّ، عن الشّيخ أحمد بن فهد الحلّيّ، عن الشّيخ زين الدين عليّ بن الحسن الخازن الحائريّ، عن الشّيخ أبي عبد الله محمّد بن مكّي الشّهيد، بطرقه المتّصلة إلى أبي جعفر محمّد بن عليّ بن موسى بن بابويه القمّي، بطريقه إلى جابر بن يزيد الجعفي، عن جابر بن عبد الله الأنصاري، عن رسول الله صلّى الله عليه و آله، عن الله تبارك و تعالى أنّه قال: «يا أَحْمَدُ! لَوْلاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْلا عَلِيٌّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْلا فاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُما». ثمّ قال جابر: هذا من الأسرار الّتي أمرنا رسول الله صلّى الله عليه و آله بكتمانه إلّا عن أهله. يعنی: به سند مذکور از

جابربن عبد الله انصاری از رسول خدا صلّی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: خدای تبارك و تعالی فرمود: ای احمد! اگرتو نبودی افلاك را نمی‌آفریدم، و اگرعلیّ نبود تورا نمی‌آفریدم، و اگر فاطمه نبود هیچ‌یك از شما را نمی‌آفریدم. مؤلّف کتاب کشف اللآلی یکی از علماء قرن نهم هجری بوده، و او یکی از مؤلّفین از علماء شیعه در فقه و اصول و حدیث بوده، کان عالماً ناسکاً زاهداً ورعاً ادیباً شاعراً، و در حدود هشتصد و چهل هجری تقریبا وفات یافته، و قبراو در حلّه هیفاء مزاری است که به آن تبرّك می‌جویند. و سلسله راویان حدیث همه عدل امامی و از بزرگان مشیخه به شمار می‌روند، و سند حدیث در نهایت اتقان است.

۲- بحرالمعارف.

از او: مجمع النّورین: ص۱۳ و ۱۴و في الحديث القدسيّ: «يا أَحْمَدُ! لَوْلاكَ لَما خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْ لا عَلِيٌّ لَما خَلَقْتُكُما»، كما ذكره الوحيد البهبهانيّ، و روي في بحرالمعارف: « لَوْلاكَ لَما خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ، وَ لَوْ لا عَلِيٌّ لَما خَلَقْتُكَ»، و في ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدّ الأمّيّ للشيخ محمّد حسن صاحب الجواهربزيادة فقرة: «وَ لَوْ لا فاطِمَةُ لَما خَلَقْتُكُما».

و زندگانی حضرت فاطمة الزّهراء علیها السّلام، حسین عمادزاده: ص۲۴۲ در بحرالمعارف در دنباله عبارت : «لَوْلاكَ لَما خَلَقْتُ الْأَفْلاكَ» می‌نویسد: «وَ لَوْ لا فاطِمَةُ لَما خَلَقْتُكُما» اگرفاطمه نبود شما را (یعنی محمّد و علیّ) خلق نمی‌کردم.

القطرة من بحار مناقب النّبيّ صلّى الله عليه و آله و العترة، المستنبط: ج ۱ ص۲۷۳. و مستدرك عوالم العلوم (فاطمة الزهراء عليها السّلام): ج۱۱-قسم-۱-ص۴۴ ب۴ از مستدرك سفينة البحار: ج۳ ص۳۳۴ از مجمع النّورين. و الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء، الأنصاري: ج۱ ص۲۳۳ ح۱۶ از برخی از منابع.

۳- ضياء العالمين، أبوالحسن بن محمّد طاهرالعامليّ الفتونيّ ت۱۱۳۸:

از او: مجمع النّورين: ص۱۴ ... و في ضياء العالمين للشيخ أبي الحسن الجدّ الأمّيّ للشيخ محمّد حسن صاحب الجواهربزيادة فقرة: «وَ لَوْ لا فاطِمَةُ لَما خَلَقْتُكُما».

١٠٠ - بحار الأنوار: ج٩٧ ص٢٠٠ ب٥ ح٢٠ از الإقبال بالأعمال الحسنة: ج٣ ص١٦٦ فصل٦ ذكر زيارتها عليها السّلام.

١٠١ - طرف من الأنباء و المناقب، للسيد عليّ بن طاوس: ص١٤٣ الطرفة١٠ نقلاً من كتاب الوصيّة للشّيخ عيسى بن المستفاد الضّرير: عن موسى بن جعفر، عن أبيه عليهماالسّلام قال: لَمّا حَضَرَتْ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَفاةُ دَعَا الْأَنْصارَ، وَ قالَ: يا مَعْشَرَ الْأَنْصارِ! قَدْ حانَ الْفِراقُ، وَ قَدْ دُعيتُ وَ أَنَا مُجيبُ الدّاعي، وَ قَدْ جاوَرْتُمْ فَأَحْسَنْتُمُ الْجِوارَ، وَ نَصَرْتُمْ فَأَحْسَنْتُمُ النُّصْرَةَ، وَ واسَيْتُمْ فِي الْأَمْوالِ، وَ وَسَّعْتُمْ فِي السُّكْنىٰ، وَ بَذَلْتُمْ لِلّهِ مُهَجَ النُّفُوسِ، وَ اللهُ مُجْزيكُمْ بِما فَعَلْتُمُ الْجَزاءَ الْأَوْفىٰ. وَ قَدْ بَقِيَتْ واحِدَةٌ، وَ هِيَ تَمامُ الْأَمْرِ وَ خاتِمَةُ الْعَمَلِ، الْعَمَلُ مَعَها مَقْرُونٌ بِهِ جَميعاً، إِنّي أَرىٰ أَنْ لا يُفَرَّقَ بَيْنَهُما جَميعاً، لَوْ قيسَ بَيْنَهُما بِشَعْرَةٍ مَا انْقاسَتْ، مَنْ أَتىٰ بِواحِدَةٍ وَ تَرَكَ الْأُخْرىٰ كانَ جاحِداً لِلْأُولىٰ، وَ لا يَقْبَلُ اللهُ مِنْهُ صَرْفاً وَ لا عَدْلاً. قالُوا: يا رَسُولَ اللهِ! فَأَبِنْ لَنا نَعْرِفْها، وَ لا نُمْسِكْ عَنْها فَنَضِلَّ وَ نَرْتَدَّ عَنِ الْإِسْلامِ، وَ النِّعْمَةُ مِنَ اللهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ عَلَيْنا، فَقَدْ أَنْقَذَنَا اللهُ بِكَ مِنَ الْهَلَكَةِ يا رَسُولَ اللهِ، وَ قَدْ بَلَّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ أَدَّيْتَ، وَ كُنْتَ بِنا رَءُوفاً رَحيماً، شَفيقاً مُشْفِقاً، فَما هِيَ يا رَسولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قالَ لَهُمْ: كِتابُ اللهِ وَ أَهْلُ بَيْتي، فَإِنَّ الْكِتابَ هُوَ الْقُرْآنُ، وَ فيهِ الْحُجَّةُ وَ النُّورُ وَ الْبُرْهانُ، وَ كَلامُ اللهِ جَديدٌ غَضٌّ طَرِيٌّ، شاهِدٌ وَ مُحَكَّمٌ عادِلٌ، دولَةُ قائِدٍ بِحَلالِهِ وَ حَرامِهِ وَ أَحْكامِهِ، بَصيرٌ بِهِ، قاضٍ بِهِ، مَضْمومٌ فيهِ، يَقُومُ غَداً فَيُحاجُّ بِهِ أَقْواماً، فَتَزِلُّ أَقْدامُهُمْ عَنِ الصِّراطِ، فَاحْفَظُوني مَعاشِرَ الْأَنْصارِ فِي أَهْلِ بَيْتي، فَإِنَّ اللَّطيفَ الْخَبيرَ أَخْبَرَني أَنَّهُما لَنْ يَفْتَرِقا حَتّىٰ يَرِدا عَلَيَّ الْحَوْضَ. أَلا وَ إِنَّ الْإِسْلامَ سَقْفٌ تَحْتَهُ دَعامَةٌ، وَ لا يَقُومُ السَّقْفُ إِلّا بِها، فَلَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ أَتىٰ بِذٰلِكَ السَّقْفِ مُمْدُوداً لا دِعامَةَ تَحْتَهُ، فَأَوْشَكَ أَنْ يَخِرَّ عَلَيْهِ سَقْفُهُ فَهَوىٰ فِي النّارِ. أَيُّهَا النّاسُ! الدَّعامَةُ دَعامَةُ الْإِسْلامِ، وَ ذٰلِكَ قَوْلُهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ: إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصّالِحُ يَرْفَعُهُ، فَالْعَمَلُ الصّالِحُ طاعَةُ الْإِمامِ - وَلِيِّ الْأَمْرِ- وَ التَّمَسُّكُ بِحَبْلِ اللهِ. أَيُّهَا النّاسُ! أَلا فَهِمْتُمْ؟ اللهَ اللهَ فِي أَهْلِ بَيْتي، مَصابيحِ الْهُدىٰ، وَ مَعادِنِ الْعِلْمِ، وَ يَنابيعِ الْحِكَمِ، وَ مُسْتَقَرِّ الْمَلائِكَةِ، مِنْهُمْ وَصِيّي وَ أَميني وَ وارِثي، وَ هُوَ

مِنّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسىٰ، عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، أَلا هَلْ بَلَّغْتُ؟! وَ اللهِ يا مَعاشِرَ الْأَنْصارِ! لَتُقِرَّنَّ لِلّهِ وَ لِرَسولِهِ بِما عَهِدَ إِلَيْكُمْ، أَوْ لَيُضربنّ بعدي بالذلّ. يا مَعاشِرَ الْأَنْصارِ! أَلا إِسْمَعُوا وَ مَنْ حَضَرَ أَلا إِنَّ بابَ فاطِمَةَ بابي، وَ بَيْتُها بَيْتي، فَمَنْ هَتَكَهُ فَقَدْ هَتَكَ حِجابَ اللهِ. قال عيسى بن المستفاد: فبكى أبو الحسن عليه السّلام طويلاً، و قطع عنه بقيّة الحديث، و أكثر البكاء، و قال: هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، هُتِكَ وَ اللهِ حِجابُ اللهِ، وَ حِجابُ اللهِ حِجابُ فاطِمَةَ، يا أُمَّهْ يا أُمَّهْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها. از او: بحار الأنوار: ج٢٢ ص٤٧٦ با اختلافي.

١٠٢ - سوره (٢٤) النّور آيه٣٧.

١٠٣ - تفسير عليّ بن إبراهيم القمّي: ج٢ ص١٠٣- به سند خود از امام محمّد باقر عليه‌السّلام كه فرمود: هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِياءِ وَ بَيْتُ عَلِيٍّ مِنْها. و تفسير فرات الكوفيّ: ص٢٨٢ ح٣٨٢ - به سند خود از امام محمّد باقر عليه‌السّلام كه فرمود: «... هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِياءِ، وَ بَيْتُ عَلِيِّ بْنِ أَبي طالِبٍ مِنْها». و تفسير فرات الكوفي: ص٢٨٦ ح٣٨٦- به سند خود از زيد عليه‌السّلام گفت: رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فرمود: «هِيَ بُيُوتُ الْأَنْبِياءِ». فقال أبوبكر: هذا منها - يعني بيت عليّ‌بن‌أبي‌طالب-؟ فقال له النّبيّ: «هٰذا مِنْ أَفْضَلِها». و الكافي: ج٨ ص١١٣ ح٩٢- به سند خود از امام محمّد باقر عليه‌السّلام كه فرمود: «... وَ هِيَ بُيُوتاتُ الْأَنْبِياءِ وَ الرُّسُلِ وَ الْحُكَماءِ وَ أَئِمَّةِ الْهُدىٰ، فَهٰذا بَيانُ عُرْوَةِ الْإِيمانِ الَّتي نَجا بِها مَنْ نَجا قَبْلَكُمْ، وَ بِها يَنْجُو مَنْ يَتَّبِعُ الْأَئِمَّةَ». و كامل الزيارات: ص٥٣ ح٢ - به سند خود از امام محمّد باقر يا امام جعفر صادق عليهما‌السّلام كه فرمودند: «... طِبْتُمْ وَ طابَتْ مَنْبِتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنا دَيّانُ الدّينِ، فَجَعَلَكُمْ في بُيُوتٍ أَذِنَ اللهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فيهَا اسْمُهُ، وَ جَعَلَ صَلَواتِنا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنا، وَ كَفّارَةً لِذُنُوبِنا، ... ». مانند آن: من‌لايحضره‌الفقيه: ج٢ ص٦١٣ و عيون‌أخبارالرضا عليه‌السّلام: ج٢ ص٢٧٥ و كمال‌الدّين: ج١ ص٢١٨.

شواهد التنزيل: ج١ ص٥٣٣ ح٥٦٧ - به سند خود از أنس بن مالک و بريدة كه گفتند: رسول الله اين آيه را قرائت فرمود كسى برخواست و گفت: (مراد آيه از خانه) كدام خانه است اى

رسول الله؟ فرمود: «بُيُوتُ الْأَنْبِياءِ». پس أبو بكر برخواست و گفت: ای رسول الله! این خانه از آن هاست (خانه عليّ و فاطمة)؟ فرمود: «نَعَمْ مِنْ أَفْضَلِها». شواهد التنزيل: ج١ ص٥٣٣ ح٥٦٨ به سند ديگرى از أنس و بريدة مانند آن. خصائص الوحي المبين: ص٧٩ و الصّراط المستقيم: ج١ ص٢٩٣ از تفسير ثعلبى مانند آن. و كشف الغمّة: ج١ ص٣١٩ از كتاب ما نزل من القرآن في شأن عليّ عليه‌السّلام از ابن مردويه مانند آن. و تأويل الآيات الظاهرة: ص٣٥٨ و تفسير البرهان: ج٣ ص١٣٨ از محمّد بن العبّاس الماهيار مانند آن.

١٠٤ - كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٤٦٦- و روي عن مجاهد قال: خرج النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم و هو آخذ بيد فاطمة عليها‌السّلام فقال: «مَنْ عَرَفَ هٰذِهِ فَقَدْ عَرَفَها، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْها فَهِيَ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ هِيَ قَلْبي، وَ رُوحِيَ الَّتي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ». و نقلت من كتاب لأبي إسحاق الثعلبيّ، عن مجاهد قال: خرج رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله و قد أخذ بيد فاطمة عليها‌السّلام و قال: مَنْ عَرَفَ هٰذِهِ فَقَدْ عَرَفَها، وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْها فَهِيَ فاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ، وَ هِيَ بَضْعَةٌ مِنّي، وَ هِيَ قَلْبِيَ الَّذي بَيْنَ جَنْبَيَّ، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني، وَ مَنْ آذاني فَقَدْ آذَى اللهَ. از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص٥٤ ب٣. و المحتضر، الشّيخ حسن بن سليمان الحلّيّ قدّس سرّه: ص٤٠٣ ح٣٨٧- من كتاب لأبي إسحاق الثعلبيّ، عن مجاهد .... و الغدير: ج٣ ص٢٠ از: الفصول المهمّة، إبن الصّبّاغ المالكيّ: ص١٥٠ و نزهة المجالس: ج٢ ص ٢٢٨ و نور الأبصار، الشّبلنجيّ: ص٤٥.

١٠٥ - سوره (٢٤) النور آيه ٦٤.

١٠٦ - تفسير البرهان: ج٤ ص١٠٤ ح٧٧٣٤ از كتاب المناقب الفاخرة في العترة الطاهرة سيّد رضى به سند خود از امام جعفر صادق از پدرانش از حضرت فاطمه عليهم‌السّلام فرمود: عَلَيَّ سَيِّدي (صَلَواتُ اللهِ وَ سَلامُهُ عَلَيْهِ) قَرَأَ هٰذِهِ الْآيَةَ: «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً»، فَجِئْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ أَقولَ لَهُ: يا أَباهُ، فَجَعَلْتُ أَقولُ: يا رَسولَ اللهِ. فَأَقْبَلَ عَلَيَّ، وَ قالَ: يا بُنَيَّةُ، لَمْ تَنْزِلْ فيكِ وَ لا في أَهْلِكِ مِنْ قَبْلُ، قالَ: أَنْتِ مِنّي، وَ أَنَا مِنْكِ،

وَ إِنَّما نَزَلَتْ في أَهْلِ الْجَفاءِ، وَ إِنَّ قَوْلَكِ: يا أَباهُ، أَحَبُّ إِلىٰ قَلْبي، وَ أَرْضىٰ لِلرَّبِّ، ثُمَّ قالَ: أَنْتِ نِعْمَ الْوَلَدِ، وَ قَبَّلَ وَجْهي، وَ مَسَحَني مِنْ ريقِهِ، فَما احْتَجْتُ إِلىٰ طِيبٍ بَعْدَهُ». و الدّرّ النظيم: ص٤٦٢ به سند خود از امام جعفر صادق عليه‌السّلام مانند آن.

و در كتب مخالفين:

ملحقات إحقاق الحق: ج١٩ ص٩٤ از مناقب الإمام علىّ بن أبى طالب عليه‌السّلام ابن المغازلى: ص ٣٦٤ چاپ اسلامية طهران به سند متّصل خود از امام جعفر صادق عليه‌السّلام مانند آن. و در المناقب چاپ جديد: ص٢٩٢ ح٤١١.

١٠٧ - مناقب آل‌أبى‌طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٣٢٠ از كتاب قاضى أبو محمّد الكرخى از امام صادق از حضرت فاطمه عليهاالسّلام كه فرمود: لَمّا نَزَلَتْ «لا تَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضاً» هِبْتُ رَسُولَ اللهِ أَنْ أَقُولَ لَهُ يا أَبَتِ فَكُنْتُ أَقُولُ: يا رَسُولَ اللهِ، فَأَعْرَضَ عَنّي مَرَّةً وَ اثْنَتَيْنِ أَوْ ثَلاثاً ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ فَقالَ: يا فاطِمَةُ إِنَّها لَمْ تَنْزِلْ فيكِ وَ لا في أَهْلِكِ وَ لا في نَسْلِكِ، أَنْتِ مِنّي وَ أَنَا مِنْكِ، إِنَّما نَزَلَتْ في أَهْلِ الْجَفاءِ وَ الْغِلْظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ، أَصْحابِ الْبَذَخِ وَ الْكِبْرِ، قُولي يا أَبَتِ فَإِنَّها أَحْيا لِلْقَلْبِ وَ أَرْضىٰ لِلرَّبِّ، ....

١٠٨- معاني الأخبار: ص٥٦ ح٣.

١٠٩ - معاني الأخبار: ص١٠٨ ح١- حدّثنا أحمد بن محمّد بن الهيثم العجليّ رضي الله عنه قال: حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا أبو محمّد بكر بن عبد الله بن حبيب قال: حدّثنا تميم بن بهلول، عن أبيه، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ الْأَرْواحَ قَبْلَ الْأَجْسادِ بِأَلْفَيْ عامٍ فَجَعَلَ أَعْلاها وَ أَشْرَفَها أَرْواحَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ فَعَرَضَها عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَغَشِيَها نُورُهُمْ فَقالَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لِلسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ: هٰؤُلاءِ أَحِبّائي وَ أَوْلِيائي وَ حُجَجي عَلىٰ خَلْقي وَ أَئِمَّةُ بَرِيَّتي ما خَلَقْتُ خَلْقاً هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْهُمْ وَ لِمَنْ تَوَلّاهُمْ خَلَقْتُ جَنَّتي وَ لِمَنْ خالَفَهُمْ وَ عاداهُمْ خَلَقْتُ

ناري فَمَنِ ادَّعىٰ مَنْزِلَتَهُمْ مِنّي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ عَظَمَتي عَذَّبْتُهُ عَذاباً لا أُعَذِّبُهُ أَحَداً مِنَ الْعالَمينَ وَ جَعَلْتُهُ مَعَ الْمُشْرِكينَ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْ ناري وَ مَنْ أَقَرَّ بِوَلايَتِهِمْ وَ لَمْ يَدَّعِ مَنْزِلَتَهُمْ مِنّي وَ مَكانَهُمْ مِنْ عَظَمَتي جَعَلْتُهُ مَعَهُمْ في رَوْضاتِ جَنّاتي وَ كانَ لَهُمْ فيها ما يَشاءُونَ عِنْدي وَ أَبَحْتُهُمْ كَرامَتي وَ أَحْلَلْتُهُمْ جِواري وَ شَفَّعْتُهُمْ فِي الْمُذْنِبينَ مِنْ عِبادي وَ إِمائي فَوَلايَتُهُمْ أَمانَةٌ عِنْدَ خَلْقي فَأَيُّكُمْ يَحْمِلُها بِأَثْقالِها وَ يَدَّعيها لِنَفْسِهِ دُونَ خِيَرَتي؟ فَأَبَتِ السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ وَ الْجِبالُ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِن ادِّعاءِ مَنْزِلَتِها وَ تَمَنّي مَحَلِّها مِنْ عَظَمَةِ رَبِّها فَلَمّا أَسْكَنَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ الْجَنَّةَ قالَ لَهُما: كُلا مِنْها رَغَداً حَيْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ يَعْني شَجَرَةَ الْحِنْطَةِ فَتَكُونا مِنَ الظّالِمينَ فَنَظَرا إِلىٰ مَنْزِلَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ فَوَجَداها أَشْرَفَ مَنازِلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقالا: يا رَبَّنا! لِمَنْ هٰذِهِ الْمَنْزِلَةُ؟ فَقالَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: ارْفَعا رُءُوسَكُما إِلىٰ ساقِ عَرْشي فَرَفَعا رُءُوسَهُما فَوَجَدا اسْمَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ بَعْدَهُمْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ مَكْتُوبَةً عَلىٰ ساقِ الْعَرْشِ بِنُورٍ مِنْ نُورِ الْجَبّارِ جَلَّ جَلالُهُ فَقالا: يا رَبَّنا ما أَكْرَمَ أَهْلَ هٰذِهِ الْمَنْزِلَةِ عَلَيْكَ وَ ما أَحَبَّهُمْ إِلَيْكَ وَ ما أَشْرَفَهُمْ لَدَيْكَ فَقالَ اللهُ جَلَّ جَلالُهُ: لَوْ لا هُمْ ما خَلَقْتُكُما هُؤُلاءِ خَزَنَةُ عِلْمي وَ أُمَنائي عَلىٰ سِرّي إِيّاكُما أَنْ تَنْظُرا إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ وَ تَتَمَنَّيا مَنْزِلَتَهُمْ عِنْدي وَ مَحَلَّهُمْ مِنْ كَرامَتي فَتَدْخُلا بِذٰلِكَ فِي نَهْيي وَ عِصْياني فَتَكُونا مِنَ الظّالِمينَ قالا: رَبَّنا وَ مَنِ الظّالِمُونَ؟ قالَ: الْمُدَّعُونَ لِمَنْزِلَتِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ. قالا: رَبَّنا فَأَرِنا مَنازِلَ ظالِميهِمْ في نارِكَ حَتّىٰ نَراها كَما رَأَيْنا مَنْزِلَتَهُمْ في جَنَّتِكَ، فَأَمَرَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالَى النّارَ فَأَبْرَزَتْ جَميعَ ما فيها مِنْ أَلْوانِ النَّكالِ وَ الْعَذابِ وَ قالَ عَزَّوَجَلَّ: مَكانُ الظّالِمينَ لَهُمُ الْمُدَّعينَ لِمَنْزِلَتِهِمْ في أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْها كُلَّما أَرادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْها أُعيدُوا فيها وَ كُلَّما نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بُدِّلُوا سِواها لِيَذُوقُوا الْعَذابَ، يا آدَمُ! وَ يا حَوّاءُ! لا تَنْظُرا إِلىٰ أَنْواري وَ حُجَجي بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُهْبِطُكُما عَنْ جِواري وَ أُحِلُّ بِكُما هَواني، فَوَسْوَسَ لَهُما الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ لَهُما ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ: ما نَهاكُما رَبُّكُما عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلّا أَنْ تَكُونا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونا مِنَ الْخالِدينَ. وَ قاسَمَهُما إِنّي لَكُما لَمِنَ النّاصِحينَ. فَدَلّاهُما بِغُرُورٍ وَ حَمَلَهُما عَلىٰ تَمَنّي مَنْزِلَتِهِمْ فَنَظَرا

إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَخُذِلا حَتّىٰ أَكَلا مِنْ شَجَرَةِ الْحِنْطَةِ فَعادَ مَكانَ ما أَكَلا شَعيراً فَأَصْلُ الْحِنْطَةِ كُلِّها مِمّا لَمْ يَأْكُلاهُ وَ أَصْلُ الشَّعيرِ كُلِّهِ مِمّا عادَ مَكانَ ما أَكَلاهُ فَلَمّا أَكَلا مِنَ الشَّجَرَةِ طارَ الْحُلِيُّ وَ الْحُلَلُ عَنْ أَجْسادِهِما وَ بَقِيا عُرْيانَيْنِ وَ طَفِقا يَخْصِفانِ عَلَيْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ ناداهُما رَبُّهُما: أَ لَمْ أَنْهَكُما عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَ أَقُلْ لَكُما إِنَّ الشَّيْطانَ لَكُما عَدُوٌّ مُبِينٌ؟ فَقالا: رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرينَ، قالَ: اهْبِطا مِنْ جِواري فَلا يُجاوِرُني في جَنَّتي مَنْ يَعْصيني، فَهَبَطا مَوْكُولَيْنِ إِلىٰ أَنْفُسِهِما في طَلَبِ الْمَعاشِ فَلَمّا أَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِما جاءَهُما جَبْرَئيلُ فَقالَ لَهُما: إِنَّكُما إِنَّما ظَلَمْتُما أَنْفُسَكُما بِتَعَيِّ مَنْزِلَةِ مَنْ فُضِّلَ عَلَيْكُما فَجَزاؤُكُما ما قَدْ عُوقِبْتُما بِهِ مِنَ الْهُبُوطِ مِنْ جِوارِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ إِلىٰ أَرْضِهِ فَسَلا رَبَّكُما بِحَقِّ الْأَسْماءِ الَّتي رَأَيْتُمُوها عَلىٰ ساقِ الْعَرْشِ حَتّىٰ يَتُوبَ عَلَيْكُما، فَقالا: اللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْأَكْرَمينَ عَلَيْكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ إِلّا تُبْتَ عَلَيْنا وَ رَحِمْتَنا، فَتابَ اللهُ عَلَيْهِما إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحيمُ، فَلَمْ يَزَلْ أَنْبِياءُ اللهِ بَعْدَ ذٰلِكَ يَحْفَظُونَ هٰذِهِ الْأَمانَةَ وَ يُخْبِرُونَ بِها أَوْصِياءَهُمْ وَ الْمُخْلَصينَ مِنْ أُمَمِهِمْ فَيَأْبَوْنَ حَمْلَها وَ يُشْفِقُونَ مِن ادِّعائِها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ الَّذي قَدْ عُرِفَ، فَأَصْلُ كُلِّ ظُلْمٍ مِنْهُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ ذٰلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنّا عَرَضْنَا الْأَمانَةَ عَلَى السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَها وَ أَشْفَقْنَ مِنْها وَ حَمَلَهَا الْإِنْسانُ إِنَّهُ كانَ ظَلُوماً جَهُولاً. از او: بحار الأنوار: ج١١ ص١٧٢ ب٣ ح١٩ و ج٢٦ ص٣٢٠ ب٧ ح٢ و ج٨٥ ص١٣٦ ب٤٣ ح١١.

١١٠ – سوره (١٤) إبراهيم عليه‌السّلام آيه ١٤ و ١٥.

١١١ – الفضائل، ابن شاذان القميّ: ص٨٠ – خبر مفاخرة عليّ بن أبي طالب و فاطمة الزّهراء عليهما السّلام: روي أنّه جاء في الخبر أنّ الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السّلام كان ذات يوم هو و زوجته فاطمة عليهاالسّلام يأكلان تمراً في الصّحراء إذ تدعبا بينهما بالكلام فقال عليّ عليه السّلام: يا فاطِمَةُ! إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّني أَكْثَرَ مِنْكِ. فَقالَتْ: وا عَجَبا مِنْكَ! يُحِبُّكَ أَكْثَرَ مِنّي وَ أَنا ثَمَرَةُ فُؤادِهِ، وَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضائِهِ، وَ غُصْنٌ مِنْ أَغْصانِهِ، وَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ

غَيْري؟!. فَقالَ لَها عَلِيٌّ عَلَيْهِالسَّلامُ: يا فاطِمَةُ! إِنْ لَمْ تُصَدِّقيني فَامْضي بِنا إِلىٰ أَبيكِ مُحَمَّدٍ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ. قالَ: فَمَضَيْنا إِلىٰ حَضْرَتِهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ فَتَقَدَّمَتْ وَ قالَتْ: يا رَسُولَ اللهِ! أَيُّنا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَمْ عَلِيٌّ؟ قالَ النَّبِيُّ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ: أَنْتِ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ عَلِيٌّ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْكَ. فَعِنْدَها قالَ سَيِّدُنا وَ مَوْلانَا الْإِمامُ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِالسَّلامُ: أَ لَمْ أَقُلْ لَكِ، أَنا وَلَدُ فاطِمَةَ ذاتِ التُّقىٰ؟ قالَتْ فاطِمَةُ: وَ أَنَا ابْنَةُ خَديجَةَ الْكُبْرىٰ، ... قالَ عَلِيٌّ: وَ أَنَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سينينَ، قالَتْ فاطِمَةُ: وَ أَنَا الشَّجَرَةُ الَّتي تُخْرِجُ أُكُلَها أَعْني الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، ... .

١١٢ - مجمع البيان فى تفسير القرآن: ج٦ ص٤٨٠- و روي عن ابن عبّاس قال: قال جبريل عليه‌السّلام للنّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَنْتَ الشَّجَرَةُ، وَ عَلِيٌّ غُصْنُها، وَ فاطِمَةُ وَرَقُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها.

١١٣ - الأمالي، الشّيخ المفيد: ص٢٤٥ المجلس٢٨ ح٥- أخبرني أبو محمّد عبد الله بن محمّد الأبهريّ قال: حدّثنا عليّ بن أحمد بن الصبّاح قال: حدّثنا إبراهيم بن عبد الله ابن أخي عبد الرّزّاق قال: حدّثني عمّي عبد الرّزّاق بن همّام بن نافع قال: أخبرني أبي همّام بن نافع قال: أخبرني مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف الزّهريّ قال: قال لي عبد الرّحمان: يا مينا! أ لا أحدّثك بحديث سمعته من رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله؟ قلت: بلى قال: سمعته يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُها، وَ مُحِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتي وَرَقُها رِضْوانُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعينَ. از او: الأمالي، الطوسيّ: ص١٩ المجلس١ ح٢٠. و بشارة المصطفى لشيعة المرتضى: ص٤٠ –از شيخ حسن بن الحسين بن الحسن بن بابويه از شيخ طوسى از شيخ مفيد- بقيه سند و متن مانند الأمالى شيخ مفيد-. و الأمالي، الطوسيّ: ص٦١٠ المجلس٢٨ ح١٢٦٢- ١٠- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضّل قال: حدّثنا محمّد بن سعيد بن محمّد بن شرحبيل أبو بكر التّرخميّ بحمص و عبد الرّزّاق بن سليمان بن غالب الأزديّ بأرتاح و اللفظ له، قالا: حدّثنا أبو عبد الغنيّ الحسن بن عليّ الأزديّ المعاني بمعان قال: حدّثنا عبد الرّزّاق بن همّام قال: أخبرني أبي، عن مينا بن أبي مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ

فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها. و زاد عبدالرّزّاق: وَ شيعَتُنا وَرَقُها، الشَّجَرَةُ أَصْلُها في جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْفَرْعُ وَ الْوَرِقُ وَ الثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ. و إعلام الورى: ج١ ص٢٩٦ مانند الأمالى طوسى و با اضافه عبد الرّزّاق.

شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٤٠٦ ح٤٢٩- أخبرنا أبو القاسم القرشيّ و كتبه لي بخطّه قال: أخبرنا عليّ بن بندار قال: حدّثني أبو بكر الرازيّ قال: حدّثني محمّد بن أبي يعقوب قال: حدّثني إبراهيم بن عبد الله، قال: حدّثني عبد الرّزّاق قال: حدّثني أبي [قال:] حدّثني مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف قال: قال عبد الرّحمان: يا مينا أ لا أحدّثك حديثاً قبل أن تشابّ الأحاديث بالأباطيل؟! سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُها، وَ مُحِبُّوهُمْ مِنْ أُمَّتي وَرَقُها. ثمّ قال: هُمْ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ. و شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٤٠٧ ح٤٣٠- حدّثني أبو عبد الله الدّينوريّ قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن صقلاب قال: حدّثنا محمّد بن الفيض بن محمّد بدمشق قال: حدّثنا مؤمل بن يهاب قال: حدثّنا عبد الرّزّاق، عن أبيه، عن مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف، عن أبيه قال: سمعت عبد الرّحمان بن عوف يقول: خذوا منّي حديثاً قبل أن تشاب الأحاديث بالأباطيل، سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول: أَنَا الشَّجَرَةُ وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ ثَمَرُها، وَ شيعَتُنا وَرَقُها، وَ أَصْلُ الشَّجَرَةِ فِي جَنَّةِ عَدْنٍ وَ سائِرُ ذٰلِكَ فِي سائِرِ الْجَنَّةِ. و ملحقات إحقاق الحق: ج٥ ص٢٦٤ از كفاية الطالب:ص٢٧٨ چاپ نجف اشرف- أخبرنا المفتي أبو نصر بن هبة الله الشّيرازيّ، أخبرنا الحافظ عليّ بن عساكر، أخبرنا أبو القاسم ابن السّمرقنديّ، أخبرنا إسماعيل بن مسعدة، أخبرنا حمزة بن يوسف، أخبرنا أبو أحمد بن عديّ، حدّثنا عمر بن سنان، حدّثنا الحسن بن عليّ أبو عبد الغنيّ الأزديّ، حدّثنا عبد الرّزّاق، عن أبيه، عن مينا بن أبي مينا مولى عبد الرّحمان ابن عوف، عن عبد الرّحمان بن عوف أنّه قال: ألا تسألوني قبل أن يشوب الأحاديث الأباطيل؟ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، وَ شيعَتُنا وَرَقُها، وَ

الشَّجَرَةُ أَصْلُها في جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْأَصْلُ وَ الْفَرْعُ وَ اللِّقاحُ وَ الْوَرِقُ فِي الْجَنَّةِ. قلت : أخرجه محدّث دمشق بطرق شتى. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج٢٣ ص١٣٥ از تاريخ مدينة دمشق: ج٣ ص١٥ از كپى نسخه كتاب‌خانه سلطان أحمد سوم در استانبول- و ملحقات إحقاق الحق: ج١٨ ص٣٤٧ از ترجمة الإمام الحسين عليه‌السّلام تاريخ دمشق: ص١٢٤ چاپ بيروت- أخبرنا أبو القاسم ابن السّمرقنديّ، أنبأنا إسماعيل بن مسعدة، أنبأنا حمزة ابن يوسف، أنبأنا أبو أحمد ابن عديّ، أنبأنا عمر بن سنان، أنبأنا الحسن بن عليّ أبو عبد الغنيّ الأزديّ، أنبأنا عبد الرّزّاق، عن أبيه، عن ميناء بن أبي ميناء مولى عبد الرّحمان بن عوف، عن عبد الرّحمان بن عوف أنه قال: ألا تسألوني قبل أن تشوب الأحاديث الأباطيل؟ قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ أَصْلُها - أو فَرْعُها - وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُها، وَ شيعَتُنا وَرَقُها، فَالشَّجَرَةُ أَصْلُها في جَنَّةِ عَدْنٍ، وَ الْأَصْلُ وَ الْفَرْعُ وَ اللِّقاحُ وَ الْوَرِقُ وَ الثَّمَرُ فِي الْجَنَّةِ. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج٢٣ ص١٣٥ از الكامل في ضعفاء الرجال: ج٢ ص٧٤٨ و از ج٦ ص٢٤٥١ چاپ بيروت- ثنا عمر بن سنان، ثنا الحسن بن عليّ الأزديّ أبو عبد الغنيّ، - بقيه سند و متن مانند تاريخ دمشق با اختلافى اندک در متن-. و تفسير جوامع الجامع: ج٢ ص٢٨٢-عن النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، وَ شيعَتُنا أَوْراقُها.

١١٤ - الأمالي، الطوسيّ: ص٦١١ المجلس٢٨ ح١٢٦٤- ١٢- أخبرنا جماعة، عن أبي المفضّل قال: حدّثنا الحسن بن عليّ بن زكريّا العاصميّ قال: حدّثنا صهيب بن عبّاد بن صهيب قال: حدّثنا أبي، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه، عن أبيه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم‌السّلام قال: قال رسول صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، وَ أَغْصانُ الشَّجَرَةِ ذاهِبَةٌ عَلىٰ ساقِها، فَأَيُّ رَجُلٍ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِهِ. قيلَ: يا رَسُولَ اللهِ! قَدْ عَرَفْنَا الشَّجَرَةَ وَ فَرْعَها، فَمَنْ أَغْصانُها؟ قالَ: عِتْرَتي، فَما مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنا أَهْلَ الْبَيْتِ، وَ عَمِلَ بِأَعْمالِنا، وَ حاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يُحاسَبَ، إِلّا

أَدْخَلَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ. و إرشاد القلوب: ج١ ص١٤٥ ب٤٦- و عن عليّ عليه‌السّلام قال: قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ: أَنَا الشَّجَرَةُ، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُها، وَ شيعَتُنا أَغْصانُها، فَما مِنْ عَبْدٍ أَحَبَّنا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ عَمِلَ بِأَعْمالِنا وَ حاسَبَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحُلَّ رَمْسَهُ إِلّا أَدْخَلَهُ اللهُ الْجَنَّةَ. و بشارة المصطفى لشيعة المرتضى: ص٤٠- وجدت في كتاب ابن الفقيه أبي القاسم بن محمّد رحمة الله عليه مكتوباً بخطّه: حدّثني الشّيخ الحسن المتكلّم قال: حدّثني أبو عمر أحمد بن محمّد السّاني، أخبرنا عبد الله بن عديّ بجرجان، حدّثنا المفضّل بن عبد الله بن محمّد، حدّثنا محمّد بن يحيى بن ضريس الكوفيّ بفيد، حدّثنا إسماعيل بن سهل بن محمّد بن عليّ، عن قتادة، عن سفيان الثّوريّ، عن ليث، عن مجاهد، عن ابن عبّاس قال: قال النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله: خُلِقَ النّاسُ مِنْ أَشْجارٍ شَتّىٰ، وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، فَما قَوْلُكُمْ في شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُها، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها، وَ شيعَتُنا أَوْراقُها؟! فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها ساقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ تَرَكَها هَوىٰ فِي النّارِ. و غرر الأخبار: ص٢١١ الفصل١٧- ابن عبّاس قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يخطب، فقال للأنصار: أَ لَمْ تَكونوا ضُلّالاً فَهَداكُمُ اللهُ تَعالىٰ بي؟ أَ لَمْ تَكونوا خائِفينَ فَآمَنَكُمُ اللهُ بي؟ أَ لَمْ تَكونوا ذُلّالاً فَأَعَزَّكُمُ اللهُ بي؟. ثمّ قال: ما لي لا أَراكُمْ تُجيبونَ؟ قالوا: ما نقول يا رسول الله و قد صدقت؟ قال: تَقولونَ: أَنْفُسَنا وَ أَمْوالُنا لَكَ (الْفِداءُ) يا رَسولَ اللهِ. فأنزل الله تعالى: (قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ)؛ فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: إِنَّ الشَّجَرَةَ أَنَا أَصْلُها، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها، وَ شيعَتُهُمْ وَرَقُها، طينَتُهُمْ طينَةٌ طَيِّبَةٌ مُبارَكَةٌ.

و ملحقات إحقاق الحق: ج ١٨ ص ٣٤٤ از أهل البيت، توفيق أبو علم: ص١٢٤ چاپخانه السعادة قاهرة: عن ابن عبّاس رضي الله عنهما قا : قال صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: خُلِقَ النّاسُ مِنْ أَشْجارٍ شَتّىٰ، وَ خُلِقْتُ أَنَا وَ عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، فَما قَوْلُكُمْ في شَجَرَةٍ أَنَا أَصْلُها، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها،وَ شيعَتُنا أَوْرلقُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ

بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها ساقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ مَنْ تَرَكَها هَوِيَ إِلَى النّارِ.

١١٥ - بصائر الدرجات: ص٦٠ ح٢- حدّثنا موسى بن جعفر قال: وجدت بخطّ أبي رواية، عن محمّد بن عيسى الأشعريّ، عن محمّد بن سليمان الدّيلميّ مولى عبد الله، عن سليمان قال: سألت أبا عبد الله عليه‌السّلام عن قول الله تعالى:«سِدْرَةِ الْمُنْتَهىٰ» و قوله: «أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ». فقال: رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ وَ اللهِ جَذْرُها، وَ عَلِيٌّ ذِرْوُها، وَ فاطِمَةُ فَرْعُها، وَ الْأَئِمَّةُ أَغْصانُها، وَ شيعَتُهُمْ أَوْراقُها، ... ».

١١٦ - الصّراط المستقيم: ج١ ص٢٠٩- و قال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ حَمْلُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنَيْنِ ثَمَرُها، وَ الْمُحِبّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُها، إِلَى الْجَنَّةِ حَقّاً حَقّاً. و ملحقات إحقاق الحق: ج١٨ ص٣٤٧ از ترجمة الإمام الحسين (عليه‌السّلام) تاريخ دمشق: ص١٢٣ چاپ بيروت- أخبرنا أبو الفرج عبد الخالق بن أحمد بن عبد القادر بن محمّد بن يوسف، أنبأنا أبو نصر محمّد بن محمّد بن عليّ الزّينبيّ، أنبأنا أبو بكر محمّد بن عمر ابن خلف بن زنبور، أنبأنا أبو بكر محمّد بن عمر بن عليّ بن خلف الورّاق، عن أبي بكر محمّد بن المقرئ ابن عثمان التّمّار، أنبأنا نصر بن شعيب، أنبأنا موسى بن نعمان، أنبأنا ليث بن سعد، عن ابن جريج، عن مجاهد، عن ابن عبّاس قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم بأذنيّ وإلّا فصمّتا وهو يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ حَمْلُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرَتُها، وَ الْمُحِبّونَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ وَرَقُها، مِنَ الْجَنَّةِ حَقّاً حَقّاً. و از وسيلة المآل: ص٧٧ خطى از ابن عبّاس مانند تاريخ دمشق. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج٢٣ ص١٣٥: از تفسير آية المودّة: ص٤٦- و عن ابن عباس رضي الله عنه قال : سمعت النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فاطِمَةُ حَمْلُها، وَ عَلِيٌّ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، وَ الْمُحِبّونَ لِأَهْلِ بَيْتي وَرَقُها، هُمْ فِي الْجَنَّةِ حَقّاً حَقّاً. و از استجلاب ارتقاء الغرف بحبّ أقرباء الرّسول: ص٣٥ از كپى نسخه خطى كتاب‌خانه استانبول و او از المسند ديلمى از ابن عباس مانند آن.

١١٧ - شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٤٠٨ ح٤٣١- أخبرنا أبو عثمان الحيريّ قال:

حدّثنا أبو الحسن محمّد بن منصور النوشريّ قال: حدّثنا أبو بكر أحمد بن موسى بن عمران البلخيّ قال: حدّثنا إسحاق بن إبراهيم بن عبّاد بصنعاء اليمن قال: حدّثنا عبد الرّزّاق، قال: أخبرني أبي، عن مينا مولى عبد الرّحمان بن عوف قال: حدّثني مولاي عبد الرحّمان بن عوف بحديث [و] ذكر أنّه سمع من النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله، سمعته يقول: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول: أَنَا شَجَرَةٌ، وَ عَلِيٌّ الْقَلْبُ، وَ فاطِمَةُ اللِّقاحُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ الثَّمَرُ، وَ شيعَتُنا الْوَرَقُ، وَ حَيْثُ يَنْبُتُ الشَّجَرُتَسافَطُ وَرَقُها. ثمّ قال: في جَنَّةِ عَدْنٍ وَ الَّذي بَعَثَني بِالْحَقِّ. و ح٤٣٢- حدّثنيه عالياً الحاكم أبو عبد الله الحافظ قال: حدّثنا أبو بكر محمّد بن حيويه بن المؤمّل النّحويّ بهمدان قال: حدّثنا إسحاق بن إبراهيم الدّبريّ ب «صنعاء» به. و ساق الحديث كلفظ الدينوري سواء.

١١٨ - ملحقات إحقاق الحق: ج ١٦ ص ١٣١ از ترجمة الإمام عليّ من تاريخ دمشق: ج ١ ص ١٣٢ چاپ بيروت- و أنبأنا ابن السمسار، أنبأنا علي بن الحسن الصوري، وأنبأنا سليمان ابن أحمد أيوب الطبراني اللخمي بأصبهان، أنبأنا الحسين بن إدريس الحريري التستري، أنبأنا أبو عثمان طالوت بن عباد البصري الصيرفي، أنبأنا فضال بن جبر(ظ)، أنبأنا أبو أمامة الباهلي قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: خَلَقَ اللهُ الْأَنْبِياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّى، وَ خَلَقَني وَ عَلِيّاً مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُها، وَ عَلِيٌّ فَرْعُها، و فاطِمَةُ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا، وَ مَنْ زاغَ عَنْها هَوىٰ. وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَ اللهَ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ أَلْفَ عامٍ ثُمَّ أَلْفَ عامٍ، ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ مَحَبَّتَنا لَأَكَبَّهُ اللهُ عَلىٰ مَنْخِرَيْهِ فِي النّارِ ثمّ تلا: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ.

و ملحقات إحقاق الحقّ: ج ٥ ص ٢٦٢ از كفاية الطالب: ص١٧٨- أخبرنا الحافظ يوسف بن خليل بن عبد الله الدمشقيّ بحلب، أخبرنا محمّد ابن إسماعيل بن محمّد الطّرسوسيّ، أخبرنا أبو منصور محمّد بن إسماعيل الصّيرفيّ، أخبرنا أبو الحسين بن فاذشاه، أخبرنا الحافظ أبو القاسم سليمان بن أحمد بن أيّوب الطّبرانيّ، أخبرنا الحسين بن إدريس التّستريّ، حدّثنا أبو عثمان

طالوت بن عبّاد الصّيرفيّ البصريّ، حدّثنا فضّال بن جبير، حدّثنا أبو أمامة الباهليّ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: إِنَّ اللهَ خَلَقَ الْأَنْبِياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّىٰ، وَ خَلَقَني وَ عَلِيّاً مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُها، وَ عَلِيٌّ فَرْعُها، و فاطِمَةُ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا، وَ مَنْ زاغَ عَنْها هَوىٰ، وَ لَوْ أَنَّ عَبْداً عَبَدَ اللهَ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ أَلْفَ عامٍ ثُمَّ أَلْفَ عامٍ ثُمَّ أَلْفَ، ثُمَّ لَمْ يُدْرِكْ صُحْبَتَنا أَكَبَّهُ اللهُ عَلىٰ مَنْخِرَيْهِ فِي النّارِ. ثمّ تلا: قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ. قلت: هذا حديث حسن عال رواه الطّبرانيّ في معجمه كما أخرجناه سواه ورواه محدّث الشّام في كتابه بطرق شتّى. و ملحقات إحقاق الحق: ج٥ ص٢٦٣ از لسان الميزان، ابن حجر العسقلانيّ: ج٢ ص٢٢٦ و ج٤ ص٤٣٤ چاپ حيدر آباد دكن- أنبئت عن محمّد بن إسماعيل الطّرسوسيّ، أخبرنا محمود الصّيرفيّ، أخبرنا ابن فاذشاه، أنا الطّبرانيّ، ثنا الحسين بن إدريس التّستريّ، ثنا طالوت بن عبّاد، ثنا فضّال، ثنا أبو أمامة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: إِنَّ اللهَ خَلَقَ الْأَنْبِياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّىٰ، وَ خَلَقَني وَ عَلِيّاً مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ، أَنَا أَصْلُها، وَ عَلِيٌّ فَرْعُها، و فاطِمَةُ لِقاحُها، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا. و از تنزيه الشريعة، الكنانيّ المصريّ: ج١ ص٤٠٠ چاپ قاهره- عن أبي أمامة مانند لسان الميزان.

لازم به ذكر است كه: اين حديث را به همين روايت و سند بسيارى از مخالفين با حذف آن قسمت كه مربوط به حضرت فاطمه عليهاالسّلام است روايت نموده‌اند از جمله خود طبرانى، و يا اين‌كه در چاپ اين كتاب‌ها حذف نموده‌اند.

١١٩ - بصائر الدّرجات: ص٥٩ ب٢ ح٣- حدّثنا أحمد، عن الحسن بن محبوب، عن مؤمن الطّاق، عن سلّام بن المستنير قال: سألت أبا جعفر عليه‌السّلام عن قول الله تعالى: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ، نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هَاشِمٍ، وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيٌّ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ أَغْصانُ الشَّجَرَةِ وَ ثَمَرُهَا الْأَئِمَّةُ، وَ وَرَقُ الشَّجَرَةِ الشّيعَةُ. وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ لَيُولَدُ فَتُورِقُ وَرَقَةٌ، وَ إِنَّ

الرَّجُلَ مِنَ الشّيعَةِ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ وَرَقَةٌ. قال: جعلت فداك: تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: مَا يُفْتِي الْأَئِمَّةُ شيعَتَهُمْ في كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ. و بصائرالدّرجات: ص٥٩ ب٢ ح٢- حدّثنا يعقوب بن يزيد، عن الحسن بن محبوب، عن الأحول، عن سلّام بن المستنير قال: سألت أبا جعفرعليه‌السّلام عن قول الله تعالى: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ فقال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ، نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هاشِمٍ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيٌّ، وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ، وَ أَغْصانُها الْأَئِمَّةُ، وَ وَرَقُها الشّيعَةُ، وَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْها وَرَقَةٌ، وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْهُمْ لَيُولَدُ فَتُورِقُ وَرَقَةً. قال: قلت له: جعلت فداك قوله تعالى: «تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: هُوَ ما يَخْرُجُ مِنَ الْإِمامِ مِنَ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ في كُلِّ سَنَةٍ إِلىٰ شيعَتِهِ. و تفسيرجوامع الجامع: ج٢ ص٢٨٢- و عن الباقرعليه‌السّلام: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ، وَ فَرْعُها عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ ثَمَرُها أَوْلادُها، وَ أَغْصانُها وَ وَرَقُها شيعَتُها (شيعَتُنا).

١٢٠ - تفسيرالقميّ: چاپ بيروت: ج١ ص٣٧٠- فحدّثني أبي، عن الحسن بن محبوب، عن أبي جعفرالأحول، عن سلّام بن المستنير، عن أبي جعفرعليه‌السّلام قال: سألته عن قول الله: «مَثَلاً كَلِمَةً طَيِّبَةً» قال: الشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ، أَصْلُها نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هاشِمٍ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ غُصْنُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ ثَمَرَتُهَا الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ شيعَتُهُمْ وَرَقُها. وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شيعَتِنا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ فَتُورِقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةً. قلت: أ رأيت قوله: «تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: يَعْني بِذٰلِكَ ما يُفْتُونَ بِهِ الْأَئِمَّةُ شيعَتَهُمْ في كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ (فَهٰذا مَثَلُ آلِ مُحَمَّدٍ ... - تفسيرالبرهان چاپ سنگی). از او: مختصرتفسيرالقميّ، ابن العتائقيّ: ص٢٦٢ ح٢٤-٢٦ و البرهان في تفسيرالقرآن: چاپ الأعلمي بيروت: ج٤ ص٣٢٠ ح٧ و چاپ بعثت تهران: ج٣ ص٢٩٧ ح ٥٧١٦. و تأويل الآيات الظّاهرة، تحقيق مدرسة الإمام المهديّ قم: ج١ ص٢٤٢ ح٢ و چاپ وزارت ارشاد: ص٢٤٧- ما ذكره عليّ بن إبراهيم رحمه الله في

تفسيره قال: روي عن أبي جعفر عليه‌السّلام أنّه قال: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ» فَالشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ، وَ نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هاشِمٍ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ، وَ غُصْنُ (عُنْصُرُ- چاپ ارشاد) الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ، وَ ثَمَرَتُها الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوْلادِهِمْ أَغْصانُها وَ شيعَتُهُمْ وَرَقُها وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شيعَتِنا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ لِلْمُؤْمِنِ مِنْهُمْ فَيُوْرِقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةً. قلت: أ رأيت قوله: «تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: عِلْمَها وَ هُوَ ما يُفْتي بِهِ الْأَئِمَّةُ شيعَتَهُمْ في كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ. فَضَرَبَ اللهُ لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَعَلَيْهِمْ هٰذا مَثَلاً، أَنَّهُمْ فِي النّاسِ عَلىٰ هٰذَا الْقِياسِ، ... . و كنز جامع الفوائد: ج١ ص٢٦٣- ما ذكره عليّ بن إبراهيم رحمه‌الله في تفسيره، قال: روي عن أبي جعفر عليه‌السّلام أنّه قال: «شَجَرَةٌ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ» فَالشَّجَرَةُ رَسُولُ اللهِ، وَ نَسَبُهُ ثابِتٌ في بَني هاشِمٍ، وَ فَرْعُ الشَّجَرَةِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ، وَ عُنْصُرُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ، وَ ثَمَرَتُها الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ عَلِيٍّ وَ فاطِمَةَ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ عِلْمُ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوْلادِهِمْ أَغْصانُها، وَ شيعَتُهُمْ وَرَقُها. وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شيعَتِنا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ الْمُؤْمِنَ لَيُولَدُ لِلْمُؤْمِنِ مِنْهُمْ فَيُوْرِقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةً. قلت: أ رأيت قوله: «تُؤْتي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها»؟ قال: عِلْمَها وَ هُوَ ما يُفْتي بِهِ الْأَئِمَّةُ وَ شيعَتُهُمْ في كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ مِنَ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ. فَضَرَبَ اللهُ لِآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَعَلَيْهِمْ هٰذا مَثَلاً، أَنَّهُمْ فِي النّاسِ عَلىٰ هٰذَا الْقِياسِ، ... .

و شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٤٠٦ ح٤٢٨- أخبرنا أبو عبد الله الشّيرازيّ قال: [أخبرنا] أبو بكر الجرجرائيّ قال: حدّثنا أبو أحمد البصريّ قال: حدّثني المغيرة بن محمّد قال: حدّثني جابر بن سلمة قال: حدّثني حسين بن حسن، عن عامر السّرّاج، عن سلّام الخثعميّ قال: دخلت على أبي جعفر محمّد بن عليّ عليه‌السّلام فقلت: يا ابن رسول الله! قول الله تعالى: «أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ»؟ قال: يا سَلّامُ! الشَّجَرَةُ مُحَمَّدٌ، وَ الْفَرْعُ عَلِيٌّ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ، وَ الثَّمَرُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ! وَ الْغُصْنُ فاطِمَةُ، وَ شُعَبُ ذٰلِكَ الْغُصْنِ الْأَئِمَّةُ مِنْ وُلْدِ فاطِمَةَ

عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ الْوَرَقُ شيعَتُنا وَ مُحِبُّونا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذا ماتَ مِنْ شيعَتِنا رَجُلٌ تَناثَرَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَ إِذا وُلِدَ لِمُحِبّينا مَوْلُودٌ إِخْضَرَّ مَكانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةٌ. فقلت: يا ابن رسول الله! قول الله تعالى: «تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» ما يعني؟ قال: يَعْنِي الْأَئِمَّةَ تُفْتِي شيعَتَهُمْ فِي الْحَلالِ وَ الْحَرامِ فِي كُلِّ حَجٍّ وَ عُمْرَةٍ.

١٢١ - معاني الأخبار: ص٤٠٠ باب نوادر المعاني ...ح٦١- حدّثنا محمّد بن إبراهيم بن إسحاق الطّالقانيّ رحمه الله قال: حدّثنا عبد العزيز بن يحيى قال: حدّثنا عبد الله بن محمّد الضّبيّ قال: حدّثنا محمّد بن هلال قال: حدّثنا نائل بن نجيح قال: حدّثنا عمرو بن شمر، عن جابر الجعفيّ قال: سألت أبا جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليه‌السّلام عن قول الله عزّوجلّ: «كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُها ثابِتٌ وَ فَرْعُها فِي السَّماءِ تُؤْتِي أُكُلَها كُلَّ حينٍ بِإِذْنِ رَبِّها» قال: أَمَّا الشَّجَرَةُ فَرَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ فَرْعُها عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ غُصْنُ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْها، وَ ثَمَرُها أَوْلادُها عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ وَرَقُها شيعَتُنا. ثمّ قال عليه‌السّلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ مِنْ شيعَتِنا لَيَمُوتُ فَيَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَ إِنَّ الْمَوْلُودَ مِنْ شيعَتِنا لَيُولَدُ فَتُورِقُ الشَّجَرَةُ وَرَقَةً. و مجمع البيان فى تفسير القرآن: ج٦ ص٤٨٠- و روى ابن عقدة، عن أبي جعفر عليه‌السّلام: إِنَّ الشَّجَرَةَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ فَرْعَها عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ غُصْنَ الشَّجَرَةِ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ ثَمَرَتُها أَوْلادُها عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ أَوْراقَها شيعَتُنا. ثمّ قال عليه‌السّلام: إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ شيعَتِنا لَيَمُوتُ فَتَسْقُطُ مِنَ الشَّجَرَةِ وَرَقَةٌ، وَ أَنَّ الْمَوْلُودَ مِنْ شيعَتِنا لَيُولَدُ فَيُورَقُ مَكانَ تِلْكَ الْوَرَقَةِ وَرَقَةٌ. از او: بحار الأنوار: ج٩ ص١١٢.

١٢٢ - الأمالي، الشيخ الطوسي: ج ٢ ص ٢٩٥ ح ٨ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٢ ص٥١ و الإحتجاج: ج ١ ص١٤٥ و شرح ابن ميثم: ج ٥ ص ١٠٥ و الدّرّ النظيم: ص١٤٥.

١٢٣ - مشارق أنوار اليقين: ص١٣٣ الفصل ٣.

١٢٤ - زندگانى حضرت فاطمه زهراء سلام الله عليها نوشته حسين عمادزاده: ص٢٤٢.

١٢٥ - الكافي: ج١ ص٤٥٨ ح٣- أحمد بن مهران رحمه الله رفعه؛ و أحمد بن إدريس، عن محمّد

بن عبد الجبّار الشّيبانيّ قال: حدّثني القاسم بن محمّد الرّازيّ قال: حدّثنا عليّ بن محمّد الهرمزانيّ، عن أبي عبد الله الحسين بن عليّ عليهماالسّلام قال: لَمّا قُبِضَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ دَفَنَها أَميرُ الْمُؤْمِنينَ سِرّاً، وَ عَفا عَلىٰ مَوْضِعِ قَبْرِها، ثُمَّ قامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلىٰ قَبْرِ رَسُولِ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ فَقالَ: السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ عَنّي، وَ السَّلامُ عَلَيْكَ عَنِ ابْنَتِكَ، وَ زائِرَتِكَ، وَ الْبائِتَةِ فِي الثَّرىٰ بِبُقْعَتِكَ، وَ الْمُخْتارِ اللهُ لَها سُرْعَةَ اللَّحاقِ بِكَ. قَلَّ يا رَسُولَ اللهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْري، وَ عَفا عَنْ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ تَجَلُّدي، إِلّا أَنَّ لي فِي التَّأَسّي بِسُنَّتِكَ في فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ، فَلَقَدْ وَسَّدْتُكَ في مَلْحُودَةِ قَبْرِكَ وَ فاضَتْ نَفْسُكَ بَيْنَ نَحْري وَ صَدْري بَلىٰ وَ في كِتابِ اللهِ لي أَنْعَمُ الْقَبُولِ إِنّا للهِ وَ إِنّا إِلَيْهِ راجِعُونَ قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَديعَةُ وَ أُخِذَتِ الرَّهينَةُ وَ أُخْلِسَتِ الزَّهْراءُ فَما أَقْبَحَ الْخَضْراءَ وَ الْغَبْراءَ يا رَسُولَ اللهِ أَمّا حُزْني فَسَرْمَدٌ وَ أَمّا لَيْلي فَمُسَهَّدٌ وَ هَمٌّ لا يَبْرَحُ مِنْ قَلْبي أَوْ يَخْتارَاللهُ لي دارَكَ الَّتي أَنْتَ فيها مُقيمٌ كَمَدٌ مُقَيِّحٌ وَ هَمٌّ مُهَيِّجٌ سَرْعانَ ما فَرَّقَ بَيْنَنا وَ إِلَى اللهِ أَشْكُو وَ سَتُنْبِئُكَ ابْنَتُكَ بِتَظافُرِ أُمَّتِكَ عَلىٰ هَضْمِها فَأَحْفِهَا السُّؤالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحالَ فَكَمْ مِنْ غَليلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِها لَمْ تَجِدْ إِلىٰ بَثِّهِ سَبيلاً وَ سَتَقُولُ وَ يَحْكُمُ اللهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَ لا سَئِمٍ فَإِنْ أَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَ إِنْ أُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرينَ واهاً وَ الصَّبْرُ أَيْمَنُ وَ أَجْمَلُ وَ لَوْ لا غَلَبَةُ الْمُسْتَوْلينَ لَجَعَلْتُ الْمُقامَ وَ اللَّبْثَ لِزاماً مَعْكُوفاً وَ لَأَعْوَلْتُ إِعْوالَ الثَّكْلىٰ عَلىٰ جَليلِ الرَّزِيَّةِ فَبِعَيْنِ اللهِ تُدْفَنُ ابْنَتُكَ سِرّاً وَ تُهْضَمُ حَقَّها وَ تُمْنَعُ إِرْثَها وَ لَمْ يَتَباعَدِ الْعَهْدُ وَ لَمْ يَخْلَقْ مِنْكَ الذِّكْرُ وَ إِلَى اللهِ يا رَسُولَ اللهِ الْمُشْتَكىٰ وَ فيكَ يا رَسُولَ اللهِ أَحْسَنُ الْعَزاءِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهَا السَّلامُ وَ الرِّضْوانُ. و الأمالي، الشّيخ المفيد: ص٢٨١ المجلس٣٣ ح٧ – قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين قال: حدّثنا أبي قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدّثنا محمّد بن عبد الجبّار، عن القاسم بن محمّد الرّازيّ، عن عليّ بن محمّد الهرمزانيّ، عن عليّ بن الحسين بن عليّ، عن أبيه الحسين عليهماالسّلام قال: لَمّا مَرِضَتْ فاطِمَةُ بِنْتُ النَّبِيِّ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ وَصَّتْ إِلىٰ عَلِيٍّ صَلَواتُاللهِعَلَيْهِ أَنْ يَكْتُمَ أَمْرَها وَ يُخْفِيَ خَبَرَها وَ لا يُؤْذِنَ أَحَداً بِمَرَضِها فَفَعَلَ ذٰلِكَ وَ كانَ يُمَرِّضُها بِنَفْسِهِ وَ تُعينُهُ عَلىٰ ذٰلِكَ أَسْماءُ

بِنْتُ عُمَيْسٍ رَحِمَهَا اللهُ عَلَى اسْتِسْرارٍ بِذٰلِكَ كَما وَصَّتْ بِهِ فَلَمّا حَضَرَتْهَا الْوَفاةُ وَصَّتْ أَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامَ أَنْ يَتَوَلّىٰ أَمْرَها وَ يَدْفِنَها لَيْلاً وَ يُعَفِّيَ قَبْرَها فَتَوَلّىٰ ذٰلِكَ أَميرُالْمُؤْمِنينَ ع وَ دَفَنَها وَ عَفّىٰ مَوْضِعَ قَبْرِها فَلَمّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرابِ الْقَبْرِ هاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلىٰ خَدَّيْهِ وَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلىٰ قَبْرِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ فَقالَ: السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ مِنّي وَ السَّلامُ عَلَيْكَ مِن ابْنَتِكَ وَ حَبيبَتِكَ وَ قُرَّةِ عَيْنِكَ وَ زائِرَتِكَ وَ الْبائِتَةِ فِي الثَّرىٰ بِبُقْعَتِكَ وَ الْمُخْتارِ لَهَا اللهُ سُرْعَةَ اللَّحاقِ بِكَ قَلَّ يا رَسُولَ اللهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْري وَ ضَعُفَ عَنْ سَيِّدَةِ النِّساءِ تَجَلُّدي إِلّا أَنَّ فِي التَّأَسّي لي بِسُنَّتِكَ وَ الْحُزْنِ الَّذي حَلَّ بي بِفِراقِكَ مَوْضِعَ التَّعَزّي، ... .

و الأمالي، الشّيخ الطوسيّ: ص١٠٩ المجلس٤ ح١٦٦- ٢٠- از شيخ مفيد به سندش ... .

و دلائل الإمامة: ص١٣٨ ح٤٦/ ٤٦- أخبرني أبو الحسن عليّ بن هبة الله قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد ابن عليّ بن الحسين القميّ قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن الوليد قال: حدّثنا محمّد ابن الحسن الصفّار قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن عيسى قال: حدّثنا عليّ بن مسكان، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل بن عمر، عن جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليّ بن الحسين عليهم‌السّلام قال: قال لي أبي الحسين بن عليّ عليهماالسّلام: لمّا قُبِضَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلامُ دَفَنَها أَميرُالْمُؤْمِنينَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ وَ عَفىٰ عَلىٰ مَوْضِعِ قَبْرِها بِيَدِهِ، ثُمَّ قامَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلىٰ قَبْرِ النَّبِيِّ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ وَ قالَ: السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ عَنّي وَ السَّلامُ عَنِ ابْنَتِكَ وَ زائِرَتِكَ، وَ الْبائِتَةِ فِي الثَّرىٰ بِبُقْعَتِكَ، وَ الْمُخْتارُاللهُ لَهَا سُرْعَةَ اللَّحاقِ بِكَ؛ قَلَّ يا رَسُولَ اللهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْري، وَ عَفا عَنْ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ تَجَلُّدي، إِلّا أَنَّ لي فِي التَّأَسّي بِسُنَّتِكَ فِي فُرْقَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ، ... .

و روضة الواعظين: ج١ ص١٥٢ - و روي أنّ أمير المؤمنين عليه‌السّلام قال عِنْدَ دَفْنِ فاطمة عليهاالسّلام: السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ عَنّي وَ عَنِ ابْنَتِكَ النّازِلَةِ فِي جِوارِكَ وَ السَّريعَةِ اللَّحاقِ بِكَ قَلَّ يا رَسُولَ اللهِ عَنْ صَفِيَّتِكَ صَبْري وَ رَقَّ عَنْها تَجَلُّدي إِلّا أَنَّ لي فِي التَّأَسّي بِعِظَمِ فُرْقَتِكَ وَ فادِحِ مُصيبَتِكَ مَوْضِعَ تَعَزٍّ، ... .

و بشارة المصطفى لشيعة المرتضى: ص٢٥٩ - قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه قال: حدّثني أبي قال: حدّثنا أحمد بن إدريس قال: حدّثنا محمّد بن عبد الغفّار، عن القاسم بن محمّد الرّازيّ، عن عليّ بن محمّد الهرمزداريّ [الهرمزانيّ]، عن عليّ بن الحسين، عن أبيه الحسين عليهماالسّلام قال:.

و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٦٤- و روي أنّ أمير المؤمنين عليه السّلام قال عند دفنها عليهاالسّلام:. و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٥٠٤- و قال عليّ عليه السّلام عند دفن فاطمة عليهاالسّلام كالمناجي بذلك رسول الله صلّى الله عليه وآله عند قبره:. و نهج البلاغة: ص٣١٩ الكلمة٢٠٢ - و من كلام له عليه السّلام روي عنه أنّه قاله عند دفن سيّدة النّساء فاطمة عليهاالسّلام كالمناجي به رسول الله صلّى الله عليه وآله عند قبره:.

١٢٦- سوره (٥٣) النّجم آيات٤-٦.

١٢٧ - سوره (١٧) الإسراء آيه٢٧.

١٢٨ - سوره (٣٠) الرّوم آيه ٣٩.

١٢٩ - سوره (٨) الأنفال آيه٤٢.

١٣٠ - سوره (٥٩) الحشر آيه ٨.

١٣١ - سوره (١٦) النحل آيه ٩١.

١٣٢ - تفسير فرات الكوفيّ: ص٢٣٦ ح٣١٩- حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر [محمّد بن عليّ] عليه السّلام قال: كنت معه جالساً فقال لي: إِنَّ اللهَ [تَعالىٰ] يقول: «إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبىٰ» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ الْإِحْسانِ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبىٰ فاطِمَةُ الزَّهْراءُ عَلَيْهَا السَّلامُ. و تفسير فرات الكوفيّ: ص٢٣٦ ح٣٢٠- حدّثني جعفر بن محمّد بن سعيد الأحمسيّ معنعناً، عن أبي جعفر عليه السّلام في قوله: «إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبىٰ» قال: الْعَدْلُ النَّبِيُّ، وَ الْإِحْسانِ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ، وَ ذِي الْقُرْبىٰ فاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلامُ. و تفسير فرات الكوفيّ:

ص٢٣٦ ح٣٢١- حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن أبي جعفر عليه‌السّلام: «إِنَّ اللهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِيتاءِ ذِي الْقُرْبى» قال: الْعَدْلُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ الْإِحْسانِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ ذِي الْقُرْبىٰ فاطِمَةُ وَ أَوْلادُها عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ.

١٣٣ - سوره (٤٢) الشّورى آيه٢٦: «ذٰلِكَ الَّذي يُبَشِّرُ اللهُ عِبادَهُ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فيها حُسْناً إِنَّ اللهَ غَفُورٌ شَكُورٌ».

١٣٤ - مناقب آل‌أبي‌طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٣٣٥- و دخل النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله على فاطمة فرآها منزعجةً فقال لها: ما لَكِ؟ قالت: الْحُمَيْراءُ افْتَخَرَتْ عَلىٰ أُمّي أَنَّها لَمْ تَعْرِفْ رَجُلاً قَبْلَكَ، وَ أَنَّ أُمّي عَرَفَتْها مُسِنَّةً. فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: «إِنَّ بَطْنَ أُمِّكِ كانَ لِلْإِمامَةِ وِعاءً». از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص٤٣ ب٣.

١٣٥ - سوره (١٤) إبراهيم عليه‌السّلام آيه ٣٥ و سوره (١٦) النحل آيه ١٩.

١٣٦ - سوره (١٤) ابراهيم عليه‌السّلام آيه ٢٩.

١٣٧ - تفسير القميّ: ج١ ص٨٥- حدّثني أبي، عن إسحاق بن الهيثم، عن سعد بن ظريف، عن الأصبغ بن نباتة: أنّ عليّاً عليه‌السّلام سئل عن قول الله عزّوجلّ: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ»؟ قال: السَّماواتُ وَ الْأَرْضُ وَ ما فيهِما مِنْ مَخْلُوقٍ فِي جَوْفِ الْكُرْسِيِّ، وَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَمْلاكٍ يَحْمِلُونَهُ بِإِذْنِ اللهِ؛ (فَأَمَّا الْمَلَكُ الْأَوَّلُ) فَفِي صُورَةِ الْآدَمِيّينَ، وَ هِيَ أَكْرَمُ الصُّوَرِ عَلَى اللهِ، وَ هُوَ يَدْعُو اللهَ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِبَني آدَمَ. (وَ الْمَلَكُ الثّاني) فِي صُورَةِ الثَّوْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الْبَهائِمِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَميعِ الْبَهائِمِ. (وَ الْمَلَكُ الثّالِثُ) فِي صُورَةِ النَّسْرِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الطَّيْرِ، وَ هُوَ يَطْلُبُ إِلَى اللهِ، وَ يَتَضَرَّعُ إِلَيْهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَميعِ الطَّيْرِ. (وَ الْمَلَكُ الرّابِعُ) فِي صُورَةِ الْأَسَدِ، وَ هُوَ سَيِّدُ السِّباعِ، وَ هُوَ يَرْغَبُ إِلَى اللهِ، وَ يَطْلُبُ الشَّفاعَةَ وَ الرِّزْقَ لِجَميعِ السِّباعِ. وَ لَمْ يَكُنْ فِي هٰذِهِ الصُّوَرِ أَحْسَنُ مِنَ الثَّوْرِ، وَ لا أَشَدُّ انْتِصاباً مِنْهُ، حَتَّى اتَّخَذَ الْمَلَأُ مِنْ بَني إِسْرائيلَ الْعِجْلَ إِلٰهاً، فَلَمّا

عَكَفُوا عَلَيْهِ وَ عَبَدُوهُ مِنْ دُونِ اللهِ خَفَضَ الْمَلَكُ الَّذي في صُورَةِ الثَّوْرِ رَأْسَهُ اسْتِحْياءً مِنَ اللهِ أَنْ عُبِدَ مِنْ دُونِ اللهِ شَيْءٌ يُشْبِهُهُ، وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ الْعَذابُ. ثمّ قال عليه‌السّلام: إِنَّ الشَّجَرَ لَمْ يَزَلْ حَصيداً كُلَّهُ حَتّىٰ دُعِيَ لِلرَّحْمانِ وَلَدٌ، أَعَزَّ الرَّحْمانُ وَ جَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ، فَكادَتِ السَّماواتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ، وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ، وَ تَخِرُّ الْجِبالُ هَدًّا، فَعِنْدَ ذٰلِكَ اقْشَعَرَّ الشَّجَرُ، وَ صارَ لَهُ شَوْكٌ حِذارَ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ الْعَذابُ، فَما بالُ قَوْمٍ غَيَّرُوا سُنَّةَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ عَدَلُوا عَنْ وَصِيَّتِهِ فِي حَقِّ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ لا يَخافُونَ أَنْ يَنْزِلَ بِهِمُ الْعَذابُ؟!. ثمّ تلا هذه الآية: «الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْراً وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دارَ الْبَوارِ». ثمّ قال: نَحْنُ وَ اللهِ نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ اللهُ بِها عَلىٰ عِبادِهِ، وَ بِنا فازَ مَنْ فازَ.

و تفسير العيّاشيّ: ج٢ ص٢٢٩ ح٢٤- عن الأصبغ بن نباتة قال: قال أمير المؤمنين صلوات الله عليه في قول الله: «أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْراً» قال: قال: نَحْنُ نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ اللهُ بِها عَلَى الْعِبادِ.

١٣٨ - بصائر الدّرجات في فضائل آل محمّد صلّى الله عليهم: ص٦٣ ب٣ ح١٠- حدّثنا عبد الله بن عامر، عن العبّاس بن معروف، عن عبد الرّحمان بن أبي عبد الله البصريّ، عن أبي المعزى، عن أبي بصير، عن خيثمة، عن أبي جعفر عليه‌السّلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللهِ، وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَ نَحْنُ خِيَرَتُهُ، وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَواريثِ الْأَنْبِياءِ، وَ نَحْنُ أُمَناءُ اللهِ، وَ نَحْنُ حُجَّةُ اللهِ، وَ نَحْنُ أَرْكانُ الْإِيمانِ، وَ نَحْنُ دَعائِمُ الْإِسْلامِ، وَ نَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يَفْتَحُ اللهُ، وَ بِنا يَخْتِمُ، وَ نَحْنُ أَئِمَّةُ الْهُدىٰ، وَ نَحْنُ مَصابيحُ الدُّجىٰ، وَ نَحْنُ مَنارُ الْهُدىٰ، وَ نَحْنُ السّابِقُونَ، وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ، وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنا لَحِقَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنّا غَرِقَ، وَ نَحْنُ قادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَ نَحْنُ خِيَرَةُ اللهِ، وَ نَحْنُ الطَّريقُ، وَ صِراطُ اللهِ الْمُسْتَقيمُ إِلَى اللهِ، وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ الْمِنْهاجُ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النُّبُوَّةِ، وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسالَةِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ إِلَيْنا مُخْتَلَفُ الْمَلائِكَةِ، وَ نَحْنُ السِّراجُ لِمَنِ اسْتَضاءَ بِنا، وَ نَحْنُ السَّبيلُ لِمَنِ اقْتَدىٰ بِنا، وَ نَحْنُ الْهُداةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ نَحْنُ عِزُّ (عُرَى) الْإِسْلامِ، وَ نَحْنُ الْجُسُورُ، وَ الْقَناطِرُ، مَنْ

مَضىٰ عَلَيْها سَبَقَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها مَحَقَ، وَ نَحْنُ السَّنامُ الْأَعْظَمُ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ، وَ بِنا تُسْقَوْنَ الْغَيْثَ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يُصْرَفُ عَنْكُمُ الْعَذابُ، فَمَنْ عَرَفَنا، وَ نَصَرَنا، وَ عَرَفَ حَقَّنا، وَ أَخَذَ بِأَمْرِنا، فَهُوَ مِنّا، وَ إِلَيْنا. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج١ ص٢٠٦ ب٢١ ح٢٠- حدّثنا أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى، عن العبّاس بن معروف، عن عبد الله بن عبد الرّحمان البصريّ، عن أبي المغراء حميد بن المثنّى العجليّ، عن أبي بصير، عن خيثمة الجعفيّ، عن أبي جعفر عليه السّلام قال: سمعته يقول: نَحْنُ جَنْبُ اللهِ، وَ نَحْنُ صَفْوَتُهُ، وَ نَحْنُ حَوْزَتُهُ، وَ نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَواريثِ الْأَنْبِياءِ، وَ نَحْنُ أُمَناءُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ نَحْنُ حُجَجُ اللهِ، وَ نَحْنُ أَرْكانُ الْإِيمانِ، وَ نَحْنُ دَعائِمُ الْإِسْلامِ، وَ نَحْنُ مِنْ رَحْمَةِ اللهِ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ مَنْ بِنا يُفْتَحُ، وَ بِنا يُخْتَمُ، وَ نَحْنُ أَئِمَّةُ الْهُدىٰ، وَ نَحْنُ مَصابيحُ الدُّجىٰ، وَ نَحْنُ مَنارُ الْهُدىٰ، وَ نَحْنُ السّابِقُونَ، وَ نَحْنُ الْآخِرُونَ، وَ نَحْنُ الْعَلَمُ الْمَرْفُوعُ لِلْخَلْقِ، مَنْ تَمَسَّكَ بِنا لَحِقَ، وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنّا غَرِقَ، وَ نَحْنُ قادَةُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ، وَ نَحْنُ خِيَرَةُ اللهِ، وَ نَحْنُ الطَّريقُ الْواضِحُ، وَ الصِّراطُ الْمُسْتَقيمُ إِلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ نَحْنُ مِنْ نِعْمَةِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ الْمِنْهاجُ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ النُّبُوَّةِ، وَ نَحْنُ مَوْضِعُ الرِّسالَةِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ إِلَيْنا تَخْتَلِفُ الْمَلائِكَةُ، وَ نَحْنُ السِّراجُ لِمَنِ اسْتَضاءَ بِنا، وَ نَحْنُ السَّبيلُ لِمَنِ اقْتَدىٰ بِنا، وَ نَحْنُ الْهُداةُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ نَحْنُ عُرَى الْإِسْلامِ، وَ نَحْنُ الْجُسُورُ وَ الْقَناطِرُ، مَنْ مَضىٰ عَلَيْها لَمْ يُسْبَقْ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها مُحِقَ، وَ نَحْنُ السَّنامُ الْأَعْظَمُ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يُنْزِلُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ الرَّحْمَةَ، وَ بِنا يُسْقَوْنَ الْغَيْثَ، وَ نَحْنُ الَّذينَ بِنا يُصْرَفُ عَنْكُمُ الْعَذابُ، فَمَنْ عَرَفَنا، وَ أَبْصَرَنا، وَ عَرَفَ حَقَّنا، وَ أَخَذَ بِأَمْرِنا، فَهُوَ مِنّا، وَ إِلَيْنا.

١٣٩ - تفسير القميّ: ج١ ص٣٧٢- حدّثني أبي، عن محمّد بن أبي عمير، عن عثمان بن عيسى، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: سألته عن قول الله: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللهِ كُفْراً»؟ قال: نَزَلَتْ فِي الْأَفْجَرَيْنِ مِنْ قُرَيْشٍ، وَ مِنْ بَني أُمَيَّةَ، وَ بَني الْمُغيرَةِ. فَأَمّا بَنُو الْمُغيرَةِ فَقَطَعَ اللهُ دابِرَهُمْ يَوْمَ بَدْرٍ، وَ أَمّا بَنُو أُمَيَّةَ فَمُتِّعُوا إِلىٰ حينٍ. ثمّ قال: وَ نَحْنُ وَ اللهِ نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ بِها عَلىٰ عِبادِهِ، وَ بِنا يَفُوزُ مَنْ فازَ. و تفسير القميّ: ج١ ص٣٨٨- قال الصّادق عليه السّلام: نَحْنُ وَ اللهِ

نِعْمَةُ اللهِ الَّتي أَنْعَمَ اللهُ بِها عَلىٰ عِبادِهِ، وَ بِنا فازَمَنْ فازَ.

١٤٠ - سوره (٥) المائدة آيه ٤.

١٤١- در عيون أخبار الرّضا عليه‌السّلام: ج١ ص٢٢٥ ح٣- حدّثنا أبو محمّد جعفر بن النّعيم الشّاذانيّ رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن إدريس، حدّثنا إبراهيم بن هاشم، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن أبي الحسن عليّ بن موسى الرّضا، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ عليهم‌السّلام قال:. و در عيون أخبار الرّضا عليه‌السّلام: ج١ ص٢٢٥ ح٤- حدّثنا بهذا الحديث أحمد بن زياد بن جعفر الهمدانيّ رضي الله عنه، حدّثنا عليّ بن إبراهيم بن هاشم، عن أبيه، عن عليّ بن معبد، عن الحسين بن خالد، عن الرّضا، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام، عن رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله. و قد أخرجت ما رويته في هذا المعنى في كتاب مولد فاطمة عليهاالسّلام و فضائلها. از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص٩٢ ب٥ ح٣.

١٤٢ - الكافي: ج١ ص٤٦١ ح١٠- عدّة من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد، عن الوشّاء، عن الخيبريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال سمعته يقول: لَوْ لا أَنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ خَلَقَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عليه‌السّلام لِفاطِمَةَ ما كانَ لَها كُفْوٌ عَلىٰ ظَهْرِالْأَرْضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ.

مانند آن: تهذيب الأحكام: ج٧ ص٤٧٠ ب٤١ ح٩٠- أحمد بن محمّد، عن عمربن عبد العزيز، عن الخيبريّ، عن المفضّل، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: لَوْ لا أَنَّ اللهَ خَلَقَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ لَمْ يَكُنْ لِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كُفْوٌ عَلىٰ ظَهْرِالْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و الأمالي، الشيخ الطوسي: ص٤٣ المجلس٢ ح٤٦- ١٥ حدّثني جماعة، عن أبي غالب الزّراريّ، عن محمّد بن يعقوب، عن عدّة من أصحابه، عن أحمد بن محمّد، عن الوشّاء، عن الخيبريّ، عن يونس بن ظبيان، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: سمعته يقول: لَوْ لا أَنَّ اللهَ خَلَقَ أَميرَالْمُؤْمِنينَ لِفاطِمَةَ عَلَيْهِمَاالسَّلامُ ما كانَ لَها كُفْوٌ عَلَى الْأَرْضِ. و بشارة المصطفى: ج٢ ص٢٦٧ و كشف الغمّة: ج١ ص٤٧٢. و بحار الأنوار: ج١٠٠ ص٣٧٥ ب٢١ ح١٧ از مصباح الأنوار. و من لا يحضره الفقيه:

ج٣ ص٣٩٣ باب الأكفاء ح٤٣٨٣ - و قال رسول الله صلّى الله عليه و آله: لَوْ لا أَنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَ فاطِمَةَ لِعَلِيٍّ ما كانَ لَها عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ كُفْوٌ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ.

١٤٣ - الأمالي، ابن بابويه: ص٥٩٢ المجلس٨٦ ح١٨ و الخصال: ج٢ ص٤١٤ ح٣ و علل الشّرائع: ص١٧٨ ب١٤٢ ح٣-حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال: حدّثني عليّ بن الحسين السعدآباديّ، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ قال: حدّثني عبد العظيم بن عبد الله الحسنيّ قال: حدّثني الحسن بن عبد الله بن يونس، عن يونس بن ظبيان قال: قال أبو عبد الله الصّادق عليه‌السّلام: لِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ تِسْعَةُ أَسْماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ؛ فاطِمَةُ وَ الصِّدّيقَةُ وَ الْمُبارَكَةُ وَ الطّاهِرَةُ وَ الزَّكِيَّةُ وَ الرَّضِيَّةُ وَ الْمَرْضِيَّةُ وَ الْمُحَدَّثَةُ وَ الزَّهْراءُ. ثمّ قال: تَدْري لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ فاطِمَةَ؟ قلت: أخبرني يا سيّدي. قال: فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قال: ثمّ قال: لَوْ لا أَنَّ أَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ تَزَوَّجَها لَما كانَ لَها كُفْوٌ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و دلائل الإمامة: ص٧٩ ح١٩- أخبرني الشّريف أبو محمّد الحسن بن أحمد العلويّ المحمّديّ النّقيب، قال: أخبرني أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى القميّ رضي الله عنه، قال: حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل، قال: حدّثنا عليّ بن الحسين السّعدآباديّ، عن أحمد بن أبي عبد الله البرقيّ، عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنيّ، قال: حدّثني الحسن بن عبد الله، عن يونس بن ظبيان، قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: لِفاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ تِسْعَةُ أَسْماءٍ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: فاطِمَةُ، وَ الْمَذُوبَةُ، وَ الْمُبارَكَةُ، وَ الطّاهِرَةُ، وَ الزَّكِيَّةُ، وَ الرّاضِيَةُ، وَ الرَّضِيَّةُ، وَ الْمُحَدَّثَةُ، وَ الزَّهْراءُ. ثمّ قال عليه السّلام: أَ تَدْري أَيُّ شَيْءٍ تَفْسيرُ فاطِمَةَ؟ قلت: أخبرني يا سيّدي، فممّا فطمت؟ قال: مِنَ الشِّرْكِ. قال: ثمّ قال عليه السّلام: لَوْ لا أَنَّ أَميرَ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ تَزَوَّجَها لَما كانَ لَها كُفْوٌ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ عَلىٰ وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ. و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٨ و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٢ ص١٨١ و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٤٦٣ و الدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص٤٥٥ مانند الأمالي و الخصال و الشّرائع.

١٤٤ - تأويل الآيات الظاهرة: ص٧٦٦ به سند از جابر جعفی از امام جعفر صادق عليه‌السّلام فرمود: قَوْلُهُ عَزَّوَ جَلَّ: «وَ الْفَجْرِ» وَ الْفَجْرُ هُوَ الْقائِمُ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ، «وَ اللَّيالِي الْعَشْرُ» الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلامُ مِنَ الْحَسَنِ إِلَى الْحَسَنِ، «وَ الشَّفْعُ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ وَ فاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلامُ، «وَ الْوَتْرُ» هُوَ اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ، «وَ اللَّيْلِ إِذا يَسْرِ» هِيَ دَوْلَةُ حَبْتَرٍ، فَهِيَ تَسْري إِلىٰ قِيامِ الْقائِمِ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَهُ.

١٤٥ - الأمالي، الصّدوق: ص١٣٥ المجلس٢٨ ح٤ - حدّثنا محمّد بن موسى بن المتوكّل رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن يحيى العطّار، عن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب، عن حمّاد بن عيسى قال: حدّثنا الصّادق جعفربن محمّد، عن أبيه عليهماالسّلام قال: قال جابربن عبد الله سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول لعليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام قبل موته بثلاث: سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فَلَمّا قُبِضَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ لي رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فَلَمّا ماتَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. و معاني الأخبار: ص٤٠٣ ح٦٩- أبي رحمه الله قال: حدّثنا سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمّد بن عيسى قال: حدّثنا محمّد بن يونس قال: حدّثنا حمّاد بن عيسى قال: حدّثنا جعفربن محمّد، عن أبيه عليهماالسّلام قال: ... . و روضة الواعظين: ج١ ص١٥٢ قال جابر: ... . و بحارالأنوار: ج٣ ص٢٦١ ح٤ از الأمالی شيخ صدوق و معاني الأخبار.

١٤٦ - مسند أحمد بن حنبل، فضائل الصّحابة: ج٢ ص٦٢٣ ح ١٠٦٧- و فضائل (مناقب) عليّ بن أبي طالب عليه السّلام، أحمد بن محمّد بن حنبل الشّيبانيّ المتوفّى٢٤١ برواية إبنه عبد الله، تحقيق سيّد عبد العزيزالطّباطبائيّ: ص٢٣٤ ح١٨٩- حدّثنا محمّد بن يونس، قثنا حمّاد بن عيسى الجهنيّ [غريق الجحفة] قال: حدّثنا جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جابر بن عبدالله الأنصاريّ، قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله لعليّ بن أبي طالب: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا

الرَّيْحانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَذْهَبُ (يَنْهَدُّ) رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فلمّا ماتت فاطمة، قال: هٰذَا الرُّكْنُ الْآخَرُالَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ.

از او: الرياض النّضرة: ج٢ ص١٥٤ چاپ محمد أمين الخانجي در مصر و جواهر المطالب في مناقب الإمام عليّ عليه السّلام، الباعونيّ: ص٣٠ از كتاب مناقب علىّ عليه‌السّلام احمد حنبل. و تذكرة الخواصّ: ص٣٢٠ و سمط النجوم: ج٢ ص٤٨٥ و عمدة صحاح الأخبار، ابن البطريق: ص٨٠٣ ح ٢١٥ و ذخائر العقبى: ص٥٦ و أرجح المطالب ص ١٢ چاپ لاهور. زوائد القطيعيّ على فضائل الصّحابة: ج٢ ص٦٢٣ الرّقم١٠٦٧ و جزء ألف دينار: ص٤١٠ الرقم٢٦٩. و مناقب عليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام، ابن مردويه المتوفّى٤١٠: ص٢٠٤ ح٢٨٥ – عن جابر قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال لعليّ قبل موته بثلاثة أيّام: سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. قال: فلمّا ماتت فاطمة، قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. از او: كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج١ ص٦٦ از كتاب مناقب ابن مردويه: عن جابر رضي الله عنه قال: ... . و كتاب ألقاب الرّسول و عترته عليهم‌السّلام (ضمن مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمّة عليهم السّلام): ب٢ ص٢٢٥ از ابن مردويه: حدّثنا أحمد بن إسحاق بن سنجاب، حدّثنا محمّد بن يونس موسى، حدّثنا حمّاد بن عيسى، حدّثنا جعفربن محمّد، عن أبيه، عن جابر، سمعت رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم يقول لعليّ عليه السّلام قبل موته بثلاث: ... . و مفتاح النّجا: ص ٥٠ و أرجح المطالب: ص١٢ چاپ لاهور. و تنبيه الغافلين عن فضائل الطّالبين، المحسن بن كرامة المتوفّى٤٩٤: ص٤٣– روى السّيّد الإمام أبو طالب بأسناده عن جابر، قال: سمعت رسول الله صلّى الله عليه وآله وسلم قبل موته بثلاث، و هو يقول لعليّ سلام الله عليه: يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ

الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ النَّبِيُّ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. قال: فلمّا ماتت فاطمة، قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. و تاريخ مدينة دمشق، إبن عساكر ت٥٧١: ج١٤ ص١٦٧- أخبرنا أبو طالب عليّ بن عبد الرّحمان، أنا أبو الحسن عليّ بن الحسن، أنا أبو محمّد بن النّحّاس، أنا أبو سعيد بن الأعرابيّ، نا محمّد بن يونس، نا أبو العبّاس الحارثيّ، نا حمّاد بن عيسى الجهنيّ بالجحفة، نا جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم لعليّ: سَلامٌ عَلَيْكُمْ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَنْهَدَّ رُكْنَيَّ، وَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ خَليفَتي عَلَيْكَ. قال: فلمّا مات النّبيّ قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. فلمّا ماتت فاطمة، قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. و أخبرنا أبو العلاء عنيس و أبو الوفاء عتيق ابنا محمّد بن عنيس و أبو بكر ناصر بن منصور بن محمّد الشوكانيّون قالوا: أنا أبو طاهر محمّد بن عبيس بن محمّد بن عبيس الفقيه، أنا أبو الحسن أحمد بن محمّد بن أحمد بن عبدوس بن كامل السّرّاج الفقيه المعروف بالزّعفرانيّ، نا أبو بكر أحمد بن جعفر بن حمدان بن مالك القطيعيّ، نا محمّد بن يونس بن موسى القرشيّ سنة أربع وثمانين ومائتين، نا حمّاد بن عيسى الجهنيّ، نا جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم لعليّ بن أبي طالب: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. فلمّا ماتت فاطمة، قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. و ملحقات إحقاق الحق: ج٢٠ ص٤٣٩ از: توضيح الدلائل: ص١٣٤ و النسخة مصورة من مكتبة الملي بفارس) قال: عن جابر رضي الله تعالى عنه قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وبارك‌وسلّم يقول لعليّ عليه السّلام قبل موته بثلاث:

سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. و غاية المرام في رجال البخاري إلى سيّد الأنام، الشيخ محمّد البازليّ المتوفّى سنة ٩٢٥: ص٧٦ نسخه كتاب‌خانه جستربيتي در ايرلند)- قال جابر: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول لعليّ قبل موته بثلاث: سلام عليك يا أبا الريحانتين، أوصيك بريحانتي من الدنيا، وعن قليل ينهدم ركناك والله خليفتي عليك. فلما قبض رسول الله صلى الله عليه وسلم قال عليّ: هذا أحد ركني الذي قال رسول الله صلى الله عليه وسلم، فلما ماتت فاطمة قال: هذا الركن الثاني. و معرفة الصّحابة: ج١ ص٨٧ الرّقم٣٤١ و حلية الأولياء، أبونعيم الإصبهانيّ ت٤٣٠، چاپخانه السّعادة مصر: ج٣ ص٢٠١- حدّثنا أبو بكر بن خلّاد (و أبو بحر محمّد بن الحسن- الحلية) و أحمد بن جعفر بن حمدان، قالا: ثنا محمّد بن يونس، ثنا حمّاد بن عيسى غريق الجحفة، ثنا جعفر، عن أبيه، عن جابر قال: سمعت رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله يقول لعليّ بن أبي طالب قبل موته بثلاث(ـة أيّام): سَلامٌ (اللهِ) عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا خَيراً؛ فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. قال: فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله، قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذَيْنِ قالَ لي رَسولُ اللهِ صلّى‌الله‌عليه‌وآله. فلمّا ماتت فاطمة رضي الله عنها قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذا رُكْنِيَ الثّانِي الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. و در حلية‌الأولياء اضافه نمود: هذا حديث غريب من حديث جعفر، تفرّد به عنه حمّاد بن عيسى ويُعرف بغريق الجحفة، لم نكتبه إلّامن حديث محمّد بن يونس عالياً. از او: مقتل الحسين عليه‌السّلام، الخوارزميّ ت٥٦٨: ص٦٢ طبعة الغريّ و چاپ ديگرى: ج١ ص٦٢ و چاپ دار أنوار الهدى قم: ج١ الفصل٥ ح٣١- عن أبي العلاء، أخبرنا أبوعليّ الحدّاد، عن أبي نعيم، أخبرنا أبو بكر بن خلّاد، أخبرنا محمّد بن يونس، أخبرنا حمّاد بن عيسى، أخبرنا جعفر، عن أبيه عليهما السّلام، عن جابر قال: سمعت رسول الله صلّى الله عليه و آله يقول لعليّ بن أبي طالب عليه السّلام قبل موته بثلاث: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض رسول

الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيِ الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ. فلمّا ماتت فاطمة، قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذَا الثّانِي الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ. و كفاية الطّالب: ص٢١٢- أخبرنا أبو طالب عبداللّطيف بن القبيطيّ و الخطيب أبوتمّام قالا: أخبرنا محمّد بن عبدالباقي، أخبرنا أبوالفضل بن أحمد الأصبهاني، حدّثنا أحمد بن عبدالله، حدّثنا، حدّثنا أبوبكربن خلّاد و أبو بحر محمّد بن الحسن قالا: حدّثنا محمّد بن يونس السّاميّ، حدّثنا حمّاد بن عيسى الجهنيّ، حدّثنا جعفربن محمّد، عن أبيه، عن جابر: أنّ رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال لعليّ بن أبي طالب: سَلامٌ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا خَيْراً، فَعَنْ قَليلٍ يَهْدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذَيْنِ قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فلمّا ماتت فاطمة عليهاالسّلام، قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. و اضافه نمود: قلت: هذا حديث حسن عال من حديث جعفربن محمّد، تفرّد به حمّاد ابن عيسى، و يعرف بغريق الجحفة، لم نكتبه إلّا من حديث محمّد بن يونس السّاميّ عالياً. و ميزان الإعتدال: ج٤ ص٧٦- از حلية الأولياء. و فردوس الأخبار: ص١٨٥ مخطوط- روي عن جابر قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله لعليّ: سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَهْدُّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكُمْ. قال: فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال عليّ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ. فلمّا ماتت فاطمة قال: هٰذَا الرُّكْنُ الثّاني. و كنز العمّال: ج١٣ ص٦٦٤ و فضائل الخمسة: ج٣ ص٢٢٧. فضائل الصّحابة، أبونعيم الإصبهانيّ: ج٢ ص٧٧٣ الرّقم١٠٦٧- حدّثنا محمّد بن يونس، ثنا حمّاد بن عيسى الجهنيّ، ثنا جعفربن محمّد، عن أبيه، عن جابربن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله صلّى الله عليه (و آله) و سلّم لعليّ بن أبي طالب: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَذْهَبُ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فلمّا

ماتت فاطمة قال: هُوَ الرُّكْنُ الْآخَرُ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و مانند الحلية: مناقب عليّ بن أبي طالب عليه السّلام، أخطب خوارزم ت٥٦٨: ص١٤١ ح١٦٠ – و أنبأني الأمام الحافظ أبو العلاء الحسن بن أحمد العطّار الهمدانيّ إجازة، أخبرنا الحسن بن أحمد المقري، أخبرنا أحمد بن عبد الله الحافظ، حدّثنا أبو بكر بن خلّاد و أحمد بن جعفر بن حمدان قالا: حدّثنا محمّد بن يونس، حدّثنا حمّاد بن عيسى غريق الجحفة، حدّثنا جعفر، عن أبيه، عن جابر قال: سمعت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يقول لعليّ بن أبي طالب عليه السّلام قبل موته بثلاث: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدَّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. قال: فلمّا قبض رسول الله صلّى الله عليه وآله قال عليّ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فلمّا ماتت فاطمة قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّانِي الَّذي قالَ لي رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و فرائد السّمطين: ج١ ص٣٨٢ ح٣١٤- أخبرنا الشّيخ الصّالح إبراهيم بن محمّد ابن شيخ الإسلام عمر بن محمّد السّهروردي بقراءتي عليه ببغداد، قلت له: أخبرك الشّيخ أبو الحسن عليّ ابن عبدالله بن المعتزّ البغداديّ إجازة بروايته عن أبي الفضل محمّد بن ناصر إجازة بروايته، عن الحافظ أبي محمّد الحسن بن أحمد السّمرقنديّ قال: حدّثني الشّيخ الإمام العارف أبو بكر محمّد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب الكلاباذيّ البخاريّ رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن يعقوب البيكنديّ قال: حدّثنا الكديميّ قال: حدّثنا حمّاد ... . و نظم درر السّمطين: ص٩٨- عن جابر رضي الله عنه قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لعليّ بن أبي طالب قبل موته بثلاثة أيام: سَلامٌ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدَّ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض رسول الله صلّى الله عليه وآله قال عليّ: هٰذا أَحَدُ رُكْنَيَّ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. فلمّا ماتت فاطمة رضي الله عنها قال عليّ: هٰذَا رُكْنِيَ الثّانِي الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. و مسند فاطمة عليها السّلام، السّيوطيّ ص٧٣ چاپ خانه عزيزية حيدر آباد هند: از معرفة الصّحابة ابو نعيم و ديلمى و ابن النّجّار از جابر. و كنز العمّال: ج١٣ ص٦٦٤- ح٣٧٦٨٨ از معرفة الصّحابة أبو

نعيم و از ديلمى و ابن النّجّار و غيرآن‌ها. و كنزالعمّال: ج١١ ص ٦٢٥ ح ٣٣٠٤٤ از أبونعيم و إبن عساكر: سلام عليك أبا الريحانتين ! أوصيك بريحانتي من الدنيا ، فعن قليل ينهدم ركناك ، والله خليفتي عليك - قاله لعليّ. و الفائق في غريب الحديث: ج١ ص١٦٢- حديث عليّ عليه السلام: أَن رسول الله صلى الله تعالى عليه و سلم قال له: أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ؛ أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ خَيْراً فِي الدُّنْيا قَبْلَ أَنْ يَنْهَدَّ رُكْناكَ. فلما مات رسولُ الله صلّى‌الله‌تعالى‌عليه‌وآله‌وسلّم قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْن، فلما ماتت فاطِمَةُ قال: هٰذَا الرُّكْنُ الْآخَرُ. و النّهاية في غريب الحديث و الأثر: ج٢ ص٢٨٨- الحديث: قال لعليّ رضى الله عنه: أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ خَيْراً فِي الدُّنْيا قَبْلَ أَنْ يَنْهَدَّ رُكْناكَ. فلمّا مات رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ، فلمّا ماتت فاطمة رضى الله عنها قال: هٰذَا الرُّكْنُ الْآخَرُ. و لسان العرب: ج٢ ص٤٥٩- و في الحديث: قال لعليّ رضي الله عنه: أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ خَيْراً قَبْلَ أَن يَنْهَدَّ رُكْناكَ. فلمّا مات رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ، فلمّا ماتت فاطمة قال: هٰذَا الرُّكْنُ الْآخَرُ. و تاج العروس من جواهر القاموس: ج٤ ص٦٢- و في آخر: قال لعليّ رضي الله عنه: أُوصيك برَيْحانَتَيَّ خَيْراً قبلَ أَنْ يَنْهَدَّ رُكْناكَ. فلمّا مات رسولُ الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم قال: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَينِ. فلمّا ماتت فاطمة قال: هٰذا الرُّكْنُ الآخَرُ.

و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٣٦١- السّمعانيّ في الرسّالة و أبونعيم في الحلية و أحمد في فضائل الصّحابة و النّطنزيّ في الخصائص و ابن مردويه في فضائل أمير المؤمنين عليه‌السّلام و الزمخشريّ في الفائق: عن جابر: قال رسول الله لعليّ قبل موته: السَّلامُ عَلَيْكَ أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا، فَعَنْ قَليلٍ يَنْهَدُّ رُكْناكَ عَلَيْكَ. قال: فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال عليّ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ. فلمّا ماتت فاطمة قال عليّ: هٰذَا الرُّكْنُ الثّاني. و مقصد الراغب: ١٢٢ (مخطوط) و تحقيق مكتبة العلّامة المجلسى: ص٣٢٠ ب٢٣ ح١/٢٨٣ – قال السّمعانيّ في كتابه: من رواية جابربن عبد الله: أنّ رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال لعليّ عليه‌السّلام: «سَلامٌ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ، أُوصيكَ بِرَيْحانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيا؛ فَعَنْ

قَليلٍ يَذْهَبُ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فَلَمّا قُبِضَ رَسولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ قالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ. فَلَمّا ماتَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ قالَ: هٰذا الرُّكْنُ الثّاني». و ح٢/٢٨٤- و أخبرني والدي قال: أخبرنا أبو منصور عبد الله بن محمّد بن هبة الله قال: أخبرنا الشّريف الخطيب أبو الغنائم محمّد بن محمّد بن المهتدي قال: جدّثنا أبو إسحاق إبراهيم بن عمر بن أحمد البرمكيّ قال: حدّثنا أبو بكر أحمد بن جعفر القطيعيّ قال: حدّثنا محمّد بن يونس قال: حدّثنا حمّاد بن عيسى الجهنيّ قال: حدّثنا جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله لعليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام: «سَلامُ اللهِ عَلَيْكَ يا أَبَا الرَّيْحانَتَيْنِ مِنَ الدُّنْيا، وَ عَنْ قَليلٍ يَذْهَبُ رُكْناكَ، وَ اللهُ خَليفَتي عَلَيْكَ. فلمّا قبض رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله قال عليّ عليه‌السّلام: هٰذا أَحَدُ الرُّكْنَيْنِ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. فلمّا ماتت فاطمة، قال: هٰذَا الرُّكْنُ الْآخَرُ الَّذي قالَ رَسولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ. ر.ک. مجمع بحار الأنوار: ج٢ ص٥٣ و تأريخ الخميس: ج٢ ص ٢٧٥ و مناقب العشرة: ج٤ ص٢٣٢ و شرح المرقاة: ص٥٩٧ و كنوز الحقائق: ص٧٩. و موسوعه ملحقات إحقاق الحقّ از بسیاری از منابع عامّه این روایت را نقل کرده است که آدرس آن‌ها را در ملحقات در این‌جا می‌آوریم:ج٤ ص٢٣٧ و ٣٦٧ و ج١٠ ص٦٢٢ و ٦٢٣ و ٦٢٤ و ج١٥ ص٥٩٩ و ٦٠٠ و ج١٩ ص١٧٤ و ٢٨٤ و ج٢٠ ص٤٣٨ و ٤٣٩ و ج٢١ ص٦٧٧ و ٦٧٨ و ج٢٢ ص٢٣٥ و ٢٣٦ و ج٢٣ ص٥٨٢ و ٥٨٧ و ج٢٥ ص٢٠٠ و ٢٥٥ و ج٢٦ ص١٧٥ و ج٣٠ ص١٤٢ و ١٥١.

١٤٧- الأصول السّتّة عشر (دار الشبستري): ص٨٩ و دار الحديث: ص٢٦٦ ح٥٤/٣٨١- (كتاب محمّد بن المثنّى بن القسم الحضرميّ) رواية هارون بن موسى التلعكبريّ، عن أبي عليّ محمّد بن همّام بن سهل الكاتب: بسم الله الرّحمان الرّحيم حدّثنا الشيخ أبو محمّد هراون بن موسى بن أحمد التلعكبريّ أيّده الله قال: حدّثنا محمّد بن همّام قال: حدّثنا حميد بن زياد الدهقان قال: حدّثنا أبو جعفر أحمد بن زيد بن جعفر الأزديّ البزّاز قال: حدّثنا محمّد بن المثنّى بن

القسم الحضرميّ قال: حدّثنا جعفربن محمّد بن شريح الحضرميّ، عن ذريح المحاربيّ): جعفر، عن ذريح، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: كنّا عنده فقال: إِحْتَجَّ (يَحْتَجُّ- دار الحديث) عَلَيْهِمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السّلام بِأَنْ قالَ: وَ اللهِ إِنَّ مِنّا لَرَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ إِنَّ مِنّا حَمْزَةَ سَيِّدَ الشُّهَداءِ، وَ إِنَّ مِنَّا الْإِمامَ الْمُفْتَرَضَ الطّاعَةِ، مَنْ أَنْكَرَهُ ماتَ إِنْ شاءَ يَهُودِيّاً، وَ إِنْ شاءَ نَصْرانِيّاً. ثُمَّ قالَ: وَ اللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ قَطُّ مُنْذُ قَبَضَ اللهُ آدَمَ إِلّا وَ فيها مَنْ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ وَ هُوَ حُجَّةُ اللهِ إِلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا حَقّاً عَلَى اللهِ. و المحاسن: ج١ ص٩٢ ب١٧ ح٤٥- عن إسماعيل بن مهران، عن رجل، عن أبي المغراء، عن ذريح، عن أبي حمزة، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: مِنَّا الْإِمامُ الْمَفْرُوضُ طاعَتُهُ، مَنْ جَحَدَهُ ماتَ يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرانِيّاً، وَ اللهِ ما تَرَكَ اللهُ الْأَرْضَ (ما تُرِكَ الْأَرْضُ- العقاب) مُنْذُ قَبَضَ اللهُ (عَزَّوَ جَلَّ - العقاب) آدَمَ إِلّا وَ فيها إِمامٌ يُهْتَدىٰ بِهِ إِلَى اللهِ، حُجَّةً عَلَى الْعِبادِ، مَنْ تَرَكَهُ هَلَكَ، وَ مَنْ لَزِمَهُ نَجا، حَقّاً عَلَى اللهِ.

١٤٨ - دلائل الإمامة: ص١٠٤-١٠٦ ح٣٤ - حدّثني أبو الحسين محمّد بن هارون بن موسى التّلّعكبريّ قال:حدّثنا أبي قال: حدّثنا أبو عليّ محمّد بن همّام قال: حدّثنا جعفربن محمّد بن مالك الفزاريّ قال: حدّثنا محمّد بن أحمد بن حمدان قال: حدّثني عليّ بن سليمان و جعفرابن محمّد، عن عليّ بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء و عليّ بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفرمحمّد بن عليّ عليه‌السّلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أُنْزِلَ عَلَيْها بَعْدَ مَوْتِ أَبيها. فقلت: ففيه شيء من القرآن؟ قال: ما فيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ. قال: قلت: فصفه لي. قال: لَهُ دَفَّتانِ مِنْ زَبَرْجَدَتَيْنِ عَلىٰ طُولِ الْوَرَقِ وَ عَرْضِهِ حَمْراوَيْنِ. قلت له: جعلت فداك صف لي ورقه. قال: وَرَقُهُ مِنْ دُرٍّ أَبْيَضَ قيلَ لَهُ: (كُنْ) فَكانَ. قلت: جعلت فداك، فما فيه؟ قال: فيهِ خَبَرُما كانَ، وَ خَبَرُما يَكُونُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ فيهِ خَبَرُ سَماءٍ سَماءٍ، وَ عَدَدُ ما في سَماءٍ سَماءٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ، وَ غَيْرُ ذٰلِكَ، وَ عَدَدُ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللهُ مُرْسَلاً وَ غَيْرَ مُرْسَلٍ، وَ أَسْماؤُهُمْ، وَ أَسْماءُ الَّذينَ أُرْسِلُوا إِلَيْهِمْ، وَ أَسْماءُ مَنْ كَذَّبَ وَ مَنْ أَجابَ مِنْهُمْ، وَ فيهِ أَسْماءُ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْكافِرينَ، مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، وَ أَسْماءُ الْبُلْدانِ، وَ صِفَةُ كُلِّ بَلَدٍ في شَرْقِ

الْأَرْضِ وَ غَرْبِها، وَ عَدَدُ ما فيها مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَ عَدَدُ ما فيها مِنَ الْكافِرينَ، وَ صِفَةُ كُلِّ مَنْ كَذَّبَ، وَ صِفَةُ الْقُرُونِ الْأُولىٰ وَ قِصَصُهُمْ، وَ مَنْ وُلِّيَ مِنَ الطَّواغيتِ وَ مُدَّةُ مُلْكِهِمْ وَ عَدَدُهُمْ، وَ فيهِ أَسْماءُ الْأَئِمَّةِ وَ صِفَتُهُمْ، وَ ما يَمْلِكُ واحِداً واحِداً، وَ فيهِ صِفَةُ كَرّاتِهِمْ، وَ فيهِ صِفَةُ جَميعِ مَنْ تَرَدَّدَ فِي الْأَدْوارِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ. قال: قلت: جعلت فداك و كم الأدوار؟ قال: خَمْسُونَ أَلْفَ عامٍ، وَ هِيَ سَبْعَةُ أَدْوارٍ؛ وَ فيهِ أَسْماءُ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ وَ آجالُهُمْ، وَ صِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ عَدَدُ مَنْ يَدْخُلُها، وَ عَدَدُ مَنْ يَدْخُلُ النّارَ، وَ أَسْماءُ هٰؤُلاءِ وَ أَسْماءُ هٰؤُلاءِ، وَ فيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَما أُنْزِلَ، وَ عِلْمُ التَّوْراةِ كَما أُنْزِلَتْ، وَ عِلْمُ الْإِنْجيلِ (كَما أُنْزِلَ-خل)، وَ (عِلْمُ-خل) الزَّبُورِ، وَ عَدَدُ كُلِّ شَجَرَةٍ وَ مَدَرَةٍ فِي جَميعِ الْبِلادِ. قال أبو جعفر عليه‌السّلام: فَلَمّا أَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُنْزِلَهُ عَلَيْها، أَمَرَ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرافيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيَنْزِلُوا بِهِ عَلَيْها، وَ ذٰلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثُّلُثِ الثّاني مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْها وَ هِيَ قائِمَةٌ تُصَلّي، فَما زالُوا قِياماً حَتّىٰ قَعَدَتْ، فَلَمّا فَرَغَتْ مِنْ صَلاتِها سَلَّمُوا عَلَيْها، وَ قالُوا لَها: السَّلامُ يُقْرِئُكَ السَّلامَ. وَ وَضَعُوا الْمُصْحَفَ في حَجْرِها، فَقالَتْ لَهُمْ: اللهُ السَّلامُ، وَ مِنْهُ السَّلامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلامُ، وَ عَلَيْكُمْ يا رُسُلَ اللهِ السَّلامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّماءِ، فَما زالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْفَجْرِ إِلىٰ زَوالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُهُ، حَتّىٰ أَتَتْ عَلىٰ آخِرِهِ. وَ لَقَدْ كانَتْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها طاعَتُها مَفْرُوضَةً عَلىٰ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْجِنِّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهائِمِ (وَ الْوَحْشِ-خل)، وَ الْأَنْبِياءِ، وَ الْمَلائِكَةِ. فقلت: جعلت فداك فلمّا مضت إلى من صار ذلك المصحف؟ فقال: دَفَعَتْهُ إِلىٰ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، فَلَمّا مَضىٰ صارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عِنْدَ أَهْلِهِ حَتّىٰ يَدْفَعُوهُ إِلىٰ صاحِبِ هٰذَا الْأَمْرِ. فقلت: إنّ هذا العلم كثير! فقال: يا أَبا مُحَمَّدٍ! إِنَّ هٰذَا الَّذي وَصَفْتُهُ لَكَ لَفي وَرَقَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِهِ، وَ ما وَصَفْتُ لَكَ بَعْدَ ما فِي الْوَرَقَةِ الثّالِثَةِ، وَ لا تَكَلَّمْتُ بِحَرْفٍ مِنْهُ.

١٤٩ – سوره (٤) النساء آيه ٦٠.

١٥٠– الإختصاص: ص٩٠ – أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن جعفر عليهما السّلام قال: سمعته يقول: مَنْ كانَتْ لَهُ إِلَى

اللهِ حاجَةٌ، وَ أَرادَ أَنْ يَرانا، وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللهِ، فَلْيَغْتَسِلْ ثَلاثَ لَيالٍ، يُناجي بِنا، فَإِنَّهُ يَرانا، وَ يُغْفَرُلَهُ بِنا، وَ لا يَخْفىٰ عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قلت: سيّدي! فإن رجلاً رآك في منامه و هو يشرب النّبيذ؟ قال: لَيْسَ النَّبيذُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دينَهُ، إِنَّما يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرْكُنا، وَ تَخَلُّفُهُ عَنّا. إِنَّ أَشْقىٰ أَشْقِيائِكُمْ مَنْ يُكَذِّبُنا فِي الْباطِنِ بِما يُخْبَرُ عَنّا، يُصَدِّقُنا فِي الظّاهِرِ، وَ يُكَذِّبُنا فِي الْباطِنِ. نَحْنُ أَبْناءُ نَبِيِّ اللهِ، وَ أَبْناءُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَبْناءُ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السّلام، وَ أَحْبابُ رَبِّ الْعالَمينَ. نَحْنُ مِفْتاحُ الْكِتابِ، فَبِنا نَطَقَ الْعُلَماءُ، وَ لَوْ لا ذٰلِكَ لَخَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنارَ، وَ عَرَّفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُالْبَيْتِ فِي السَّماءِ وَ الْأَرْضِ، بِنا غُفِرَ لِآدَمَ، وَ بِنَا ابْتُلِيَ أَيُّوبُ، وَ بِنَا افْتُقِدَ يَعْقُوبُ، وَ بِنا حُبِسَ يُوسُفُ، وَ بِنا دُفِعَ الْبَلاءُ، بِنا أَضاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلىٰ عَرْشِ رَبِّنا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرُ النَّبِيّينَ، وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ، وَ فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ. أَنَا خاتَمُ الْأَوْصِياءِ، أَنَا طالِبُ الْبابِ، أَنَا صاحِبُ الصِّفّينِ، أَنَا الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صاحِبُ كَرْبَلاءَ. مَنْ أَحَبَّنا وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّنا كانَ مَعَنا، وَ مِمَّنْ فِي الظِّلِّ الْمَمْدُودِ، وَ الْماءِ الْمَسْكُوبِ. - و الحديث طويل و في آخره-: أَنَّ اللهَ اشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطّاعَةِ. و في حديث آخر: أَنَّ اللهَ خَلَقَنا قَبْلَ الْخَلْقِ بِأَلْفَيْ أَلْفِ عامٍ، فَسَبَّحْنا فَسَبَّحَتِ الْمَلائِكَةُ لِتَسْبيحِنا. از او: بحار الأنوار: ج٢٦ ص٢٥٨ ب٥ ح٣٣.

١٥١ - بسیاری از محدّثین و مؤرّخین خطبه فدکیّه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را نقل نموده‌اند: دلائل الإمامة: ص١٠٩ -١١٣ح٣٦ - به سندهای متّصل از: ابن عبّاس، و به چند سند از حضرت زینب علیهاالسّلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمّد باقر علیه‌السّلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشة و از زید بن علیّ بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله علیها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الإحتجاج) اللهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ؛ ... وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً (أَماناً - الإحتجاج) لِلْفُرْقَةِ، ... ». و الإحتجاج: ج١

ص٩٧-٩٩ - به سند خود از عبد الله محض. و كشف الغمّة: ج١ ص٤٨٠-٤٨٣ از كتاب السقيفة جوهرى به سندها و طرق خود: «... فَفَرَضَ اللهُ الْإِيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً لِلْفُرْقَةِ، ... ». الدّرّ النظيم فى مناقب الأئمّة اللهاميم: ص٤٦٥-٤٦٩- از ابن عبّاس از حضرت زينب عليهاالسّلام: «... فَفَرَضَ لَكُمُ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً لِلْفُرْقَةِ، ... ». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج٣ ص٥٦٧ و ٥٦٨ ح٤٩٤٠ - به سند خود از جابر از حضرت زينب عليهاالسّلام: «... فَفَرَضَ اللهُ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ الطّاعَةَ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمامَةَ لَمّاً مِنَ الْفُرْقَةِ، ... ». علل الشّرائع: ج١ ص٢٤٨ و ٢٤٩ب١٨٢ ح٢ و ٣ و ٤ - از أحمد بن محمّد بن جابر و جمعى از بنى هاشم و زيد بن علىّ، از حضرت زينب عليهاالسّلام: «... فَفَرَضَ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ الطّاعَةَ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمامَةَ لَمّاً مِنَ الْفُرْقَةِ، ... ». ر.ک: من لا يحضره الفقيه: ج٣ ص٥٦٨ ح٤٩٤٠.

١٥٢ - الكافي: ج١ ص١٩٨ ح١. و تحف العقول: ص٤٣٦ و الغيبة، النعماني: ص٢١٦ ب١٣ ح٦ و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج١ ص٢١٦ ب٢٠ ح١ و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج٢ ص٦٧٥ ب٥٨ ح٣٢ و معاني الأخبار: ص٩٦ ح٢ و الأمالي، ابن بابويه: ص٦٧٥ مجلس٩٧ ح١ و الإحتجاج: ج٢ ص٤٣٣ و الصراط المستقيم: ج١ ص٨٣. بحار الأنوار: ج٢٥ ص١٢٠ ب٤ ح٤ از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمالي و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

١٥٣ - عيون المعجزات: ص٥٤ و چاپ جديد عتبه حسينيّه عليه‌السّلام: ص١٠١ ح٢/٤١- و روي عن حارثة بن قدامة قال: حدّثني سلمان الفارسيّ قال: حدّثني عمّار و قال: أخبرك عجباً؛ قلت: حدّثني يا عمّار! قال: نعم، شهدت عليّ بن ابي طالب عليه‌السّلام و قد ولج على فاطمة عليهاالسّلام، فلمّا (أ)بصرت به نادت: أُذْنُ لِأُحَدِّثَكَ بِما كانَ وَ بِما هُوَ كائِنٌ وَ بِما لَمْ يَكُنْ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ حينَ تَقُومُ السّاعَةُ. قال (عمّار): فرأيت أمير المؤمنين عليه‌السّلام يرجع القهقرى، فرجعت برجوعه، إذ دخل على النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله فقال له: أُذْنُ يا أَبَا الْحَسَنِ، فدنا فلمّا

اطمأنّ به المجلس، قال له: تُحَدِّثُني أَمْ أُحَدِّثُكَ؟ فقال: الْحديثُ مِنْكَ أَحْسَنُ يا رَسولَ اللهِ. فقال: كَأَنّي بِكَ وَ قَدْ دَخَلْتَ عَلىٰ فاطِمَةَ وَ قالَتْ لَكَ كَيْتَ وَ كَيْتَ فَرَجَعْتَ؟ فقال عليّ عليه‌السّلام: نورُ فاطِمَةَ مِنْ نورِنا؟ فقال صلّى‌الله‌عليه‌وآله: أَ وَ لا تَعْلَمُ؟ فسجد عليّ شكراً لله تعالى. قال عمّار: فخرج أمير المؤمنين و خرجت بخروجه، فولج على فاطمة عليهاالسّلام و ولجت معه، فقالت: كَأَنَّكَ رَجَعْتَ إِلىٰ أَبي صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ فَأَخْبَرْتَهُ بِما قُلْتُهُ لَكَ؟ قال: كانَ كَذٰلِكَ يا فاطِمَةُ. فقالت: إِعْلَمْ يا أَبَا الْحَسَنِ! أَنَّ اللهَ تَعالىٰ خَلَقَ نُوري، وَ كانَ يُسَبِّحُ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ فَأَضاءَتْ، فَلَمّا دَخَلَ أَبي إِلَى الْجَنَّةِ أَوْحَى اللهُ تَعالىٰ إِلَيْهِ إِلْهاماً: أَنِ اقْتَطِفِ التَّمْرَةَ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَ أَدِرّها في لَهَواتِكَ، فَفَعَلَ، فَأَوْدَعَني اللهُ تَعالىٰ صُلْبَ أَبي صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، ثُمَّ أَوْدَعَني خَديجَةَ بِنْتَ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَاالسَّلامُ، فَوَضَعَتْني، وَ أَنَا مِنْ ذٰلِكَ النُّورِ، أَعْلَمُ ما كانَ، وَ ما يَكُونُ، وَ ما لَمْ يَكُنْ. يا أَبَا الْحَسَنِ! الْمُؤْمِنُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللهِ تَعالىٰ. از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص٨ ب١ ح١١.

١٥٤ – سوره (٥٥) الرحمان آيه٢٠: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ».

تفسير عليّ بن ابراهيم القمّي: ج٢ ص٣٤٤ و تفسير فرات الكوفي: ص٤٥٩ ح٦٠٠ از امام جعفر صادق عليه‌السّلام درباره اين آيه فرمود: عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ بَحْرانِ عَميقانِ لا يَبْغي أَحَدُهُما عَلىٰ صاحِبِهِ... – علىّ و فاطمه دو درياى ژرف اند كه هركدام بر ديگرى ستم نكند ... . و تفسير فرات الكوفي: ص٤٦٠ ح٦٠١ به سند خود از امام علىّ الرضا عليه‌السّلام درباره آيه فرمود: ذٰلِكَ عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ ... . و تفسير فرات كوفى: ص٤٥٩ ح٥٩٩ و ٦٠٢ از ابن عبّاس و أبو ذرّ غفارى رضى الله عنه درباره آيه فرمود: أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب و فاطمة عليهما السّلام... . و تفسير فرات الكوفي: ص٤٦١ ح٦٠٣ به سند خود از عبد الله بن مسعود در جمعى از مهاجرين و أنصار از او درباره اين آيه پرسيده شد وى گفت (مراد اين است كه): لا يَبْغي عَلِيٌّ عَلىٰ فاطِمَةَ وَ لا تَبْغي فاطِمَةُ عَلىٰ عَلِيٍّ، يُنْعِمُ عَلِيٌّ بِما أَعَدَّ اللهُ لَهُ وَ خَصَّهُ مِنْ نَعيمِهِ بِفاطِمَةَ. و شواهد التنزيل: ج٢ ص٢٨٤ ح٩١٨ الى ٩٢١ و ٩٢٣ به سند خود از ضحّاك و سلمان و ابن عبّاس

درباره این آیه گفتند(مقصود): عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ... . الخصال: ج۱ ص٦٥ ح٩٦ و روضة الواعظین: ج۱ ص۱٤۸ به سند خود از امام جعفرصادق علیه‌السّلام در تفسیراین آیه فرمود: عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ عَلَيْهِمَا السَّلامُ بَحْرانِ مِنَ الْعِلْمِ عَميقانِ لا يَبْغي أَحَدُهُما عَلىٰ صاحِبِهِ ... . الفضائل: ص۸۱ در خبر مفاخرت عليّ بن أبي طالب و فاطمة الزهراء عليهما السّلام آمده است که:... أمیر المؤمنین فرمود: أَنَا شيعَتي مِنْ عِلْمي يَسْطُرُونَ. حضرت فاطمه در پاسخ فرمود: وَ أَنَا مِنْ بَحْرِ عِلْمي يَغْتَرِفُونَ،... . مناقب آل أبي طالب علیهم السّلام: ج۳ ص۳۱۸ از کتاب‌های مخالفین؛ کتاب اللوامع و شرف المصطفی خرگوشی به سندش از سلمان، و أبو بکر شیرازی در کتابش از ابو صالح و ابو اسحاق ثعلبی و علیّ بن أحمد الطائی و أبو محمّد بن الحسن بن علویّة القطّان در تفسیرهایشان از سعید بن جبیر و سفیان ثوری، و ابو نعیم اصفهانی در کتاب ما نزل من القرآن في أمیر المؤمنین علیه‌السّلام از حمّاد بن سلمة از ثابت از انس، و از ابو مالك از ابن عبّاس، و قاضی نطنزی از سفیان بن عیینة از امام جعفرصادق علیه‌السّلام همه‌گی در تفسیرآیه گفتند که: عَلِيٌّ وَ فاطِمَةُ بَحْرانِ عَميقانِ لا يَبْغي أَحَدُهُما عَلىٰ صاحِبِهِ. و در روایتی چنین است: «بَيْنَهُما بَرْزَخٌ» رَسولُ اللهِ ... . مناقب آل أبی طالب علیهم السّلام: ج۳ ص۳۱۹ - أبو معاوية الضّرير، عن الأعمش، عن أبي صالح عن ابن عبّاس: أنّ فاطمة علیهاالسّلام بكت للجوع و العري فقال النّبيّ صلّی‌الله‌علیه‌وآله: إِقْنَعي يا فاطِمَةُ بِزَوْجِكِ، فَوَ اللهِ إِنَّهُ سَيِّدٌ فِي الدُّنْيا، سَيِّدٌ فِي الْآخِرَةِ. و أصلح بينهما، فأنزل الله: مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيانِ يَقُول:: أَنَا اللهُ أَرْسَلْتُ «الْبَحْرَيْنِ» عَلِيَّ بْنَ أَبِي طالِبٍ بَحْرَ الْعِلْمِ، وَ فاطِمَةَ بَحْرَ النُّبُوَّةِ، «يَلْتَقِيانِ» يَتَّصِلانِ، أَنَا اللهُ أَوقَعْتُ الْوُصْلَةَ بَيْنَهُما. از او: بحار الأنوار: ج۲٤ ص۹۹ ب۳٦ ح٦.

۱۵۵ - بصائر الدّرجات: ص۲۰۰ ب۹ ح۲- حدّثنا عبد الله بن محمّد، عن إبراهيم بن محمّد الثقفيّ، عن بعض رفعه إلى أبي عبد الله علیه‌السّلام أنّه قال: الْفَضْلُ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ وَ هُوَ الْمُقَدَّمُ عَلَى الْخَلْقِ جَميعاً، لَا يَتَقَدَّمُهُ أَحَدٌ، وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ الْمُتَقَدِّمُ مِنْ بَعْدِهِ، وَ الْمُتَقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ عَلِيٍّ كَالْمُتَقَدِّمِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ كَذٰلِكَ يَجْري لِلْأَئِمَّةِ مِنْ

بَعْدِهِ واحِداً بَعْدَ واحِدٍ، جَعَلَهُمُ اللهُ أَرْكانَ الْأَرْضِ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِها، وَ رابِطِيهِ عَلىٰ سَبِيلِ هُداهُ، لا يَهْتَدي هادٍ مِنْ ضَلالَةٍ إِلّا بِهِمْ، وَ لا يَضِلُّ خارِجٌ مِنْ هُدىً إِلّا بِتَقْصيرٍ عَنْ حَقِّهِمْ، وَ أُمَناءَ اللهِ عَلىٰ ما أَهْبَطَ اللهُ مِنْ عِلْمٍ أَوْ عُذْرٍ أَوْ نُذْرٍ، وَ شُهَداءَهُ عَلىٰ خَلْقِهِ، وَ الْحُجَّةَ الْبالِغَةَ عَلىٰ مَنْ فِي الْأَرْضِ، جَرىٰ لِآخِرِهِمْ مِنَ اللهِ مِثْلُ الَّذي أَوْجَبَ لِأَوَّلِهِمْ، فَمَنِ اهْتَدىٰ بِسَبِيلِهِمْ وَ سَلَّمَ لِأَمْرِهِمْ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِحَبْلِ اللهِ الْمَتِينِ وَ عُرْوَةِ اللهِ الْوُثْقىٰ، وَ لا يَصِلُ إِلىٰ شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ إِلّا بِعَوْنِ اللهِ، وَ إِنَّ أَميرَ الْمُؤْمِنينَ قالَ: أَنَا قَسيمُ بَيْنِ الْجَنَّةِ وَ النّارِ، لا يَدْخُلُها أَحَدٌ إِلّا عَلىٰ أَحَدِ قِسْمَيَّ، وَ إِنِّي الْفارُوقُ الْأَكْبَرُ، وَ قَرْنٌ مِنْ حَديدٍ، وَ بابُ الْإِيمانِ، وَ إِنِّي لَصاحِبُ الْعَصا وَ الْميسَمِ، لا يَتَقَدَّمُني أَحَدٌ إِلّا أَحْمَدُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَ إِنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيُدْعىٰ فَيُكْسا، ثُمَّ يُدْعىٰ فَيُسْتَنْطَقُ فَيَنْطِقُ، ثُمَّ أُدْعىٰ فَأَنْطِقُ عَلىٰ حَدِّ مَنْطِقِهِ، وَ لَقَدْ أَقَرَّتْ لي جَميعُ الْأَوْصِياءِ وَ الْأَنْبِياءِ بِمِثْلِ ما أَقَرَّتْ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ لَقَدْ أُعْطيتُ السَّبْعَ الَّتي لَمْ يَسْبِقَني إِلَيْها أَحَدٌ، عُلِّمْتُ الْأَسْماءَ، وَ الْحُكُومَةَ بَيْنَ الْعِبادِ، وَ تَفْسيرَ الْكِتابِ، وَ قِسْمَةَ الْحَقِّ مِنَ الْمَغانِمِ بَيْنَ بَني آدَمَ، فَما شَذَّ عَنّي مِنَ الْعِلْمِ شَيْءٌ إِلّا وَ قَدْ عَلَّمَنيهِ الْمُبارَكُ، وَ لَقَدْ أُعْطيتُ حَرْفاً يَفْتَحُ أَلْفَ حَرْفٍ، وَ لَقَدْ أُعْطِيَتْ زَوْجَتي مُصْحَفاً فيهِ مِنَ الْعِلْمِ ما لَمْ يَسْبِقْها إِلَيْهِ أَحَدٌ، خاصَّةً مِنَ اللهِ وَ رَسُولِهِ. از او: بحار الأنوار: ج۳۹ ص۳۴۳ ب۹۰ ح۱۵.

۱۵۶ - بصائرالدّرجات: ۱۵۱ ب۱۴ ح۷۰- حدّثنا أحمد بن محمّد، عن الحسين بن سعيد الجمّال، عن أحمد بن عمر، عن أبي بصير قال: دخلت على أبي عبد الله عليه‌السّلام فقلت له: إنّي أسألك جعلت فداك، عن مسألة ليس هاهنا أحد يسمع كلامي؟ فرفع أبو عبد الله عليه‌السّلام ستراً بيني و بين بيت آخر فاطّلع فيه ثمّ قال: يا أَبا مُحَمَّدٍ! سَلْ عَمّا بَدا لَكَ. قال: قلت: جعلت فداك إنّ الشّيعة يتحدّثون؛ أنّ رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله علّم عليّاً عليه‌السّلام باباً يفتح منه ألف باب. قال: فقال أبو عبد الله عليه‌السّلام: يا أَبا مُحَمَّدٍ! عَلَّمَ وَ اللهِ رَسُولُ اللهِ عَلِيّاً أَلْفَ بابٍ يُفْتَحُ لَهُ مِنْ كُلِّ بابٍ أَلْفُ بابٍ. قال: قلت له: و الله هذا لعلمٌ. فنكت ساعة! في الأرض ثمّ قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ ما هُوَ بِذٰلِكَ. ثمّ قال: يا أَبا مُحَمَّدٍ! وَ إِنَّ عِنْدَنَا الْجامِعَةَ وَ ما يُدْرِيهِمْ مَا الْجامِعَةُ؟ قال:

قلت: جعلت فداك و ما الجامعة؟ قال: صَحيفَةٌ طُولُها سَبْعُونَ ذِراعاً بِذِراعِ رَسُولِ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآله وَ إِمْلاءِ مِنْ فَلْقِ فيهِ وَ خَطِّ عَلِيٍّ بِيَمينِهِ فيها كُلُّ حَلالٍ وَ حَرامٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَحْتاجُ النّاسُ إِلَيْهِ حَتَّى الْأَرْشُ فِي الْخَدْشِ- و ضرب بيده إليّ فقال:- تَأْذَنُ لي يا أَبا مُحَمَّدٍ؟ قال: قلت: جعلت فداك إنّما أنا لك إصنع ما شئت. قال: فغمزني بيده فقال: حَتّىٰ أَرْشَ هٰذا كَأَنَّهُ مُغْضِبٌ. قال: قلت: جعلت فداك هذا و الله العلم. قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذٰلِكَ. ثمّ سكت ساعة ثمّ قال: إِنَّ عِنْدَنَا الْجَفْرَ وَ ما يُدْرِيهِمْ مَا الْجَفْرُ مِسْكُ شاةٍ أَوْ جِلْدُ بَعيرٍ. قال: قلت: جعلت فداك ما الجفر؟ قال: وِعاءٌ أَحْمَرُ أَوْ أدم [أَديمٌ] أَحْمَرُ فيهِ عِلْمُ النَّبِيّينَ وَ الْوَصِيّينَ. قلت: هذا و الله هو العلم. قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ ما هُوَ بِذٰلِكَ. ثمّ سكت ساعة ثمّ قال: وَ إِنَّ عِنْدَنا لَمُصْحَفَ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ وَ ما يُدْرِيهِمْ ما مُصْحَفُ فاطِمَةَ؟ قال: مُصْحَفٌ فيهِ مِثْلُ قُرْآنِكُمْ هٰذا ثَلاثَ مَرّاتٍ وَ اللهِ ما فيهِ مِنْ قُرْآنِكُمْ حَرْفٌ واحِدٌ إِنَّما هُوَ شَيْءٌ أَمْلاهَا اللهُ وَ أَوْحىٰ إِلَيْها. قال: قلت: هذا و الله هو العلم. قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ لَيْسَ بِذاكَ. قال: ثمّ سكت ساعةً ثمّ قال: إِنَّ عِنْدَنا لَعِلْمُ ما كانَ وَ ما هُوَ كائِنٌ إِلىٰ أَنْ تَقُومَ السّاعَةُ. قال: قلت: جعلت فداك هذا و الله هو العلم. قال: إِنَّهُ لَعِلْمٌ وَ ما هُوَ بِذاكَ. قال: قلت: جعلت فداك فأيّ شيء هو العلم. قال: ما يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ الْأَمْرُ بَعْدَ الْأَمْرِ وَ الشَّيْءُ بَعْدَ الشَّيْءِ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ. مانند آن: الكافي: ج١ ص٢٣٩ ح١.

١٥٧ - دلائل الإمامة: ص١٠٤-١٠٦ ح٣٤ - حدّثني أبو الحسين محمّد بن هارون بن موسى التّلّعكبريّ قال:حدّثنا أبي قال: حدّثنا أبو عليّ محمّد بن همّام قال: حدّثنا جعفر بن محمّد بن مالك الفزاريّ قال: حدّثنا محمّد بن أحمد بن حمدان قال: حدّثني عليّ بن سليمان و جعفر ابن محمّد، عن عليّ بن أسباط، عن الحسين بن أبي العلاء و عليّ بن أبي حمزة، عن أبي بصير، قال: سألت أبا جعفر محمّد بن عليّ عليه السّلام عن مصحف فاطمة صلوات الله عليها؟ فقال: أُنْزِلَ عَلَيْها بَعْدَ مَوْتِ أَبيها. فقلت: ففيه شيء من القرآن؟ قال: ما فيهِ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ. قال: قلت: فصفه لي. قال: لَهُ دَفَّتانِ مِنْ زَبَرْجَدَتَيْنِ عَلىٰ طُولِ الْوَرَقِ وَ عَرْضِهِ حَمْراوَيْنِ. قلت له: جعلت فداك صف لي ورقه. قال: وَرَقُهُ مِنْ دُرٍّ أَبْيَضَ قيلَ لَهُ: (كُنْ) فَكانَ. قلت: جعلت فداك، فما فيه؟

قال: فيهِ خَبَرُما كانَ، وَ خَبَرُما يَكُونُ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ فيهِ خَبَرُ سَماءٍ سَماءٍ، وَ عَدَدُ ما في سَماءٍ سَماءٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ، وَ غَيْرُ ذٰلِكَ، وَ عَدَدُ كُلِّ مَنْ خَلَقَ اللهُ مُرْسَلاً وَ غَيْرَ مُرْسَلٍ، وَ أَسْماؤُهُمْ، وَ أَسْماءُ الَّذينَ أُرْسِلُوا إِلَيْهِمْ، وَ أَسْماءُ مَنْ كَذَّبَ وَ مَنْ أَجابَ مِنْهُمْ، وَ فيهِ أَسْماءُ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْكافِرينَ، مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ، وَ أَسْماءُ الْبُلْدانِ، وَ صِفَةُ كُلِّ بَلَدٍ في شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِها، وَ عَدَدُ ما فيها مِنَ الْمُؤْمِنينَ، وَ عَدَدُ ما فيها مِنَ الْكافِرينَ، وَ صِفَةُ كُلِّ مَنْ كَذَّبَ، وَ صِفَةُ الْقُرُونِ الْأُولىٰ وَ قِصَصُهُمْ، وَ مَنْ وُلِّيَ مِنَ الطَّواغيتِ وَ مُدَّةُ مُلْكِهِمْ وَ عَدَدُهُمْ، وَ فيهِ أَسْماءُ الْأَئِمَّةِ وَ صِفَتُهُمْ، وَ ما يَمْلِكُ واحِداً واحِداً، وَ فيهِ صِفَةُ كَرّاتِهِمْ، وَ فيهِ صِفَةُ جَميعِ مَنْ تَرَدَّدَ في الْأَدْوارِ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ. قال: قلت: جعلت فداك و كم الأدوار؟ قال: خَمْسُونَ أَلْفَ عامٍ، وَ هِيَ سَبْعَةُ أَدْوارٍ؛ وَ فيهِ أَسْماءُ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْأَوَّلينَ وَ الْآخِرينَ وَ آجالُهُمْ، وَ صِفَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَ عَدَدُ مَنْ يَدْخُلُها، وَ عَدَدُ مَنْ يَدْخُلُ النّارَ، وَ أَسْماءُ هٰؤُلاءِ وَ أَسْماءُ هٰؤُلاءِ، وَ فيهِ عِلْمُ الْقُرْآنِ كَما أُنْزِلَ، وَ عِلْمُ التَّوْراةِ كَما أُنْزِلَتْ، وَ عِلْمُ الْإِنْجيلِ (كَما أُنْزِلَ-خل)، وَ (عِلْمُ-خل) الزَّبُورِ، وَ عَدَدُ كُلِّ شَجَرَةٍ وَ مَدَرَةٍ في جَميعِ الْبِلادِ. قال أبو جعفر عليه‌السّلام: فَلَمّا أَرادَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُنْزِلَهُ عَلَيْها، أَمَرَ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ وَ إِسْرافيلَ أَنْ يَحْمِلُوا الْمُصْحَفَ فَيَنْزِلُوا بِهِ عَلَيْها، وَ ذٰلِكَ في لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ مِنَ الثُّلُثِ الثّاني مِنَ اللَّيْلِ، هَبَطُوا بِهِ عَلَيْها وَ هِيَ قائِمَةٌ تُصَلّي، فَما زالُوا قِياماً حَتّىٰ قَعَدَتْ، فَلَمّا فَرَغَتْ مِنْ صَلاتِها سَلَّمُوا عَلَيْها، وَ قالُوا لَها: السَّلامُ يُقْرِئُكَ السَّلامَ. وَ وَضَعُوا الْمُصْحَفَ في حَجْرِها، فَقالَتْ لَهُمْ: اللهُ السَّلامُ، وَ مِنْهُ السَّلامُ، وَ إِلَيْهِ السَّلامُ، وَ عَلَيْكُمْ يا رُسُلَ اللهِ السَّلامُ. ثُمَّ عَرَجُوا إِلَى السَّماءِ، فَما زالَتْ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْفَجْرِ إِلىٰ زَوالِ الشَّمْسِ تَقْرَأُهُ، حَتّىٰ أَتَتْ عَلىٰ آخِرِهِ. وَ لَقَدْ كانَتْ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْها طاعَتُها مَفْرُوضَةً عَلىٰ جَميعِ مَنْ خَلَقَ اللهُ مِنَ الْجِنِّ، وَ الْإِنْسِ، وَ الطَّيْرِ، وَ الْبَهائِمِ (وَ الْوَحْشِ-خل)، وَ الْأَنْبِياءِ، وَ الْمَلائِكَةِ. فقلت: جعلت فداك فلمّا مضت إلى من صار ذلك المصحف؟ فقال: دَفَعْتُهُ إِلىٰ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، فَلَمّا مَضىٰ صارَ إِلَى الْحَسَنِ، ثُمَّ إِلَى الْحُسَيْنِ، ثُمَّ عِنْدَ أَهْلِهِ حَتّىٰ يَدْفَعُوهُ إِلىٰ صاحِبِ هٰذَا الْأَمْرِ. فقلت: إنّ هذا العلم كثير! فقال: يا أَبا مُحَمَّدٍ! إِنَّ هٰذَا الَّذي وَصَفْتُهُ لَكَ لَفي وَرَقَتَيْنِ مِنْ أَوَّلِهِ، وَ

ما وَصَفْتُ لَكَ بَعْدَ ما فِي الْوَرَقَةِ الثّالِثَةِ، وَ لا تَكَلَّمْتُ بِحَرْفٍ مِنْهُ.

در کتاب دلائل الإمامة از ابو بصیر نقل می‌کند که گفت: از امام ابا جعفر محمّد بن علیّ علیه‌السّلام در مورد مصحف فاطمه پرسیدم حضرت فرمودند: مصحف فاطمه کتابی است که بعد از فوت رسول خدا بر فاطمه نازل شد. گفتم: آیا در آن از قرآن هم آمده است؟ فرمود: خیر؛ در آن چیزی از قرآن نیست. گفتم: آن را برای من توصیف کن و بشناسان. فرمود: آن مصحف دو جلد دارد و از یاقوت کبود می‌باشد که طول و عرض ورق آن، قرمز است. عرضه داشتم: فدایت شوم ورق و کاغذ آن را برای من توصیف کن. فرمود:کاغذ آن از درّی سفید است که هرچه بخواهی همان شود. گفتم: فدایت شوم در آن مصحف چیست؟ و مطالب آن‌چه می‌باشد؟ فرمود: همه اخبار و حوادث تا روز قیامت در آن می‌باشد و هم‌چنین اخبار آسمان‌ها و آن‌چه در آن است و تعداد فرشتگان و دیگران و هم‌چنین تعداد مخلوقات خداوند از پیامبران و غیر آنها و اسامی همه پیامبران و اسامی همه کسانی‌که پیامبران را تکذیب و یا دعوت آنها را اجابت کردند. و اسامی همه مردم از مؤمنان و کافران از پیشینیان و پسینیان و نام همه شهرهای شرق و غرب عالم و اوصاف همه آنها و تعداد مؤمنان و کافران هر شهری و مشخصات و اوصاف تکذیب‌کنندگان و اوصاف قرون اولیه و داستان‌های آنها و هرکس از سرکشان و طاغوت‌هایی که حکومت کرده‌اند و مدت زمامداری و تعداد آنها و اسامی پیشوایان و اوصاف آن‌ها و همه زمامداران و بزرگان آن‌ها و هرکسی که در طول ادوار تاریخ زندگی کرده است. گفتم: فدایت شوم ادوار تاریخ چند سال است؟ فرمود: پنجاه هزار سال که در هفت دوره می‌باشد. در آن مصحف، اسامی همه خلق خدا و اجل آنها و نیز صفت بهشتیان و تعدادشان و تعداد داخل شوندگان آتش و اسامی همه آن‌ها آمده است. هم‌چنین علم قرآن، چنان‌که نازل شده است و علم تورات چنان‌که نازل شده است و علم انجیل چنان‌که نازل شده است و علم زبور و تعداد هر درخت و کلوخی در همه سرزمین‌ها در آن وجود دارد. و فرمود: و چون خداوند اراده کرد، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل بر او (حضرت زهرا) نازل فرمود تا آن

مصحف را برای آن حضرت حمل کردند و به وسیله آن ملائکه کتاب را بر او نازل فرمود و این واقعه در یك سوم آخر بعد از نیمه شب جمعه اتفاق افتاد پس هبوط کرد با مصحف مذکور درحالی‌که او (فاطمه زهرا) ایستاده مشغول نماز بود، آنها (میکائیل و جبرئیل و اسرافیل) ایستاده بودند (به احترام حضرت) تا او نشست و بعد از فراغ از نماز بر او سلام کردند و گفتند: خداوند به تو سلام می‌رساند و بعد مصحف را در اتاقش قرار دادند. فاطمه فرمود: همه سلام‌ها برای اوست و از اوست و به سوی اوست و بر شما ای فرستادگان خداوند سلام باد. سپس آن سه فرشته به سوی آسمان عروج کردند، پس حضرت فاطمه، آن مصحف را بعد از نماز صبح تا موقع ظهر قرائت فرمود تا به آخر خواند و اطاعت از او بر جمیع مخلوقات خداوند از جن و انس و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب می‌باشد.گفتم: فدایت شوم آن مصحف بعد از زمان فاطمه زهرا علیها السلام چه شد؟ و در دست که افتاد؟ فرمود: آن را به امیرالمؤمنین سپرد و بعد از او به امام حسن و سپس امام حسین رسید و بعد از او در نزد اهلش است تا به دست صاحب الامر خواهد رسید. گفتم: این علم بسیار عظیم و کثیری است؟ امام علیه‌السّلام فرمود: ای ابا محمد آن‌چه برایت توصیف کردم در دو ورق اول آن کتاب است و حتی یك حرف بیش از آن نزدم. (یعنی همه آن‌چه ذکر شد فقط در دو ورق از کل کتاب است).

۱۵۸ - من لا یحضره الفقیه: ج٤ ص٤١٨ ح٥٩١٤ و عیون أخبار الرّضا علیه‌السّلام: ج١ ص٢١٣ ب١٩ ح١ و الخصال: ج٢ ص٥٢٧ و معاني الأخبار: ص١٠٢ ح٤- حدّثنا محمّد بن إبراهيم [بن] إسحاق الطّالقانيّ رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن محمّد بن سعيد بن عقدة الكوفيّ قال: حدّثنا عليّ بن الحسن بن عليّ بن فضّال، عن أبيه، عن أبي الحسن عليّ بن موسى الرّضا عليه‌السّلام قال: لِلْإِمامِ عَلاماتٌ؛ يَكُونُ أَعْلَمَ النّاسِ، وَ أَحْكَمَ النّاسِ، وَ أَتْقَى النّاسِ، وَ أَحْلَمَ النّاسِ، وَ أَشْجَعَ النّاسِ، وَ أَسْخَى النّاسِ، وَ أَعْبَدَ النّاسِ. وَ يُولَدُ مَخْتُوناً، وَ يَكُونُ مُطَهَّراً، وَ يَرىٰ مِنْ خَلْفِهِ كَما يَرىٰ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَ لا يَكُونُ لَهُ ظِلٌّ، وَ إِذا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَقَعَ عَلىٰ راحَتَيْهِ رافِعاً صَوْتَهُ بِالشَّهادَتَيْنِ، وَ لا يَحْتَلِمُ، وَ يَنامُ عَيْنُهُ وَ لا يَنامُ قَلْبُهُ، وَ يَكُونُ

مُحَدَّثاً، وَ يَسْتَوي عَلَيْهِ دِرْعُ رَسُولِ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ لا يُرىٰ لَهُ بَوْلٌ وَ لا غائِطٌ، لِأَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ وَكَّلَ الْأَرْضَ بِابْتِلاعِ ما يَخْرُجُ مِنْهُ، وَ يَكُونُ رائِحَتُهُ أَطْيَبَ مِنْ رائِحَةِ الْمِسْكِ، وَ يَكُونُ أَوْلىٰ بِالنّاسِ مِنْهُمْ بِأَنْفُسِهِمْ، وَ أَشْفَقَ عَلَيْهِمْ مِنْ آبائِهِمْ وَ أُمَّهاتِهِمْ، وَ يَكُونُ أَشَدَّ النّاسِ تَواضُعاً لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ يَكُونُ آخَذَ النّاسِ بِما يَأْمُرُهُ بِهِ، وَ أَكَفَّ النّاسِ عَمّا يَنْهىٰ عَنْهُ، وَ يَكُونُ دُعاؤُهُ مُسْتَجاباً، حَتّىٰ إِنَّهُ لَوْ دَعا عَلىٰ صَخْرَةٍ لَانْشَقَّتْ بِنِصْفَيْنِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ سِلاحُ رَسُولِ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ سَيْفُهُ ذُو الْفَقارِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ صَحيفَةٌ فيها أَسْماءُ شيعَتِهِمْ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ صَحيفَةٌ فيها أَسْماءُ أَعْدائِهِمْ إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجامِعَةُ وَ هِيَ صَحيفَةٌ طُولُها سَبْعُونَ ذِراعاً، فيها جَميعُ ما يَحْتاجُ إِلَيْهِ وُلْدُ آدَمَ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ الْجَفْرُ الْأَكْبَرُ، وَ الْأَصْغَرُ، وَ إِهابُ ماعِزٍ وَ إِهابُ كَبْشٍ فيهِما جَميعُ الْعُلُومِ حَتّىٰ أَرْشُ الْخَدْشِ وَ حَتَّى الْجَلْدَةُ وَ نِصْفُ الْجَلْدَةِ، وَ يَكُونُ عِنْدَهُ مُصْحَفُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ.

و الإحتجاج: ج۲ ص۴۳۷ و كشف الغمّة: ج۲ ص۲۹۰ و غرر الأخبار: ص۳۴۰ الفصل۳۰. بحار الأنوار: ج۲۵ ص۱۱۶ ب۴ ح۱ از معاني الأخبار و الخصال و عيون أخبار الرضّا عليه السّلام و الإحتجاج. ر.ک. مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج۱ ص۲۵۳.

۱۵۹ - سوره(۲۴) النّور آيه۳۶: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ».

۱۶۰ - مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج۱ ص۲۸۰ - تظاهرت الرّوايات عن النّبيّ صلّى‌الله‌عليه‌وآله في قوله: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ» أنّه قال: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ» أنّه قال: يا عَلِيُّ! النُّورُ إِسْمي، وَ «الْمِشْكاةُ» أَنْتَ يا عَلِيُّ، «مِصْباحٌ» الْمِصْباحُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ، «الزُّجاجَةُ» عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ» جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، «مُبارَكَةٍ» مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، «زَيْتُونَةٍ» عَلِيُّ بْنُ مُوسىٰ، «لا شَرْقِيَّةٍ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، «وَ لا غَرْبِيَّةٍ» عَلِيُّ بْنُ

مُحَمَّدٍ، «يَكادُ زَيْتُها» الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍ، «يُضيءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ».

١٦١ - تفسير البرهان: ج٤ ص٧٢ ح٧٦٤ گويد: از جابر بن عبد الله الأنصارى روايت شده است كه گويد: داخل مسجد كوفه گرديدم و اميرالمؤمنين صلوات الله و سلامه عليه را ديدم كه با انگشت خود برزمين مى نوشت و لبخندمى‌زد، عرضه داشتم: اى اميرالمؤمنين! چه چيز شما را خندان نموده است؟ فرمود: «عَجِبْتُ لِمَنْ يُقَرأُ هٰذِهِ الْآيَةَ وَ لَمْ يَعْرِفْها حَقَّ مَعْرِفَتِها». فقلت له: أيّ آية، يا أمير المؤمنين؟فقال: «قَوْلُهُ تَعالىٰ: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ»، الْمِشْكاةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، «فيها مِصْباحٌ» أَنَا الْمِصْباحُ «فِي زُجاجَةٍ» الزُّجاجَةُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَاالسَّلامُ «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌ» وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) زَيْتُونَةٍ جَعْفَرُبْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «لا شَرْقِيَّةٍ» موسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «وَ لا غَرْبِيَّةٍ» عَلِيُّ بْنُ موسىٰ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ» مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ»عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» الْحَسَنُ ابْنُ عَلِيٍ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ (عَلَيْهِالسَّلامُ) «وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

١٦٢ - تأويل الآيات الظّاهرة: ص٣٥٦- قال محمّد بن العبّاس رحمه الله: حدّثنا محمّد بن جعفر الحسنيّ، عن إدريس بن زياد الحنّاط، عن أبي عبد الله أحمد بن عبد الله الخراسانيّ، عن يزيد بن إبراهيم أبي حبيب السّاجيّ، عن أبي عبد الله، عن أبيه، عن عليّ بن الحسين عليهم‌السّلام أنّه قال: مَثَلُنا في كِتابِ اللهِ كَمَثَلِ الْمِشْكاةِ، فَنَحْنُ الْمِشْكاةُ، وَ الْمِشْكاةُ الْكُوَّةُ، «فيها مِصْباحٌ» وَ «الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ» وَ الزُّجاجَةُ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،«كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» قال: عَلِيٌّ «زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌنُورٌعَلىٰ نُورٍ» الْقُرْآنُ، «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» يَهْدي لِوَلايَتِنا مَنْ أَحَبَّ. و تأويل الآيات الظّاهرة: ص٣٦٧- قال (محمّد بن العبّاس رحمه الله) أيضا: حدّثنا الحسين بن أحمد، عن محمّد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرّحمان قال: حدّث أصحابنا أنّ أبا الحسن عليه‌السّلام كتب إلى

عبد الله بن جندب قال: قالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَاالسَّلامُ: أَنَّ مَثَلَنا في كِتابِ اللهِ كَمَثَلِ الْمِشْكاةِ، وَ الْمِشْكاةُ فِي الْقِنْديلِ، فَنَحْنُ الْمِشْكاةُ، «فيها مِصْباحٌ» وَ الْمِصْباحُ مُحَمَّدٌ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ،«الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ» نَحْنُ الزُّجاجَةُ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» عَلِيٌّ، «زَيْتُونَةٍ» مَعْرُوفَةٍ، «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا مُنْكَرَةٍ وَ لا دَعِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ» الْقُرْآنُ،«عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» بِأَنْ يَهْدِيَ مَنْ أَحَبَّ إِلىٰ وَلايَتِنا. بحار الأنوار: ج٢٣ ص٣١١ ب١٨ ح١٦ از كنز جامع الفوائد و تأويل الآيات الظاهرة.

١٦٣ - تفسير عليّ بن ابراهيم القميّ: ج٢ ص١٠٢- حدّثنا محمّد بن همّام قال: حدّثنا جعفر بن محمّد قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصّائغ قال: حدّثنا الحسن بن عليّ، عن صالح بن سهل الهمدانيّ قال: سمعت أبا عبد الله عليه السّلام يقول في قول الله: «اللهُ نُورُالسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ»: الْمِشْكاةُ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ «فيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ» الْحَسَنُ، وَ الْحُسَيْنُ «في زُجاجَةٍ الزُّجاجَةُ»، «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَأَنَّ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِساءِ أَهْلِ الْأَرْضِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْراهِيمَ عَلَيْهِ وَ عَلىٰ نَبِيِّنا وَ آلِهِ السَّلامُ، «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» يَعْني لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ مِنْها، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» إِمامٌ مِنْها بَعْدَ إِمامٍ، «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» يَهْدِي اللهُ لِلْأَئِمَّةِ مَنْ يَشاءُ، أَنْ يُدْخِلَهُ في نُورِ وَلايَتِهِمْ مُخْلِصاً، «وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». بحار الأنوار: ج٢٣ ص٣٠٤ ب١٨ ح١ از تفسير علىّ بن ابراهيم قمى: ج٢ ص١٠٢ - حدّثنا محمّد بن همّام قال: حدّثنا جعفر بن محمّد قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصّائغ قال: حدّثنا الحسن بن عليّ، عن صالح بن سهل الهمدانيّ قال: سمعت أبا عبد الله عليه السّلام يقول في قول الله: «اللهُ نُورُالسَّماواتِ وَ الْأَرْضِ- مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ»: «الْمِشْكاةُ» فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ «فيها مِصْباحٌ» الْحَسَنُ، الْمِصْباحُ الْحُسَيْنُ «فِي زُجاجَةٍ» الزُّجاجَةُ، «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كَأَنَّ فاطِمَةَ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِساءِ أَهْلِ الدُّنْيا وَ نِساءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» يُوقَدُ مِنْ إِبْراهِيمَ، «لا شَرْقِيَّةٍ

وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ مِنْها، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» إِمامٌ مِنْها بَعْدَ إِمامٍ، «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» يَهْدِي اللهُ لِلْأَئِمَّةِ مَنْ يَشاءُ أَنْ يُدْخِلَهُ فِي نُورِ وَلايَتِهِمْ مُخْلِصاً «وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». الكافي: ج١ ص١٩٥ ح٥- عليّ بن محمّد و محمّد بن الحسن، عن سهل بن زياد، عن محمّد بن الحسن بن شمّون، عن عبد الله بن عبد الرّحمان الأصمّ، عن عبد الله بن القاسم، عن صالح بن سهل الهمدانيّ قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام في قول الله تعالى: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ» فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، «فيها مِصْباحٌ» الْحَسَنُ، «الْمِصْباحُ في زُجاجَةٍ» الْحُسَيْنُ، «الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِساءِ أَهْلِ الدُّنْيا، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» إِبْراهِيمُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، «زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ يَنْفَجِرُ بِها، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ» إِمامٌ مِنْها بَعْدَ إِمامٍ، «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» يَهْدِي اللهُ لِلْأَئِمَّةِ مَنْ يَشاءُ، «وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ» ... . تأويل الآيات: ص٣٥٧ و تفسير البرهان : ج٤ ص٧١ ح٧٦٣٩- و قال محمّد بن العبّاس رحمه الله: حدّثنا العبّاس بن محمّد بن الحسين بن أبي الخطّاب الزّيّات قال: حدّثني أبي، عن موسى بن سعدان، عن عبد الله بن القاسم، بإسناده إلى صالح بن سهل الهمدانيّ قال: قال أبو عبد الله عليه‌السّلام في قول الله عزّوجلّ: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» قال: الْحَسَنُ «الْمِصْباحُ»، «فِي زُجاجَةٍ» الْحُسَيْنُ الزُّجاجَةُ، «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ بَيْنَ نِساءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» إِبْراهِيمُ، «زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ، «يَكادُ زَيْتُها يُضيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ يَتَفَجَّرُ مِنْها، «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» إِمامٌ مِنْها بَعْدَ إِمامٍ، «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» يَهْدِي اللهُ لِلْأَئِمَّةِ مَنْ يَشاءُ، «وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». و تفسير فرات الكوفي: ص٢٨٢ ح٣٨٣- حدّثني جعفر بن محمّد الفزاريّ، معنعناً عن أبي عبد الله عليه‌السّلام في قوله تعالى: «اللهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» الْحَسَنُ مِصْباحٌ، «الْمِصْباحُ» وَ الْحُسَيْنُ في

زُجاجَةٍ «الزُّجاجَةُ» «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» فاطِمَةُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ مِنْ [بَيْنِ] نِساءِ الْعالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ [زَيْتُونَةٍ]» إِبْراهِيمَ [الْخَلِيلِ]، [زَيْتُونَةٍ] «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» يَعْنِي لا يَهُودِيَّةً وَ لا نَصْرانِيَّةً، «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ» يَكادُ الْعِلْمُ يَنْبُعُ مِنْها.

١٦٤ - عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، يحيى ابن بطريق الحلّيّ: ص٣٥٦ ح٦٨٦ و كشف اليقين: ص٤١٦ المبحث٢١ و الصّراط المستقيم: ج١ ص٢٩٦ و الطّرائف: ج١ ص١٣٥ و تفسير البرهان: ج٤ ص٧٢ ح٧٦٤٢- از مناقب عليّ بن أبي‌طالب عليه‌السّلام، ابن المغازلي: ص٢٧١ ح ٣١٩ و چاپ ديگرى: ص٣١٦ ح٣٦١- أخبرنا أحمد بن [محمّد بن] عبد الوهّاب، عن عمر بن عبد الله بن شوذب، عن محمّد بن الحسن بن زياد، عن أحمد بن الخليل، عن محمّد بن أبي محمود، عن يحيى بن أبي معروف، عن محمّد بن سهل البغداديّ، عن موسى بن القاسم، عن عليّ بن جعفر، قال: سألت أبا الحسن عليه‌السّلام عن قول الله عزّوجلّ: «كَمِشْكاةٍ فِيها مِصْباحٌ» قال: «الْمِشْكاةُ» فاطِمَةُ، وَ «الْمِصْباحُ» الْحَسَنُ، وَ «الزُّجاجَةُ» الْحُسَيْنُ، «كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ» كانَتْ كَوْكَباً دُرِّيّاً بَيْنَ نِساءِ الْعالَمِينَ، «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ» الشَّجَرَةُ الْمُبارَكَةُ إِبْراهِيمُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ «لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا يَهُودِيَّةٍ وَ لا نَصْرانِيَّةٍ «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ» قال: يَكادُ الْعِلْمُ أَنْ يَنْطِقَ مِنْها «وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلىٰ نُورٍ» قال: فيها إِمامٌ بَعْدَ إِمامٍ «يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ» قال: يَهْدِي اللهُ عَزَّوَجَلَّ لِوَلايَتِنا مَنْ يَشاءُ».

١٦٥ - تفسير القميّ: ج٢ ص١٠٤- فإنّه حدّثني أبي، عن عبد الله بن جندب قال: كتبت إلى أبي الحسن الرّضا عليه‌السّلام أسأل عن تفسير هذه الآية- فكتب إليّ الجواب: أَمّا بَعْدُ فَإِنَّ مُحَمَّداً كانَ أَمِينَ اللهِ فِي خَلْقِهِ، فَلَمَّا قُبِضَ النَّبِيُّ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ كُنّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ، فَنَحْنُ أُمَناءُ اللهِ فِي أَرْضِهِ، عِنْدَنا عِلْمُ الْمَنايا وَ الْبَلايا وَ أَنْسابُ الْعَرَبِ وَ مَوْلِدُ الْإِسْلامِ وَ ما مِنْ فِئَةٍ تَضِلُّ مِائَةٌ بِهِ وَ تَهْدِي مِائَةٌ بِهِ إِلّا وَ نَحْنُ نَعْرِفُ سائِقَها وَ قائِدَها وَ ناعِقَها، وَ إِنّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذا رَأَيْناهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمانِ وَ حَقِيقَةِ النِّفاقِ. وَ إِنَّ شِيعَتَنا لَمَكْتُوبُونَ بِأَسْمائِهِمْ وَ أَسْماءِ آبائِهِمْ، أَخَذَ اللهُ عَلَيْنا وَ عَلَيْهِمُ الْمِيثاقَ، يَرِدُونَ مَوْرِدَنا وَ يَدْخُلُونَ مَدْخَلَنا، لَيْسَ عَلىٰ مِلَّةِ الْإِسْلامِ غَيْرُنا وَ غَيْرُهُمْ

إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ، نَحْنُ آخِذُونَ بِحُجْزَةِ نَبِيِّنا، وَ نَبِيُّنا آخِذٌ بِحُجْزَةِ رَبِّنا، وَ الْحُجْزَةُ النُّورُ، وَ شيعَتُنا آخِذُونَ بِحُجْزَتِنا، مَنْ فارَقَنا هَلَكَ، وَ مَنْ تَبِعَنا نَجا، وَ الْمُفارِقُ لَنا وَ الْجاحِدُ لِوَلايَتِنا كافِرٌ، وَ مُتَّبِعُنا وَ تابِعُ أَوْلِيائِنا مُؤْمِنٌ، لا يُحِبُّنا كافِرٌ وَ لا يُبْغِضُنا مُؤْمِنٌ. وَ مَنْ ماتَ وَ هُوَ يُحِبُّنا كانَ حَقّاً عَلَى اللهِ أَنْ يَبْعَثَهُ مَعَنا، نَحْنُ نُورٌ لِمَنْ تَبِعَنا، وَ هُدًى لِمَنِ اهْتَدىٰ بِنا، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ مِنّا فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلامِ فِي شَيْءٍ. وَ بِنا فَتَحَ اللهُ الدّينَ وَ بِنا يَخْتِمُهُ، وَ بِنا أَطْعَمَكُمُ اللهُ عُشْبَ الْأَرْضِ، وَ بِنا أَنْزَلَ اللهُ قَطْرَ السَّماءِ، وَ بِنا آمَنَكُمُ اللهُ مِنَ الْغَرَقِ فِي بَحْرِكُمْ، وَ مِنَ الْخَسْفِ فِي بَرِّكُمْ، وَ بِنا نَفَعَكُمُ اللهُ فِي حَياتِكُمْ، وَ فِي قُبُورِكُمْ، وَ فِي مَحْشَرِكُمْ، وَ عِنْدَ الصِّراطِ، وَ عِنْدَ الْمِيزانِ، وَ عِنْدَ دُخُولِكُمُ الْجِنانَ. مَثَلُنا فِي كِتابِ اللهِ كَمَثَلِ مِشْكاةٍ، وَ الْمِشْكاةُ فِي الْقِنْدِيلِ، فَنَحْنُ الْمِشْكاةُ «فيها مِصْباحٌ»، الْمِصْباحُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، «الْمِصْباحُ فِي زُجاجَةٍ» مِنْ عُنْصُرَةٍ طاهِرَةٍ «الزُّجاجَةُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لا شَرْقِيَّةٍ وَ لا غَرْبِيَّةٍ» لا دَعِيَّةٍ وَ لا مُنْكِرَةٍ «يَكادُ زَيْتُها يُضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ» الْقُرْآنُ، «نُورٌ عَلىٰ نُورٍ يَهْدِي اللهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ وَ اللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» فَالنُّورُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، يَهْدِي اللهُ لِوَلايَتِنا مَنْ أَحَبَّ، وَ حَقٌّ عَلَى اللهِ أَنْ يَبْعَثَ وَلِيَّنا مُشْرِقاً وَجْهُهُ، مُنيراً بُرْهانُهُ، ظاهِرَةً عِنْدَ اللهِ حُجَّتُهُ، حَقٌّ عَلَى اللهِ أَنْ يَجْعَلَ أَوْلِياءَنَا الْمُتَّقينَ وَ الصِّدّيقينَ وَ الشُّهَداءَ وَ الصّالِحينَ وَ حَسُنَ أُولٰئِكَ رَفيقاً، فَشُهَداؤُنا لَهُمْ فَضْلٌ عَلَى الشُّهَداءِ بِعَشْرِ دَرَجاتٍ، وَ لِشَهيدِ شيعَتِنا فَضْلٌ عَلىٰ كُلِّ شَهيدٍ غَيْرِنا بِتِسْعِ دَرَجاتٍ، نَحْنُ النُّجَباءُ، وَ نَحْنُ أَفْراطُ الْأَنْبِياءِ، وَ نَحْنُ أَوْلادُ الْأَوْصِياءِ، وَ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ فِي كِتابِ اللهِ، وَ نَحْنُ أَوْلَى النّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، وَ نَحْنُ الَّذينَ شَرَعَ اللهُ لَنا دينَهُ فَقالَ فِي كِتابِهِ: شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدّينِ ما وَصّىٰ بِهِ نُوحاً وَ الَّذي أَوْحَيْنا إِلَيْكَ يا مُحَمَّدُ! وَ ما وَصَّيْنا بِهِ إِبْراهيمَ وَ مُوسىٰ وَ عيسىٰ، قَدْ عَلِمْنا وَ بَلَّغْنا ما عَلِمْنا وَ اسْتَوْدَعْنا عِلْمَهُمْ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ الْأَنْبِياءِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أُولِي الْعِلْمِ، وَ أُولِي الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ أَقيمُوا الدّينَ وَ لا تَمُوتُنَّ إِلّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ كَما قالَ اللهُ: «وَ لا تَتَفَرَّقُوا فيهِ وَ إِنْ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكينَ ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ»، مِنَ الشِّرْكِ مَنْ أَشْرَكَ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ «ما تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» مِنْ وَلايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ يا

مُحَمَّدُ! «فيهِ هُدًى، وَ يَهْدي إِلَيْهِ مَنْ يُنيبُ» مَنْ يُجيبُكَ إِلَيَّ بِوَلايَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ قَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكَ بِكِتابٍ فَتَدَبَّرْهُ وَ افْهَمْهُ، فَإِنَّهُ شِفاءٌ لِما فِي الصُّدُورِ وَ نُورٌ». و تأويل الآيات الظّاهرة: ص٣٥٦ و البرهان فى تفسير القرآن: ج٤ ص٧٢ ح٧٦٤١ و بحار الأنوار: ج٤ ص٢٣ ب٣ از مجمع البيان فى تفسير القرآن: ج٧ ص٢٢٦- روي عن الرّضا عليه‌السّلام أنّهُ قال: نَحْنُ الْمِشْكاةُ فيها، وَ «الْمِصْباحُ» مُحَمَّدٌ (صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ)، يَهْدِي اللهُ لِوَلايَتِنا مَنْ أَحَبَّ».

١٦٦ - سوره(٢٢) الحجّ آيه٤٦.

١٦٧ - بصائر الدّرجات: ص٥٠٥ ب١٨ ح٤ و معانى الأخبار: ص١١١ ح٢ - هردو به سند متّصل خود، از نصربن قابوس گويد: از امام جعفرصادق عليه‌السّلام پرسيدم درباره آيه كريمه: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمامُ الصّامِتُ، وَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ الْإِمامُ النّاطِقُ». و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج٢ ص٤١٧ ب٤٠ ح١٠ - به سند متّصل خود از ابوبصير از امام جعفرصادق عليه‌السّلام روايت نمود كه حضرت درباره آيه كريمه: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمامُ الصّامِتُ، وَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ الْإِمامُ النّاطِقُ». و معاني الأخبار: ص١١١ ح١- به سند متّصل خود، از إبراهيم بن زياد گفت: از امام جعفرصادق عليه‌السّلام درباره كلام خداوند: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشيدٍ» پرسيدم فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمامُ الصّامِتُ، وَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ الْإِمامُ النّاطِقُ».

الكافي: ج١ ص٤٢٧ ح٧٥- به سند متّصل خود، از علىّ بن جعفر، از برادرش امام موسى كاظم عليه‌السّلام پرسيدم از تفسير آيه كريمه: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشيدٍ» فرمود: «الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ الْإِمامُ الصّامِتُ، وَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ الْإِمامُ النّاطِقُ». مانند آن: مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٨٨.

١٦٨ - مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٨٨- احمد بن حميد هاشمى گفت: در كتاب جامع جعفرصادق عليه‌السّلام درباره سخن خداوند تعالى: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِيدٍ» چنين آمده بود كه: فرموده بود: «رَسُولُ اللهِ الْقَصْرُ الْمَشيدُ، وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ عَلِيٌّ».

١٦٩ - معاني الأخبار: ص١١١ ح٣- به سند متّصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق عليه‌السّلام كه فرمود: «أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ‌السَّلامُ هُوَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ، وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ فاطِمَةُ وَ وُلْدُها مُعَطَّلينَ مِنَ الْمُلْكِ». تأويل الآيات الظاهرة: ص٣٣٩ و تفسير البرهان: ج٣ ص٨٩٥ ح٧٣٧٦ از تفسير محمّد بن العبّاس رحمه الله، به سند متّصل خود، از صالح بن سهل، از امام جعفر صادق عليه‌السّلام كه فرمود: قَوْلُهُ تَعالىٰ: «وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشيدٍ» «أَميرُ الْمُؤْمِنينَ الْقَصْرُ الْمَشيدُ، وَ الْبِئْرُ الْمُعَطَّلَةُ فاطِمَةُ وَ وُلْدُها مُعَطَّلُونَ مِنَ الْمُلْكِ».

١٧٠ - تأويل الآيات الظاهرة: ص٧٩١ – و روي أيضاً عن محمّد بن جمهور، عن موسى بن بكر، عن زرارة، عن حمران قال: سألت أبا عبد الله عليه‌السّلام عمّا يفرق في ليلة القدر هل هو ما يقدّر الله فيها؟ قال:.

١٧١ - تفسير فرات الكوفي: ص٥٨١ ح٧٤٧- به سند خود از امام جعفر صادق عليه‌السّلام كه فرمود: «إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُ اللهُ، فَمَنْ عَرَفَ فاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِها فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ إِنَّما سُمِّيَتْ فاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها - أو- مِنْ مَعْرِفَتِها، وَ قَوْلُهُ: «وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ * لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْني خَيْرٌ مِنْ أَلْفَ مُؤْمِنٍ، وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنينَ، «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها» وَ الْمَلائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ. وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، «بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلامٌ * هِيَ حَتّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ» يَعْني حَتّىٰ يَخْرُجَ الْقائِمُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ».

١٧٢ - الكافي: ج١ ص٤٧٨ ح٤- أحمد بن مهران و عليّ بن إبراهيم جميعاً، عن محمّد بن عليّ، عن الحسن بن راشد، عن يعقوب بن جعفر بن إبراهيم قال: كنت عند أبي الحسن موسى عليه‌السّلام إذ أتاه رجل نصرانيّ و نحن معه بالعريض ... «حٰم. وَ الْكِتابِ الْمُبينِ. إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنّا كُنّا مُنْذِرينَ. فيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكيمٍ» ما تفسيرها في الباطن؟ فقال عليه‌السّلام: ... أَمّا حٰم فَهُوَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ هُوَ في كِتابِ هُودٍ الَّذي أُنْزِلَ عَلَيْهِ، وَ هُوَ مَنْقُوصُ الْحُرُوفِ، وَ أَمَّا الْكِتابُ الْمُبينُ فَهُوَ أَميرُ الْمُؤْمِنينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ‌السَّلامُ، وَ أَمَّا اللَّيْلَةُ

فَفاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ أَمّا قَوْلُهُ: فيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍحَكيمٍ، يَقُولُ يَخْرُجُ مِنْها خَيْرٌكَثيرٌفَرَجُلٌ حَكيمٌ وَ رَجُلٌ حَكيمٌ وَ رَجُلٌ حَكيمٌ، ... . از او: تأويل الآيات الظّاهرة: ص٥٥٥.

١٧٣ - بصائرالدرجات: ص٤٦٠ ب١٨ ح١ - به سند صحيح از هشام بن سالم گويد: شنيدم امام جعفرصادق عليه‌السّلام می‌فرمود درباره اين آيه: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي»: خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ، لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضىٰ غَيْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ، وَ هُوَ مَعَ الْأَئِمَّةِ، يُوَفِّقُهُمْ وَ يُسَدِّدُهُمْ، وَ لَيْسَ كُلَّما طُلِبَ وُجِدَ». و بصائر الدرجات: ص٤٦١ ب١٨ ح٥ - به سند صحيح از ابو بصير گويد: از امام جعفر صادق عليه‌السّلام پرسيدم از آيه: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَ ما أُوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلّا قَليلاً» فرمود: هُوَ خَلْقٌ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرَئيلَ وَ ميكائيلَ، كانَ مَعَ رَسُولِ اللهِ يُوَفِّقُهُ، وَ هُوَ مَعَنا أَهْلَ الْبَيْتِ».

١٧٤ - در اين‌باره احاديث بسياريست و ما در اين‌جا به چند مورد اكتفا می‌كنيم: بصائر الدّرجات: ص٤٤٧ ب١٤ ح٤ - به سند خود از جابر از امام محمّد باقر عليه‌السّلام گويد: از امام درباره علم عالم (ائمّه) پرسيدم كه فرمود: «يا جابِرُ! إِنَّ فِي الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ خَمْسَةَ أَرْواحٍ؛ رُوحَ الْقُدُسِ وَ رُوحَ الْإِيمانِ وَ رُوحَ الْحَياةِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ، فَبِرُوحِ الْقُدُسِ يا جابِرُعَلِمْنا ما تَحْتَ الْعَرْشِ إِلىٰ ما تَحْتَ الثَّرىٰ». ثمّ قال: «يا جابِرُ! إِنَّ هٰذِهِ الْأَرْواحَ يُصيبُهُ الْحَدَثانِ إِلّا أَنَّ رُوحَ الْقُدُسِ لا يَلْهُوَ وَ لا يَلْعَبُ». و بصائرالدرجات: ص٤٥٣ ب١٥ ح١٢ - به سند خود از جابر از امام محمّد باقر عليه‌السّلام كه فرمود: «إِنَّ اللهَ خَلَقَ الْأَنْبِياءَ وَ الْأَئِمَّةَ عَلىٰ خَمْسَةِ أَرْواحٍ؛ رُوحِ الْقُوَّةِ وَ رُوحِ الْإِيمانِ وَ رُوحِ الْحَياةِ وَ رُوحِ الشَّهْوَةِ وَ رُوحِ الْقُدُسِ، فَرُوحُ الْقُدُسِ مِنَ اللهِ وَ سائِرُهٰذِهِ الْأَرْواحِ يُصيبُهَا الْحَدَثانِ، فَرُوحُ الْقُدُسِ لا يَلْهُوَ وَ لا يَتَغَيَّرُ وَ لا يَلْعَبُ، وَ بِرُوحِ الْقُدُسِ عَلِمُوا يا جابِرُما دُونَ الْعَرْشِ إِلىٰ ما تَحْتَ الثَّرىٰ».

١٧٥ - الكافي: ج١ ص٢٤٩ ح٦- (محمّد بن أبي عبد الله و محمّد بن الحسن، عن سهل بن زياد و محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد جميعاً، عن الحسن بن العبّاس بن الحريش- معلّق)، عن أبي

جعفر عليه السّلام قال: يا مَعْشَرَ الشّيعَةِ! خاصِمُوا بِسُورَةِ إِنّا أَنْزَلْناهُ تَفْلُجُوا، فَوَاللهِ إِنَّها لَحُجَّةُ اللهِ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ إِنَّها لَسَيِّدَةُ دِينِكُمْ، وَ إِنَّها لَغايَةُ عِلْمِنا. يا مَعْشَرَ الشّيعَةِ! خاصِمُوا بِ حٰم وَ الْكِتابِ الْمُبِينِ إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنّا كُنّا مُنْذِرِينَ، فَإِنَّها لِوُلاةِ الْأَمْرِ خاصَّةً بَعْدَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. يا مَعْشَرَ الشّيعَةِ! يَقُولُ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ وَ إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلّا خَلا فِيها نَذِيرٌ. قيل: يا أَبا جَعْفَرٍ! نذيرها محمّد صلّى الله عليه وآله؟ قال: صَدَقْتَ فَهَلْ كَانَ نَذِيرٌ وَ هُوَ حَيٌّ مِنَ الْبِعْثَةِ فِي أَقْطارِ الْأَرْضِ؟ فقال السّائل: لا. قال أبو جعفر عليه السّلام: أَ رَأَيْتَ بَعِيثَهُ أَ لَيْسَ نَذِيرَهُ كَما أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بِعْثَتِهِ مِنَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ نَذِيرٌ؟ فقال: بلى. قال: فَكَذٰلِكَ لَمْ يَمُتْ مُحَمَّدٌ إِلّا وَ لَهُ بَعِيثٌ نَذِيرٌ. قالَ: فَإِنْ قُلْتُ: لا فَقَدْ ضَيَّعَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ فِي أَصْلابِ الرِّجالِ مِنْ أُمَّتِهِ. قال: و ما يكفيهم القرآن؟ قال: بَلىٰ إِنْ وَجَدُوا لَهُ مُفَسِّراً. قال: و ما فسّره رسول الله صلّى الله عليه وآله؟ قال: بَلىٰ قَدْ فَسَّرَهُ لِرَجُلٍ واحِدٍ وَ فَسَّرَ لِلْأُمَّةِ شَأْنَ ذٰلِكَ الرَّجُلِ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ. قال السّائل: يا أبا جعفر! كان هذا أمر خاصّ لا يحتمله العامّة؟ قال: أَبَى اللهُ أَنْ يُعْبَدَ إِلّا سِرّاً حَتّىٰ يَأْتِيَ إِبّانُ أَجَلِهِ الَّذي يَظْهَرُ فيهِ دينُهُ كَما أَنَّهُ كانَ رَسُولُ اللهِ مَعَ خَدِيجَةَ مُسْتَتِراً حَتّىٰ أُمِرَ بِالْإِعْلانِ. قال السّائل: ينبغي لصاحب هذا الدّين أن يكتم؟ قال: أَ وَ ما كَتَمَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طالِبٍ عَلَيْهِ السَّلامُ يَوْمَ أَسْلَمَ مَعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّىٰ ظَهَرَ أَمْرُهُ؟ قال: بلى. قال: فَكَذٰلِكَ أَمْرُنا حَتّىٰ يَبْلُغَ الْكِتابُ أَجَلَهُ.

١٧٦ - الغيبة، الطوسي: ص٣٧٤-٣٧٧-: و قال ابن نوح: أوّل من حدّثنا بهذا التّوقيع أبو الحسين محمّد بن عليّ بن تمام ... وَ رُوِيَ فِي ثَوابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرائِضِ وَ غَيْرِها أَنَّ الْعالِمَ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: عَجَباً لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلاتِهِ إِنّا أَنْزَلْناهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلاتُهُ؟!!!. و الإحتجاج: ج٢ ص٤٨٢: و ممّا خرج عن صاحب الزّمان صلوات الله عليه من جوابات المسائل الفقهيّة أيضاً ما سأله عنها محمّد بن عبد الله بن جعفر الحميريّ فيما كتب إليه و هو: ... وَ رُوِيَ فِي ثَوابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرائِضِ وَ غَيْرِها أَنَّ الْعالِمَ عَلَيْهِ السَّلامُ قالَ: عَجَباً لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي

صَلاتِهِ إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَيْفَ تُقْبَلُ صَلاتُهُ؟!!!. وسائل الشّيعة: ج٦ ص٧٩ ب٢٣ ح٧٣٩٩- ٥ از الإحتجاج، و بحار الأنوار: ج٥٣ ص١٥٢ ب٣١ ضمن ح١ از غيبت طوسى و ج٨٢ص٣١ ب٢٣ ح٢١ از الإحتجاج.

١٧٧- الإختصاص: ص٩٠ - أبو الفرج، عن أبي سعيد سهل بن زياد، عن رجل، عن عبد الله بن جبلة، عن أبي المغراء، عن موسى بن جعفر عليهما السّلام قال: سمعته يقول: مَنْ كانَتْ لَهُ إِلَى اللهِ حاجَةٌ، وَ أَرادَ أَنْ يَرانا، وَ أَنْ يَعْرِفَ مَوْضِعَهُ مِنَ اللهِ، فَلْيَغْتَسِلْ ثَلاثَ لَيالٍ، يُناجي بِنا، فَإِنَّهُ يَرانا، وَ يُغْفَرُلَهُ بِنا، وَ لا يَخْفى عَلَيْهِ مَوْضِعُهُ. قلت: سيّدي! فإن رجلاً رآك في منامه و هو يشرب النّبيذ؟ قال: لَيْسَ النَّبيذُ يُفْسِدُ عَلَيْهِ دينَهُ، إِنَّما يُفْسِدُ عَلَيْهِ تَرَكُنا، وَ تَخَلُّفُهُ عَنّا. إِنَّ أَشْقى أَشْقِيائِكُمْ مَنْ يُكَذِّبُنا فِي الْباطِنِ بِما يُخْبَرُعَنّا، يُصَدِّقُنا فِي الظّاهِرِ، وَ يُكَذِّبُنا فِي الْباطِنِ. نَحْنُ أَبْناءُ نَبِيِّ اللهِ، وَ أَبْناءُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ أَبْناءُ أَميرِ الْمُؤْمِنينَ عَلَيْهِ السّلام، وَ أَحْبابُ رَبِّ الْعالَمينَ. نَحْنُ مِفْتاحُ الْكِتابِ، فَبِنا نَطَقَ الْعُلَماءُ، وَ لَوْ لا ذٰلِكَ لَخَرَسُوا. نَحْنُ رَفَعْنَا الْمَنارَ، وَ عَرَّفْنَا الْقِبْلَةَ، نَحْنُ حَجَرُالْبَيْتِ فِي السَّماءِ وَ الْأَرْضِ، بِنا غُفِرَلِآدَمَ، وَ بِنَا ابْتُلِيَ أَيُّوبُ، وَ بِنَا افْتُقِدَ يَعْقُوبُ، وَ بِنا حُبِسَ يُوسُفُ، وَ بِنا دُفِعَ الْبَلاءُ، بِنا أَضاءَتِ الشَّمْسُ. نَحْنُ مَكْتُوبُونَ عَلىٰ عَرْشِ رَبِّنا، مَكْتُوبُونَ مُحَمَّدٌ خَيْرُالنَّبِيّينَ، وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْوَصِيّينَ، وَ فاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِساءِ الْعالَمينَ. أَنَا خاتَمُ الْأَوْصِياءِ، أَنَا طالِبُ الْبابِ، أَنَا صاحِبُ الصِّفّينِ، أَنَا الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَةِ، أَنَا صاحِبُ كَرْبَلاءَ. مَنْ أَحَبَّنا وَ تَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّنا كانَ مَعَنا، وَ مِمَّنْ فِي الظِّلِّ الْمَمْدُودِ، وَ الْماءِ الْمَسْكُوبِ. - و الحديث طويل و في آخره-: أَنَّ اللهَ اشْتَرَكَ بَيْنَ الْأَنْبِياءِ وَ الْأَوْصِياءِ فِي الْعِلْمِ وَ الطّاعَةِ. و في حديث آخر: أَنَّ اللهَ خَلَقَنا قَبْلَ الْخَلْقِ بِأَلْفَيْ أَلْفِ عامٍ، فَسَبَّحْنا فَسَبَّحَتِ الْمَلائِكَةُ لِتَسْبيحِنا. از او: بحار الأنوار: ج٢٦ ص٢٥٨ ب٥ ح٣٣.

١٧٨ - كتاب سليم بن قيس الهلالي: ج٢ ص٨٦٩ ح٤٨... قالت: نَشَدْتُكُما بِاللهِ هَلْ سَمِعْتُما رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني؟ قالا: نعم

فرفعت يدها إلى السّماء فقالت: اللَّهُمَّ إِنَّهُما قَدْ آذَياني فَأَنَا أَشْكُوهُما إِلَيْكَ وَ إِلىٰ رَسُولِكَ، لا وَ اللهِ لا أَرْضىٰ عَنْكُما أَبَداً حَتّىٰ أَلْقىٰ [أَبي] رَسُولَ اللهِ وَ أُخْبِرَهُ بِما صَنَعْتُما فَيَكُونَ هُوَ الْحاكِمَ فيكُما ... . و كفاية الأثر: ص٦٢ – ٦٥ به سند متّصل از جابربن عبد الله الأنصاري از رسول الله صلّى الله عليه و آله و سلّم در حديثى در آخر عمر حضرت در بسترشهادت به حضرت فاطمه سلام الله عليها فرمود:... وَ قَدْ سَأَلْتُ رَبّي عَزَّوَ جَلَّ أَنْ تَكُوني أَوَّلَ مَنْ يَلْحَقُني مِنْ أَهْلِ بَيْتي أَلا إِنَّكِ بَضْعَةٌ مِنّي مَنْ آذاكِ فَقَدْ آذاني. جابر گويد پس از شهادت حضرت دو نفر از اصحاب خدمت حضرت فاطمه رسيدند و از حال حضرت جويا شدند و حضرت فرمودند:اصْدُقَاني هَلْ سَمِعْتُما مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَقُولُ: فاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنّي فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذاني؟ قالا: نعم قد سمعنا ذلك منه، فرفعت يديها إلى السّماء و قالت: اللَّهُمَّ إِنّي أُشْهِدُكَ أَنَّهُما قَدْ آذَياني وَ غَصَبا حَقّي ثُمَّ أَعْرَضَتْ عَنْهُما فَلَمْ تُكَلِّمْهُما بَعْدَ ذٰلِكَ وَ عاشَتْ بَعْدَ أَبيها خَمْسَةً وَ تِسْعينَ يَوْماً حَتّىٰ أَلْحَقَهَا اللهُ بِهِ. ر.ک: الجعفريّات (الأشعثيّات): ص٩ و شرح الأخبار: ج٣ ص٣٠ –٣١ و ٥٩ و ٦١ و ٦٤ و الأمالي ابن بابويه: ص١٠٤ المجلس٢٢ و ص٤٨٧ المجلس٧٣ و إعتقادات الإماميّة: ص١٠٥ ب٣٨ و علل الشرائع: ج١ ص١٨٧ ب١٤٩ و الأمالي شيخ مفيد: ص٢٦٠ مجلس٣١ و تقريب المعارف: ص٣٣٧ و التعجّب من أغلاط العامّة في مسألة الإمامة: ص١٣٤ فصل١٦ و عيون المعجزات: ص٥٨ و دلائل الإمامة: ص١٣٥ و الأمالي، الطوسي: ص٢٤ مجلس١ و شواهد التنزيل: ج٢ ص٤١٤و روضة الواعظين: ج١ ص١٥٠ و بشارة المصطفى صلّى الله عليه و آله: ج٢ ص٧٠ و ١٧٨ و النوادر قطب الدّين الراوندي: ص١٤و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٣٢ و الروضة في الفضائل: ص١٦٧ ح١٤٣ و عمدة العيون: ص٣٨٤ و ٣٨٥ و ٣٨٨ و ٣٨٣ و شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد: ج٤ ص٦٤ و ج١٦ ص٢٧٣ و ٢٧٨ و إقبال الأعمال: ج٢ ص٦٢٤ و ج٣ ص١٦٤ و الطرائف: ج١ ص٢٦٢ و بناء المقالة الفاطميّة: ص٣٩٤ و كشف الغمّة: ج١ ص٣٦٣ و ٤٦٦ و الدّرّ النظيم: ص٤٥٧ و ٤٥٨ و ٤٦٢ و ٤٨٤ و العدد القويّة: ص٢٢٥ و كشف اليقين: ص٣٥١ و نهج الحقّ: ص٣٦٢ و إرشاد

القلوب: ج٢ ص٢٣٢ و الصّراط المستقيم: ج١ ص١٧٠ و ج٢ ص١١٨ و ٢٨٢ و ٢٨٩ و ج٣ ص١٢ و عوالي اللئالي: ج٤ ص٩٣ و ج٤ ص٢٧٩ و تسلية المجالس: ج١ ص٥٢٢ و ٥٧٦ و الصوارم المهرقة: ص١٤٠ و ١٤٨ و بسیاری از کتاب‌های شیعه امامیّه و مخالفین.

١٧٩ - بسیاری از محدّثین و مؤرّخین خطبه فدکیّه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها را نقل نموده‌اند: دلائل الإمامة: ص١٠٩ -١١٣ح٣٦ - به سندهای متّصل از: ابن عبّاس، و به چند سند از حضرت زینب علیهاالسّلام، و از چند تن دیگر، و از عبد الله محض از گروهی از بنی هاشم، و به سند خود از امام محمّد باقرعلیه‌السّلام از پدرش از حضرت زینب، و از ابن عائشة و از زید بن علیّ بن الحسین از حضرت زینب؛ از حضرت فاطمه سلام الله علیها که در خطبه خود فرمودند: «... فَفَرَضَ (فَجَعَلَ - الإحتجاج) اللهُ عَلَيْكُمُ الْإِيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ؛ ... وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً (أَماناً - الإحتجاج) لِلْفُرْقَةِ، ... ». و الإحتجاج: ج١ ص٩٧-٩٩ - به سند خود از عبد الله محض. و کشف الغمّة: ج١ ص٤٨٠-٤٨٣ از کتاب السقیفة جوهری به سندها و طرق خود: «... فَفَرَضَ اللهُ الْإِيمانَ تَطْهيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً لِلْفُرْقَةِ، ... ». الدّرّ النظیم فی مناقب الأئمّة اللهامیم: ص٤٦٥-٤٦٩- از ابن عبّاس از حضرت زینب علیهاالسّلام: «... فَفَرَضَ لَكُمُ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ طاعَتَنا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ إِمامَتَنا لَمّاً لِلْفُرْقَةِ، ... ». ر.ک: من لا یحضره الفقیه: ج٣ ص٥٦٧ و ٥٦٨ ح٤٩٤٠ - به سند خود از جابر از حضرت زینب علیهاالسّلام: «... فَفَرَضَ اللهُ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ الطّاعَةَ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمامَةَ لَمّاً مِنَ الْفُرْقَةِ، ... ». علل الشّرائع: ج١ ص٢٤٨ و ٢٤٩ب١٨٢ ح٢ و ٣ و ٤ - از أحمد بن محمّد بن جابر و جمعی از بنی هاشم و زید بن علیّ، از حضرت زینب علیهاالسّلام: «... فَفَرَضَ الْإِيمانَ تَطْهيراً مِنَ الشِّرْكِ، ... وَ الطّاعَةَ نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ الْإِمامَةَ لَمّاً مِنَ الْفُرْقَةِ، ... ». ر.ک: من لا یحضره الفقیه: ج٣ ص٥٦٨ ح٤٩٤٠.

١٨٠ - بحار الأنوار: ج٤٣ ص٢١٨ب٧ ضمن ح٤٩ و ج٧٨ ص٣٩١ ب١٠ ضمن ح٥٦ - از

مصباح الأنوار خطی: ص۲۵۷ از امام جعفربن محمّد، از پدرانش علیهم‌السّلام که فرمودند: «لَمّا حَضَرَتْ فاطِمَةَ الْوَفاةُ بَكَتْ، فَقالَ لَها أَميرُالْمُؤْمِنينَ: يا سَيِّدَتي ما يُبْكيكِ؟ قالَتْ: أَبْكي لِما تَلْقىٰ بَعْدي. فَقالَ لَها: لا تَبْكي، فَوَاللهِ إِنَّ ذٰلِكِ لَصَغيرٌ عِنْدي في ذاتِ اللهِ، ... ». مستدرك الوسائل: ج۲ ص۲۹۰ ب۲۹ ح۱۹۹۵ از بحار الأنوار.

۱۸۱ - سوره (۲) آیه ۲۶۲.

۱۸۲ - تفسیر العیّاشیّ: ج۱ ص۱۴۷ ح۴۸۰ - عن المفضّل بن محمّد الجعفيّ قال: سألت أبا عبد الله علیه‌السّلام عن قول الله: «حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ» قال: الْحَبَّةُ فاطِمَةُ صَلَواتُ‌اللهِ‌عَلَيْها، وَ السَّبْعُ السَّنابِلُ سَبْعَةٌ مِنْ وُلْدِها سابِعُهُمْ قائِمُهُمْ. قلت: الحسن؟ قال: إِنَّ الْحَسَنَ إِمامٌ مِنَ اللهِ مُفْتَرَضٌ طاعَتُهُ، وَ لٰكِنْ لَيْسَ مِنَ السَّنابِلِ السَّبْعَةِ، أَوَّلُهُمْ: الْحُسَيْنُ وَ آخِرُهُمُ الْقائِمُ. فقلت: قوله: «في كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ»؟ قال: يُولِدُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ فِي الْكُوفَةِ مِائَةً مِنْ صُلْبِهِ، وَ لَيْسَ ذاكَ إِلّا هٰؤُلاءِ السَّبْعَةُ. از او: البرهان فی تفسیر القرآن: ج۱ ص۵۴۲ ح۱۴۶۴

۱۸۳ - الغيبة، الشّيخ الطوسيّ: ص۲۸۵ فصل۴ - به سند متّصل خود، از ناحیه مقدّسه مهدیّه عجّل‌الله‌فرجه‌الشّریف توقیعی صادر شد: «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ عافانَا اللهُ وَ إِيّاكُمْ مِنَ الضَّلالَةِ وَ الْفِتَنِ، وَ وَهَبَ لَنا وَ لَكُمْ رُوحَ الْيَقينِ، وَ أَجارَنا وَ إِيّاكُمْ مِنْ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ، ... وَ فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ‌وَسَلَّمَ لي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ، ... ». و مانند آن: الإحتجاج: ج۲ ص۴۶۷.

۱۸۴ - تفسیر فرات الكوفيّ: ص۱۷۱ ح۲۱۹- فرات قال: حدّثني جعفر بن محمّد الفزاريّ معنعناً، عن أبي عبد الله علیه‌السّلام قال: كانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ وَ قالَ: لَعَنَ اللهُ قاتِلَكَ، وَ لَعَنَ اللهُ سالِبَكَ، وَ أَهْلَكَ اللهُ الْمُتَوازِرينَ عَلَيْكَ، وَ حَكَمَ اللهُ بَيْني وَ بَيْنَ مَنْ أَعانَ عَلَيْكَ. قالَتْ فاطِمَةُ الزَّهْراءُ عَلَيْهَاالسَّلامُ]: يا أَبَتِ! أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ؟! قالَ: يا بِنْتاهْ! ذَكَرْتُ [ذكرته] ما يُصيبُ بَعْدي وَ بَعْدَكِ مِنَ الْأَذىٰ وَ الظُّلْمِ [وَ الْغَدْرِ] وَ الْبَغْيِ، وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ في عَصَبَةٍ كَأَنَّهُمْ نُجُومُ السَّماءِ، يَتَهادَوْنَ إِلَى الْقَتْلِ، وَ كَأَنّي أَنْظُرُ إِلىٰ

مُعَسْكَرِهِمْ، وَ إِلىٰ مَوْضِعِ رِحالِهِمْ وَ تُرْبَتِهِمْ. قالَتْ: يا أَبَتِ! وَ أَنّىٰ [وَ أَيْنَ] هٰذَا الْمَوْضِعُ الَّذي تَصِفُ؟ قالَ: مَوْضِعٌ يُقالُ لَهُ كَرْبَلاءُ، وَ هِيَ دارُ كَرْبٍ وَ بَلاءٍ عَلَيْنا وَ عَلَى الْأُمَّةِ، يَخْرُجُ [عَلَيْهِمْ] شِرارُ أُمَّتي وَ إِنَّ أَحَدَهُمْ لَوْ[وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ لو أن] يَشْفَعُ [شَفَعَ] لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ ما شُفِّعُوا فيهِ وَ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النّارِ. قالَتْ: يا أَبَهْ فَيُقْتَلُ؟! قالَ: نَعَمْ يا بِنْتاهْ، وَ ما قُتِلَ قِتْلَتَهُ أَحَدٌ كَانَ قَبْلَهُ، وَ تَبْكيهِ السَّماواتُ وَ الْأَرَضُونَ وَ الْمَلائِكَةُ [وَ الْوَحْشُ] وَ النَّباتاتُ وَ الْبِحارُ وَ الْجِبالُ، وَ لَوْ يُؤْذَنُ لَها [ما بَقِيَ] عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ يَأْتيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبّينا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمَ بِاللهِ وَ لا أَقْوَمَ بِحَقِّنا [لِحَقِّنا] مِنْهُمْ، وَ لَيْسَ عَلىٰ ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أُولٰئِكَ مَصابيحُ فِي ظُلُماتِ الْجَوْرِ، وَ هُمُ الشُّفَعاءُ، وَ هُمْ وارِدُونَ حَوْضي غَداً، أَعْرِفُهُمْ إِذا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسيماهُمْ، وَ كُلُّ أَهْلِ دينٍ [يَطْلُبُونَ أَئِمَّتَهُمْ وَ هُمْ] يَطْلُبُونّا [وَ] لا يَطْلُبُونَ غَيْرَنا، وَ هُمْ قُوّامُ الْأَرْضِ، وَ بِهِمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ. فَقالَتْ فاطِمَةُ [الزَّهْراءُ] ع: يا أَبَتِ! إِنّا لِلّهِ، وَ بَكَتْ. فَقالَ لَها: يا بِنْتاهْ! إِنَّ أَهْلَ الْجِنانِ هُمُ الشُّهَداءُ فِي الدُّنْيا، بَذَلُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ، يُقاتِلُونَ فِي سَبيلِ اللهِ فَيُقْتَلُونَ وَ يُقْتَلُونَ، وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً، فَما عِنْدَ اللهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيا وَ ما فيها [وَ ما فيهما]، قَتْلَةٌ أَهْوَنُ مِنْ مَيْتَتِهِ، مَنْ كُتِبَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ خَرَجَ إِلىٰ مَضْجَعِهِ، وَ مَنْ لَمْ يُقْتَلْ فَسَوْفَ يَمُوتُ. يا فاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ! أَ ما تُحِبّينَ أَنْ تَأْمُرينَ غَداً [بِأَمْرٍ] فَتُطاعينَ فِي هٰذَا الْخَلْقِ عِنْدَ الْحِسابِ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ ابْنُكِ مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ [أَنْ يَكُونَ] أَبُوكِ يَأْتُونَهُ [يَأْتيهِ] يَسْأَلُونَهُ الشَّفاعَةَ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكِ يَذُودُ الْخَلْقَ يَوْمَ الْعَطَشِ عَنِ الْحَوْضِ فَيَسْقِي مِنْهُ أَوْلِياءَهُ وَ يَذُودُ عَنْهُ أَعْداءَهُ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ بَعْلُكِ قَسيمَ النّارِ [الْجَنَّةِ وَ] يَأْمُرَ النّارَ فَتُطيعَهُ يُخْرِجُ مِنْها مَنْ يَشاءُ وَ يَتْرُكُ مَنْ يَشاءُ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ تَنْظُرينَ إِلَى الْمَلائِكَةِ عَلىٰ أَرْجاءِ السَّماءِ يَنْظُرُونَ إِلَيْكِ وَ إِلىٰ ما تَأْمُرينَ بِهِ، وَ يَنْظُرُونَ إِلىٰ بَعْلِكِ [وَ] قَدْ حَضَرَ الْخَلائِقُ وَ هُوَ يُخاصِمُهُمْ عِنْدَ اللهِ، فَما تَرَيْنَ اللهَ صانِعٌ بِقاتِلِ وَلَدِكِ وَ قاتِليكِ إِذا أفلحت [فَلَجَتْ] حُجَّتُهُ عَلَى الْخَلائِقِ وَ أُمِرَتِ النّارُ أَنْ تُطيعَهُ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونَ الْمَلائِكَةُ تَبْكي لِابْنِكِ وَ يَأْسَفُ عَلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ؟ أَ ما تَرْضَيْنَ أَنْ يَكُونَ مَنْ أَتاهُ زائِراً فِي ضَمانِ اللهِ وَ يَكُونُ مَنْ أَتاهُ بِمَنْزِلَةِ مَنْ

حَجَّ إِلىٰ بَيْتِ [اللهِ الْحَرامِ] وَ اعْتَمَرَ وَ لَمْ يَخْلُ مِنَ الرَّحْمَةِ طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَ إِذا ماتَ ماتَ شَهيداً، وَ إِنْ بَقِيَ لَمْ تَزَلِ الْحَفَظَةُ تَدْعُولَهُ ما بَقِيَ، وَ لَمْ يَزَلْ في حِفْظِ اللهِ وَ أَمْنِهِ حَتّىٰ يُفارِقَ الدُّنْيا؟ قالَتْ: يَا أَبَتِ! سَلَّمْتُ وَ رَضيتُ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللهِ، فَمَسَحَ عَلىٰ قَلْبِها وَ مَسَحَ عَلىٰ عَيْنَيْها [جنها] فَقالَ: إِنِّي [أَنَا] وَ بَعْلُكِ وَ أَنْتِ وَ ابْناكِ في مَكانٍ تَقَرُّ عَيْناكِ وَ يَفْرَحُ قَلْبُكِ.

قسمتی از این حدیث شریف در کامل الزّیارات: ص٦٩ ب٢٢ ح٢- حدّثني محمّد بن عبد الله بن جعفرالحميريّ، عن أبيه، عن عليّ بن محمّد بن سالم، عن محمّد بن خالد، عن عبد الله بن حمّاد البصريّ، عن عبد الله بن عبد الرّحمان الأصمّ، عن مسمع بن عبد الملك، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام قال: كانَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ مَعَ أُمِّهِ تَحْمِلُهُ، فَأَخَذَهُ رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ فَقال: لَعَنَ اللهُ قاتِلِيكَ وَ لَعَنَ اللهُ سالِبِيكَ وَ أَهْلَكَ اللهُ الْمُتَوازِرِينَ عَلَيْكَ وَ حَكَمَ اللهُ بَيْني وَ بَيْنَ مَنْ أَعانَ عَلَيْكَ. فَقالَتْ فاطِمَةُ: يَ أَبَتِ! أَيَّ شَيْءٍ تَقُولُ؟ قالَ: يا بِنْتاهْ! ذَكَرْتُ ما يُصيبُهُ بَعْدي وَ بَعْدَكِ مِنَ الْأَذىٰ وَ الظُّلْمِ وَ الْغَدْرِ وَ الْبَغْيِ، وَ هُوَ يَوْمَئِذٍ في عُصْبَةٍ كَأَنَّهُمْ نُجُومُ السَّماءِ يَتَهادَوْنَ إِلَى الْقَتْلِ، وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلىٰ مُعَسْكَرِهِمْ وَ إِلىٰ مَوْضِعِ رِحالِهِمْ وَ تُرْبَتِهِمْ. فَقالَتْ: يا أَبَتِ! وَ أَيْنَ هٰذَا الْمَوْضِعُ الَّذي تَصِفُ؟ قالَ: مَوْضِعٌ يُقالُ لَهُ كَرْبَلاءُ، وَ هِيَ ذاتُ كَرْبٍ وَ بَلاءٍ عَلَيْنا وَ عَلَى الْأُمَّةِ، يَخْرُجُ عَلَيْهِمْ شِرارُ أُمَّتي، وَ لَوْ أَنَّ أَحَدَهُمْ يَشْفَعُ لَهُ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرَضينَ ما شُفِّعُوا فيهِمْ، وَ هُمُ الْمُخَلَّدُونَ فِي النّارِ. قالَتْ: يا أَبَتِ! فَيُقْتَلُ؟! قالَ: نَعَمْ يا بِنْتاهْ! قُتِلَ قَبْلَهُ أَحَدٌ كانَ تَبْكيهِ السَّماوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ، وَ الْمَلائِكَةُ وَ الْوَحْشُ، وَ الْحيتانُ فِي الْبِحارِ وَ الْجِبالِ، لَوْ يُؤْذَنُ لَها ما بَقِيَ عَلَى الْأَرْضِ مُتَنَفِّسٌ، وَ تَأْتيهِ قَوْمٌ مِنْ مُحِبّينا لَيْسَ فِي الْأَرْضِ أَعْلَمُ بِاللهِ وَ لا أَقْوَمُ بِحَقِّنا مِنْهُمْ، وَ لَيْسَ عَلىٰ ظَهْرِ الْأَرْضِ أَحَدٌ يَلْتَفِتُ إِلَيْهِ غَيْرُهُمْ، أُولٰئِكَ مَصابيحُ في ظُلُماتِ الْجَوْرِ، وَ هُمُ الشُّفَعاءُ، وَ هُمْ وارِدُونَ حَوْضي غَداً، أَعْرِفُهُمْ إِذا وَرَدُوا عَلَيَّ بِسيماهُمْ، وَ أَهْلُ كُلِّ دينٍ، يَطْلُبُونَ أَئِمَّتَهُمْ وَ هُمْ يَطْلُبُونَنا وَ لا يَطْلُبُونَ غَيْرَنا، وَ هُمْ قُوّامُ الْأَرْضِ، بِهِمْ يَنْزِلُ الْغَيْثُ- و ذكرالحديث بطوله. بحار الأنوار: ج٤٤ ص٢٦٤ ب٣١ ح٢٢از هردو.

١٨٥ - الأمالي، الشيخ الطوسيّ: ص٦٦٨ مجلس٣٦ ح١٣٩٩- ٦- به سند متّصل از اسحاق بن

عمّار و ابو بصير از امام جعفر صادق عليه‌السّلام فرمود:. از او: بحار الأنوار: ج٤٣ ص١٠٥ ب٥ ح١٩.

١٨٦ - سوره (٢١) الأنبياء عليهم‌السّلام آيه١٠٢ الى ١٠٤.

١٨٧ - تفسير فرات الكوفيّ: ص٢٦٨ ح٣٦٢- حدّثني الحسين بن سعيد معنعناً، عن جعفر، عن أبيه قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: إِذا كانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ نادىٰ مُنادٍ مِنْ بُطْنانِ الْعَرْشِ: يا مَعْشَرَ الْخَلائِقِ غُضُّوا أَبْصارَكُمْ حَتّىٰ تَمُرَّ بِنْتُ حَبيبِ اللهِ إِلىٰ قَصْرِها فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ ابْنَتي، [فَتَمُرُّوَا] عَلَيْها رَيْطَتانِ خَضْراوانِ حَوالَيْها سَبْعُونَ أَلْفَ حَوْراءَ، فَإِذا بَلَغَتْ إِلىٰ بابِ قَصْرِها وَجَدَتِ الْحَسَنَ قائِماً وَ الْحُسَيْنَ نائِماً مَقْطُوعَ الرَّأْسِ، فَتَقُولُ لِلْحَسَنِ مَنْ هٰذا؟ فَيَقُولُ: هٰذا أَخي، إِنَّ أُمَّةَ أَبيكِ قَتَلُوهُ وَ قَطَعُوا رَأْسَهُ، فَيَأْتيهَا النِّداءُ مِنْ عِنْدِ اللهِ: يا بِنْتَ حَبيبِ اللهِ! إِنِي إِنَّما أَرَيْتُكِ ما فَعَلَتْ بِهِ أُمَّةُ أَبيكِ، إِنِّي ادَّخَرْتُ لَكِ عِنْدي تَعْزِيَةً بِمُصيبَتِكِ فيهِ، وَ إِنِّي جَعَلْتُ تَعْزِيَتَكِ الْيَوْمَ أَنّي لا أَنْظُرُ في مُحاسَبَةِ الْعِبادِ حَتّىٰ تَدْخُلي الْجَنَّةَ أَنْتِ وَ ذُرِّيَّتُكِ وَ شيعَتُكِ وَ مَنْ والاكُمْ [أَوْلاكُمْ] مَعْرُوفاً مِمَّنْ [بمن] لَيْسَ هُوَ مِنْ شيعَتِكِ قَبْلَ أَنْ أَنْظُرَ في مُحاسَبَةِ الْعِبادِ. فَتَدْخُلُ فاطِمَةُ ابْنَتي الْجَنَّةَ وَ ذُرِّيَّتُها وَ شيعَتُها وَ مَنْ والاهَا [والاهُمْ أَوْلاها] مَعْرُوفاً مِمَّنْ لَيْسَ مِنْ شيعَتِها فَهُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: لا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ. قال: هَوْلُ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ، هِيَ وَ اللهِ فاطِمَةُ وَ ذُرِّيَّتُها وَ شيعَتُها وَ مَنْ والاهُمْ مَعْرُوفاً [مِمَّنْ] لَيْسَ هُوَ مِنْ شيعَتِها. از او: بحار الأنوار: ج٧ ص٣٣٥ ب١٧ ح٢١ و ج٤٣ ص٦٣ ب٣ ح٥٤.

١٨٨ - الأمالي، ابن بابويه: ص١٨ مجلس٥ ح٤ - حدّثنا محمّد بن إبراهيم قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن جرير الطّبريّ قال: حدّثنا أبو محمّد الحسن بن عبد الواحد الخزّاز قال: حدّثني إسماعيل بن عليّ السّنديّ، عن منيع بن الحجّاج، عن عيسى بن موسى، عن جعفر الأحمر، عن أبي جعفر محمّد بن عليّ الباقر عليه‌السّلام قال: سمعت جابر بن عبد الله الأنصاري يقول: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: إِذا كانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ تُقْبِلُ ابْنَتي فاطِمَةُ عَلىٰ ناقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدَبَّجَةَ الْجَنْبَيْنِ خَطْمُها مِنْ لُؤْلُؤٍ رَطْبٍ قَوائِمُها مِنَ الزُّمُرُّدِ الْأَخْضَرِ ذَنَبُها مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ عَيْناها

ياقُوتَتانِ حَمْراوانِ عَلَيْها قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرىٰ ظاهِرُها مِنْ باطِنِها وَ باطِنُها مِنْ ظاهِرِها داخِلُها عَفْوُ اللهِ وَ خارِجُها رَحْمَةُ اللهِ عَلىٰ رَأْسِها تاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتّاجِ سَبْعُونَ رُكْناً كُلُّ رُكْنٍ مُرَصَّعٌ بِالدُّرِّ وَ الْيَاقُوتِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدُّرِّيُّ فِي أُفُقِ السَّمَاءِ وَ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ جَبْرَئِيلُ آخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ص فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَ لَا رَسُولٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتَسِيرُ حَتَّى تُحَاذِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ فَتَزُجُّ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَ تَقُولُ إِلٰهِي وَ سَيِّدِي! أُحْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي. اللّٰهُمَّ احْكُمْ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ قَتَلَ وُلْدِي. فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللهِ جَلَّ جَلَالُهُ: يا حَبِيبَتِي وَ ابْنَةَ حَبِيبِي! سَلِينِي تُعْطَيْ وَ اشْفَعِي تُشَفَّعِي، فَوَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لا جازَنِي ظُلْمُ ظالِمٍ. فَتَقُولُ: إِلٰهِي وَ سَيِّدِي! ذُرِّيَّتِي وَ شِيعَتِي وَ شِيعَةَ ذُرِّيَّتِي وَ مُحِبِّيَّ وَ مُحِبِّي ذُرِّيَّتِي. فَإِذَا النِّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللهِ جَلَّ جَلَالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فاطِمَةَ وَ شِيعَتُها وَ مُحِبُّوها وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِها؟ فَيُقْبِلُونَ وَ قَدْ أَحاطَ بِهِمْ مَلائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ حَتّىٰ تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ. از او: بشارة المصطفى: ص١٨ ح١٥، ١٤ و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٨. و در الفضائل: ص١١ و مناقب آل أبي طالب عليهم السّلام: ج٣ ص٣٢٧ مانند آن با اختلافى اندک.

١٨٩ - كنز الفوائد، الكراجكيّ: ج١ ص١٤٩- و ممّا حدّثنا به الشيخ الفقيه أبو الحسن بن شاذان رحمه الله قال: حدّثني أبي رضي الله عنه قال: حدّثنا ابن الوليد محمّد بن الحسن قال: حدّثنا الصّفّار محمّد بن الحسين قال: حدّثنا محمّد بن زياد، عن مفضّل بن عمر، عن يونس بن يعقوب رضي الله عنه قال: سمعت الصّادق جعفر بن محمّد عليه السّلام يقول:. و الدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم : ص٤٥٨ و ص٦٤١ و العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة: ص٢٢٥. بحار الأنوار: ج٢٩ ص٣٤٦ ح٢١ و ج٧٣ ص٣٥٥ ب٦٧ ح٢١ از كنز الفوائد.

١٩٠ - سوره (٢) آيه ٣٨.

١٩١ - سوره (٢) آيه ١٢٤.

۱۹۲ - در بصائرالدّرجات: ص،۴۳۰ باب۷، ۱۱حدیث از امام محمّد باقر و امام جعفر صادق و ائمّه علیهم‌السّلام، و در باب۸ تعداد ۳ حدیث و در باب۹ تعداد ۷ حدیث و در باب۱۰ تعداد ۲ حدیث و در باب۱۱ تعداد ٤ حدیث و در باب۱۲ تعداد ۲ حدیث و در الکافي شریف و دیگر کتب معتبرحدیث شیعه امامیّه احادیثی در این باب می‌باشد.

۱۹۳ - بصائر الدّرجات: ص۲۲۳ ب۳ ح۱۳- حدّثنا عبّاد بن سلیمان، عن محمّد بن سلیمان الدّیلميّ، عن أبیه سلیمان، عن أبي عبد الله علیه‌السّلام قال: إِنَّ نُطْفَةَ الْإِمامِ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ إِذا وَقَعَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعَ وَ هُوَ واضِعٌ يَدَهُ إِلَى الْأَرْضِ، رافِعٌ رَأْسَهُ إِلَى السَّماءِ. قلت: جعلت فداك و لم ذاك؟ قال: لِأَنَّ مُنادِياً يُناديهِ مِنْ جَوِّ السَّماءِ مِنْ بُطْنانِ الْعَرْشِ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلىٰ: يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ! اثْبُتْ فَإِنَّكَ صَفْوَتي مِنْ خَلْقي وَ عَيْبَةُ عِلْمي وَ لَكَ وَ لِمَنْ تَوَلّاكَ أَوْجَبْتُ رَحْمَتي وَ مَنَحْتُ جِناني وَ أحلت [أُحِلُّكَ] جِواري ثُمَّ وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأَصْلِيَنَّ مَنْ عاداكَ أَشَدَّ عَذابي وَ إِنْ أَوْسَعْتُ عَلَيْهِمْ في دُنْيايَ مِنْ سَعَةِ رِزْقي. قال: فَإِذَا انْقَضىٰ صَوْتُ الْمُنادي أَجابَهُ هُوَ: شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، فَإِذا قالَها أَعْطاهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ وَ الْعِلْمَ الْآخِرَ وَ اسْتَحَقَّ زِيادَةَ الرُّوحِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ.

و دلائل الإمامة: ص۳۰۵ ح۲۵۹/ ۲- حدّثنا أبو المفضّل محمّد بن عبد الله قال: حدّثني أبو النّجم بدر ابن عمّار الطّبرستانيّ قال: حدّثنا أبو جعفر محمّد بن عليّ، رفعه إلى أبي عبد الله علیه‌السّلام، قال: إِنَّ حَميدَةَ أَخْبَرَتْني بِشَيْءٍ ظَنَنْتُ أَنّي لا أَعْرِفُهُ، وَ كُنْتُ أَعْلَمَ بِهِ مِنْها. قلنا له: و ما أخبرتك به؟ قال: ذَكَرَتْ أَنَّهُ لَمّا سَقَطَ مِنَ الْأَحْشاءِ سَقَطَ واضِعاً يَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ، رافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّماءِ، فَأَخْبَرْتُها أَنَّ ذٰلِكَ أَمارَةُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ الْوَصِيُّ إِذا خَرَجَ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ، أَنْ تَقَعَ يَداهُ عَلَى الْأَرْضِ، وَ رَأْسُهُ إِلَى السَّماءِ، وَ يَقُولُ: شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لا إِلٰهَ إِلّا هُوَ...، أَعْطاهُ اللهُ الْعِلْمَ الْأَوَّلَ، وَ الْعِلْمَ الْآخِرَ، وَ اسْتَحَقَّ زِيادَةَ الرُّوحِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَ هُوَ أَعْظَمُ خَلْقاً مِنْ جَبْرَئيلَ.

۱۹٤ - کنز الفوائد: ص۷۱ و ۷۲ و چاپ جدید: ج۱ ص۱٦٦- فروي عنها (آمنة بنت وهب

عليهاالسّلام) من الآيات التي شاهدتها ليلة حملها به و عند ولادتها ما يطول ذكره، فكان ممّا قالت: إِنَّهُ أَتانِي الْمَخاضُ وَ أَنَا وَحْدي فَلَمّا وَضَعْتُهُ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ رَأَيْتُهُ ساجِداً قَدْ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّماءِ كَالْمُبْتَهِلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَشَّتْني سَحابَةٌ غَيَّبَتْهُ عَنْ عَيْني، وَ سَمِعْتُ مِنْها كَلاماً، ثُمَّ أُعيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدَرَّجٌ في ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَريرَةٌ خَضْراءُ، وَ وُلِدَ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ طاهِراً مُطَهَّراً.

١٩٥ - كنز الفوائد: ج١ ص١٦٦- فروي عنها (آمنة بنت وهب عليهاالسّلام) من الآيات الّتي شاهدتها ليلة حملها به و عند ولادتها ما يطول ذكره. فكان ممّا قالت: إِنَّهُ أَتانِي الْمَخاضُ وَ أَنَا وَحْدي، فَلَمّا وَضَعْتُهُ رَأَيْتُهُ ساجِداً قَدْ رَفَعَ إِصْبَعَهُ إِلَى السَّماءِ كَالْمُبْتَهِلِ الْمُتَضَرِّعِ، ثُمَّ غَشَّتْني سَحابَةٌ غَيَّبَتْهُ عَنْ عَيْني، وَ سَمِعْتُ مِنْها كَلاماً، ثُمَّ أُعيدَ إِلَيَّ وَ هُوَ مُدَرَّجٌ في ثَوْبِ صُوفٍ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ الثَّلْجِ، وَ تَحْتَهُ حَريرَةٌ خَضْراءُ، وَ وُلِدَ طاهِراً مُطَهَّراً.

از او: إثبات الهداة: ج١ ص٤٢٣ ح٦٣٠.

١٩٦ - و روي عن آمنة بنت وهب أنّها قالت: ... .

١٩٧ - الفضائل، ابن شاذان القميّ: ص٥٨ و روضة الواعظين: ج١ ص٨٠.

١٩٨ - الأمالي، الشّيخ الصّدوق: ص٥٩٣ المجلس٨٧ ح١ و و دلائل الإمامة: ص٧٦ ح١٧ و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٣ و ... .

١٩٩ - بصائر الدرجات: ص٤٣٥ ب٨ ح٢- حدّثنا معاوية بن حكيم، عن أبي داود المسترق، عن محمّد بن مروان، عن الفضيل بن يسار قال: إِنَّ الْإِمامَ مِنّا يَسْمَعُ الْكَلامَ في بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ السَّماءِ إِلَى الْأَرْضِ، فَإِذا دَرَجَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرىٰ بِهِ ما بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ. و إثبات الوصيّة: ص١٨٠- و روي عن الفضيل بن يسار قال: سمعت أبا جعفر عليه‌السّلام يقول: إِنَّ الْإِمامَ مِنّا يَسْمَعُ الْكَلامَ في بَطْنِ أُمِّهِ، فَإِذا وَقَعَ إِلَى الْأَرْضِ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرىٰ بِهِ أَعْمالَ الْعِبادِ. و عيون المعجزات: ص٧٧- و عن الفضل بن يسار، قال: سمعت ابا جعفر عليه‌السّلام يقول: إِنَّ الْإِمامَ مِنّا يَسْمَعُ الْكَلامَ في بَطْنِ أُمِّهِ، وَ إِذا وَقَعَ إِلَى

الْأَرْضِ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرىٰ بِهِ أَعْمالَ عِبادِ اللهِ سُبْحانَهُ.

٢٠٠ - عيون المعجزات: ص٥٩- و روي عن جابر بن عبد الله الأنصاريّ قال: قال رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله: دَخَلْتُ عَلىٰ خَديجَةَ وَ قَدْ حُمِلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ كانَتْ وَحْدَها تَتَكَلَّمُ، فَقالَتْ: إِنَّ الْجَنينَ الَّذي في بَطْني يُكَلِّمُني وَ أُكَلِّمُهُ، وَلي بِهِ أُنْسٌ في حالِ وَحْدَتي.

٢٠١ - الأمالي، الشّيخ الصّدوق: ص٥٩٣ المجلس٨٧ ح١- حدّثنا الشّيخ الجليل أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ رضوان الله عليه قال: حدّثنا أبو عبد الله أحمد بن محمّد الخليليّ، عن محمّد بن أبي بكر الفقيه، عن أحمد بن محمّد النوفليّ،عن إسحاق بن يزيد، عن حمّاد بن عيسى، عن زرعة بن محمّد، عن المفضّل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله الصّادق عليه‌السّلام: كيف كان ولادة فاطمة؟ فقال:. و دلائل الإمامة: ص٧٦ ح١٧- حدّثنا أبو المفضّل محمّد بن عبد الله بن المطلّب الشّيبانيّ قال: حدّثني أبو القاسم موسى بن محمّد بن موسى الأشعريّ القميّ، ابن أخت سعد بن عبد الله قال: حدّثني الحسن بن محمّد بن إسماعيل المعروف بابن أبي السّورى قال: حدّثني عبيد الله بن عليّ بن أشيم قال: حدّثني يعقوب بن يزيد الأنباريّ، عن حمّاد بن عيسى، عن زرعة بن محمّد، عن المفضّل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله جعفر بن محمّد عليه‌السّلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليهاالسلام؟ قال: نَعَمْ، إِنَّ خَديجَةَ رِضْوانُ اللهِ عَلَيْها لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ هَجَرَتْها نِسْوَةُ مَكَّةَ، فَكُنَّ لا يَدْخُلْنَ عَلَيْها، وَ لا يُسَلِّمْنَ عَلَيْها، وَ لا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْها، فَاسْتَوْحَشَتْ خَديجَةُ مِنْ ذٰلِكَ. فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ كانَتْ خَديجَةُ تَغْتَمُّ وَ تَحْزَنُ إِذا خَرَجَ رَسُولُ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، فَكانَتْ فاطِمَةُ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها، وَ تُصَبِّرُها، وَ كانَ حُزْنُ خَديجَةَ وَ حَذَرُها عَلىٰ رَسُولِ‌اللهِ. وَ كانَتْ خَديجَةُ تَكْتُمُ ذٰلِكَ عَنْ رَسُولِ‌اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَآلِهِ، فَدَخَلَ يَوْماً، فَسَمِعَ خَديجَةَ تُحَدِّثُ فاطِمَةَ، فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ! مَنْ يُحَدِّثُكِ؟ قالَتْ: الْجَنينُ الَّذي في بَطْني يُحَدِّثُني وَ يُؤْنِسُني. فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ! هٰذا جَبْرَئيلُ يُبَشِّرُني بِأَنَّها أُنْثىٰ، وَ أَنَّها النَّسَمَةُ الطّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ، وَ أَنَّ اللهَ تَعالىٰ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها، وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِها أَئِمَّةً فِي الْأُمَّةِ، وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفاءَ في أَرْضِهِ بَعْدَ

انْقِضاءِ وَحْيِهِ. فَلَمْ تَزَلْ خَديجَةُ عَلىٰ ذٰلِكَ إِلىٰ أَنْ حَضَرَتْ وِلادَتُها، فَوَجَّهَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ وَ بَني هاشِمٍ لِيَلِينَ مِنْها ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ. فَأَرْسَلْنَ إِلَيْها بِأَنَّكَ عَصَيْتِنا، وَ لَمْ تَقْبَلي قَوْلَنا، وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً، يَتيمَ أَبي طالِبٍ، فَقيراً لا مالَ لَهُ، فَلَسْنا نَجيئُكِ، وَ لا نَلي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً، فَاغْتَمَّتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ. فَبَيْنا هِيَ في ذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طِوالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِساءِ بَني هاشِمٍ، فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ، فَقالَتْ لَها إِحْداهُنَّ: لا تَحْزَني يا خَديجَةُ فَإِنّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكِ، وَ نَحْنُ أَخَواتُكَ، أَنَا سارَةُ، وَ هٰذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ هِيَ رَفيقَتُكِ في الْجَنَّةِ، وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ، وَ هٰذِهِ صَفُوراءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ؛ بَعَثَنَا اللهُ إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْ أَمْرِكِ ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ. فَجَلَسَتْ واحِدَةٌ عَنْ يَمينِها، وَ الْأُخْرىٰ عَنْ يَسارِها، وَ الثّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْها، وَ الرّابِعَةُ مِنْ خَلْفِها، فَوَضَعَتْ خَديجَةُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَمّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتّىٰ دَخَلَ بُيُوتاتِ مَكَّةَ، وَ لَمْ يَبْقَ في شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا غَرْبِها مَوْضِعٌ إِلّا أَشْرَقَ فيهِ ذٰلِكَ النُّورُ. فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها، وَ دَخَلَتْ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعينِ، كُلُّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَها طَسْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْريقٌ، وَ في الْإِبريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ، فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها فَغَسَلَتْها بِماءِ الْكَوْثَرِ، وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوَتَيْنِ، أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ، فَلَفَّتْها بِواحِدَةٍ، وَ قَنَّعَتْها بِأُخْرىٰ. ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْها فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ بِشَهادَةِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبي رَسُولُ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ، وَ أَنَّ وَلَدَيَّ سَيِّدَا الْأَسْباطِ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ، وَ سَمَّتْ كُلَّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِها، وَ ضَحِكْنَ إِلَيْها. وَ تَباشَرَتِ الْحُورُالْعينُ، وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَةِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ حَدَثَ في السَّماءِ نُورٌ زاهِرٌ، لَمْ تَرَهُ الْمَلائِكَةُ قَبْلَ ذٰلِكَ الْيَوْمِ، فَلِذٰلِكَ سُمِّيَتِ الزَّهْراءُ صَلَواتُاللهِعَلَيْها. وَ قالَتْ: خُذيها، يا خَديجَةُ، طاهِرَةً مُطَهَّرَةً، زَكِيَّةً مَيْمُونَةً، بُورِكَ فيها وَ في نَسْلِها. فَتَناوَلَتْها خَديجَةُ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، فَأَلْقَمَتْها ثَدْيَها، فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْها، وَ كانَتْ عَلَيْهَاالسَّلامُ تَنْمُو في كُلِّ يَوْمٍ كَما يَنْمُو الصَّبِيُّ في شَهْرٍ، وَ في شَهْرٍ كَما يَنْمُو الصَّبِيُّ في السَّنَةِ، صَلَواتُاللهِعَلَيْها. و روضة الواعظين و بصيرة المتّعظين: ج١ ص١٤٣- قال المفضّل بن عمر: قلت لأبي عبد الله الصّادق

عليه‌السّلام: كيف كان ولادة فاطمة عليهاالسّلام: قال: نَعَمْ! إِنَّ خَديجَةَ لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ هَجَرَها نِسْوَةُ مَكَّةَ وَ كُنَّ لا يَدْخُلْنَ إِلَيْها وَ لا يُسَلِّمْنَ عَلَيْها وَ يَمْتَعْنَ امْرَأَةً أَرادَتْ أَنْ تَدْخُلَ إِلَيْها فَاسْتَوْحَشَتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ وَ كانَ جَزَعُها وَ غَمُّها حَذَراً عَلَيْهِ، فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ كانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها وَ تُصَبِّرُها، وَ كانَتْ تَكْتُمُ ذٰلِكَ مِنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وآلِهِ فَدَخَلَ رَسُولُ اللهِ يَوْماً فَسَمِعَ خَديجَةَ تُحَدِّثُ فاطِمَةَ. فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ! مَنْ تُحَدِّثينَ قالَتْ الْجَنينُ الَّذي في بَطْني يُحَدِّثُني وَ يُؤْنِسُني قالَ: يا خَديجَةُ هٰذا جَبْرَئيلُ عَلَيْهِ‌السَّلامُ يُبَشِّرُني أَنَّها ابْنَتي وَ أَنَّها النَّسْلَةُ الطّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللهَ تَعالىٰ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِها أَئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفاءَ في أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيِهِ. فَلَمْ تَزَلْ خَديجَةُ عَلىٰ ذٰلِكَ إِلىٰ أَنْ حَضَرَتْ وِلادَتُها فَوَجَّهَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ وَ بَني هاشِمٍ أَنْ تَعالَيْنَ لِتَلِينَ مِنّي ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْها عَصَيْتِنا وَ لَمْ تَقْبَلي قَوْلَنا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً يَتيمَ أَبي طالِبٍ فَقيراً لا مالَ لَهُ فَلَسْنا نَجيءُ وَ لا نَلي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَاغْتَمَّتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ فَبَيْنا هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمْرٍ طِوالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِساءِ بَني هاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمّا رَأَتْهُنَّ فَقالَتْ إِحْداهُنَّ: لا تَحْزَني يا خَديجَةُ فَإِنّا رُسُلُ رَبِّكِ وَ نَحْنُ أَخَواتُكِ أَنَا سارَةُ وَ هٰذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ هِيَ رَفيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ وَ هٰذِهِ كُلْثُمُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ بَعَثَنَا اللهُ إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْكِ ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ فَجَلَسَتْ واحِدَةٌ عَنْ يَمينِها وَ أُخْرىٰ عَنْ يَسارِها وَ الثّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْها وَ الرّابِعَةُ مِنْ خَلْفِها فَوَضَعَتْ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتّىٰ عَلا بُيُوتاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ في شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا في غَرْبِها مَوْضِعٌ إِلّا أَشْرَقَ فيهِ ذٰلِكَ النُّورُ وَ دَخَلْنَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعينِ كُلُّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ مَعَها طَشْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْريقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبْريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها فَغَسَّلَتْها بِماءِ الْكَوْثَرِ فَأَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوَيْنِ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ ريحاً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْها بِواحِدَةٍ وَ قَنَّعَتْها بِالثّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْها فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ بِالشَّهادَتَيْنِ قالَتْ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبي رَسُولُ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ، وَ وُلْدي

سادَةُ الْأَسْباطِ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ واحِدَةٍ بِاسْمِها وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْها وَ تَباشَرَتِ الْحُورُالْعِينُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّماءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَةِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ وَ حَدَثَ فِي السَّماءِ نُورٌ زاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلائِكَةُ قَبْلَ ذٰلِكَ وَ قالَتِ النِّسْوَةُ: خُذيها يا خَديجَةُ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فيها وَ فِي نَسْلِها فَتَناوَلَتْها فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً وَ أَلْقَمَتْها ثَدْيَها فَدَرَّ عَلَيْها. فَكانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَما يَنْمي الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَ تَنْمُو فِي الشَّهْرِ كَما يَنْمِي الصَّبِيُّ فِي السَّنَةِ. و الخرائج و الجرائح: ج٢ ص٥٢٤ ح١- عن المفضّل بن عمر، عن أبي عبد الله عليه‌السّلام، قلت له: كيف كانت ولادة فاطمة عليهاالسّلام؟ قال: إِنَّ خَديجَةَ لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوآلِهِ هَجَرَها نِسْوَةُ قُرَيْشٍ فَكُنَّ لا يَدْخُلْنَ عَلَيْها (منزلها-خ ل) وَ لا يُسَلِّمْنَ عَلَيْها وَ لا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْها فَاسْتَوْحَشَتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ وَ كانَ جَزَعُها وَ غَمُّها حَذَراً عَلَيْهِ فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ كانَتْ فاطِمَةُ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها وَ تُصَبِّرُها وَ كانَتْ تَكْتُمُ ذٰلِكَ مِنْ رَسُولِاللهِ فَدَخَلَ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوآلِهِ عَلَيْها يَوْماً فَسَمِعَ خَديجَةَ تُحَدِّثُ فاطِمَةَ فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ! مَنْ تُحَدِّثينَ؟ قالَتْ: الْجَنينُ الَّذي فِي بَطْني يُحَدِّثُني وَ يُؤْنِسُني. قالَ: يا خَديجَةُ! هٰذا جَبْرَئيلُ يُبَشِّرُني بِأَنَّها أُنْثىٰ وَ أَنَّها النَّسْلُ الطّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللهَ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِها أَئِمَّةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيِهِ فَلَمْ تَزَلْ خَديجَةُ عَلىٰ ذٰلِكَ إِلىٰ أَنْ حَضَرَتْ وِلادَتُها فَوَجَّهَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ أَنْ تَعالَيْنَ لِتَلِدَنِ مِنّي ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْها عَصَيْتينا وَ لَمْ تَقْبَلي قَوْلَنا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً يَتيمَ أَبي طالِبٍ فَقيراً لا مالَ لَهُ فَلَسْنا نَجيءُ وَ لا نَلي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً فَاغْتَمَّتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ فَبَيْنا هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طِوالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِساءِ بَني هاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمّا رَأَتْهُنَّ فَقالَتْ إِحْداهُنَّ لا تَحْزَني يا خَديجَةُ فَإِنّا رُسُلُ رَبِّكِ إِلَيْكِ وَ نَحْنُ أَخَواتُكِ أَنَا سارَةُ وَ هٰذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ هِيَ رَفيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ وَ هٰذِهِ كُلْثُمُ بِنْتُ عِمْرانَ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرانَ « وَ هٰذِهِ أُمُّ الْبَشَرِ أُمُّنا حَوّاءُ» بَعَثَنَا اللهُ إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْكِ ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ فَجَلَسَتْ واحِدَةٌ عَنْ يَمينِها وَ الْأُخْرىٰ عَنْ يَسارِها وَ الثّالِثَةُ بَيْنَ يَدَيْها وَ الرّابِعَةُ مِنْ خَلْفِها فَوَضَعَتْ فاطِمَةَ

طاهِرَةً مُطَهَّرَةً فَلَمّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتّىٰ دَخَلَ بُيُوتاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا غَرْبِها مَوْضِعٌ إِلّا أَشْرَقَ مِنْ ذٰلِكَ النُّورِ وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعينِ بِيَدِ كُلِّ واحِدَةٍ طَسْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْريقٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ فِي الْإِبريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها فَغَسَلَتْها بِماءِ الْكَوْثَرِ وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوَيْنِ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ ريحاً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْها بِواحِدَةٍ وَ قَنَّعَتْها بِالثّانِيَةِ ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْها فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ «بِالشَّهادَةِ» فَقالَتْ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي عَلِيٌّ سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ، وَ وُلْدي سادَةُ الْأَسْباطِ. ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ واحِدَةٍ بِاسْمِها وَ أَقْبَلْنَ يَضْحَكْنَ إِلَيْها وَ تَباشَرَتِ الْحُورُ الْعينُ (بِوَلادَتِها) وَ بَشَّرَ أَهْلُ السَّماءِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَةِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ وَ حَدَثَ فِي السَّماءِ نُورٌ زاهِرٌ لَمْ تَرَهُ الْمَلائِكَةُ قَبْلَ ذٰلِكَ وَ قالَتِ النِّسْوَةُ: خُذيها يا خَديجَةُ، طاهِرَةً مُبارَكَةً، زَكِيَّةً مَيْمُونَةً، بُورِكَ فيها وَ في نَسْلِها. فَتَناوَلَتْها فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، وَ أَلْقَمَتْها ثَدْيَها. وَ كانَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَما يَنْمُو الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ، وَ تَنْمُو فِي الشَّهْرِ كَما يَنْمُو فِي السَّنَةِ. و الدّرّ النّظيم في مناقب الأئمّة اللّهاميم: ص٤٥٣-٤٥٥- و حدّث يعقوب بن زيد الأنباريّ، عن همّام (حمّاد) بن عيسى، عن زرعة بن عبد الله، عن المفضّل بن عمر، قال: قلت لأبي عبد الله جعفربن محمّد عليهماالسّلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليهاالسّلام؟ قال: نَعَمْ إِنَّ خَديجَةَ رِضْوانُ اللهِ عَلَيْها لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ هَجَرَها نِسْوَةُ مَكَّةَ فَكُنَّ لا يَدْخُلْنَ عَلَيْها وَ لا يُسَلِّمْنَ عَلَيْها وَ لا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْها. فَاسْتَوْحَشَتْ خَديجَةُ مِنْ ذٰلِكَ، فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ صارَتْ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها وَ تُصَبِّرُها، وَ كانَتْ خَديجَةُ تَكْتُمُ ذٰلِكَ عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآلِهِ فَدَخَلَ يَوْماً فَسَمِعَ خَديجَةَ تُحَدِّثُ فاطِمَةَ، فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ مَنْ تُحَدِّثُكِ؟ قالَتْ: الْجَنينُ الَّذي في بَطْني يُحَدِّثُني وَ يُؤْنِسُني. فَقالَ لَها: يا خَديجَةُ! هٰذا جَبْرائيلُ بَشَّرَني أَنَّها أُنْثىٰ، وَ أَنَّها النَّسَمَةُ الطّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ، فَإِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها، وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِها أَئِمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفاءَهُ في أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضاءِ وَحْيِهِ. فَلَمْ تَزَلْ خَديجَةُ عَلىٰ

ذٰلِكَ إِلىٰ أَنْ حَضَرَتْ وِلادَتُها فَوَجَّهَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ وَ نِساءِ بَني هاشِمٍ بِحَيْثُ يَلِينَ مِنْها ما تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ فَأَرْسَلْنَ إِلَيْها عَصَيْتينا وَ لَمْ تَقْبَلي قَوْلَنا وَ تَزَوَّجْتِ مُحَمَّداً، يَتيمَ أَبي طالِبٍ، فَقيراً لا مالَ لَهُ، فَلَسْنا نَجيءُ وَ لا نَلي مِنْ أَمْرِكِ شَيْئاً. فَاغْتَمَّتْ خَديجَةُ لِذٰلِكَ، فَبَيْنا هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ طِوالٍ كَأَنَّهُنَّ مِنْ نِساءِ بَني هاشِمٍ فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ. فَقالَتْ لَها إِحْداهُنَّ: لا تَحْزَني يا خَديجَةُ فَإِنّا رُسُلُ رَبِّكِ إِلَيْكِ وَ نَحْنُ أَخَواتُكِ، أَنَا سارَةُ، وَ هٰذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزاحِمٍ وَ هِيَ رَفيقَتُكِ فِي الْجَنَّةِ، وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ، وَ هَذِهِ صَفْراءُ بِنْتُ شُعَيْبٍ بَعَثَنَا اللهُ تَعالَى إِلَيْكِ لِنَلِيَ مِنْ أَمْرِكِ مَا تَلِي النِّساءُ مِنَ النِّساءِ. فَجَلَسَتْ وَاحِدَةٌ عَنْ يَمينِها، وَ الْأُخْرىٰ عَنْ يَسارِها، وَ الثّالِثَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْها، وَ الرّابِعَةُ مِنْ خَلْفِها. فَوَضَعَتْ خَديجَةُ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً. فَلَمّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُحَتّىٰ دَخَلَ بُيُوتاتِ مَكَّةَ، وَ لَمْ يَبْقَ في شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لا غَرْبِها مَوْضِعٌ إِلّا أَشْرَقَ فيهِ ذٰلِكَ النُّورُ، وَ دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحورِ الْعينِ، [في يَدِ] كُلِّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ طَشْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ إِبْريقٌ، وَ فِي الْإِبريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ، فَتَناوَلَتْهَا الْمَرْأَةُ الَّتي كانَتْ بَيْنَ يَدَيْها فَغَسَلَتْها بِماءِ الْكَوْثَرِ، وَ أَخْرَجَتْ خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوِيَتَيْنِ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ رائِحَةً مِنَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ فَلَفَّتْها بِواحِدَةٍ وَ قَنَّعَتْها بِالْأُخْرىٰ، ثُمَّ اسْتَنْطَقَتْها فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ بِشَهادَةِ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبي رَسُولُ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ وَ أَنَّ وُلْدي سَيِّدُ الْأَسْباطِ ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّتْ كُلَّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِها وَ ضَحِكْنَ إِلَيْها وَ تَباشَرْنَ الْحُورُالْعينُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلادَةِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ حَدَثَ فِي السَّماءِ نُورٌزاهِرٌلَمْ تَرَهُ الْمَلائِكَةُ قَبْلَ ذٰلِكَ الْيَوْمِ، فَلِذٰلِكَ سُمِّيَتِ الزَّهْراءَ عَلَيْهَاالسَّلامُ، وَ قالَتْ: خُذيها يا خَديجَةُ طاهِرَةً مُطَهَّرَةً زَكِيَّةً مَيْمُونَةً بُورِكَ فيها وَ في نَسْلِها فَتَناوَلَتْها خَديجَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ، فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً، فَأَلْقَمَتْها ثَدْيَها فَشَرِبَتْ فَدَرَّ عَلَيْها. وَ كانَتْ عَلَيْهَاالسَّلامُ، تَنْمي في كُلِّ يَوْمٍ كَما يَنْمِي الصَّبِيُّ في شَهْرٍ، وَ في شَهْرٍما يَنْمِي الصَّبِيُّ في سَنَةٍ. العدد القويّة لدفع المخاوف اليوميّة ؛ ص٢٢٢-١٥ از كتاب الدّرّالنّظيم، و در كتاب العدد القويّة اين قسمت نمى‌باشد: (وَ دَخَلَ عَشْرَةٌ مِنَ الْحورِ الْعينِ، [في يَدِ] كُلِّ واحِدَةٍ مِنْهُنَّ طَشْتٌ مِنَ الْجَنَّةِ وَ

إِبْريقٌ، وَ فِي الْإِبريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ). بحارالأنوار: ج١٦ ص٨٠ ذيل حديث٢٠ از العدد القويّة. و الثّاقب في المناقب، فقيه الشّيعة محمّد بن عليّ ابن حمزة الطّوسيّ قدّس‌سرّه زنده در ٥٥٦، ص٢٨٧ الفصل١ ح٢٤٤: و في رواية أخرى: أنّ المرأة الّتي بين يدي خديجة غسّلتها بماء الكوثر، و أخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللبن، و أطيب رائحةً من المسك و العنبر، فلفّتها بواحدة، و قنعتها بالثّانية، ثمّ استنطقتها فنطقت عليهاالسّلام بالشّهادة، فقالت: أشهد أن لا إله إلّا الله، و أشهد أنّ أبي محمّداً رسول الله، و أنّ عليّاً سيّد الأوصياء، و ولدي سادة الأسباط. ثمّ سلّمت عليهنّ و سمّت كلّ واحدة منهنّ باسمها، و أقبلن فضحكن إليها. و تباشرت الحور العين، و بشّر أهل السّماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليهاالسّلام، و حدث في السّماء نور زاهر لم تره الملائكة قبل ذلك، و قالت النّسوة: خذيها يا خديجة طاهرةً، مطهّرةً، زكيّةً ميمونةً، بورك لك فيها، و في نسلها. فتناولتها فرحةً مستبشرةً و ألقمتها ثديها فدرّ عليها، و كانت عليهاالسّلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبيّ في الشهر، و تنمو في الشّهر كما ينمو الصّبيّ في السّنة. و ذيل حديث٢٤٥ فرموده: و في رواية أخرى: أنّ المرأة الّتي بين يدي خديجة غسّلتها بماء الكوثر، و أخرجت خرقتين بيضاوين أشدّ بياضاً من اللّبن، و أطيب رائحة من المسك و العنبر، فلفّتها بواحدة، و قنّعتها بالثّانية، ثمّ استنطقتها فنطقت عليهاالسّلام بالشّهادة، فقالت: أشهد أن لا إله إلّا الله، و أشهد أنّ أبي محمّداً رسول الله، و أنّ عليّاً سيّد الأوصياء، و ولدي سادة الأسباط. ثمّ سلّمت عليهنّ و سمّت كلّ واحدة منهنّ باسمها، و أقبلن فضحكن إليها. و تباشرت الحور العين، و بشّر أهل السّماوات بعضهم بعضاً بولادة فاطمة عليهاالسّلام، و حدث في السّماء نورٌ زاهرٌ لم تره الملائكة قبل ذلك، و قالت النّسوة: خذيها يا خديجة طاهرةٌ، مطهّرةٌ، زكيّةٌ ميمونةٌ، بورك لك فيها، و في نسلها. فتناولتها فرحةٌ مستبشرةٌ و ألقمتها ثديها فدرّ عليها. و كانت عليهاالسّلام تنمو في اليوم كما ينمو الصّبيّ في الشّهر، و تنمو في الشّهر كما ينمو الصّبيّ في السّنة. و مناقب آل أبي طالب عليهم‌السّلام: ج٣ ص٣٤٠- المفضّل بن عمر، عن الصّادق عليه‌السّلام في خبر: أَنَّ خَدِيجَةَ لَمّا تَزَوَّجَ بِها رَسُولُ اللهِ هَجَرَها نِساءُ مَكَّةَ، فَاسْتَوْحَشَتْ لِذٰلِكَ، فَلَمّا حَمَلَتْ بِفاطِمَةَ

كانَتْ فاطِمَةُ تُحَدِّثُها مِنْ بَطْنِها، فَسَمِعَ ذٰلِكَ يَوْماً رَسُولُ اللهِ فَقالَ: يا خَديجَةُ! هٰذا جَبْرَئيلُ يُبَشِّرُني أَنَّهَا ابْنَتي، وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ، وَ أَنَّ اللهَ سَيَجْعَلُ نَسْلي مِنْها. قالَ: فَلَمّا حَضَرَتْ وِلادَتُها اغْتَمَّتْ، فَدَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ سُمْرٌ طِوالٌ فَقالَتْ إِحْداهُنَّ: لا تَحْزَني، يا خَديجَةُ! فَإِنّا رُسُلُ رَبِّكِ، وَ نَحْنُ أَخَواتُكِ، وَ أَنَا سارَةُ، وَ هٰذِهِ آسِيَةُ، وَ هٰذِهِ مَرْيَمُ، وَ هٰذِهِ كُلْثُومُ أُخْتُ مُوسىٰ، فَجَلَسْنَ عِنْدَها، فَوَضَعَتْ فاطِمَةَ طاهِرَةً، فَأَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتّىٰ دَخَلَ بُيُوتاتِ مَكَّةَ، وَ دَخَلَ عَشْرٌ مِنَ الْحُورِ الْعينِ مَعَهُنَّ الْأَباريقُ وَ الطّاسُ، وَ فِي الْأَباريقِ ماءٌ مِنَ الْكَوْثَرِ، فَغَسَلَتْها بِهِ، وَ لَفَّفَتْها فِي خِرْقَتَيْنِ بَيْضاوَيْنِ أَشَدَّ بَياضاً مِنَ اللَّبَنِ وَ أَطْيَبَ ريحاً مِنَ الْمِسْكِ، فَنَطَقَتْ فاطِمَةُ وَ قالَتْ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ، وَ أَنَّ أَبي رَسُولَ اللهِ سَيِّدُ الْأَنْبِياءِ، وَ أَنَّ بَعْلي سَيِّدُ الْأَوْصِياءِ، وَ وُلْدي سادَةُ الْأَسْباطِ، ثُمَّ سَلَّمَتْ عَلَيْهِنَّ، وَ سَمَّتْ كُلُّ واحِدَةٍ بِاسْمِها، وَ تَباشَرَتِ الْحُورُ الْعينُ، فَقُلْنَ: خُذيها، يا خَديجَةُ! طاهِرَةً مُطَهَّرَةً، زَكِيَّةً مَيْمُونَةً، بُورِكَ فيها وَ فِي نَسْلِها. فَكانَتْ تَنْمُو فِي الْيَوْمِ كَما يَنْمَى الصَّبِيُّ فِي الشَّهْرِ. و بحارالأنوار: ج٤٣ ص٢ ح١ - از الأمالي و از مصباح الأنوار: عن أبي المفضّل الشّيبانيّ، عن موسى بن محمّد الأشعريّ ابن بنت سعد بن عبد الله، عن الحسن بن محمّد بن إسماعيل المعروف بابن أبي الشّوارب، عن عبيد الله بن عليّ بن أشيم، عن يعقوب بن يزيد، عن حمّاد – و علّامه مجلسى گويد: مثله. و در كتاب مقصد الرّاغب الطّالب في فضائل الإمام عليّ بن أبي‌طالب عليه‌السّلام، تحقيق مكتبة العلّامة المجلسيّ، من سلسلة مصادر بحار الأنوار: ج٣٣ ب١٩ ص٢٨٣-٢٨٥ ح١/٢٣٦ قال أبوالحسن‌الفارسيّ فيما رواه في كتابه عن زرعة، عن المفضّل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله جعفربن محمّد الصّادق عليه‌السّلام: كيف كانت ولادة فاطمة عليهاالسّلام؟ قال:. و الصّراط المستقيم: ج١ ص١٧٠- و إنّ خديجة هجرتها نساء قريش عند ولادتها لأجل تزويجي بها، فتولّى أمرها حوّاء و آسية و كلثوم أخت موسى و مريم، فلمّا وضعت فاطمة وقعت ساجدة نحو القبلة رافعةٌ إصبعها ناطقةٌ بالشّهادتين.

٢٠٢ - الثّاقب في المناقب، فقيه الشّيعة محمّد بن عليّ ابن حمزة الطّوسيّ قدّس‌سرّه زنده در ٥٥٦:

ص٢٨٧ الفصل١ ح٢٤٤/ ١- عن مجاهد، عن ابن عبّاس، قال: لمّا تزوجت خديجة بنت خويلد رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله هجرها نسوان مكّة، و كنّ لا يكلّمنها، و لا يدخلن عليها، فلمّا حملت بالزّهراء فاطمة عليهاالسّلام كانت إذا خرج رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله من منزلها تكلّمها فاطمة الزّهراء في بطنها من ظلمة الأحشاء، و تحدّثها و تؤانسها، فدخل رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله فقال لها: يا خديجة من تكلمين؟ قالت: يا رسول الله، إنّ الجنين الذي أنا حامل به إذا أنا خلوت به في منزلي كلّمني، و حدّثني من ظلمة الأحشاء. فتبسّم رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله ثمّ قال: يا خديجة، هذا أخي جبرئيل عليه‌السّلام يخبرني أنّها ابنتي، و أنّها النّسمة الطّاهرة المطهّرة، و أنّ الله تعالى أمرني أن أسمّيها فاطمة، و سيجعل الله تعالى من ذرّيّتها أئمّة يهتدي بهم المؤمنون. ففرحت خديجة بذلك، فلمّا أن حضروقت ولادتها أرسلت إلى نسوان مكّة: أن يتفضّلن و يحضرن ولادتي ليلين منّي ما تلي النّساء من النّساء، فأرسلن إليها: يا خديجة! أنت عصيتنا، و لم تقبلي منّا قولنا، و تزوّجت فقيراً لا مال له، فلسنا نجيء إليك، و لا نلي منك ما تلي النّساء من النّساء. فاغتمّت خديجة رضي الله عنها غمّاً شديداً، فبينما هي كذلك إذ دخل عليها أربع نسوة كأنّهنّ من نسوة قريش، فقالت إحداهنّ: يا خديجة! لا تحزني فإنّا آسية بنت مزاحم، و هذه صفيّة بنت شعيب. و في رواية أخرى: كلثم بنت عمران أخت موسى عليه‌السّلام، و هذه سارة زوجة إبراهيم عليه‌السّلام، و هذه مريم بنت عمران عليه‌السّلام؛ و قد بعثنا الله تعالى إليك لنلي منك ما تلي النّساء من النّساء. و جلسن حولها، و وضعت الزّهراء فاطمة عليهاالسّلام طاهرة و مطهّرة.

و ح٢٤٥- قال ابن عبّاس: لمّا سقطت فاطمة الزّهراء إلى الأرض أزهرت الأرض، و أشرقت الفلوات، و أنارت الجبال و الرّبوات، و هبطت الملائكة إلى الأرض، و نشرت أجنحتها في المشرق و المغرب، و ضربت عليها سرادقات و حجب البهاء، و كنّفتها بأظلّة السّماء، و غشي أهل مكّة ما غشيهم من النّور، و دخل رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله إلى خديجة و قال: يا خديجة! لا تحزني، إن كان قد هجرك نسوان مكّة و لن يدخلن عليك، فلينزلنّ عندك اليوم نسوان بهجات

عطرات غنجات، ينقدح في أعلاهنّ نور يستقبل استقبالاً و يلتهّب التهاباً، و تفوح منهنّ رائحة تسرّأهل مكّة جميعاً. فسلّمت الجواري فأحسنّ و حيّين فأبلغن- في حديث طويل- حتّى وليت كلّ واحدة من حملها و غسلها- في الطّشت الّذي كان معهنّ- و نشفها بالمنديل و تخليقها و تقميطها، فلمّا فرغن عرجن إلى السّماء مثنيات عليها.

۲۰۳ - سيرة الملّا (وسيلة المتعبّدين إلى متابعة سيّد المرسلين)، عمر بن محمّد بن خضر الإربليّ الموصليّ، متوفاى۵۷۰ چاپ حيدر آباد دكن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانيّة: ج۵ ق۲ ص۲۱۱ بنابرآنچه كه علّامه امينى قدّس‌سرّه در الغدير: ج۳ ص۳٤ آورده است.

از او: ذخائر العقبى في مناقب‌ذوي‌القربى، محبّ‌الدّين‌الطّبريّ: ص٤٤ چاپ مكتبة القدسي مصر- قال: روى الملّا في سيرته أنّ النّبيّ صلّى‌الله‌عليه(وآله)وسلّم قال: أَتاني جِبْريلُ بِتُفّاحَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُها وَ واقَعْتُ خَديجَةَ فَحَمِلَتْ بِفاطِمَةَ، فَقالَتْ: إِنّي حَمَلْتُ حَمْلاً خَفيفاً، فَإِذا خَرَجْتَ حَدَّثَني الَّذي في بَطْني فَلَمّا أَرادَتْ أَنْ تَضَعَ بَعَثَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ لِيَأْتينَها فَيَلينَ مِنْها ما يَلي النِّساءُ مِمَّنْ تَلِدُ، فَلَمْ يَفْعَلْنَ وَ قُلْنَ: لا نَأْتيكِ وَ قَدْ صِرْتِ زَوْجَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ(وَآلِهِ)وَسَلَّمَ، فَبَيْنَما هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمالِ وَ النّورِ ما لا يُوصَفُ، فَقالَتْ لَها إِحْداهُنَّ: أَنَا أُمُّكِ حَوّاءُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا آسِيَةُ بنت مزاحم، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا كُلْثُمُ أُخْتُ موسىٰ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ أُمِّ عيسىٰ، جِئْنا لِنَلِيَ من أَمْرَكِ ما يَلِي النِّساء، قالَتْ: فَوُلِدَتْ فاطِمَةُ، فَوَقَعَتْ حين وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ ساجِدَةً رافِعَةً إِصْبَعَها. از ذخائرالعقبى: إشراق الإصباح في مناقب الخمسة الأشباح، إبراهيم بن محمّد بن نزارالصّنعانيّ از أعلام قرن۸، نسخه به قلم او در سال۷۵۳ در ١٦٥ ورق، در يكى از كتاب‌خانه‌هاى شخصى در شهر صنعاء يمن، و نسخه عكس‌بردارى شده از آن در موزه كتاب‌هاى خطى عربى موجود است، به كتاب: مصادر الفكر العربيّ الإسلاميّ في اليمن صفحه٤١٤ مراجعه شود. در صفحه ۱۳۰مانند ذخائر العقبى را آمرده است. و فضائل الثّقلين، أحمد بن جلال الدّين الشّافعيّ الإيجيّ متوفاى۸۲۰: ص٤٤١ ح۱۲۱۵ از طبرى در ذخائر العقبى. و ينابيع المودّة لذوي القربى: ج۲

ص١٣٤: و عن خديجة رضي الله عنها: ... . و ملحقات إحقاق الحقّ: ج١٠ ص١٣، و از وسيلة المآل في عدّ مناقب الآل، صفيّ الدّين الحضرميّ: ص٧٧ چاپ المكتبة الظاهريّة دمشق، از طريق ملّا مانند ذخائر العقبى. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج٢٥ ص١١ از كتاب توضيح الدّلائل: ص٣٢٦ نسخه كتاب‌خانه ملّى فارس: از ذخائر العقبى. و ملحقات إحقاق الحق: ج١٠ ص١٢ از كتاب ينابيع المودّة: ص١٩٨ چاپ استانبول.

و از كتب عامّه:

سيّدات نساء أهل الجنّة، الشّنّاويّ: ص٩٩ چاپ مكتبة التّراث الإسلاميّ-القاهرة.

٢٠٤ - نزهة المجالس: ج٢ ص٢٢٧ چاپ قاهره، شيخ عبد الرّحمان بن عبد السّلام الصّفوريّ الشّافعيّ البغداديّ متوفاى بعد از سال ٨٨٤- قال: قالت أمّها خديجة رضي الله عنها: لَمّا حَمَلْتُ بِفاطِمَةَ كانَتْ حَمْلاً خَفيفاً تُكَلِّمُني مِنْ باطِني، فَلَمّا قَرُبَتْ وَلادَتي أَرْسَلْتُ إِلَى الْقَوابِلِ مِنْ قُرَيْشٍ فَأَبَيْنَ عَلَيَّ لِأَجْلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ(وَآلِهِ)وَسَلَّمَ، فَبَيْنَما أَنَا كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيَّ أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمالِ وَ النّورِ ما لا يُوصَفُ، فَقالَتْ إِحْداهُنَّ: أَنَا أُمِّكِ حَوّاءُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا آسِيَةُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا أُمُّ كُلْثومُ أُخْتُ موسىٰ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا مَرْيَمُ جِئْنا لِنَلِيَ أَمْرَكِ. از او: ملحقات إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل:ج١٠ ص١٣. و كتاب نزهة المجالس: ج ٢ ص ٢٢٧ چاپ قاهره، شيخ عبد الرّحمان الصفوريّ الشّافعيّ: قال: قالت أمّها خديجة رضي الله عنها: لَمّا حَمَلْتُ بِفاطِمَةَ كانَتْ حَمْلاً خَفيفاً تُكَلِّمُني مِنْ باطِني. از او: ملحقات إحقاق الحقّ و إزهاق الباطل: ج١٠ ص١٢.

٢٠٥ - ملحقات إحقاق الحق و إزهاق الباطل: ج١٠ ص١٢ از كتاب تجهيز الجيش: ص٩٩ مخطوط، حسن بن المولوى أمان الله الدهلويّ العظيم‌آباديّ: قال: ذكر الشّيخ عزّ الدّين عبد السّلام الشّافعيّ في رسالته مدح الخلفاء الرّاشدين: أنّه لمّا حملت خديجة بفاطمة كانت تكلّمها ما في بطنها و كانت تكتمها عن النبيّ صلّى‌الله‌عليه(وآله)وسلّم فدخل عليها يوماً و وجدها تتكلّم و ليس معها غيرها، فسألها عمّن كانت تخاطبه؟ فقالت: مَعَ ما في بَطْني، فَإِنَّهُ

يَتَكَلَّمُ مَعي. فقال النّبيّ صلّى‌الله‌عليه(وآله)وسلّم: أَبْشِري يا خَديجَةُ! هٰذِهِ بِنْتٌ، جَعَلَهَا اللهُ أُمَّ أَحَدَ عَشَرَمِنْ خُلَفائي، يَخْرُجونَ بَعْدي وَ بَعْدَ أَبيهِمْ.

٢٠٦ - ملحقات إحقاق الحقّ: ج٤ ص٤٧٥ از كتاب الرّقائق معروف به الإخوانيّات، شيخ عبد الله الحنفيّ متوفاى بعد از سال ٨٠٠: ص٢٥٠ خطى، گويد : و روي عن بعض الرّواة الكرام أنّ خديجة الكبرى عليهاالسّلام تمنّت يوماً من الأيّام على سيّد الأنام أن تنظرإلى بعض فاكهة دار السّلام فجاء جبرئيل إلى المفضّل على الكونين بتفّاحتين و قال: يا مُحَمَّدُ! يَقولُ لَكَ مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً: كُلْ واحِدَةً، وَ أَطْعِمِ الْأُخْرىٰ لِخَديجَةَ الْكُبْرىٰ، وَ اغْشِها، فَإِنّي خالِقٌ مِنْكُما فاطِمَةَ الزَّهْراءِ. ففعل المختار ما أشار به الأمين و أمره، فلمّا سأله الكفّار أن يريهم انشقاق القمر، و قد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهر، قالت خديجة: واخَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّداً، وَ هُوَ خَيْرُرَسولٍ وَ نَبِيٍّ! فنادت فاطمة من بطنها: يا أُماهُ! لا تَحْزَني، وَ لا تَرْهَبي، فَإِنَّ اللهَ مَعَ أَبي. فلمّا تمّت أيّام حملها و انقضى، وضعت فاطمة فأشرق بنور وجهها الفضاء. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج١٠ ص١٣ از كتاب الرّوض الفائق، شيخ شعيب أو مدين بن سعد المصريّ العمراويّ الحريفش: ص٢١٤ چاپ خانه المصطفى البابي الحلبيّ در قاهره گويد: فلما سأله الكفّار أن يريهم انشقاق القمرو قد بان لخديجة حملها بفاطمة و ظهرقالت خديجة: واخَيْبَةَ مَنْ كَذَّبَ مُحَمَّداً، وَ هُوَ خَيْرُرَسولٍ وَ نَبِيٍّ! فنادت فاطمة من بطنها: يا أُماهُ! لا تَحْزَني، وَ لا تَرْهَبي، فَإِنَّ اللهَ مَعَ أَبي. فلمّا تمّ أمد حملها و انقضى، وضعت فاطمة، فأشرق بنور وجهها الفضاء.

٢٠٧ - الأنوار و مفتاح السّرور و الأفكار في مولد النّبيّ المختار صلّى‌الله‌عليه‌وآله: ص٨٣ الجزء٤- حدّثنا أشياخنا و أسلافنا الرّواة لهذا الحديث- ... .

٢٠٨ - الفائق في غريب الحديث: ج١ ص١٩٢ قالت حليمة رضي الله عنها الّتي أرضعته صلّى الله‌عليه‌وآله‌وسلّم: كانَ يَشِبُّ الْيَوْمَ شَبابَ الصَّبِيِّ فِي الشَّهْرِ، فَبَلَغَ سِتّاً وَ هُوَ جَفْرٌ.

و النهاية في غريب الحديث و الأثر: ج١ ص٢٧٧ في حديث حليمة ظئر النّبيّ صلّى‌الله‌عليه(و آله)وسلّم قالت: ... . و لسان العرب: ج٤ ص١٤٢ و تاج العروس من جواهر القاموس: ج٦

ص٢٠٣ و بحار الأنوار: ج١٥ ص٣٦٩ ب٤.

٢٠٩ - الأنوار و مفتاح السّرور و الأفكار في مولد النّبيّ المختار صلّى الله عليه وآله: ص٢٠٦.

٢١٠ - بحار الأنوار: ج١٥ ص٣٧١ – ٣٨٣ ب ح٢٠: أقول: قال أبو الحسن البكري في كتاب الأنوار: ... . و الأنوار و مفتاح السّرور و الأفكار في مولد النّبيّ المختار صلّى الله عليه وآله: ص٢١٩ الجزء٧: «... وَ كانَ يَشِبُّ وَ يَنْمُو وَ قَدْ تَعْجَبُ أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ حُسْنِهِ وَ جَمالِهِ وَ قَدِّهِ وَ اعْتِدالِهِ، ...».

٢١١ - إثبات الوصيّة: ص٢٦٠- حدّثتني نسيم و مارية قالتا: لَمّا خَرَجَ صاحِبُ الزَّمانِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جاثِياً عَلىٰ رُكْبَتَيْهِ رافِعاً سَبّابَتَهُ نَحْوَ السَّماءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقالَ: الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، مِنْ عَبْدٍ داخِرٍ لِلّهِ غَيْرِ مُسْتَنْكِفٍ وَ لا مُسْتَكْبِرٍ. ثُمَّ قالَ: زَعَمَتِ الظَّلَمَةُ أَنَّ حُجَّةَ اللهِ داحِضَةٌ، وَ لَوْ أُذِنَ لَنا فِي الْكَلامِ لَزالَ الشَّكُّ. و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج٢ ص٤٣٠ ب٤٢ ح٥ و الهداية الكبرى: ص٣٥٧ و الغيبة، الشّيخ الطّوسيّ: ص٢٤٥ الفصل٢ و كشف الغمّة في معرفة الأئمّة: ج٢ ص٤٩٨ ب٢٥ و الثّاقب في المناقب: ص٥٨٤ الفصل١ ح٥٣٢ و ألقاب الرّسول و عترته: ص٢٨٧ و الخرائج و الجرائح: ج١ ص٤٥٧ ب١٣ ح٢.

٢١٢ - سوره (١٧) الإسراء آيه ٨٢.

٢١٣ - در اين‌جا تنها به ذكر آدرس اهمّ منابع كفايت می‌شود و از ذكر سند آن‌ها و متن كامل روايات به جهت اين‌كه حجم زيادی از كتاب را می‌گيرد اجتناب شده است: العدد القويّة: ص٧٢ و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج٢ ص٤٢٤ و ٤٢٥ ب٤٢ ح١ و روضة الواعظين: ج٢ ص٢٥٦ و إعلام الورى: ج٢ ص٢١٥الفصل٢ و منتخب الأنوار المضيئة: ص٥٩ و بحار الأنوار: ج٥١ ص٢ ب١ ح٣ و إثبات الوصيّة: ص٢٥٧-٢٦٠ و و عيون المعجزات: ١٣٨- ١٤١ و الغيبة، الشّيخ الطوسيّ: ص٢٣٩ و كمال الدّين و تمام النّعمة: ج٢ ص٤٢٦-٤٢٨ ب ح٢ و روضة الواعظين: ج٢ ص٢٥٧ -٢٥٩ و الثّاقب في المناقب: ص٢٠١ح٧/١٧٨ و الصّراط المستقيم: ج٢ ص٢٣٤ الفصل٣ و بحار الأنوار: ج٥١ ص١١ – ١٣ ب١ ح١٤ و الخرائج و الجرائح: ج١ ص٤٥٥

ب١٣ ح١ و كشف الغمّة: ج٢ ص٤٩٨ و الغيبة، الشيخ الطّوسيّ: ص٢٣٠ و ٢٣٧ و ٢٣٨ و دلائل الإمامة: ص٤٩٧ ح٤٨٩ ح٩٣ و دلائل الإمامة: ص٤٩٩ ح٤٩٠ ح٩٤ و ألقاب الرّسول و عترته ضمن (مجموعة نفيسة في تاريخ الأئمّة عليهم‌السّلام): ص٢١٢-٢١٣ ب١٣ و الهداية الكبرى: ص٣٥٥ مدينة معاجزالأئمّة الإثني عشر: ج٨ ص٢٠ إلى ٢٦ ح٢٦٦٣/ ٧ و ... .

و در كتب عامّه:

ملحقات إحقاق الحق: ج١٣ ص٩٥ و ٩٦- از شواهد النّبوّة: ص٢١ چاپ بغداد و از وسيلة النّجاة (ص٤١٧ چاپ گلشن فيض لكهنو) و از ينابيع المودّة ص٣٨٧ چاپ استانبول از فصل الخطاب.

٢١٤ - سيرة الملّا (وسيلة المتعبّدين إلى متابعة سيّد المرسلين)، عمر بن محمّد بن خضر الإربليّ الموصليّ، متوفاى٥٧٠ چاپ حيدر آباد دكن هند، مطبعة دائرة المعارف العثمانيّة: ج٥ ق٢ ص٢١١ بنابرآنچه كه علّامه امينى قدّس‌سرّه در الغدير: ج٣ ص٣٤ آورده است.

از او: ذخائر العقبى في مناقب‌ذوي‌القربى، محبّ‌الدّين‌الطّبريّ: ص٤٤ چاپ مكتبة القدسي مصر- قال: روى الملّا في سيرته أنّ النّبيّ صلّى‌الله‌عليه(وآله)وسلّم قال: أَتاني جِبْريلُ بِتُفّاحَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَكَلْتُها وَ واقَعْتُ خَديجَةَ فَحَمِلَتْ بِفاطِمَةَ، فَقالَتْ: إِنّي حَمَلْتُ حَمْلاً خَفيفاً، فَإِذا خَرَجْتَ حَدَّثَني الَّذي في بَطْني فَلَمّا أَرادَتْ أَنْ تَضَعَ بَعَثَتْ إِلىٰ نِساءِ قُرَيْشٍ لِيَأْتينَها فَيَلِينَ مِنْها ما يَلِي النِّساءُ مِمَّنْ تَلِدُ، فَلَمْ يَفْعَلْنَ وَ قُلْنَ: لا نَأْتيكِ وَ قَدْ صِرْتِ زَوْجَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ(وَآلِهِ)وَسَلَّمَ، فَبَيْنَما هِيَ كَذٰلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْها أَرْبَعُ نِسْوَةٍ عَلَيْهِنَّ مِنَ الْجَمالِ وَ النّورِ ما لا يُوصَفُ، فَقالَتْ لَها إِحْداهُنَّ: أَنَا أُمُّكِ حَوّاءُ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا آسِيَةُ بنت مزاحم، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا كُلْثُمُ أُخْتُ موسىٰ، وَ قالَتِ الْأُخْرىٰ: أَنَا مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرانَ أُمِّ عيسىٰ، جِئْنا لِنَلِيَ من أَمْرَكِ ما يَلِي النِّساء، قالَتْ: فَوُلِدَتْ فاطِمَةُ، فَوَقَعَتْ حين وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ ساجِدَةً رافِعَةً إِصْبَعَها. از ذخائرالعقبى: إشراق الإصباح في مناقب الخمسة الأشباح، إبراهيم بن محمّد بن نزارالصّنعانيّ از أعلام قرن٨، نسخه به قلم او در سال٧٥٣ در ١٦٥ ورق، در يكى از كتاب‌خانه‌هاى شخصى در شهر

صنعاء يمن، و نسخه عکس‌برداری شده از آن در موزه کتاب‌های خطی عربی موجود است، به کتاب: مصادر الفكر العربيّ الإسلاميّ في اليمن صفحه٤١٤ مراجعه شود. در صفحه ۱۳۰مانند ذخائر العقبی را آمرده است. و فضائل الثّقلين، أحمد بن جلال الدّين الشّافعيّ الإيجيّ متوفای۸۲۰: ص٤٤١ ح١٢١٥ از طبری در ذخائر العقبی. و ينابيع المودّة لذوي القربى: ج۲ ص١٣٤: و عن خديجة رضي الله عنها: ... . و ملحقات إحقاق الحقّ: ج۱۰ ص۱۳، و از وسيلة المآل في عدّ مناقب الآل، صفيّ الدّين الحضرميّ: ص۷۷ چاپ المكتبة الظاهريّة دمشق، از طريق ملّا مانند ذخائر العقبی. و ملحقات إحقاق الحقّ: ج۲۵ ص۱۱ از کتاب توضیح الدّلائل: ص٣٢٦ نسخه کتاب‌خانه ملّی فارس: از ذخائر العقبی. و ملحقات إحقاق الحق: ج۱۰ ص۱۲ از کتاب ينابيع المودّة: ص۱۹۸ چاپ استانبول. و سيّدات نساء أهل‌الجنّة، الشّنّاويّ: ص۹۹ چاپ مكتبة التّراث الإسلاميّ-القاهرة.

۲۱۵ - متن کامل حدیث و منابع آن پیش‌تر از الأمالی صدوق و غیرآن گذشت، مراجعه شود.

۲۱٦ - مائة منقبة: ص۱۳۵- به سند متّصل خود، از ابن عبّاس گفت: رسول الله صلّی‌الله‌علیه‌وآله به عبد الرّحمان بن عوف (لعنة الله عليه): «يا عَبْدَ الرَّحْمانِ! أَنْتُمْ أَصْحابي وَ عَلِيُّ بْنُ أَبي طالِبٍ مِنّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ، فَمَنْ قاسَهُ بِغَيْرِهِ فَقَدْ جَفاني، وَ مَنْ جَفاني [فَقَدْ] آذاني، وَ مَنْ آذاني فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ رَبّي. يا عَبْدَ الرَّحْمانِ! إِنَّ اللهَ تَعالىٰ أَنْزَلَ عَلَيَّ كِتاباً مُبيناً، وَ أَمَرَني أَنْ أُبَيِّنَ لِلنّاسِ ما نَزَّلَ إِلَيْهِمْ، ما خَلا عَلِيَّ بْنَ أَبي طالِبٍ عليه‌السّلام، فَإِنَّهُ يَسْتَغْني عَنِ الْبَيانِ، إِنَّ اللهَ تَعالىٰ جَعَلَ فَصاحَتَهُ كَفَصاحَتي، وَ دِرايَتَهُ كَدِرايَتي، وَ لَوْ كانَ الْحِلْمُ رَجُلاً لَكانَ عَلِيّاً عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ لَوْ كانَ الْفَضْلُ شَخْصاً لَكانَ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ لَوْ كانَ الْحَياءُ صُورَةً لَكانَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلامُ، وَ لَوْ كانَ الْحُسْنُ هَيْئَةً لَكانَتْ فاطِمَةَ، بَلْ هِيَ أَعْظَمُ، إِنَّ فاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلامُ ابْنَتي خَيْرُ أَهْلِ الْأَرْضِ عُنْصُراً وَ شَرَفاً وَ كَرَماً». از او: مقتل الحسين عليه‌السّلام خوارزمی: ج۱ ص٦۰، و فرائد السّمطين: ج ۲ ص ٦٨ ح ۳۹۲ از خوارزمی. و ملحقات إحقاق الحق: ج۱۵ ص۱۳۳ح۳ از کتاب مودّة القربی: ص ۱۱۸ چاپ لاهور سید علیّ همدانی حسینی

به سند خود از ابن عبّاس مانند آن با اختلافی اندک.

۲۱۷ - الكافي: ج۱ ص۱۹۸ ح۱و تحف العقول: ص٤٣٦ و الغيبة، النعماني: ص۲۱٦ ب۱۳ ح٦ و الأمالي، ابن بابويه: ص٦٧٤ مجلس۹۷ ح۱ و عيون أخبار الرضا عليه‌السّلام: ج۱ ص۲۱٦ ب۲۰ ح۱ و كمال الدين: ج۲ ص٦٧٥ ب٥٨ ح۳۲ و معاني الأخبار: ص۹٦ ح۲ و الإحتجاج: ج۲ ص٤۳۳.

۲۱۸ - سوره (۲) آيه١٤٤: «وَ كَذٰلِكَ جَعَلْناكُمْ أُمَّةً وَسَطاً لِتَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهيداً ...».

و سوره (٤) النساء آيه٤۲: «فَكَيْفَ إِذا جِئْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهيدٍ وَ جِئْنا بِكَ عَلىٰ هٰؤُلاءِ شَهيداً».

و سوره (۱۳) الرعد آيه٤٤: «وَ يَقُولُ الَّذينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلاً قُلْ كَفىٰ بِاللهِ شَهيداً بَيْني وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ».

و سوره (١٦) النحل آيه: ۸۵: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهيداً ثُمَّ لا يُؤْذَنُ لِلَّذينَ كَفَرُوا وَ لا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ».

و سوره (١٦) النحل آيه۹۰: «وَ يَوْمَ نَبْعَثُ في كُلِّ أُمَّةٍ شَهيداً عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنا بِكَ شَهيداً عَلىٰ هٰؤُلاءِ وَ ... ».

و سوره (۲۲) الحج آيه۷۹: «وَ جاهِدُوا فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ هُوَ اجْتَباكُمْ وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبيكُمْ إِبْراهيمَ هُوَ سَمّاكُمُ الْمُسْلِمينَ مِنْ قَبْلُ وَ في هٰذا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَداءَ عَلَى النّاسِ ... ».

و سوره (۲۸) القصص آيه٧٦: «وَ نَزَعْنا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهيداً فَقُلْنا هاتُوا بُرْهانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلّهِ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما كانُوا يَفْتَرُونَ».

۲۱۹ - الكافي: ج۱ ص٤٤۱ ح٥- الحسين بن محمّد الأشعريّ، عن معلّى بن محمّد، عن أبي الفضل عبد الله بن إدريس، عن محمّد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثّاني عليه‌السّلام فأجريت اختلاف الشّيعة فقال: يا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ لَمْ يَزَلْ مُتَفَرِّداً بِوَحْدانِيَّتِهِ، ثُمَّ

خَلَقَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ فاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْياءِ، فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَها، وَ أَجْرىٰ طاعَتَهُمْ عَلَيْها، وَ فَوَّضَ أُمُورَها إِلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحِلُّونَ ما يَشاءُونَ، وَ يُحَرِّمُونَ ما يَشاءُونَ، وَ لَنْ يَشاءُوا إِلّا أَنْ يَشاءَ اللهُ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ. ثمّ قال: يا مُحَمَّدُ! هٰذِهِ الدِّيانَةُ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَها مَرَقَ، وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْها مُحِقَ، وَ مَنْ لَزِمَها لَحِقَ، خُذْها إِلَيْكَ يا مُحَمَّدُ. و مشارق أنوار اليقين في أسرار أمير المؤمنين عليه السّلام: ص٦٣- و عن محمّد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثّاني عليه السّلام فذكرت اختلاف الشّيعة فقال: إِنَّ اللهَ لَمْ يَزَلْ فَرْداً في وَحْدانِيَّتِهِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ فاطِمَةَ، فَمَكَثُوا أَلْفَ أَلْفِ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْياءَ وَ أَشْهَدَهُمْ خَلْقَها، وَ أَجْرىٰ عَلَيْهِمْ طاعَتَهُمْ، وَ جَعَلَ فيهِمْ مِنْهُ ما شاءَ، وَ فَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْياءِ إِلَيْهِمْ، مَنّاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ، فَهُمْ يُحَلِّلُونَ ما شاءُوا، وَ يُحَرِّمُونَ ما شاءُوا، وَ لا يَفْعَلُونَ إِلّا ما شاءَ اللهُ، فَهٰذِهِ الدِّيانَةُ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَها غَرِقَ، وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْها مُحِقَ، خُذْها يا مُحَمَّدُ! فَإِنَّها مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ. و بحار الأنوار: ج٢٥ ص٣٣٩ ح٢١- من كتاب رياض الجنان، لفضل الله بن محمود الفارسيّ: بالإسناد، عن محمّد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر عليه السّلام فذكرت اختلاف الشّيعة فقال: إِنَّ اللهَ لَمْ يَزَلْ فَرْداً مُتَفَرِّداً فِي الْوَحْدانِيَّةِ، ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّداً وَ عَلِيّاً وَ فاطِمَةَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِمْ، فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْياءَ، وَ أَشْهَدَهُمْ خَلْقَها، وَ أَجْرىٰ عَلَيْها طاعَتَهُمْ، وَ جَعَلَ فيهِمْ ما شاءَ، وَ فَوَّضَ أَمْرَ الْأَشْياءِ إِلَيْهِمْ فِي الْحُكْمِ وَ التَّصَرُّفِ وَ الْإِرْشادِ وَ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ فِي الْخَلْقِ، لِأَنَّهُمُ الْوُلاةُ، فَلَهُمُ الْأَمْرُ وَ الْوَلايَةُ وَ الْهِدايَةُ، فَهُمْ أَبْوابُهُ، وَ نُوّابُهُ، وَ حُجّابُهُ، يُحَلِّلُونَ ما شاءَ، وَ يُحَرِّمُونَ ما شاءَ، وَ لا يَفْعَلُونَ إِلّا ما شاءَ، عِبادٌ مُكْرَمُونَ لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، فَهٰذِهِ الدِّيانَةُ الَّتي مَنْ تَقَدَّمَها غَرِقَ فِي بَحْرِ الْإِفْراطِ، وَ مَنْ نَقَصَهُمْ عَنْ هٰذِهِ الْمَراتِبِ الَّتي رَتَّبَهُمُ اللهُ فيها زَهَقَ فِي بَرِّ التَّفْرِيطِ، وَ لَمْ يُوَفِّ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ فيما يَجِبُ عَلَى الْمُؤْمِنِ مِنْ مَعْرِفَتِهِمْ. ثمّ قال: خُذْها يا مُحَمَّدُ! فَإِنَّها مِنْ مَخْزُونِ الْعِلْمِ وَ مَكْنُونِهِ.

٢٢٠ - الأمالي، الصّدوق: ص٥٥٨ إلى٥٦٠ المجلس٨٣ ح١- حدّثنا الشّيخ الفقيه أبو جعفر محمّد بن عليّ بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ رحمه الله قال: حدّثنا محمّد بن الحسن بن أحمد بن

الوليد رضوان الله عليه قال: حدّثنا محمّد بن الحسن الصّفّار، عن سلمة بن الخطّاب البراوستانيّ، عن إبراهيم بن مقاتل قال: حدّثني حامد بن محمّد، عن عمرو بن هارون، عن الصّادق، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم‌السّلام قال: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْويجِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ ابْنَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ حيناً وَ لَمْ أَتَجَرَّأْ أَنْ أَذْكُرَ ذٰلِكَ لِلنَّبِيِّ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ وَ إِنَّ ذٰلِكَ اخْتَلَجَ في صَدْري لَيْلي وَ نَهاري، ... فَقالَ راحيلُ الْمَلَكُ: يا رَبِّ! وَ ما بَرَكَتُكَ فيهما بِأَكْثَرَ مِمّا رَأَيْنا لَهُما في جِنانِكَ وَ دارِكَ؟ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: يا راحيلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتي عَلَيْهِما أَنْ أَجْمَعَهُما عَلىٰ مَحَبَّتي، وَ أَجْعَلَهُما حُجَّةً عَلىٰ خَلْقي، وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأُخْلُقَنَّ مِنْهُما خَلْقاً، وَ لَأُنْشِأَنَّ مِنْهُما ذُرِّيَّةً، أَجْعَلُهُمْ خُزّاني في أَرْضي، وَ مَعادِنَ لِعِلْمي، وَ دُعاةً إِلىٰ ديني، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلىٰ خَلْقي بَعْدَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، ... . و عيون أخبار الرّضا عليه‌السّلام: ج١ ص٢٢٢ إلى٢٢٥ ب٢١ ح١- حدّثنا أبو الحسن محمّد بن عليّ بن الشّاه بمرورود قال: حدّثنا أبو العبّاس أحمد بن المظفّر بن الحسين قال: حدّثنا أبو عبد الله محمّد بن زكريّا البصريّ قال: حدّثني المهديّ‌بن سابق قال: حدّثنا عليّ بن موسى بن جعفر عليه‌السّلام قال: حدّثني أبي، عن أبيه جعفربن محمّد، عن أبيه، عن جدّه عليهم‌السّلام قال: قال عليّ بن أبي طالب عليه‌السّلام: لَقَدْ هَمَمْتُ بِالتَّزْويجِ فَلَمْ أَجْتَرِئْ أَنْ أَذْكُرَ ذٰلِكَ لِرَسُولِ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ، وَ إِنَّ ذٰلِكَ اخْتَلَجَ في صَدْري لَيْلي وَ نَهاري، ... فَقالَ راحيلُ: يا رَبِّ! وَ ما بَرَكَتُكَ عَلَيْهِما أَكْثَرَ مِمّا رَأَينا لَهُما في جِنانِكَ وَ دارِكَ (وَ دارِ كَرامَتي- خل)؟ فَقالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: يا راحيلُ! إِنَّ مِنْ بَرَكَتي عَلَيْهِما أَنّي أَجْمَعُهُما عَلىٰ مَحَبَّتي [مَحَبَّتي]، وَ أَجْعَلُهُما حُجَّتي عَلىٰ خَلْقي، وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأَخْلُقَنَّ مِنْهُما خَلْقاً، وَ لَأُنْشِئَنَّ مِنْهُما ذُرِّيَّةً (مُبارَكَةً طاهِرَةً-خل)، أَجْعَلُهُمْ خُزّاني في أَرْضي، وَ مَعادِنَ لِحُكْمي، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلىٰ خَلْقي بَعْدَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، ... .

ح٢- حدّثني بهذا الحديث: عليّ بن أحمد بن محمّد بن عمران الدّقّاق رضي الله عنه قال: حدّثنا أحمد بن يحيى بن زكريّا القطّان قال: حدّثنا أبو محمّد بكر بن عبد الله بن جندب قال: حدّثنا أحمد بن الحرث قال: حدّثنا أبو معاوية، عن الأعمش، عن جعفربن محمّد، عن أبيه، عن جدّه،

عن أبيه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم‌السّلام قال: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْويجِ فاطِمَةَ عَلَيْهَاالسَّلامُ وَ لَمْ أَجْتَرِأَنْ أَذْكُرَذٰلِكَ لِرَسولِاللهِ، و ذكرالحديث مثله سواء. و لهذا الحديث طريق آخرقد أخرجته في مدينة العلم. و تفسيرفرات الكوفيّ: ص٤١٣ ح٥٥٢- قال: حدّثنا أبوالقاسم عبد الرّحمان بن محمّد بن عبد الرّحمان الحسينيّ قال: حدّثنا فرات بن إبراهيم الكوفيّ قال: حدّثنا محمّد بن عليّ بن عمرو بن طريف [ظريف] الحجريّ قال: حدّثنا عقبة بن مكرم الضّبيّ قال: حدّثنا أبو تراب عمرو [عمر] بن عبد الله بن هارون الطّوسيّ الخراسانيّ قال: حدّثنا أحمد بن عبد الله أبو عليّ الهرويّ الشّيبانيّ قال: حدّثنا محمّد بن جعفربن محمّد بن عليّ بن الحسين، عن أبيه، عن آبائه، عن عليّ بن أبي طالب عليهم‌السّلام قال: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْويجِ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ عَلَيْهَاالسَّلامُ [بِنْتِ رَسُولِ اللهِ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ] حيناً وَ إِنَّ ذٰلِكَ مُتَخَلْخِلٌ في قَلْبي لَيْلي وَ نَهاري ... فَقالَ (الله تعالى) مِنْ بَرَكَتي فيهما -أَوْ قالَ- عَلَيْهِما إِنّي أَجْمَعُهُما عَلىٰ مَحَبَّتي وَ أَجْعَلُهُما مَعْدِنَيْنِ لِحُجَّتي إِلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأَخْلُقَنَّ مِنْهُما خَلْقاً وَ لَأُنْشِئَنَّ مِنْهُما ذُرِّيَّةً فَأَجْعَلُهُمْ خُزّاناً في أَرْضي وَ مَعادِنَ لِعِلْمي وَ دَعائِمَ لِكِتابي ثُمَّ أَحْتَجُّ عَلىٰ خَلْقي [بِهِمْ] بَعْدَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، ... .

و روضة الواعظين: ج١ ص١٤٤ إلى١٤٦- قال أميرالمؤمنين عليه‌السّلام: لَقَدْ هَمَمْتُ بِتَزْويجِ فاطِمَةَ ابْنَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ حيناً، وَ لَمْ أَتَجَرَّأْ أَنْ أَذْكُرَ لِلنَّبِيِّ صَلَّىاللهُعَلَيْهِوَآلِهِ، وَ إِنَّ ذٰلِكَ يَخْتَلِجُ في صَدْري لَيْلي وَ نَهاري،... فَقالَ راحيلُ الْمَلَكُ: يا رَبِّ! وَ ما بَرَكَتُكَ فيهما بِأَكْثَرَ مِمّا رَأَيْنا لَهُما في جَنّاتِكَ وَ دارِكَ؟ فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّ مِنْ بَرَكَتي عَلَيْهِما أَنّي أَجْمَعُهُما عَلىٰ مَحَبَّتي، وَ أَجْعَلُهُما حُجَّةً عَلىٰ خَلْقي، وَ عِزَّتي وَ جَلالي لَأَخْلُقَنَّ مِنْهُما خَلْقاً، وَ لَأُنْشِئَنَّ فيهما ذُرِّيَّةً، أَجْعَلُهُمْ خُزّاني في أَرْضي، وَ مَعادِنَ لِعِلْمي، وَ دُعاةً إِلىٰ ديني، بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلىٰ خَلْقي بَعْدَ النَّبِيّينَ وَ الْمُرْسَلينَ، ... .

بحار الأنوار: ج٤٣ ص١٠١ إلى١٠٤ ب٥ ح١٢ و ١٣ از الأمالي و العيون و الفرات.

٢٢١- تفسير فرات الكوفي: ص٤١٣ -٤١٥ ح٥٥٢ و الأمالي، صدوق: ص٥٥٩ و ٥٦٠ المجلس٨٣ ح١.

٢٢٢ - شواهد التّنزيل لقواعد التّفضيل: ج١ ص٧٦ ح٨٩- و أخبرنا أيضا أبو جعفر (محمّد بن عليّ الفقيه)، عن محمّد بن عليّ العلويّ، عن عمّه محمّد بن أبي القاسم، عن محمّد بن عليّ الكوفيّ، عن محمّد بن سنان، عن المفضّل، عن جابربن يزيد، عن أبي الزّبير، عن جابربن عبد الله قال: قال رسول الله صلّى الله عليه وآله:.

٢٢٣ - شرح نهج البلاغة إبن‌أبي‌الحديد: ج١٦ص٢١١ از كتاب السّقيفة و فدك: ص٩٨ قسمت٢ به چند سند خطبه فدكيّه را نقل كرده است كه حضرت فاطمه عليها السّلام ضمن خطبه خود فرمودند: «...وَ احْمَدُوا اللهَ ... وَ نَحْنُ وَسيلَتُهُ في خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ في غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبيائِهِ، ... ». و شرح نهج البلاغة ابن ميثم البحرانى: ج٥ ص١٠٥.

٢٢٤ - شرح نهج البلاغة إبن‌أبي‌الحديد: ج١٦ص٢١١ از كتاب السّقيفة و فدك: ص٩٨ قسمت٢ به چند سند خطبه فدكيّه را نقل كرده است كه حضرت فاطمه عليها السّلام ضمن خطبه خود فرمودند: «...وَ احْمَدُوا اللهَ ... وَ نَحْنُ وَسيلَتُهُ في خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ في غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ أَنْبيائِهِ، ... ». و شرح نهج البلاغة ابن ميثم البحرانى: ج٥ ص١٠٥.

٢٢٥ - دلائل الإمامة: ص١١٩ ح٣٦:.

٢٢٦ - بلاغات النساء: ص٣٢:.

٢٢٧ - الإحتجاج: ج١ ص١٠٦.

٢٢٨ - حديث امام رضا عليه‌السّلام در وصف امام و امامت و عجز مردم از شناخت و اختيار امام عليهم السّلام: الكافي: ج١ ص١٩٨ ح١: « ... الْإِمامُ الْأَنيسُ الرَّفيقُ وَ الْوالِدُ الشَّفيقُ وَ الْأَخُ الشَّقيقُ وَ الْأُمُّ الْبَرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغيرِ وَ مَفْزَعُ الْعِبادِ فِي الدّاهِيَةِ النّآدِ. الْإِمامُ أَمينُ اللهِ في خَلْقِهِ وَ حُجَّتُهُ عَلىٰ عِبادِهِ وَ خَليفَتُهُ في بِلادِهِ وَ الدّاعي إِلَى اللهِ وَ الذّابُّ عَنْ حُرَمِ اللهِ. الْإِمامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْمُبَرَّأُ عَنِ الْعُيُوبِ الْمَخْصُوصُ بِالْعِلْمِ الْمَوْسُومُ بِالْحِلْمِ نِظامُ الدّينِ وَ عِزُّ الْمُسْلِمينَ وَ

غَيْظُ الْمُنافِقِينَ وَ بَوارُالْكافِرِينَ. الْإِمامُ واحِدُ دَهْرِهِ لا يُدانيهِ أَحَدٌ وَ لا يُعادِلُهُ عالِمٌ وَ لا يُوجَدُ مِنْهُ بَدَلٌ وَ لا لَهُ مِثْلٌ وَ لا نَظيرٌ مَخْصُوصٌ بِالْفَضْلِ كُلِّهِ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ مِنْهُ لَهُ وَ لَا اكْتِسابٍ بَلِ اخْتِصاصٌ مِنَ الْمُفْضِلِ الْوَهّابِ، فَمَنْ ذَا الَّذي يَبْلُغُ مَعْرِفَةَ الْإِمامِ أَوْ يُمْكِنُهُ اخْتِيارُهُ؟ هَيْهاتَ هَيْهاتَ ضَلَّتِ الْعُقُولُ وَ تاهَتِ الْحُلُومُ وَ حارَتِ الْأَلْبابُ وَ خَسَأَتِ الْعُيُونُ وَ تَصاغَرَتِ الْعُظَماءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَماءُ وَ تَقاصَرَتِ الْحُلَماءُ وَ حَصِرَتِ الْخُطَباءُ وَ جَهِلَتِ الْأَلِبّاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعَراءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدَباءُ وَ عَيِيَتِ الْبُلَغاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضيلَةٍ مِنْ فَضائِلِهِ وَ أَقَرَّتْ بِالْعَجْزِ وَ التَّقْصيرِ، وَ كَيْفَ يُوصَفُ بِكُلِّهِ أَوْ يُنْعَتُ بِكُنْهِهِ أَوْ يُفْهَمُ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِ أَوْ يُوجَدُ مَنْ يَقُومُ مَقامَهُ وَ يُغْني غِناهُ؟ لا كَيْفَ وَ أَنّى وَ هُوَ بِحَيْثُ النَّجْمُ مِنْ يَدِ الْمُتَناوِلينَ وَ وَصْفِ الْواصِفينَ، فَأَيْنَ الْإِخْتِيارُ مِنْ هٰذا؟ وَ أَيْنَ الْعُقُولُ عَنْ هٰذا؟ وَ أَيْنَ يُوجَدُ مِثْلُ هٰذا؟ أَ تَظُنُّونَ أَنَّ ذٰلِكَ يُوجَدُ في غَيْرِآلِ الرَّسُولِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهَ وَ سَلَّمَ؟ كَذَبَتْهُمْ وَ اللهِ أَنْفُسُهُمْ وَ مَنَّتْهُمُ الْأَباطيلَ فَارْتَقَوْا مُرْتَقًى صَعْباً دَحْضاً تَزِلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضيضِ أَقْدامُهُمْ رامُوا إِقامَةَ الْإِمامِ بِعُقُولٍ حائِرَةٍ بائِرَةٍ ناقِصَةٍ وَ آراءٍ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزْدادُوا مِنْهُ إِلّا بُعْداً... فَكَيْفَ لَهُمْ بِاخْتِيارِ الْإِمامِ وَ الْإِمامُ عالِمٌ لا يَجْهَلُ وَ راعٍ لا يَنْكُلُ مَعْدِنُ الْقُدْسِ وَ الطَّهارَةِ وَ النُّسُكِ وَ الزَّهادَةِ وَ الْعِلْمِ وَ الْعِبادَةِ مَخْصُوصٌ بِدَعْوَةِ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهَ وَ نَسْلِ الْمُطَهَّرَةِ الْبَتُولِ،...». و تحف العقول: ص٤٣٦ و الغيبة، النعماني: ص٢١٦ ب١٣ ح٦ و عيون أخبار الرضا عليه السّلام: ج١ ص٢١٦ ب٢٠ ح١ و كمال الدين و تمام النعمة: ج٢ ص٦٧٥ ب٥٨ ح٣٢ و معاني الأخبار: ص٩٦ ح٢ و الأمالي، ابن بابويه: ص٦٧٥ مجلس٩٧ ح١ و الإحتجاج: ج٢ ص٤٣٣ و الصّراط المستقيم: ج١ ص٨٣. بحار الأنوار: ج٢٥ ص١٢٠ ب٤ ح٤ از: كمال الدين و معاني الأخبار و الأمالي و العيون و الإحتجاج و التحف و الغيبة و الكافي.

٢٢٩ - تفسير فرات الكوفي: ص٥٨١ ح٧٤٧ به سند خود از امام جعفر صادق عليه‌السّلام كه فرمود: «إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ» اللَّيْلَةُ فاطِمَةُ، وَ الْقَدْرُاللهُ، فَمَنْ عَرَفَ فاطِمَةَ حَقَّ مَعْرِفَتِها فَقَدْ أَدْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، وَ إِنَّما سُمِّيَتْ فاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِها -أو- مِنْ مَعْرِفَتِها، وَ قَوْلُهُ:

«وَ ما أَدْراكَ ما لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» يَعْني خَيْرٌ مِنْ أَلْفَ مُؤْمِنٍ وَ هِيَ أُمُّ الْمُؤْمِنينَ، «تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها» وَ الْمَلائِكَةُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذينَ يَمْلِكُونَ عِلْمَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمْ. وَ الرُّوحُ الْقُدُسُ هِيَ فاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلامُ...».

۲۳۰ - تفسیراطیب‌البیان: ج۱۳ ص۲۲٦.

۲۳۱ - بصائرالدّرجات: ص۲۲ ب۱۱ ح۱۰ - حدّثنا أحمد بن إبراهيم، عن إسماعيل بن مهزيار، عن عثمان بن جبلة، عن أبي الصّامت، قال أبو عبد الله عليه‌السّلام: «إِنَّ حَديثَنا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ، شَريفٌ، كَريمٌ، ذَكْوانُ، ذَكِيٌّ، وَعْرٌ، لا يَحْتَمِلُهُ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَ لا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَ لا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ». قلت: فمن يحتمله جعلت فداك؟ قال: «مَنْ شِئْنا يا أَبَا الصّامِتِ». قال أبو الصّامت: فظننت أنّ لله عباداً هم أفضل من هؤلاء الثّلاثة.

۲۳۲ - الأمالي، ابن بابويه: ص۱۸ مجلس۵ ح۱٤، ۱۵- ٤ - به سند متّصل خود، از امام محمّد باقر عليه‌السّلام فرمود: از جابر بن عبد الله انصارى شنيدم مى‌گفت: رسول الله صلّى‌الله‌عليه‌وآله‌وسلّم فرمود: «إِذا كانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ تُقْبِلُ ابْنَتي فاطِمَةُ عَلىٰ ناقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ، ... فَتَقُولُ: إِلٰهي وَ سَيِّدي! ذُرِّيَّتي، وَ شيعَتي، وَ شيعَةَ ذُرِّيَّتي، وَ مُحِبّي، وَ مُحِبّي ذُرِّيَّتي! فَإِذَا النِّداءُ مِنْ قِبَلِ اللهِ جَلَّ جَلالُهُ: أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فاطِمَةَ وَ شيعَتُها وَ مُحِبُّوها وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِها؟ فَيُقْبِلُونَ وَ قَدْ أَحاطَ بِهِمْ مَلائِكَةُ الرَّحْمَةِ، فَتَقْدُمُهُمْ فاطِمَةُ عَلَيْهَاالسَّلامُ حَتّىٰ تُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ». از او: بشارة المصطفى: ص۱۸ ح۱۵، ۱٤ و روضة الواعظين: ج۱ ص۱٤۸. و در الفضائل: ص۱۱ و مناقب‌آل‌أبي‌طالب عليهم‌السّلام: ج۳ ص۳۲۷ مانند آن با اختلافى اندک.

۲۳۳ - صفات‌الشّيعة: ص۳ ح۲ - به سند صحيح از حسين بن خالد، از امام علىّ بن موسى الرّضا عليه‌السّلام که فرمود: «شيعَتُنَا الْمُسَلِّمُونَ لِأَمْرِنا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنا، الْمُخالِفُونَ لِأَعْدائِنا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنّا». الكافي: ج۱ ص۳٦۸ ح۲ - به سند متّصل خود، از عبد الرّحمان بن كثير گويد: نزد حضرت امام جعفر صادق عليه‌السّلام بودم که مهزم برآن‌حضرت داخل گشت و عرضه داشت: قربانت گردم؛ مرا خبرده از (فرج آل‌محمّد صلّى‌الله‌عليهم) امرى

که انتظار آن‌را می‌کشیم کی خواهد بود؟ فرمود: «يا مِهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ». و الغيبة، النعماني: ص٢٩٤ ب١٦ ح١١- از کلینی به سندش مانند الكافي. الغيبة، الشّيخ الطّوسيّ: ص٤٢٦- به سند خود از عبد الرّحمان بن کثیرگوید: نزد امام جعفرصادق علیه‌السّلام بودم که مهزم برحضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبرده از این امرکه انتظار آن می‌برید چه زمانی خواهد بود زیرا برما طولانی شده است؟ فرمود: «يا مِهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ، وَ إِلَيْنا يَصيرونَ». و الإمامة و التبصرة من الحيرة: ص٩٥ ب٢٣ ح٨٧ - به سند صحیح خود از محمّد بن مسلم، از امام جعفرصادق علیه‌السّلام، گوید: نزد حضرت بودم که مهزم برحضرت داخل گشت پس عرض کرد: فدایت گردم، مرا خبرده از این امرکه انتظار آن می‌بریم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: «يا مِهْزَمُ! كَذَبَ الْوَقّاتُونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ، وَ إِلَيْنا يَصيرونَ». و الغيبة، النّعمانيّ: ص١٩٨ ب١١ ح٨ - به سند متّصل خود از عبد الرّحمان بن کثیرگوید: خدمت امام جعفرصادق علیه‌السّلام بودم و مهزم اسدی نزد حضرت بود و عرضه داشت: خداوند مرا فدایت گرداند این امری که انتظار آن می‌کشید کی می شود که برما به درازا کشید؟ پس حضرت فرمود: «يا مِهْزَمُ! كَذَبَ الْمُتُمَنّونَ، وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ، وَ نَجَا الْمُسَلِّمُونَ، وَ إِلَيْنا يَصيرونَ». مختصرالبصائر: ص٥١٨ - و في الحديث: «نَجَا الْمُسَلِّمُونَ وَ هَلَكَ الْمُتَكَلِّمُونَ».

برخی از نوشته‌های مؤلّف محترم

عربی

زیارت ذبیح آل محمّد صلوات‌الله وسلامه علیهم العاشورائیّة

موسوعة احادیث آل طه و یاسین صلوات‌الله وسلامه علیهم الفقهیّة

موسوعة تفسیر آل طه ویاسین صلوات‌الله وسلامه علیهم

فارسی

آداب حج و عمره

از برکه غدیر تا بی کران کربلا (در ردّ غلوّ)

امامت اصلِ اصولِ دین محمّدی صلّی‌الله علیه وآله

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه‌السّلام

پرسش ها و پاسخ ها (جبر، عصمت پیامبران، علم و عصمت اهل‌بیت علیهم السّلام)

پرتوی حق (پاسخ شیعه به برخی از شبهه‌های وهّابیان)

پژوهشی نوپیرامون حدیث شریف کساء یمانی (در دفاع از حدیث شریف کسا)

ترجمه زیارات ذبیح آل محمّد صلوات‌الله علیهم العاشورائیّة (... و در دفاع از زیارت عاشوراء)

تولّی و تبرّی اساس توحید

حجاب از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل‌بیت اطهار علیهم‌السّلام

حضرت حرّ علیه‌السّلام آزاد مرد شهید

حلّاج مرتدی به دار آویخته (در ردّ صوفیّه و ...)

حور و آتش (در دفاع از حضرت فاطمه علیهاالسّلام)

در محضر فقیه معارفی ۳ جلد (پرسش‌ها و پاسخ‌های: معارفی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درائی و ...)

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

فضل طینت نور (سخنی با عزاداران شیعه و شیعیان عزادار)

محبوبِ محبوب (ربا، حجاب، موسیقی، شطرنج و ریش‌تراشی از دیدگاه قرآن و عترت الرّسول)

یکصد و ده حدیث معارفی

نویسنده کتاب، در پی محقّق ساختن اهداف والایی نظیر ایجاد شبکه جهانی «المحسّنیّه» بوده تا بتواند معارف غریب و خاک غربت خورده اهل بیت اطهار علیهم السّلام را در سطح جهانی تبلیغ نماید و این مهم طالب پشتیبانی مادی و معنوی دوست‌داران اهل بیت علیهم السّلام می‌باشد. بزرگوارانی که رهرو این مسیر هستند می‌توانند از طرق زیر، آمادگی خود را برای حمایت از این برنامه عظیم اعلام نمایند.

مسیرهای ارتباطی با نویسنده

پست الکترونیکی:

Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

کانال تلگرامی : در محضر فقیه معارفی

آیدی تلگرام:

@torbatikarbalaeiadmin

صفحه اینستاگرام:

almohassaniyah

وبگاه:

Torbatikarbalaee.loxblog.com

شماره تماس با همراه

۰۹۱۳۷۰۰٤٦۱۲